

ایستاد هفت

سال سی و پنجم، شماره ششم
بهار و اسفند ۱۴۰۳
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۰

آخر یکی از مسلمانان چراغی فرا راه من دارید! | چاپ نوشت (۱۷) |
برگی از ادبیات ضد صوفی در مسلمانان هند | نسخه خوانی (۳۹) |
آینه‌های شکسته (۷) | مرگ چنین خواجه... | تازیدن؟ تاسیدن؟
ناهیدن؟ | خراسانیات (۳) | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۳) |
متنی دیگر از سنیان دوازده‌امامی | نوشتگان (۱۱) | نظریه
آواشناختی خلیل بن احمد و زبان‌شناسی هندی | طومار (۹) |
اشارات و تنبیهات (۷) | حدیث «علي مع الحق» از عبات الأنوار |
رباعیات صرفی کشمیری در دیوان خاقانی | سحر با باد می‌گفتم
حدیث آرزومندی | **نکته، حاشیه، یادداشت**

جامع‌العلوم القرآن، تفسیر آبی الحسن الرمانی
اپوست آینه پژوهش | روند تحول نگاه اهل سنت به نهج البلاغه در قرن هفتم هجری

جويا جهان بخش | مجید جلیسه
رسول جعفریان | حیدر عبوضی
محمد سوری | مسعود راستی پور
امید حسینی نژاد | آریا طیب زاده
میلاد بیگلرلو | احمد رضا قائم
مقالی | علی زاد | حمید عطاری
نظری | علی بوذری | سید علی
میرافضلی | مرتضی علی زاده نجار |
خلیل حسینی عطاری | علی ایمانی
ایمنی | مرتضی کریمی نیا | سید
محمدحسین حکیم

الجامع لعلوم القرآن، تفسير أبي الحسن الرماني

الجزء الثلاثون: من سورة النبأ إلى سورة الناس

مقدمه، تحقيق و تعليقات:

فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران | مرتضی کریمی نیا

| ۳۸۱ - ۵۲۹ |

۳۸۱

آینه پژوهش | ۲۱۰

سال ۳۵ | شماره ۶

بهمن و اسفند ۱۴۰۳

متنی که در پی می‌آید، تصحیح بخش پایانی (جزء سی ام قرآن کریم) از تفسیر ابوالحسن رُمّانی (متوفای ۳۸۴ق) موسوم به الجامع لعلوم القرآن است.^۱ این تفسیر مهم ادبی و کلامی در دو سده پس از تألیفش، تأثیر بسیار زیادی بر آثار تفسیری و ادبی پس از خود گذاشته است و بسیاری از مفسران و ادیبان و متکلمان بعدی، غالباً بدون ذکر نام وی، آراء وی را در کتب وی نقل کرده‌اند. نسخه‌های خطی این اثر مهم در طول تاریخ مهجور مانده، و گمان غالب بر این بوده که این اثر نیز همانند سایر تفاسیر معتزله، چون تفسیر ابوعلی جبائی، ابوالقاسم بلخی، و ابومسلم اصفهانی به کلی از دست رفته است.^۲ در سال‌های اخیر، دسترسی به تصاویر برخی از نسخه‌های پراکنده از این تفسیر (در ریاض، تاشکند، لندن، پاریس و بیت المقدس) برای من فراهم شد،^۳ و من در تصحیح متن آن کوشیده‌ام. اکنون در این مجال، تفسیر رُمّانی بر جزء سی ام قرآن را با تصحیح و افزودن برخی پانویس‌های توضیحی ارائه می‌کنم.

ابوالحسن علی بن عیسی رُمّانی به سال ۲۹۶ هجری متولد شد. محل تولد وی را بغداد دانسته‌اند، اما اصل و نسب او به سامرا می‌رسد. وی تقریباً تمامی عمر خود را در بغداد گذراند، لغت را از ابن درید، و نحو را از زجاج و ابن سراج آموخت، و در کلام شاگرد ابن‌اخشید معتزلی بود. از مشهورترین شاگردان وی می‌توان به ابوحیان توحیدی (م ۴۱۴ق)، شریف رضی (م ۴۰۶ق)، ابوالقاسم دقیقی (م ۴۱۵ق)، ابوالقاسم علی بن محسن التنوخی (م ۴۴۷ق)، ابوالحسن خلیل بن محسن الکاتب (م ۴۴۸ق) و ابومحمد حسن بن علی الجوهری (م ۴۵۴ق)، اشاره کرد. تراجم نویسان به فهرستی بالغ بر یکصد از او اشاره کرده‌اند که موضوع اغلب آنها ادب عربی، علم کلام و تفسیر قرآن است. رُمّانی در ۱۱ جمادی الاولی سال ۳۸۴ در بغداد درگذشت و در کنار ابوعلی فارسی (۲۸۸-۳۷۷ق) در بغداد به خاک سپرده شد.

۳۸۳

آینه پژوهش | ۲۱۰
سال ۳۵ | شماره ۶
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

۱. در برخی منابع قدیم و جدید، این اثر را «الجامع لعلم القرآن» نیز خوانده‌اند.

۲. تاکنون تنها یک نسخه از این تفسیر (قدس، کتابخانه المسجد الاقصی، ش ۲۹) در هنگام بازسازی متن تفسیر رمانی مورد توجه و تصحیح قرار گرفته که این بخش حاوی تفسیر آیاتی از سوره‌های ابراهیم، حجر، نحل، اسراء و کهف است. تفسیر اَبی الحسن الرمانی، وهو التفسیر المسمی الجامع لعلم القرآن، تصحیح خضر محمد نبها، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۹، ص ۱۳۲-۴۳۵.

۳. مشخصات این پنج نسخه از تفسیر رُمّانی عبارتند از: شماره Or.9408 در کتابخانه بریتانیا (لندن)؛ شماره Arabe 6523 در کتابخانه ملی فرانسه (پاریس)؛ شماره ۲۹ در کتابخانه المسجد الاقصی (بیت المقدس)؛ قبلاً شماره ۷۳۹ در المكتبة الخالدیة؛ شماره ۱۴۷۵۰ در مرکز الملك فیصل للبحوث والدراسات الإسلامیة (ریاض)؛ و شماره ۳۱۳۷ در مؤسسه شرق شناسی ابوریحان بیرونی (تاشکند).

ابوالحسن رُمّانی، تفسیر خود موسوم به الجامع لعلوم القرآن را در سده چهارم هجری در بغداد تالیف کرد. این اثر از همان آغاز در میان دانشمندان مختلف اشتهار یافته بود و تا چند دهه بعد از وفات رُمّانی، نسخه‌های آن در سراسر کشورهای اسلامی چون ایران مرکزی، خراسان، عراق، شامات، مصر و اندلس شناخته شده بود. نقل است که در زمان حیات رُمّانی، وقتی از صاحب بن عبّاد (۳۲۶-۳۸۵ق) در ری خواستند تفسیری بر قرآن بنویسد، گفت که مگر علی بن عیسی رُمّانی در تفسیر قرآن جای طرح سخنی برای ما باقی گذارده است؟^۱ این سخن به روشنی نشان از اشتهار و در دسترس بودن تفسیر رُمّانی در ایران در زمان حیات خود رُمّانی دارد. تلخیص این تفسیر از سوی ابن فورک (م ۴۰۶ق) در اواخر سده چهارم هجری در نیشابور نشان دهنده وجود آن در خراسان است، و توجه وزیر مغربی (م ۴۱۸ق) و ابوالحسن حوفی (م ۴۳۰ق) به نقل اقوال رمانی نشان از حضور مؤثر آن در همین زمان در مصر دارد.

اغلب مفسران قرآن پس از رُمّانی، به دلیل اشتهار وی به مذهب معتزلی، نام وی را در اثر خود ذکر نکرده‌اند. تنها استثناها در سده پنجم، شیخ طوسی و وزیر مغربی در التبیان، و المصباح اند که از او یاد می‌کنند. حتی حاکم جشمی (م ۴۹۶ق)، مفسر معتزلی معروف در تفسیر خود با عنوان التهذیب فی التفسیر، با آنکه مکرراً نام دیگر مفسران معتزلی چون ابومسلم اصفهانی و ابوعلی جبائی را ذکر می‌کند، بخش قابل توجهی از تفسیر رُمّانی را بدون ذکر نام وی در تفسیر خویش گنجانده است.

اثر تفسیر رُمّانی بر سایر مفسران بعدی

از آنجا که در قرون بعدی نسخه‌های تفسیر رُمّانی فراوان نبوده، و اندک نسخه‌های برجای مانده از تفسیر رُمّانی نیز به درستی بررسی نشده‌اند، تاکنون در خصوص تأثیر این تفسیر بر سایر مفسران بعدی تحقیقی انجام نگرفته است.^۲ در اینجا می‌کوشم به مهم‌ترین کسانی که تا قریب دو سده پس از وفات رُمّانی، به گونه‌های مختلف از این اثر بهره برده‌اند، اشاره کنم تا توجه پژوهشگران را به اثر ناپیدای رُمّانی را در تاریخ تفسیر قرآن جلب کنم.

۱. ابن المرتضی، طبقات المعتزلة، ص ۱۱۰: «وقیل للصاحب: هلا صنعت تفسیرا؟ فقال: وهل ترک لنا علی بن عیسی شیئا؟»

۲. خضر محمد نبها در مقدمه خود بر کتاب تفسیر اَبی الحسن الرمانی، به عبدالملک بن علی هروی، شیخ طوسی، و فخرالدین رازی اشاره می‌کند.

در یکی دو سده پس از تألیف کتاب الجامع لعلوم القرآن یا همان تفسیر رُمّانی، مفسران قرآن به چهار گونه مختلف از این اثر بهره گرفته‌اند: (۱) برخی از مفسران صرفاً به تلخیص و مختصر سازی تفسیر رُمّانی پرداخته‌اند. (۲) برخی دیگر به تألیف کتاب خود بر مبنای تفسیر رُمّانی اقدام کرده‌اند. ایشان، بدنه اصلی تفسیر خود را همان متن تفسیر رُمّانی قرار داده، مواردی را از آن کاسته، و گاه مطالبی را بر آن افزوده‌اند. (۳) دسته‌ای دیگر از مفسران با ذکر نام برخی از اقوال و عبارات وی را از تفسیر وی نقل کرده‌اند؛ (۴) و گروه چهارم بدون ذکر نام رُمّانی، بخش‌هایی از متن تفسیر وی را در کتاب خود گنجانده‌اند. فهرستی از مهم‌ترین منابع تفسیری که به گونه‌های مختلف از تفسیر رُمّانی بهره برده‌اند، در جدول زیر آمده است:

فهرست مهم‌ترین مفسران (تا پایان سده ۶ هجری) که در کار خود به نحوی از تفسیر رُمّانی بهره برده‌اند

نام مفسر	سال وفات	نام تفسیر	محل	میزان
ابوالحسن رُمّانی (معتزلی)	۳۸۴ ق	الجامع لعلوم القرآن	بغداد	
ابن فورک (اشعری)	۴۰۶ ق	تفسیر القرآن	ری؛ نیشابور	۹۹%
وزیر مغربی (شیعه)	۴۱۸ ق	المصابیح فی تفسیر القرآن	مصر؛ عراق	۱۰%
ابوالحسن حوفی (اشعری)	۴۳۰ ق	البرهان لعلوم القرآن	مصر	۴۰%
ابوالحسن ماوردی (نزدیک به معتزله)	۴۵۰ ق	النکت والعیون	بغداد	قابل توجه
ابن سیده	۴۵۸ ق	المخصص	اندلس	
شیخ طوسی (شیعه)	۴۶۰ ق	التبیان الجامع لعلوم القرآن	بغداد؛ نجف	بیش از ۸۰%
واحدی نیشابوری (اشعری)	۴۶۸ ق	التفسیر البسیط	نیشابور	۱۵%
عبدالملک بن علی هروی	۴۸۹ ق	المنتخب من تفسیر الرُمّانی	خراسان	۱۰۰%
حاکم جُشمی (معتزلی)	۴۹۴ ق	التهدیب فی التفسیر	بیهق؛ یمن	۳۰%
تاج القراء کرمانی (معتزلی)	ح ۵۰۵ ق	لباب التفاسیر	کرمان/ ایران	۳۰%
الشیخ الطبرسی (شیعه)	۵۴۸ ق	مجمع البیان لعلوم القرآن	بیهق/ خراسان	قابل توجه
ابوالریاء الراوندی (شیعه)	ح ۵۷۳ ق	الکافی فی التفسیر	کاشان	اندک
فخرالدین رازی (اشعری)	۶۰۶ ق	مفاتیح الغیب/ التفسیر الکبیر	ری	قابل توجه

ابن فورک؛ ابوبکر محمد بن حسن بن فورک اصفهانی نیشابوری (م ۴۰۶ق). وی فقیه، محدث، متکلم اشعری، ومفسر قرآن است که در بصره و بعداد تحصیل کرده و سپس در ری و نیشابور به تدریس پرداخته است. از تفسیر وی بر قرآن کریم تنها اکنون نسخه‌ای حاوی تفسیر سوره مؤمنون تا آخر قرآن برجای مانده است. متن این تفسیر چیزی نیست جز تلخیص تفسیر رُمّانی با حذف پاره‌ای از دیدگاه‌های کلامی و نیز حذف خلاصه‌گیری پایانی تفسیر آیات.^۱ ابن فورک در هیچ جای تفسیر خود به اصل اثر خویش، یعنی تفسیر رُمّانی اشاره نمی‌کند. از همین رو، هیچ‌یک از تراجم نویسندگان و صاحبان فهارس و طبقات، حتی در دوران معاصر متوجه اقتباس کامل وی از رُمّانی نشده‌اند.^۲ من در تصحیح تفسیر رُمّانی، غالباً از تفسیر ابن فورک به عنوان نسخه کمکی بهره برده‌ام. قابل توجه آنکه در تصحیح تفسیر ابن فورک که از سوی مکتب احیاء التراث الإسلامی در الازهر مصر صورت پذیرفته است، مصححان در مقدمه خود (جلد ۱، ص ۹۵-۱۰۴) با طعن بر شیخ طوسی، کار وی را در التبیان نقل آرای ابن فورک تلقی کرده، و بر شیخ طوسی اعتراض کرده‌اند که چرا منبع نقل خود را ذکر نکرده است. در واقع این ابن فورک است که در هیچ جای تفسیر خود به ملخص سازی خود از تفسیر رمانی اشاره نکرده است. شیخ طوسی مطالب خود را نه از ابن فورک، بلکه مستقیماً از تفسیر رمانی گرفته و در آغاز تفسیر خود نیز به این امر اشاره کرده است.

۱. ابن فورک به ندرت مطلبی دال بر دیدگاه اشعری خود در تفسیر اضافه می‌کند. مثلاً در تفسیر آیه «عَلَى الْأَرْزَاقِ يُنْظَرُونَ» (مطففین: ۳۵) می‌نویسد: «الأرزاق: السرر فی الحال عن ابن عباس؛ يُنْظَرُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى كَمَا قَالَ: وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ». روشن است این بخش آخر که دال بر دیدگاه تجسیم است، در متن تفسیر رمانی نیست. رمانی به عکس این دیدگاه نوشته است: يُنْظَرُونَ مَا أَعْظَاهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْمُلْكِ وَالْكَرَامَةِ.

۲. تنها نسخه شناخته شده از این تفسیر مشتمل بر سوره‌های مؤمنون تا ناس اکنون به شماره ۵۰ در کتابخانه فیض الله افندی (استانبول) نگه‌داری می‌شود. این اثر در قالب چند پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه أم القرى (مکه) تصحیح شده و بخش اعظم آن بر روی سایت الشاملة (shamela.ws) در دسترس است. چاپ مصحح آن در سال ۲۰۲۲ میلادی با تحقیق دکتر محمد بنصر العلوی و دکتر محمد بوحمدی و زیر نظر دکتر الشاهد البوشیخی از سوی انتشارات داراللباب در ترکیه در یک مجلد ۱۰۵۶ صفحه‌ای منتشر شده است. مشخصات چاپ دیگر آن که در مصر انجام یافته، چنین است: تفسیر القرآن المنسوب لأبي بكر محمد بن حسن بن فورک، (ت: ۴۰۶هـ)، من المؤمنون إلى الناس، قراءة وتعليق ومراجعة الأساتذة بمكتب إحياء التراث: محمد يوسف الساکت، ومحمد محمود عزام، وأحمد فتحي بشير، وعمرو بكري، چاپ مکتب احیاء التراث الإسلامی بالأزهر الشريف، القاهرة، ۲۰۲۲.

وزیر مغربی؛ ابوالقاسم علی بن الحسین معروف به وزیر مغربی (م ۴۱۸ق). وی دست کم ۱۸ بار در نیمه نخست قرآن، سخن رُمانی را از تفسیر وی نقل می‌کند. با این حال، مواردی را نیز می‌توان یافت که وزیر مغربی بدون اشاره به نام رُمانی، جملاتی از وی را در تفسیر المصابیح خود آورده است. یک نمونه آن نقل عبارات رُمانی در باب جزئیت بسمله در آغاز سوره فاتحه است که وزیر مغربی به منبع خود و گوینده سخن اشاره نمی‌کند. از آنجا که وزیر مغربی بخش اصلی تفسیر خود - موسوم به المصابیح فی تفسیر القرآن - را پیش از ورود به عراق، در مصر تألیف کرده^۱ می‌توان دریافت که نسخه‌های تفسیر رُمانی در اواخر سده چهارم هجری در مصر در دسترس عالمان بوده است.

حوفی؛ ابو الحسن علی بن ابراهیم بن سعید الحوفی (م ۴۳۰ق). این نحوی و مفسر مصری در کتاب خود، البرهان لعلوم القرآن متکی به متن تفسیر رُمانی بوده است. وی علاوه بر نقل مطالب مختلف لغوی و نحوی از تفسیر رُمانی، بخش پایانی تفسیر وی بر دسته‌ای از آیات قرآن، تحت عنوان «وقد تضمنت الآيات البيان...» را عیناً در تفسیر خود ذکر می‌کند. تنها یک بخش از تفسیر حوفی، حاوی تفسیر سوره یوسف اکنون در قالب رساله دکتری در دانشگاه بین المللی مدینه (مالزی) تصحیح شده، و متن آن در سایت الشاملة (shamela.ws) در دسترس است. نسخه‌های خطی مختلفی از البرهان لعلوم القرآن، از جمله در دارالکتب المصریة (قاهره)، به شماره «۵۹ تفسیر» برجای مانده است که من در تصحیح بخش‌هایی از تفسیر رُمانی از آنها به عنوان نسخه کمکی بهره برده‌ام.

ماوردی؛ ابوالحسن علی بن محمد بن حبيب ماوردی (م ۴۵۰ق). این مفسر بغدادی در تفسیر خود، موسوم به النکت والعیون، مکرراً اقوال رُمانی را با ذکر نام وی نقل می‌کند، اما اغلب در اشاره به رُمانی، تعبیر «ابن عیسی» و گاه تعبیر «علی بن عیسی» به کار می‌برد. شیوه بیان و نیز کثرت منقولات وی از رُمانی به روشنی نشان می‌دهد وی به متن تفسیر رُمانی دسترسی داشته است.

ابن سیده؛ ابوالحسن علی بن اسماعیل (م ۴۵۸ق). این ادیب نابینای اندلسی، بخش‌های مفصلی از تفسیر رُمانی را بدون ذکر نام وی، در کتاب المخصص خود عیناً نقل کرده

۱. وی پیش از ورود به عراق در اوایل سده پنجم هجری در نامه‌ای به خلیفه عباسی، القادر بالله، می‌نویسد «ولی - وأحمد الله - إملاءات عدة فی تفسیر القرآن وتأویله». نک. ابن عدیم، بغیة الطلب، ۲۵۳۶/۶-۲۵۳۷.

است. فی المثل در جلد پنجم المخصّص، در هنگام بحث از اسماء الله، وی مطالب زیادی را عیناً از بخش آغازین تفسیر رُمّانی در باب اشتقاق کلمات اسم، الله و اله نقل می‌کند. در چند جای دیگر که ناگزیر از ذکر نام شده، از وی با نام ابن الرُمّانی، و ابوالحسن علی بن اسماعیل الرُمّانی یاد می‌کند. همچنین در انتهای کتاب،^۱ وی تفسیر رُمّانی بر آیات انتهایی سوره حشر را تماماً نقل می‌کند، اما از او نام نمی‌برد. با توجه به اینکه ابن سیده در دوران حیات خود از اندلس خارج نشده، می‌توان دریافت که نسخه‌های تفسیر رُمّانی در میانه سده پنجم هجری در اختیار دانشمندان مسلمان در اندلس بوده است. من در تصحیح تفسیر رُمّانی، از بخش‌هایی از کتاب المخصّص ابن سیده به عنوان نسخه کمکی بهره برده‌ام.

شیخ طوسی؛ ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی (م ۴۶۰ق). شیخ طوسی هم در آغاز تفسیر خود، التبیان الجامع لعلوم القرآن یا همان التبیان فی تفسیر القرآن، به اهمیت تفسیر رُمّانی و اعتبار آن نزد خود اشاره می‌کند، و هم در متن تفسیر خود مکرراً نام رُمّانی و اقوال وی را ذکر می‌کند. بررسی و مقابله بخش‌های باقی مانده از آغاز، میانه و انتهای تفسیر رُمّانی با التبیان شیخ طوسی نشان می‌دهد که مؤلف التبیان، در تفسیر سوره بقره، کمابیش مطالب فراوانی را بدون ذکر نام رُمّانی از تفسیر وی نقل می‌کند، اما در سایر سوره‌های قرآن بدنه اصلی تفسیر التبیان کاملاً متکی به متن تفسیر رُمّانی است. از این رو، من در تصحیح تفسیر رُمّانی، غالباً از تفسیر التبیان شیخ طوسی به عنوان نسخه کمکی بهره برده‌ام. به دلیل شباهت بسیار زیاد این دو متن، در پانویس‌های تفسیر رُمّانی، به جای ذکر موارد مشابه، تنها به موارد اختلاف متنی اشاره کرده‌ام.

شیخ طوسی در آغاز هر سوره اطلاعاتی کوتاه راجع به مکی یا مدنی بودن سوره و نیز تعداد آیات آن ذکر می‌کند که این بخش در تفسیر رُمّانی نیامده است. سپس نکاتی در خصوص اختلاف قرائات، و گاه تبیین ادبی و نحوی این اختلافات ذکر می‌کند که این بخش عمدتاً - و گاه کلاً - برگرفته از متن تفسیر رُمّانی است، با این تفاوت که رُمّانی مبحث اختلاف قرائات را در انتهای هر بخش می‌آورد. در ادامه، بدنه اصلی تفسیر قرار

۱. ابن سیده، المخصّص، ج ۵، ص ۲۲۷ به بعد. گفتنی است که ابن سیده گاه در لابلای مطالب رمانی، سخنانی از ابواسحاق زجاج را با تصریح به نام زجاج نقل می‌کند.

دارد که در رُمّانی، مباحث لغوی، ادبی، اقوال صحابه و تابعین را در کنار هم ذکر می‌کند، و گاه چند نکته یا دیدگاه تفسیری مربوط به یک کلمه یا یک آیه را به صورت پراکنده و مکرر می‌آورد. در این بخش، شیخ طوسی تقریباً تمام این مطالب را در تفسیر التبیان با نظم بیشتر نقل می‌کند و برخی جملات پیچیده رُمّانی را به گونه‌ای روان‌تر درمی‌آورد. شیخ طوسی علاوه بر نقل عموم استدلال‌های کلامی رُمّانی (به جز در مواردی مانند موضوع امامت، احباط و تکفیر، یا شفاعت اهل کبائر که با وی مخالفت کامل دارد)، برخی از اقوال مفسران شیعه چون وزیر مغربی، یا متکلمان معتزلی چون ابوعلی جبائی و ابومسلم اصفهانی را نیز می‌افزاید که فرد اخیر ظاهراً در تفسیر رُمّانی چندان مورد توجه نبوده است. در پایان هر بخش، رُمّانی چکیده‌ای از محتوای آیات را تحت عنوان «تضمّن آیات» می‌آورد که این بخش تقریباً همیشه در تفسیر التبیان حذف شده است.^۱

جدول مقایسه بدنه تفسیر التبیان (شیخ طوسی) و الجامع لعلوم القرآن (رُمّانی)

بخش‌ها و محتوای تفسیر	الجامع (رُمّانی)	التبیان (شیخ طوسی)
اطلاعات در باب سوره و تعداد آیات	اشاره نمی‌کند	اشاره کوتاه در آغاز سوره
ذکر اختلاف قرائات	در انتهای هر بخش می‌آید	در ابتدای هر بخش می‌آید (عمدتاً برگرفته از رُمّانی)
بدنه تفسیر (لغت، نحو، استشهاد به اشعار و اقوال)	ترکیبی از آرای ادیبان و آرای رُمّانی	عیناً برگرفته از نقل رُمّانی است
بدنه تفسیر (اقوال صحابه و تابعین)	خلاصه‌ای از روایات طبری	عیناً برگرفته از نقل رُمّانی است
بدنه تفسیر (دعای و استدلال‌های کلامی)	عمدتاً به قلم و بیان خود رُمّانی است	عموماً در التبیان نقل می‌شود
نقل اقوال متکلمان	اندکی از جبایی و ابن‌اخشید و بلخی	اضافاتی از جبایی و بلخی و ابومسلم
خلاصه بندی در پایان هر بخش	وقد تضمنت الآيات البيان ...	این قسمت غالباً در التبیان حذف می‌شود

۱. به ندرت، شیخ طوسی این بخش پایانی را نیز در انتهای تفسیر خود عیناً می‌آورد. مثلاً جملات شیخ طوسی در پایان تفسیر پنج آیه نخست سوره مُلک (التبیان، ج ۱۰/ص ۶۰)، عیناً همان خلاصه بندی رمانی در پایان همین آیات است.

واحدی نیشابوری؛ ابوالحسن علی بن احمد واحدی (م ۴۶۸ق). این مفسر مهم نیشابوری در تفسیر مفصل خود موسوم به التفسیر البسیط، از مفسران مختلف نام برده، اقوال ایشان را با ذکر نام ذکر می‌کند. وی با آنکه حتی نام برخی مفسران کمتر خوشنام، چون مقاتل و کلبی را مکرراً می‌آورد، هیچ‌گاه به نام و تفسیر رُمانی تصریح نمی‌کند، اما بسیاری از آرای وی را با نقل عین عبارات وی در تفسیر خود می‌گنجاند. در تمام این موارد واحدی نیشابوری، به جای «قال الرُمانی» می‌نویسد: «قال أهل المعانی». توجه واحدی و سایر عالمان نیشابور، خراسان و ماوراء النهر به رُمانی نشان می‌دهد که طی چند دهه پس از درگذشت رُمانی، آرای کلامی و تفسیری او در مراکز مهم علمی ایران شناخته شده بوده است.

عبدالملک بن علی الهروی (م ۴۸۹ق). وی ادیب، و معلم ادب در هرات بوده و به گفته صفدی، اکثر فضیلات هرات نزد وی درس خوانده بودند.^۱ افزون بر آثاری در لغت و علم کلام، گفته‌اند که وی اثری با عنوان «المنتخب من تفسیر الرُمانی» نوشته است. با توجه به حضور همزمان خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱ق) در هرات و مخالفت شدید وی با هر نوع اندیشه کلامی، و نیز تکفیر معتزله، تالیف چنین اثری از سوی عبدالملک بن علی هروی نشان از تأثیر و حضور تفسیر رُمانی در مهم‌ترین مراکز علمی خراسان و ماوراء النهر دارد. متأسفانه از این اثر نسخه‌ای بر جای نمانده است.

حاکم جشمی؛ ابوسعید محسن بن محمد کرامه بیهقی بروقی (م ۴۹۴ق). این مفسر زیدی و معتزلی که در خراسان و یمن حضور داشته، تفسیری مهم با عنوان التهذیب فی التفسیر نگاشته که تمام اجزای آن برجای مانده است. وی مطالب تفسیر خود در چند بخش با عناوینی چون القراءة/ اللغة/ الإعراب والتظلم/ المعنی/ النزول/ الأدلة والأحكام المستفادة/ والأخبار والقصص ارائه می‌کند. با مقایسه دو بخش قرائت و لغت از تفسیر حاکم جشمی با متن تفسیر رُمانی روشن می‌شود که حاکم در این بخش‌ها را با تلخیص مطالب رُمانی (همراه با برخی افزوده‌های اندک از منابع دیگر) تدوین کرده است. گفتنی است که وی در بخش «المعنی» در تفسیر خود بارها از ابوعلی جبائی و ابومسلم اصفهانی یاد می‌کند، اما حتی وقتی بخش زیادی از مطالب تفسیر رُمانی را پی در پی نقل می‌کند، نامی از رُمانی نمی‌برد.

۱. صلاح الدین الصفدی، الوافی بالوفیات، ۱۲۳/۱۹؛ نیز نک. سیوطی، بغیة الوعاة، ۱۱۷/۲.

تاج القراء کرمانی؛ ابوالقاسم برهان الدین محمود بن حمزه کرمانی (م حدود ۵۰۵ق). وی فقیه شافعی، مفسر و دانشمند علم قرائات در قرن پنجم بود که ظاهراً از موطن خود، کرمان بیرون نرفته است. وی در متن تفسیر خود، موسوم به لباب التفاسیر، مکرراً اقوال تفسیری رُمّانی را با عنوان «ابن عیسی» نقل می‌کند که این امر نشان دهنده دسترسی وی به نسخه‌های تفسیر رُمّانی در کرمان سده پنجم هجری است.

الشیخ الطبرسی؛ امین الاسلام ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ق). مفسر معروف شیعی و صاحب کتاب مجمع البیان لعلوم القرآن. از آنجا که طبرسی مبنای تفسیر خود را بر اساس تفسیر التبیان شیخ طوسی قرار داده است، به روشنی می‌توان اقوال و آرای تفسیری رُمّانی را در مجمع البیان ردیابی کرد.

ابوالرضاء الراوندی؛ ضیاء الدین فضل الله بن علی بن عبید الله حسینی راوندی (م حدود ۵۷۱ق). این فقیه، ادیب و مفسر شیعه که بیشتر عمر خود را در کاشان و اصفهان به سر برده است، در تفسیر خود با عنوان الکافی فی التفسیر^۱ برخی از اقوال تفسیری رُمّانی را با اشاره به نام رُمّانی ذکر می‌کند. از آنجا که این عبارات در سایر تفاسیر پیش از وی بدین صورت ذکر نشده، می‌توان حدس زد که احتمالاً به تفسیر رُمّانی دسترسی داشته است.

فخرالدین رازی؛ ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین بن حسن تیمی رازی (م ۶۰۶ق). فخرالدین رازی در تفسیر کبیر خود، موسوم به مفاتیح الغیب به آرای لغوی و کلامی رُمّانی توجه دارد؛ برخی از آنها را با تعبیر «علی بن عیسی»، و برخی دیگر را بدون اشاره به نام رُمّانی نقل می‌کند.

به جز ایشان، می‌توان به شماری دیگر از مفسران قرآن در سده‌های مختلف اسلامی اشاره کرد که به نحو مستقیم یا گاه غیرمستقیم از تفسیر رُمّانی (الجامع لعلوم القرآن) بهره برده‌اند. برخی از ایشان به نام رُمّانی اشاره کرده و برخی دیگر نام وی را پنهان داشته‌اند. از آن میان، می‌توان به افرادی چون (الف) محمود بن ابی‌الحسن بن حسین نیشابوری معروف به بیان الحق نیشابوری، در خراسان و مصر (م ۵۲۱ق)، در دو اثرش به نام‌های باهر البرهان فی معانی مشکلات القرآن و ایجاز البیان عن معانی القرآن؛ (ب) ابوالسعادات هبة الله بن علی

۱. درباره این اثر نک. مرتضی کریمی نیا، «الکافی فی التفسیر، اثر گمشده السیدالامام ضیاء الدین ابوالرضا راوندی (م حدود ۵۷۱ق)، و نسخه قرآن ۴۱۲۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی»، آینه پژوهش، سال ۳۱، ش ۲/ پیاپی ۱۸۲، خرداد و تیر ۱۳۹۹، ص ۱۵۹-۱۹۰.

بن محمد الحسنی، معروف به ابن الشجری، در بغداد (متوفای ۵۴۲ق) در اثر خود با عنوان *أمالی ابن الشجری*؛ (ج) *أبویوسف مُنتَجَب الدین همدانی*، معروف به المنتجب الهمدانی، در دمشق (متوفای ۶۴۳ق)، در اثر خود با عنوان: *الکتاب الفرید فی إعراب القرآن المجید*؛ (د) *أبو إسحاق ابراهیم بن اَبی الحسن الفهری* معروف به بونسی، در اندلس (م ۶۵۱ق) در *کنز الکتاب ومنتخب الآداب*؛ (ه) *أبو العباس شهاب الدین أحمد بن یوسف بن عبدالدائم*، معروف به سمین حلبی، در مصر (متوفای ۷۵۶ق)، مؤلف تفسیری با عنوان *الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون*؛ (و) *أبو عبد الله بدرالدین محمد بن عبد الله بن بهادر معروف به زرکشی*، در مصر (متوفای ۷۹۴ق) در کتاب *خود البرهان فی علوم القرآن*؛ و (ز) *برهان الدین أبو الحسن ابراهیم بن عمر البقاعی*، در دمشق (متوفای ۸۸۵ق) در تفسیر خود، موسوم به *نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور* اشاره کرد.

ساختار کلی تفسیر رُمّانی

رُمّانی در تفسیر خود، الجامع لعلوم القرآن، شیوه‌ای ثابت و مشخص به کار گرفته است. وی ابتدا یک یا چند آیه قرآن کریم را ذکر می‌کند. عنوان این بخش: «القول فی قوله جلّ وعزّ» است. در ادامه پرسش‌های مختلف لغوی، نحوی، کلامی و مانند آن را با الگوی مکرر «یقال: .../الجواب: ...» مطرح می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد و از آرای ادبی کسانی چون سیبویه، فراء، ابو عبیده، و زجاج بهره می‌گیرد.

در ادامه، رُمّانی به آرای تفسیری دیگر، چه از صحابه و تابعین و چه از ادبا و متکلمان با تعبیر «قیل» اشاره می‌کند. در این بخش، رُمّانی تنها رای مفسران خاصی از صحابه و تابعین، چون ابن عباس، حسن بصری، قتاده، مجاهد، ضحاک، ابو صالح و ابن زید^۱ را نقل می‌کند، و گاه از ایشان با تعبیر «بعض أهل العلم» یاد می‌کند.^۲ به جز این، از دیگر مفسران صحابه و تابعین، چون ابن مسعود، ابراهیم نخعی، عکرمه، سُفیان، محمد بن کعب قرظی و کلبی در مواردی بسیار کمتر یاد می‌شود. تنها استثنای متمایز، امام نخست شیعیان است که رُمّانی با اظهار ارادت خاص خود به ایشان، اغلب از تعبیر «أمیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام» و گاه «صلوات الله علیه» استفاده می‌کند.

۳۹۲

آینه پژوهش | ۲۱۰
سال ۳۵ | شماره ۶
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

۱. مراد وی عبدالرحمن بن زید بن أسلم (متوفای ۱۸۲ق) است که بیش از ۸۰۰ بار در تفسیر طبری از او نقل شده است.
۲. مثلاً در تفسیر آیه (ابراهیم: ۵۲) و (الإسراء: ۲۸).

مشخص است که منبع نقل اقوال صحابه و تابعین، جامع البیان فی تأویل آی القرآن یا همان تفسیر طبری است، هرچند رمانی هیچ‌گاه نام طبری یا ابن جریر یا ابوجعفر را در تفسیر خود ذکر نمی‌کند.^۱ می‌توان حدس زد که گزینش، تلخیص و ارائه این‌گونه از آرای صحابه و تابعین، از سوی خود رمانی صورت گرفته باشد؛ یا آنکه وی در این کار به اثر مفقود استاد خود، ابوبکر احمد بن علی معروف به ابن‌اخشید (متوفای ۳۲۶ق) تحت عنوان اختصار کتاب التفسیر للطبری^۲ متکی بوده است. گفتنی است که شیخ طوسی در تفسیر التبیان، عمدتاً همین بخش از آرای تفسیری صحابه و تابعین (مذکور در طبری) را که در تفسیر رمانی منعکس شده است، ذکر می‌کند.

در بخش بعدی، رمانی به گزیده‌ای از موارد مهم اختلاف قرائات در آیه یا آیات مورد بحث اشاره می‌کند. این موارد عموماً در دایره قرائات سبعة قرار می‌گیرند و به ندرت به ذکر قرائات عشره یا ذکر قرائات شواذ می‌انجامد. در این بخش، رمانی، در صورت نیاز به توجیه نحوی قرائات متفاوت می‌پردازد و در عموم موارد می‌کوشد که قرائات سبعة را مقبول و صحیح نشان دهد. گفتنی است که شیخ طوسی این بخش از تفسیر رمانی را به آغاز تفسیر آیه منتقل کرده است.

در قسمت پایانی، رمانی به بیان خلاصه‌ای از معانی متضمن در آیه می‌پردازد. رمانی در کتاب دیگر خود النکت فی إعجاز القرآن، "تضمین" را یکی از وجوه اعجاز قرآن می‌شمارد، و آن را چنین تعریف می‌کند: «تضمین الکلام هو حصول المعنی فیه من غیر ذکر له باسم أو صفة هي عبارة عنه». وی معتقد است که در تمام آیات قرآن چنین تضمینی وجود دارد: «وکل آية فلا تخلو من تضمین لم ی ذکر باسم أو صفة، فمن ذلك: "بسم الله الرحمن الرحيم" قد تضمن التعليم لاستفتاح الأمور على التبرک به والتعظیم لله بذكره، وأنه أدب من آداب الدين وشعار للمسلمين، وأنه إقرار بالعبودية واعتراف بالنعمة التي هي من أجل نعمة، وأنه ملجأ الخائف، ومعتد للمستنجد». و می‌افزاید که من این امر را در پایان تفسیر هر آیه در کتاب الجامع خود ذکر کرده‌ام.^۳

۱. تنها در جاهایی که رمانی قصد انتقاد از دیدگاه‌های لغوی یا کلامی طبری داشته باشد، با عبارت‌هایی چون «قال بعضهم» و «غلط بعضهم» از او یاد می‌کند.

۲. الندیم، فهرست، ص ۲۲۱.

۳. علي بن عيسى الرمانی، النکت فی إعجاز القرآن، مطبوع ضمن: ثلاث رسائل فی إعجاز القرآن، تحقیق محمد خلف الله، و محمد زغلول سلام، القاهرة: دارالمعارف بمصر، ۱۹۷۶م، ص ۱۰۲-۱۰۴.

این بخش پایانی از تفسیر رُمّانی بر هر آیه از قرآن کریم با عبارت «وقد تضمنت الآیة البیان عن ...» آغاز می‌شود. از میان مفسران پس از وی، برخی چون ابوالحسن الحوفی (م ۴۳۰ ق) این بخش را عیناً در تفسیر خود ذکر کرده است. ابن فورک (م ۴۰۶ ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) با وجود نقل مطالب تفسیر رُمّانی، این بخش پایانی را در آثار خود حذف کرده‌اند.

تصحیح حاضر

متنی که در ادامه می‌آید، تصحیح بخش پایانی (جزء سی‌ام قرآن کریم) از تفسیر ابوالحسن رُمّانی، موسوم به الجامع لعلوم القرآن است. در این مجال، تفسیر رُمّانی بر جزء سی‌ام قرآن را با تصحیح و افزودن برخی پانویس‌های توضیحی ارائه می‌کنم.

نسخه مورد اتکای من در تصحیح این بخش، به شماره ۱۴۷۵۰ در مرکز الملك فیصل للبحوث والدراسات الإسلامية (ریاض) نگه‌داری می‌شود. این نسخه دارای ۲۲۷ برگ (در اندازه ۲۵٫۵*۱۸٫۵ سانتی‌متر) است که چند برگ آن در زمانی قدیم بازنویسی شده، و اندک اوراقی از میان آن نیز مفقود شده است. نسخه ریاض حاوی تفسیر آیات سوره تحریم (از آیه ۵) تا پایان سوره ناس است. در واقع این نسخه مشتمل بر تفسیر آخرین سوره از جزء ۲۸ قرآن کریم علاوه بر تفسیر دو جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن است.

در ادامه مقاله حاضر، تفسیر جزء سی‌ام قرآن کریم (از ابتدای سوره نبأ تا پایان سوره ناس) حاوی برگ‌های ۱۰۸ب تا ۲۲۷أ از نسخه ریاض، با تصحیح اولیه و افزودن برخی پانویس‌های توضیحی منتشر می‌شود. به منظور رعایت اختصار و کمبود فضا، از ذکر مقدمه و حواشی مفصل در این مجال پرهیز کرده‌ام. یادآوری این نکته را لازم می‌دانم که به دلیل مشابهت متنی میان دو تفسیر التبیان و تفسیر ابن فورک با متن تفسیر رُمّانی، من در تصحیح خود، به تک تک جملات مشابه و میزان اقتباس آنها اشاره نکرده‌ام؛ در مقابل کوشیده‌ام از تفسیر التبیان و تفسیر ابن فورک به عنوان نسخه‌های کمکی در خوانش و ضبط دقیق‌تر متن نسخه خطی از تفسیر رُمّانی بهره‌برم. لذا، در پانویس‌های توضیحی خود، تنها به مواضع اختلاف این دو تفسیر با تفسیر رُمّانی اشاره کرده‌ام.

بَيُوتَةُ عَمْرِيَّتِيَا لَوْن

سَمَّاهُ اللهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْقَوْلُ
فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ عَمْرِيَّتِيَا لَوْنٌ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ الَّذِي هُوَ فِيهِ مَخْلُوقٌ
كَأَسْمَاعِيَّةٍ لَوْنٌ مُرَكَّبٌ لَوْنٌ ۞ وَقَالَ يَا السَّائِلُ
الْجَوَابُ تَقَابُلُ سُبُؤَالِكُمْ وَأَجْرٌ مِنَ النَّعْمِ الَّذِي تَسْأَلُونَ وَلَا
وَسْأَلُهُ مَسْأَلَةٌ وَالسُّؤَالُ طَلِبُ الْإِجَابِ بِصِيغَتِهِ فِي الْكَلِمِ
وَيُقَالُ مَا النَّبِيُّ الْجَوَابُ مَعْنَى الْجَيْبِ الْعَظِيمِ الشَّانِ لِمَعْنَى الْجَيْبِ
عَنِ التَّوَجُّدِ فِي صِفَةِ الْإِلَهِ وَصِفَةِ رَسُولِ الْإِلَهِ وَالْجَيْبُ عَمَلِيَّةٌ
عَلَيْهِ تَمَّا لَمْ يَجُزْ ۞ وَيُقَالُ مَا السُّؤَالُ الَّذِي لَا يَجُزُّ الْجَوَابُ
السُّؤَالُ الَّذِي يَنْجُو عَنْهُ الْعَقْلُ بِمَا فِيهِ مِنَ الدَّاعِي إِلَى الْفَسَادِ
السُّؤَالُ الْجَدَلُ لِذَلِكَ وَبِضَمِّ الْبَاطِلِ وَكَالسُّؤَالِ الَّذِي
يَقْتَضِي فَاحِشَ الْجَوَابِ لِأَنَّهُ كَالْأَمْرِ بِالْقَبِيحِ ۞ وَيُقَالُ مَا
الْإِخْتِلَافُ الْجَوَابُ ذَهَابٌ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَ الْبَيْتَيْنِ بِالْقَبِيحِ مَا
ذَهَبَ إِلَيْهِ الْآخَرُ اخْتَلَفَا فِي الْمَعْنَى فَذَهَبَ أَحَدُهُمَا إِلَى كَذَا
وَذَهَبَ الْآخَرُ إِلَى كَذَا ۞ وَيُقَالُ مَا مَعْنَى كِتَابِ الْجَوَابِ

وَع

٣٩٥

آبِنَةُ بَزُوهُش | ٢١٠
سال | ٣٥ شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٠٣

و...
الحفي الذي يصل مفهومه الى قلبه من غير سماع صوته
كما نسان يتكلم من وراء ارجل من يكلام يصل مفهومه الى القلب
من غير سماع الصوت وهذه حال العقول التي تقع
عليها الوسوسة، وقيل ملك الناس فهو جازع
ملك جميع الخلق البيان ان يدبر جميع الناس قادران
بعينهم من شر ما استعاذوا منه مع انه الحق يا
من يلوك الناس وقيل اذا ذكر العبد ربه خضع فدا
غفل وسوس عن مجاهد وقيل امر بالنجود من شر الناس
والجن وقد تضمنت الايات البيان عما في الاستعاذ
برب للناس من كلنا يسوس في صدور الناس ياجن
الباطل ويدعو الى حال الجاهل من توقيه شر الاغواء
بالخروج والاعتزاز والشبه الداعية الى الفساد اللودي
الى الهلاك علي ما في الاغواء من هذا الشأن في الافتان
ممل الكتاب الجامع لعلوم القرآن
والحمد لله رب العالمين كما ينبغي لكم وجميع
وعز جلاله على عونه واحسانه وصلى الله على

٣٩٦

آية پژوهش | ٢١٠

سال ٣٥ | شماره ٦

بهمن و اسفند ١٤٠٣

الجامع لعلوم القرآن، تفسير أبي الحسن الرماني

الجزء الثلاثون: من سورة النبأ إلى سورة الناس

المقدمة والتحقيق: مرتضى كرمي نيا

سُورَةُ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ)

يُقَالُ: مَا التَّسْأَلُ؟ الْجَوَابُ: تَقَابُلُ بِسْؤَالِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنَ التَّفْسِيهِ لِلآخَرِ؛ تَسَاءَلَا تَسْأُولًا، وَسَأَلَهُ مَسْأَلَةً، وَالسُّؤَالُ: طَلَبُ الْإِخْبَارِ بِصِيغَتِهِ فِي الْكَلَامِ.

وَيُقَالُ: مَا التَّبْأُ؟ الْجَوَابُ: مَعْنَى بِالْخَبَرِ الْعَظِيمِ الشَّانِ، كَمَعْنَى الْخَبَرِ عَنِ التَّوْحِيدِ فِي صِفَةِ إِلَهٍ وَصِفَةِ رَسُولِ إِلَهٍ، وَالْخَبَرُ عَمَّا يَجُوزُ عَلَيْهِ وَعَمَّا لَا يَجُوزُ.^٢

وَيُقَالُ: مَا السُّؤَالُ الَّذِي لَا يَجُوزُ؟ الْجَوَابُ: السُّؤَالُ الَّذِي يَزْجُرُ عَنْهُ الْعَقْلُ بِمَا فِيهِ مِنَ الدَّاعِي إِلَى الْفَسَادِ، كَسُّؤَالِ الْجَدَلِ لِدَفْعِ الْحَقِّ وَنُصْرَةِ الْبَاطِلِ، وَكَالسُّؤَالِ الَّذِي يُقْتَضِي فَاحِشَ الْجَوَابِ، لِأَنَّهُ كَالْأَمْرِ بِالْقَبِيحِ.

وَيُقَالُ: مَا الْإِخْتِلَافُ؟ الْجَوَابُ: ذَهَابُ كُلِّ وَاحِدٍ مِنَ التَّفْسِيهِ إِلَى نَقِيضِ مَا ذَهَبَ إِلَيْهِ الْآخَرُ؛ [يُقَالُ:]^٣ اِخْتَلَفَا فِي الْمَعْنَى فَذَهَبَ أَحَدُهُمَا إِلَى كَذَا وَذَهَبَ الْآخَرُ إِلَى كَذَا.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (كَلَامًا)؟ الْجَوَابُ: [١٠٨ب] رَدُّعٌ وَرَجْرٌ، كَأَنَّهُ قِيلَ: اذْتَدِعُوا وَانْزَجِرُوا، لَيْسَ الْأَمْرُ كَمَا ظَنَنْتُمْ، سَتَعْلَمُونَ عَاقِبَةَ أَمْرِكُمْ وَعَائِدَ الْوَبَالِ عَلَيْكُمْ. وَقِيلَ: (يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ): الْقُرْآنُ، عَنْ مُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: الْبُعْثُ بَعْدَ الْمَوْتِ، عَنْ قَتَادَةَ وَابْنِ زَيْدٍ.

١. ذكر الواحدي كلام الرماني في التفسير البسيط، ١١٢/٢٣، بقوله: «قال أهل المعاني...».

٢. في النسخة: «وَالْخَبَرُ عَمَّا يَكُونُ عَلَيْهِ مِمَّا لَا يَجُوزُ»؛ والصحيح ما أثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٢٣٨/١٠ وفي التفسير البسيط، للواحدي، ١١٢/٢٣.

٣. زيادة وردت في التبيان، للطوسي.

﴿الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ﴾: مُصَدِّقٌ بِهِ وَمُكَدِّبٌ، عَنِ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: ﴿كَلَامًا﴾، سَيَعْلَمُ الْكَافِرُونَ عَاقِبَةَ تَكْذِيبِهِمْ، وَسَيَعْلَمُ الْمُؤْمِنُونَ عَاقِبَةَ تَصْدِيقِهِمْ، عَنِ الصَّحَّاحِ. وَقِيلَ: ﴿كَلَامًا سَيَعْلَمُونَ﴾ مَا يَنَالُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْعَذَابِ؛ ﴿فَمَنْ كَلَّمَ سَيَعْلَمُونَ﴾ مَا يَنَالُهُمْ فِي جَهَنَّمَ مِنَ الْعَذَابِ. وَ﴿عَمَّ﴾ الْأَصْلُ فِيهِ: «عَنْ مَا»، حُدِفَتِ الْأَلْفُ لِاتِّصَالِهَا بِحَرْفِ الْجَزْرِ حَتَّى صَارَتْ كَجُزءٍ مِنْهُ لِثَنِيئَةٍ^١ عَنِ شِدَّةِ الْإِتِّصَالِ مَعَ تَخْفِيفِ الْمُرَكَّبِ فِي الْكَلَامِ بِحُدْفِ حَرْفِ الْإِعْتِلَالِ، فَأُدْغِمَتِ التَّوْنُ فِي الْمِيمِ لِقُرْبِهَا مِنْهَا مِنْ غَيْرِ إِخْلَالٍ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيِّنَاتُ عَنِ السُّؤَالِ لِنُصْرَةِ الْبَاطِلِ وَخِلَافِ أَهْلِ الْحَقِّ فِي النَّبَأِ الْعَظِيمِ الَّذِي جَاءَ بِهِ الْقُرْآنُ مِنَ الْبُعْثِ وَالنُّشُورِ، وَالتَّنْفِخِ فِي الصُّورِ، وَقِيَامِ النَّاسِ مِنَ الْقُبُورِ، مِنَ التَّهْدِيدِ بِالْقَطْعِ مَعَ الْوَعِيدِ لَهُؤُلَاءِ الْمُكَدِّبِينَ يَوْمَ الدِّينِ، إِنَّهُمْ سَيَعْلَمُونَ بِعَاقِبَةِ التَّكْذِيبِ [١١٠٩] حِينَ تَتَكَشَّفُ الْأُمُورُ، وَيُرْفَعُ^٢ التَّكْلِيفُ وَيَقَعُ التَّوَكُّيدُ^٣ وَالتَّعْرِيفُ بِمَا لَا يُمَكِّنُ دَفْعَهُ وَلَا يَتَوَجَّهَ لَهُمْ رُدُّهُ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا﴾

يُقَالُ: مَا الْجَعْلُ؟ الْجَوَابُ: تَكُونُ الشَّيْءِ عَلَى مَا هُوَ بِهِ بِقَادِرٍ عَلَيْهِ،^٦ وَكُلُّ مَا^٧ كَانَ عَلَى مَا هُوَ بِهِ بِقَادِرٍ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ صَارَ عَلَى مَا هُوَ بِهِ بَعْدَ أَنْ لَمْ يَكُنْ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَاسْتَعْنَى عَنْ قَادِرٍ بِجَعْلِهِ عَلَى مَا هُوَ بِهِ، كَمَا يَسْتَعْنِي الْقَدِيمُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ مُوجُودًا عَنْ جَاعِلٍ.

وَيُقَالُ: مَا الْمِهَادُ؟ الْجَوَابُ: الْمَوْطَأُ، وَهُوَ الْقَرَارُ الْمُهَيَّأُ لِلتَّصَرُّفِ فِيهِ مِنْ غَيْرِ أَدْيِيَةٍ، عَنِ قَتَادَةَ. الْمِهَادُ: الْبَسَاطُ، وَمَهَدَ لِلْأَمْرِ تَمْهيدًا كَقَوْلِكَ وَطَأَ لَهُ تَوَطُّئًا.

وَيُقَالُ: مَا الْجَبَلُ؟ الْجَوَابُ: جِسْمٌ عَلِيظٌ يَبْلُغُ بَعْلَظِهِ أَنْ يَكُونَ مُمَسِّكًا لِلْأَرْضِ عَنْ أَنْ تَمِيدَ بِثِقَلِهِ، فَهَذَا فِي حَقِيقَتِهِ، وَعَلَى ذَلِكَ دَبَّرَهُ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ، وَذَكَرَ الْعِبَادَ بِهِ وَمَا فِيهِ مِنَ الْعِبْرَةِ بِعِظْمِهِ وَمَنْ يَقْدِرُ عَلَيْهِ.

١. في التبيان، للطوسي: «لتدل».

٢. في النسخة: «يدفع»؛ والصواب ما أثبتناه على ما ورد في البرهان لعلوم القرآن، للخوفي.

٣. في النسخة: «التوقيف»؛ والصواب ما أثبتناه على ما ورد في البرهان لعلوم القرآن، للخوفي.

٤. في النسخة: «وقعه»؛ والصواب ما أثبتناه على ما ورد في البرهان لعلوم القرآن، للخوفي.

٥. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١١٠٣-١١٠٣.

٦. كذا في النسخة؛ وهذا من عجيب ما ورد في كلام الرماني من استعمال الباء الزائدة في الجملة غير المنفية.

٧. في النسخة: «كلما».

وَيُقَالُ: مَا الْوَتْدُ؟ الْجَوَابُ: جِسْمٌ مُهَيَّأٌ لِإِمْسَاكِ غَيْرِهِ بِمَا يَزِيدُ عَلَى الْمِسْمَارِ فِي غَلْظِهِ، [١٠٩ب] وَلِذَاكَ يُقَالُ مَسَامِيرُ الْقَنَا إِذَا دُقَّتْ كَالْمِسْمَارِ مِنَ الْحَدِيدِ فِي الدَّقَّةِ وَالْقُوَّةِ، وَلَوْ غَلْظَتْ صَارَتْ أَوْتَادًا، وَلِهَذَا وَصَفَتِ الْجِبَالُ بِأَنَّهَا أَوْتَادُ الْأَرْضِ إِذْ جُعِلَتْ بِغَلْظِهَا مُمَسِّكَةً لَهَا عَنْ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا.

وَيُقَالُ: مَا اللَّيَاسُ؟ الْجَوَابُ: غِطَاءٌ سَاتِرٌ مُمَاسِّسٌ لِمَا سَتَرَ، فَاللَّيْلُ سَاتِرٌ لِلْأَشْخَاصِ بِظُلْمَتِهِ مُمَاسِّسٌ لَهَا بِجِسْمِهِ الَّذِي فِيهِ الظُّلْمَةُ. قَالَ الشَّاعِرُ:

فَلَمَّا لَيْسَ اللَّيْلُ أَوْ حِينَ نَصَبْتُ لَهُ مِنْ خَذَا آذَانَهَا وَهُوَ جَانِحٌ

(وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا) ذُكُورًا وَإِنَاثًا لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْإِسْتِمْتَاعِ بِالتَّشَلُّعِ وَالْجَمَاعِ مَعَ الرَّجُوعِ إِلَى أَبِي وَاحِدٍ لِإِتِّتِلَافِ. وَالشَّبَاتُ: قَطْعُ الْعَمَلِ لِلرَّاحَةِ، وَمِنْهُ سَبَتَ أَنْفَهُ إِذَا قَطَعَهُ، وَمِنْهُ السَّبْتُ، أَي: يَوْمٌ قَطَعَ الْعَمَلُ لِلرَّاحَةِ عَلَى مَا جَرَتْ بِهِ الْعَادَةُ، وَصَارَ عَلِمًا فِي الْيَوْمِ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ بِعَيْنِهِ الَّذِي بَيْنَ الْجُمُعَةِ وَالْأَحَدِ. وَقِيلَ: (سُبَاتًا): نُعَاسًا فِي انْتِدَائِهِ تَطْلُبُ التَّفْسُ الرَّاحَةَ بِهِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي جَعْلِ الْأَرْضِ مِهَادًا، وَجَعْلِ الْجِبَالِ أَوْتَادًا، وَخَلْقِ النَّاسِ أَزْوَاجًا، وَجَعْلِ [١١٠أ] النَّوْمِ سُبَاتًا، وَجَعْلِ اللَّيْلِ لِبَاسًا، مِنَ الْإِعْتِبَارِ الْمُؤَدِّي إِلَى أَنَّ لَهُ جَاعِلًا لَيْسَ كَالْجَاعِلِينَ بِمَا يَفْتَضِي مِنْ قَادِرٍ لَا يُعْجِزُهُ شَيْءٌ، غَنِيٌّ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ، جَوَادٌ بِأَعْظَمِ الْجُودِ، مُنْعِمٌ عَلَى الْعِبَادِ بِأَجَلِ الْإِنْعَامِ.^٢

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا وَبَيَّنَّا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً حَسْبًا لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا)

يُقَالُ: مَا النَّهَارُ؟ الْجَوَابُ: اتِّسَاعُ الصِّيَاءِ الْمُتَبَيَّنِّ فِي الْآفَاقِ، وَأَضْلُهُ مِنْ قَوْلِهِمْ: ^٣ أَنْهَرَ الدَّمَ، إِذَا أَوْسَعَ مَجْرَاهُ؛ وَمِنْهُ النَّهْرُ: الْمَجْرَى الْوَاسِعُ مِنْ مَجَارِي الْمَاءِ؛ وَمِنْهُ الْإِنْتِهَارُ: الْإِتْسَاعُ فِي الْإِغْلَاطِ.

وَيُقَالُ: مَا الْمَعَاشُ؟ الْجَوَابُ: الْمُتَصَرَّفُ لِلْعَيْشِ، وَالْعَيْشُ: الْإِنْتِعَاشُ الَّذِي تَبْقَى مَعَهُ الْحَيَاةُ عَلَى حَالِ الصِّحَّةِ، عَاشَ يَعِيشُ عَيْشًا. وَفِي جَعْلِ النَّهَارِ تَمْكِينٌ مِنَ التَّصَرُّفِ لِلْمَعَاشِ.

١. الشاعر: ذو الرمة، انظر: ديوان ذي الرمة، بشرح أبي نصر الباهلي، ٣٩٧/٢. ذكره ابن دريد في جمهرة اللغة، ٥٨٢/١؛ واستشهد به ابن قتيبة في تأويل مشكل القرآن، ص ١٣٧ و ١٨٦؛ والطبري في جامع البيان، ٩/٢٤؛ وابن جني في الخصائص، ٣٦٧/٢.

٢. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفاي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١٠٣ب.

٣. في النسخة: «وَأَضْلُهُ الْإِتْسَاعُ مِنْ قَوْلِهِمْ: أَنْهَرَ الدَّمَ»، فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي.

وَيُقَالُ: مَا الْبِنَاءُ؟ الْجَوَابُ: جَعَلَ السَّافِ الْأَعْلَى^١ عَلَى الْأَدْنَى، فَالسَّمَاءُ مَبْنِيَّةٌ كَهَيْئَةِ الْقُبَّةِ، مَرْبِيَّةٌ بِالْكَوَاكِبِ الْمُضِيئَةِ، فَسُبْحَانَ مَنْ خَلَقَهَا وَبَنَاهَا لِعِبَادِهِ عَلَى هَذِهِ الصِّفَةِ.

وَيُقَالُ: مَا وَجْهٌ جَعَلَهَا سَبْعَ [١١٠] سَمَاوَاتٍ؟ الْجَوَابُ: مَا فِيهِ مِنَ الْإِعْتِبَارِ بِمَرَاتِبِ الْمَلَائِكَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَمَا فِي تَصَوُّرِ الطَّبَقَاتِ مِنْ عَظْمِ الْمُقْدُورِ بِهَوْلِ تِلْكَ الْأُمُورِ، وَمَا فِيهِ مِنْ تَمْكِينِ الْبِنَاءِ حَتَّى وَقَفَتْ سَمَاءٌ فَوْقَ سَمَاءٍ، فَسُبْحَانَ مَنْ يُمَسِّكُهَا بِمَا هُوَ قَادِرٌ عَلَيْهَا وَمُدَبِّرٌ لَهَا.

وَيُقَالُ: مَا الْوَهَّاجُ؟ الْجَوَابُ: الْوَقَادُ، وَهُوَ الْمُشْتَعِلُ بِالثُّورِ الْعَظِيمِ، وَهُوَ مِنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا﴾^٢ فَهِيَ سِرَاجُ الْعَالَمِ الَّذِي يَسْتَضِي بِهِ الْخَلَائِقُ، وَالنِّعْمَةُ بِهِ لِجَمِيعِ الْخَلِيقَةِ.^٣ وَيُقَالُ: ﴿وَهَاجًا﴾ مُنِيرًا مُتَأَلِّمًا، عَنِ الْمُجَاهِدِ وَقَتَادَةَ.

وَيُقَالُ: ﴿الْمُعْصِرَاتُ﴾: الرِّيَّاحُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ، كَأَنَّهَا تَعْرِضُ السَّحَابَ. وَيُقَالُ: هِيَ السَّحَابُ يَتَحَلَّبُ بِالْمَطَرِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ - بِخِلَافِ - وَالرَّبِيعُ؛ وَيُقَالُ: الْمُعْصِرَاتُ: السَّمَاوَاتُ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ؛ وَالْأَظْهَرُ أَنَّهُ مِنَ السَّحَابِ الَّذِي يَتَحَلَّبُ بِالْمَطَرِ.

وَالْتَّجَّاجُ: الدَّفَاعُ فِي انْصِبَابِهِ كَثُجٌ دِمَاءِ الْبُذْنِ،^٤ وَيُقَالُ: التَّجَّاجُ: الْمُنْصَبُ الْمُتَتَابِعُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ، وَيُقَالُ: تَجَجْتُ دَمَهُ فَأَنَا أَنْتَجُهُ تَجًّا، وَقَدْ نَجَّ الدَّمُ يُنَجُّ نُجُوجًا.^٥

وَيُقَالُ: الْحَبُّ: كُلُّ مَا تَصَمَّنَتْهُ كِمَامِ الرَّزِقِ الَّذِي يُحْصَدُ. وَالتَّبَاتُ: الْكَلَامُ مِنَ الْحَشِيشِ وَالرَّزِقِ [١١١].

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي جَعْلِ النَّهَارِ لِلتَّصَرُّفِ فِي الْمَعَاشِ، وَمَا فِي بِنَاءِ السَّبْعِ الشِّدَادِ فَوْقَ الْعِبَادِ، وَمَا فِي جَعْلِ السِّرَاجِ الْوَهَّاجِ بِضِيَاءِ الشَّمْسِ لِلْبِلَادِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ، وَمَا فِي إِنْزَالِ الْمَاءِ التَّجَّاجِ لِإِخْرَاجِ الْحَبِّ وَالتَّبَاتِ مِنَ الْإِعْتِبَارِ وَالْإِنْعَامِ الَّذِي يُؤَدِّي إِلَى صَانِعِ مَنْفَعِي عَنْهُ الْأَشْبَاهِ، إِذِ الْأَجْسَامُ وَالْأَعْرَاضُ عَلَى صِفَةِ التَّنْقِضِ بِالْحُدُوثِ وَالِدُّخُولِ تَحْتَ الْمُقْدُورِ.^٦

١. في التبيان، للطوسي، ٢٤٠/١٠: «جعل الطاق الأعلى»؛ وفي تفسير ابن فورك: «جعل الطابق الأعلى».

٢. نوح: ١٦.

٣. في التبيان، للطوسي، ٢٤١/١٠: «النعمة عامة لجميع الخلق».

٤. هذا على ما ورد عند الطوسي في التبيان. فوردت في النسخة: «تتحلب»، وفي تفسير ابن فورك: «ينحلب».

٥. في النسخة: «ماء البدن». والصحيح ما أثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك.

٦. جامع البيان، للطبري، ١٦/٢٤. وقد نسبه الأزهر في تهذيب اللغة (٢٥٤/١٠) إلى أبي عبيدة.

٧. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١٠٣.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا يَوْمَ يَنْفَعُ فِي الصُّورِ فَتَاتُونَ أَفْوَاجًا
وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا وَسَيَّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا)

يُقَالُ: مَا مَعْنَى (جَنَّاتٍ أَلْفَافًا)؟ الْجَوَابُ: وَبَسَاتِينَ مُلْتَفَّةَ الشَّجَرِ يُخْرِجُهَا اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ لِعِبَادِهِ
بِالْمَطَرِ، وَإِنَّمَا قِيلَ (جَنَّاتٍ) لِأَنَّ الشَّجَرَ يَجِئُهَا، أَي: يَسْتُرُهَا.

وَيُقَالُ: مَا الْأَلْفَافُ؟ الْجَوَابُ: الْأَخْلَاطُ الْمُتَدَاخِلَةُ يَدُورُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ، وَاحِدُهَا لَفٌّ؛
شَجَرٌ مُلْتَفٌّ، وَأَشْجَارٌ مُلْتَفَّةٌ، وَالْمَعَانِي الْمُلَفَّقَةُ الْمُتَدَاخِلَةُ بِاسْتِتَارِ بَعْضِهَا بِبَعْضٍ حَتَّى لَا تُبَيِّنَ إِلَّا
فِي حَفِي.

وَيُقَالُ: مَا الْمِيقَاتُ؟ الْجَوَابُ: مُنْتَهَى الْمِقْدَارِ الْمَضْرُوبِ لَوْفَتِ حَدُوثِ أَمْرٍ مِنَ الْأُمُورِ، وَهُوَ [١١١]ب
مَأْخُودٌ مِنَ الْوَقْتِ كَمَا أَنَّ الْمِيعَادَ مِنَ الْوَعْدِ، وَالْمِيزَانَ مِنَ الْوِزْنِ، وَالْمِقْدَارَ مِنَ الْمَقْدُورِ، وَالْمِفْتَاحَ
مِنَ الْفَتْحِ؛ وَفِي جَمِيعِ ذَلِكَ مَعْنَى يُفْعَلُ بِهِ إِلَّا أَنَّهُ كَالْأَلَةِ بِمَنْزِلَةِ الْمَضْرَابِ مِنَ الضَّرْبِ إِلَّا أَنَّ مِنْهُ مَا
يُفْعَلُ بِهِ مَعْنَى الْمَضْرَبِ، وَمِنْهُ مَا يُفْعَلُ بِهِ مُتَعَلِّقُهُ، فَالْمِيقَاتُ يُفْعَلُ بِهِ حَدِثُ الْوَقْتِ.

وَيُقَالُ: مَا النَّفْحُ؟ الْجَوَابُ: إِخْرَاجُ رِيحِ الْجَوْفِ مِنَ الْفَمِ؛ وَمِنْهُ نَفْحُ الرِّيحِ: إِخْرَاجُ رِيحِ جَوْفِهِ مِنْ
فَمِهِ؛ وَمِنْهُ النَّفْحُ فِي الْبُوقِ: إِخْرَاجُ الرِّيحِ مِنْ جَوْفِهِ بَعْدَ جَمْعِهِ فِيهِ حَتَّى يُسْمَعَ مِنْهُ الصَّوْتُ
الْهَائِلُ؛ وَ [مِنْهُ] نَفْحُ الرِّيحِ فِي الْبَدَنِ عَلَى التَّشْبِيهِ بِذَلِكَ، وَهُوَ يَجْرِي فِيهِ كَمَا تَجْرِي الرِّيحُ
فِي الشَّيْءِ.

يُقَالُ: مَا الْفُوجُ؟ الْجَوَابُ: جَمَاعَةٌ مِنْ جَمَاعَةٍ، وَالْأَفْوَاجُ: جَمَاعَاتٌ مِنْ جَمَاعَاتٍ، فَالنَّاسُ يَأْتُونَ
عَلَى تِلْكَ الصِّفَةِ إِلَى أَنْ يَتَكَامَلُوا فِي أَرْضِ الْقِيَامَةِ، وَكُلُّ فَرِيْقٍ يَأْتِي مَعَ شَكْلِهِ، وَالتَّقْدِيرُ: وَيُخْرِجُ بِهِ
شَجَرٌ جَنَّاتٍ أَلْفَافًا، إِلَّا أَنَّهُ حُدِثَ لِذَلِكَ الْكَلَامِ عَلَيْهِ بِإِفْتِضَائِهِ لَهُ.

وَقِيلَ: أَلْفَافٌ: مُلْتَفَّةٌ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: وَاحِدُهُ لَفٌّ وَلَفِيْفٌ، وَقِيلَ: بِكُلِّ وَاحِدَةٍ
لَفٌّ، شَجَرَةٌ لَفَاءٌ، وَشَجَرٌ لَفٌّ، ثُمَّ جُمِعَ الْجَمْعُ [١١٢]أ.

١. في النسخة: تعلقه.

٢. في النسخة: «وهو لا تجزي». والصحيح ما أثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك.

٣. النص في النسخة مختلط وغير واضح؛ ذكره الحاكم الجشمي في التهذيب (٧٢٤٥/١٠) هكذا: «واحد لها لَفٌّ،
وشجر ملتف، وأشجار ملتفة، وقيل واحد لها لَفٌّ بضم اللام، شجرة لفاء، وشجر لَفٌّ، ثم الألفاف جمع الجمع». و
ذكره الطوسي في التبيان، ٢٤١/١٠ بقوله: «وقيل: واحد لف ولفف. وقيل: في واحد شجرة لفا، وشجر لف».

وَقِيلَ: «الصُّورُ فَرْنٌ يُنْفَخُ فِيهِ» فِي حَدِيثٍ مَرْفُوعٍ؛^١ وَقِيلَ: جَمْعُ صُورَةٍ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: كُلُّ أُمَّةٍ تَأْتِي مَعَ نَبِيِّهَا فَلِذَلِكَ جَاءَ وَأَفْوَاجًا، أَيُّ: زُمْرًا. وَقِيلَ: وَشَقَّقَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ كَقِطْعِ الْأَبْوَابِ، وَقِيلَ: صَارَ فِيهَا طُرُقٌ، وَلَمْ تَكُنْ كَذَلِكَ قَبْلُ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْمِيقَاتِ لِيَوْمِ فَصْلِ الْقَضَاءِ مِنْ إِقَامَةِ الْعِبَادِ لِلْجَزَاءِ بِالنَّفْخِ فِي الصُّورِ يَوْمَ تَفْتِيحِ السَّمَاءِ وَتَسْيِيرِ الْجِبَالِ [حَتَّى] تَصِيرَ كَالْهَبَاءِ، هُنَالِكَ يَبْطُلُ الْعَمَلُ بِالْهَوَى، وَيَحْكُمُ رَبُّ الْعَالَمِينَ بَيْنَ الْوَرَى.^٤

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا لِلظَّالِمِينَ مَأبًا لِمَنْ تَلَاها فِيهَا أَهْقَابًا لَا يَدْخُلُونَهَا فِيهَا بَرًا وَلَا شَرَابًا إِلَّا جَمِيمًا وَعَسَاقًا)

يُقَالُ: مَا الْمِرْصَادُ؟ الْجَوَابُ: الْمَعْدُّ لِأَمْرِ عَلَى ارْتِقَابِ الْوُفُوعِ فِيهِ، وَهُوَ مَفْعَالٌ مِنَ الرَّصْدِ. وَقِيلَ: الْمَعْنَى ذَاتُ ارْتِقَابٍ لِأَهْلِهَا تُرَاصِدُهُمْ بِنِكَالِهَا، وَالرَّصْدُ: عَمَلٌ مَا يَتَرَقَّبُ بِهِ الْإِحْتِطَافُ.

وَيُقَالُ: مَا الْمَأْبُ؟ الْجَوَابُ: الْمَرْجِعُ، وَهُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي يَأْتِي إِلَيْهِ، أَيُّ: يُرْجَعُ إِلَيْهِ، وَكَانَ الْمُجْرِمُ [١١٢ب] قَدْ كَانَ يَجْرِمُهُ فِيهَا، ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهَا. وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ كَالْمَنْزِلِ الَّذِي يَرْجَعُ إِلَيْهِ.

وَيُقَالُ: مَا الْأَحْقَابُ؟ الْجَوَابُ: الْأَزْمَانُ الْكَثِيرَةُ، وَاحِدُهَا: حُقْبٌ مِنْ قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (أَوْ أَمْضَى حُقْبًا)^٦ وَهُوَ الدَّهْرُ الطَّوِيلُ، وَقِيلَ: وَاحِدُهُ: حَقْبٌ، وَوَاحِدُ الْحَقْبِ حِقْبَةٌ، كَمَا قَالَ الشَّاعِرُ:

وَكُنَّا كَنَدْمَانِي جُدَيْمَةَ حِقْبَةً مِنْ الدَّهْرِ حَتَّى قِيلَ لَنْ نَتَّصِدَّعَا^٧

وَيُقَالُ: مَا الْعَسَاقُ؟ الْجَوَابُ: صَدِيدُ أَهْلِ النَّارِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ وَقَتَادَةَ وَعَطِيَّةَ وَعَكْرِمَةَ. وَعَسَقَتِ

١. مسند أحمد، ٥٣/١١؛ وسنن أبي داود، ١٢٧٧؛ وجامع البيان، للطبري، ٣٤٤/٩.

٢. في النسخة: جاؤا.

٣. ساقطة من النسخة، فأضفناها على ما ورد في البرهان في علوم القرآن، للخوفي.

٤. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١٠٣ب-١٠٤أ.

٥. كذا في النسخة، وفي التبيان، للطوسي. وورد في تفسير ابن فورك: «ذات ارتفاع».

٦. الكهف: ٦٠.

٧. الشاعر: متمم بن نويرة يرثى أخاه مالكا. ورد البيت في جمهرة أشعار العرب، لأبي زيد القرشي، ص ٥٩٩؛ والمفضليات، للمفضل الضبي، ص ٢٦٧؛ وعيون الأخبار، لابن قتيبة، ٣٨٧/١؛ والأمثال، لأبي عبيد القاسم بن سلام، ص ١٧٢؛ واستشهد بالبيت الطبري في تفسير الآية في جامع البيان، ٢٣/٢٤.

الْفُرْحَةَ تَغْسِقُ عَشَقًا إِذَا سَالَ صَدِيدُهَا، وَكَذَلِكَ الْجُرْحُ، وَمِنْهُ: (وَمِنْ شَرِّ عَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ)،
فَالْعَاسِقُ: اللَّيْلُ إِذَا لَبَسَ الْأَشْيَاءَ بِظُلْمَتِهِ، كَأَنَّهُ يَسِيلُ عَلَيْهَا بِظُلَامِهِ.

وَيُقَالُ: لِمَ قِيلَ (لَا يَشِينُ فِيهَا أَحْقَابًا) وَهُمْ مُخَلَّدُونَ؟ الْجَوَابُ: فِيهِ قَوْلَانِ: الْأَوَّلُ أَحْقَابًا لَا انْقِصَاءَ لَهَا،
إِلَّا أَنَّهُ حُذِفَ لِلْعِلْمِ بِحَالِ أَهْلِ النَّارِ بآيَاتٍ أُخْرَى. الثَّانِي (لَا يَشِينُ فِيهَا أَحْقَابًا لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا
شَرَابًا إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَاقًا) ثُمَّ يُعَدُّونَ بَعْدَ ذَلِكَ بِصَرْبٍ آخَرَ كَالرَّمْهَرِيرِ وَنَحْوِهِ مِنْ أَصْنَافِ الْعَذَابِ.
وَمَنْ قَرَأَ (لَا يَشِينُ فِيهَا أَحْقَابًا) فَإِنَّهُ يَسْتَشْهِدُ فِي تَعْدِيَةِ "فَعَلٍ" بِقَوْلِ الشَّاعِرِ [لبيد بن ربيعة]: [١١٣أ]

أَوْ مَسْحَلٍ سَنِقٍ عَصَادَةَ سَمَحَجٍ بِسِرَاتِهَا نَدَبٌ لَهُ وَكُلُومٌ^٢

وَقِيلَ: الْحُقْبُ: ثَمَانُونَ سَنَةً، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ؛ وَقِيلَ: أَكْثَرُ، عَنْ غَيْرِهِ؛ وَقِيلَ: الْحُقْبُ: سَبْعُونَ أَلْفَ
سَنَةٍ، عَنِ الْحَسَنِ. وَقَالَ أَبُو عَبِيدَةَ: الْبَرْدُ هُنَا: التَّوْمُ، وَقَالَ الْكُنْدِيُّ [أي: امرؤ القيس]:

[بَرَدْتُ مَرَأِسُفَهَا عَلَيَّ] فَصَدَّنِي عَنْهَا وَعَنْ قُبْلَاتِهَا الْبَرْدُ^٣

أَي: التَّوْمُ. وَقَالَ الْحَسَنُ: الْجَنَّةُ وَالنَّارُ مَخْلُوقَتَانِ فِي الْأَيَّامِ السَّنَةِ الْأُولَى، وَهِيَ الْجَنَّةُ الَّتِي سَكَنَهَا آدَمُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهِيَ الْجَنَّةُ الَّتِي يَسْكُنُهَا الْمُتَّقُونَ فِي الْآخِرَةِ، ثُمَّ يُفْنِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَلَاكِ الْخَلَائِقِ،
ثُمَّ يُعِيدُهَا فَلَا يُفْنِيهَا أَبَدًا.

وَقَرَأَ حَمْرَةَ (لَا يَشِينُ) بِغَيْرِ أَلْفٍ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ (لَا يَشِينُ). وَقَرَأَ حَمْرَةَ وَالْكَسَائِيُّ وَحَفْصٌ وَالْمُقَفَّلُ عَنْ
عَاصِمٍ (عَسَاقًا) مُسَدَّدَةً، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ «عَسَاقًا» مُخَفَّفَةً.

وَقَدْ تَصَمَّتِ الْآيَاتُ الْبَيِّنَاتُ عَمَّا فِي صِفَةِ جَهَنَّمَ مِنْ أَنَّهَا مُعَدَّةٌ لِمَا بِالطَّاغِينَ لِيَخْلُصُوا فِيهَا دَهْرًا
خَالِدِينَ فِيهَا مِنْ غَيْرِ بَرْدٍ وَلَا شَرَابٍ، لَا يَجِدُونَ إِلَّا الْحَمِيمَ وَالصَّدِيدَ الَّذِي بِهِ يُعَدُّونَ مِنْ وُجُوبِ جَزَاءِ
الطَّاغِيَانِ الَّذِي يُؤَدِّي إِلَى هَذَا الْعَذَابِ عَلَى مَا جَاءَ الْوَعِيدُ بِهِ [١١٣ب] الَّذِي لَا خِلَافَ لَهُ.^٥

١. الفلَق: ٣.

٢. ديوان لبيد بن ربيعة العامري، ص ١٠١. واستشهد بالبيت سيبويه في الكتاب، ١١٢/١، وفيه: (سَنِجٌ) بدل (سَنَقٌ)؛
والفراء في معاني القرآن، ٢٢٨/٣، وفيه: (عَمَلٌ) بدل (سَنَقٌ).

٣. ديوان امرئ القيس، ص ٢٣١. واستشهد به لهذا المعنى - لأول مرة - أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٨٢/٢؛ وبعده ابن
دريد في الاشتقاق، ص ٤٧٨؛ والطبري في جامع البيان، ٢٧/٢٤.

٤. في النسخة: «إِتْقَاءِ الطَّاغِيَانِ»؛ والصواب ما أثبتناه على ما ورد في البرهان لعلوم القرآن، للخوفي.

٥. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن،
الورقة: ١١٠٤.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (جَزَاءً وَفَاقًا إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَزُجُونَ حِسَابًا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا)

يُقَالُ: مَا الْوَفَاقُ؟ الْجَوَابُ: الْجَارِي عَلَى مِقْدَارٍ، وَالْجَزَاءُ: وَفَاقٌ، لِأَنَّهُ جَارٍ عَلَى مِقْدَارِ الْأَعْمَالِ فِي الْأَسْتِحْقَاقِ، وَذَلِكَ أَنَّهُ يُسْتَحَقُّ عَلَى الْفِسْقِ الَّذِي لَيْسَ بِكُفْرٍ،^١ وَيُسْتَحَقُّ عَلَى الْفِسْقِ أَكْبَرِ مِمَّا يُسْتَحَقُّ عَلَى الذَّنْبِ الصَّغِيرِ.

وَيُقَالُ: مَا الْحِسَابُ؟ الْجَوَابُ: إِظْهَارُ الْمِقْدَارِ فِي الْكَمِّيَّةِ، وَذَلِكَ كَقَوْلِ الْقَائِلِ إِذَا ضُرِبَ كَذَا فِي كَذَا كَانَ كَذَا كَمْ يَجْتُمِعُ مِنْهُ؟ وَإِذَا قُسِمَ كَذَا عَلَى كَذَا كَمْ يُصِيبُ كُلَّ وَاحِدٍ؟ وَإِذَا عَمِلَ كَذَا مِنَ الصَّالِحِ كَمْ يَجِبُ لَهُ؟ وَإِذَا عَمِلَ كَذَا مِنَ الْفَسَادِ كَمْ يَجِبُ عَلَيْهِ؟ فَالْحِسَابُ: مِقْدَارُ إِخْرَاجِ الْكَمِّيَّةِ الْمَطْلُوبَةِ.

وَيُقَالُ: مَا الرَّجَاءُ؟ الْجَوَابُ: التَّوَقُّعُ لَوُقُوعِ أَمْرٍ يُخَافُ أَنْ لَا يَكُونَ، فَهَؤُلَاءِ كَانَ يَجِبُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَتَوَقَّعُوا الْحِسَابَ عَلَى يَقِينٍ أَنَّهُ سَيَكُونُ، فَلَمْ يَفْعَلُوا الْوَاجِبَ فِي هَذَا وَلَا قَارِبُوهُ، لِاعْتِقَادِهِمْ أَنَّهُ لَا يَكُونُ، فَاللُّومُ لَهُمْ أَكْبَرُ وَالتَّقْرِيعُ لَهُمْ أَشَدُّ. وَقِيلَ: (لَا يَزُجُونَ): لَا يَخَافُونَ [١١٤أ] كَمَا قَالَ الْهَذَلِيُّ:

إِذَا لَسَعَتْهُ النَّحْلُ لَمْ يَزُجْ لَسَعَهَا وَخَالَفَهَا فِي بَيْتِ نُوبٍ عَوَامِلٍ^٢

وَيُقَالُ: لَمْ جَارَ الْمَصْدَرُ عَلَى فَعَالٍ فِي (كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا)؟ الْجَوَابُ: لِلْمُبَالَغَةِ فِي إِجْرَائِهِ عَلَى نَظِيرِهِ الَّذِي يَطْرُقُ قَبْلَ آخِرِهِ أَلْفٌ، نَحْوِ: الْإِنْطِلَاقِ وَالْإِقْتِدَارِ وَالْإِسْتِخْرَاجِ وَالْقِتَالِ وَالْإِكْرَامِ؛ وَالْمَصْدَرُ الْجَارِي عَلَى فِعْلِهِ: التَّفْعِيلُ، نَحْوُ التَّكْذِيبِ وَالتَّحْسِينِ وَالتَّفْوِيمِ؛ وَخَرَجَ التَّفْعِيلُ عَنِ النَّظِيرِ لِمَا تَضَمَّنَ مِنْ مَعْنَى التَّكْثِيرِ، كَمَا خَرَجَ التَّفَاعُلُ وَالْمُفَاعَلَةُ لِلزِّيَادَةِ عَلَى أَقَلِّ الْفِعْلِ بِأَنَّهُ مِنْ اثْنَيْنِ؛ وَمِثْلُ كِذَابٍ: حَمَلْتُهُ حِمَالًا^٣ وَخَرَفْتُهُ خِرَاقًا^٤.

١. يبدو أن في النسخة سقطاً. فوردت الجملة كاملة عند الطوسي في التبيان (٢٤٥/١٠): «وذلك أنه يستحق على الكفر أعظم مما يستحق على الفسق الذي ليس بكفر».
٢. الظاهر أنها زيادة مكررة وردت في النسخة.
٣. البيت لأبي ذؤيب في ديوان الهذليين، ١٤٣/١، بهذا النص: «إِذَا لَسَعَتْهُ الدَّبْرُ لَمْ يَزُجْ لَسَعَهَا * وَخَالَفَهَا فِي بَيْتِ نُوبٍ عَوَامِلٍ»؛ واستشهد به أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٧٥/١؛ والفراء في معاني القرآن، ٢٦٥/٢.
٤. ذكره ابن السراج في الأصول في النحو، ١١٦/٣.
٥. ذكره الفراء في معاني القرآن (٢٢٩/٣) بقوله: «كذبت به كذاباً، وخرقت القميص خرقاً»؛ وورد في التبيان، للطوسي: «حرقته حرقاً».

وَيَقَالُ: مَا وَجْهُ إِخْصَاءِ الْأَشْيَاءِ فِي كِتَابٍ؟ الْجَوَابُ: اِعْتِبَارُ الْمَلِكِ بِمُؤَافَقَةِ مَا يَخْدُثُ لِمَا تَقَدَّمَ بِهِ الْإِثْبَاتِ، مَعَ أَنَّ تَصَوُّرَ ذَلِكَ يَفْتَضِي الْأَسْتِكْثَارَ مِنَ الْخَيْرِ وَالْإِجْتِهَادَ فِيهِ، كَمَا يَفْتَضِي إِذَا قِيلَ لِلْإِنْسَانِ: مَا تَعْمَلُهُ فَإِنَّهُ يُكْتَبُ لَكَ وَعَلَيْكَ.

وَقِيلَ: **(وِافِقًا)** وَافَقَ الْجَزَاءُ أَعْمَالَهُمْ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَالرَّبِيعِ. وَقِيلَ: **(لَا يَرْجُونَ حِسَابًا)**: لَا يَخَافُونَ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَقَالَ: فَضَيْتُهُ قِصَاءً.^٢ وَقَالَ الشَّاعِرُ: [١١٤ب]^٣

لَقَدْ طَالَ مَا لَبَّثْتَنِي عَنْ صَحَابَتِي وَعَنْ حَوْجٍ قِصَاؤُهَا مِنْ شِفَائِيَا^٤

وُنُصِبَ **(كِتَابًا)** لِأَنَّ فِي **(أَحْصِيَانَا)** مَعْنَى كَتَبْنَا. وَقِيلَ: إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حُسْنَ الْجَزَاءِ فِي الْحِسَابِ لِتَكْذِيبِهِمْ بِهِ. وَقِيلَ: **(فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا)** لِأَنَّ كُلَّ عَذَابٍ يَأْتِي بَعْدَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ فَهَوَّ زَائِدٌ عَلَيْهِ. وَقِيلَ: كَانُوا لَا يَرْجُونَ ثَوَابَ حِسَابٍ.

وَقَدْ نَصَّصَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْجَزَاءِ الْوَفَاقِ بِحَسَبِ الْأَعْمَالِ مِنَ الْعَذَابِ الْجَارِي^٥ عَلَى اِفْتِصَاءِ الْعُقُلِ، وَمَا فِي كَوْنِ الْإِنْسَانِ لَا يَرْجُو^٦ الْحِسَابَ مِنَ التَّهَالُكِ فِي الْأَهْوَاءِ، وَمَا فِي التَّكْذِيبِ بِآيَاتِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ مِنْ تَضْيِيعِ حُقُوقِ نِعَمِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَمَا فِي إِخْصَاءِ كُلِّ شَيْءٍ فِي كِتَابٍ^٧ مِنْ اِفْتِصَاءِ الْإِجْتِهَادِ فِي صَالِحِ الْأَعْمَالِ، وَمَا فِي الْقَوْلِ لِأَهْلِ النَّارِ: **(ذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا)**^٨ مِنَ الْيَأْسِ مِنَ الْفَرَجِ بِالْخَلَّاصِ^٩.

١. في التبيان، للطوسي: «للملائكة».

٢. في النسخة: «قَبِيضَةُ قِصَاءٍ». وورد عند الطوسي في التبيان: «ومثل كذبتة كذا قصبته قِصَاءٍ».

٣. قال الزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٢٧٤/٥: «وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَذِبًا؛ هذا أكثر القراءة، وَقَدْ قُرِئَتْ (كَذَابًا) بِالْتَخْفِيفِ. وَ (كَذَابًا) بِالتَّشْدِيدِ أَكْثَرُ. وَهُوَ فِي مَصَادِرِ فَعَلْتُ أَجُودَ مِنْ فَعَالَ. قَالَ الشَّاعِرُ: "لَقَدْ طَالَ مَا تَبَطَّنِي عَنْ صَحَابَتِي * وَعَنْ حَوْجٍ قِصَاؤُهَا مِنْ شِفَائِيَا" مِنْ قِصَبِ قِصَاءٍ».

٤. أنشده الفراء في معاني القرآن (٢٢٩/٣) لبعض بني كلاب؛ وفيه (تَبَطَّنِي) بدل (لَبَّثْتَنِي). فقِصَاءُهَا، يراد به: تَقْضِيهَا. والأصل على التَّفْعِيلِ. قال ابن الأثير: «قِصَاؤُهَا مصدر، من القِصَاءِ، بمنزلة الكِذَابِ مِنَ الكَذْبِ». انظر: الأضداد، لابن الأثير، ص ٢١.

٥. في النسخة: «العَدَلُ الجَارِي»؛ والصواب ما أثبتناه على ما ورد في البرهان لعلوم القرآن، للخوفي.

٦. في النسخة: لا يرجوا.

٧. في البرهان لعلوم القرآن، للخوفي: «من كتاب».

٨. في النسخة: «ذُوقُوا فَلَنْ يَزِيدُوا إِلَّا الْعَذَابَ».

٩. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١٠٤ب.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا وَكَأَسًّا دِهَاقًا لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا)

يُقَالُ: مَا الْمَفَازُ؟ الْجَوَابُ: مَوْضِعُ الْفُوزِ بِخُلُوصِ الْمَلَادِ، وَأَصْلُ الْفُوزِ: النَّجَاهُ إِلَى حَالِ السَّلَامَةِ وَالسُّرُورِ، [١١٥] وَمِنْهُ قِيلَ لِلْمَهْلِكَةِ: مَفَازَةٌ، عَلَى التَّفَاوُلِ، كَأَنَّهُ قِيلَ مِنْجَاهَةٌ.

وَيُقَالُ: مَا الْحَدَائِقُ؟ الْجَوَابُ: جَمْعُ حَدِيقَةٍ وَهُوَ الْبُسْتَانُ الْمُحَوَّطُ، كَأَنَّهُ قَدْ أَحْدَقَ بِهِ حَائِطٌ، وَالْحَدِيقَةُ: الْجَنَّةُ الْمُحَوَّطَةُ، وَمِنْهُ أَحْدَقَ الْقَوْمُ بِفُلَانٍ إِذَا أَطَافُوا بِهِ، وَسُمِّيَتْ الْحَدِيقَةُ حَدِيقَةً لِمَا يُحِيطُ بِهَا مِنْ جَفْنِيهَا.

وَيُقَالُ: مَا الْعِنَبُ؟ الْجَوَابُ: ثَمَرُ الْكَرْمِ قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ، فَإِذَا جَفَّ فَهُوَ الرَّيِّبُ، وَنَظِيرُهُ الرُّطْبُ، ثَمَرُ النَّخْلِ الْمُعَسَّلُ قَبْلَ أَنْ يُثْمِرَ، فَإِذَا أَثْمَرَ زَالَ عَنْهُ اسْمُ الرُّطْبِ.

وَيُقَالُ: مَا الْأَتْرَابُ؟ الْجَوَابُ: جَمْعُ تَرْبٍ، وَهُوَ اللَّدَّةُ^٢ الَّذِي يَنْشَأُ مَعَ لَدَنِهِ عَلَى سِنِّ الصَّبِيِّ الَّذِي يَلْعَبُ بِالتَّرَابِ، فَكَأَنَّهُ قِيلَ: هُمْ عَلَى سِنِّ وَاحِدٍ. وَيُقَالُ: مَا الْكَوَاعِبُ؟ الْجَوَابُ: الْجَارِيَةُ الَّتِي قَدْ نَهَدَتْ تَدْيَاهَا. وَيُقَالُ: كَعَبَ تَدْيٌ الْجَارِيَةَ وَنَهَدَ إِذَا ابْتَدَأَ بِخُرُوجِ حَسَنِ.

وَقِيلَ: (مَفَازًا): مَنْجَاهَةٌ إِلَى مُتَنَزَّهَةٍ^٣ وَقِيلَ: (كَوَاعِبَ): نَوَاهِدٌ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ؛ (أَتْرَابًا): فِي سِنِّ وَاحِدٍ، عَنِ قَتَادَةَ. وَدِهَاقٌ: مَلْيٌ بِشِدَّةِ الصَّغَطِ، وَالِدَّهْقُ: شِدَّةُ الصَّغَطِ، فَالْكَأْسُ مَلْيٌ مُتْرَعَةٌ لَيْسَ فِيهَا فُرْجَةٌ لَيْسَتْ فِيهَا حَالُ اللَّذَّةِ [١١٥ب] وَقِيلَ: (دِهَاقًا): مُتْرَعَةٌ، عَنِ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: مُتَتَابِعَةٌ عَلَى شَارِبِيهَا، عَنِ مُجَاهِدٍ. وَهَذَا مِنْ مُتَتَابِعَةِ الشَّدِّ فِي الدَّهْقِ؛ وَاللَّغْوُ: كَلَامٌ لَا فَايِدَةَ فِيهِ؛ وَالْكَدَابُ: تَكْدِيبٌ بَعْضُ لِبَعْضٍ؛ وَالْكَأْسُ: إِنَاءُ الْخَمْرِ الَّذِي يُشْرَبُ فِيهِ. وَقَالَ الشَّاعِرُ:

يَلْدُهُ بِكَأْسِهِ الدِّهَاقُ

وَمَنْ قَرَأَ «كِدَابًا» خَفِيفًا فَهُوَ مَصْدَرٌ كَادِبُهُ كِدَابًا وَمُكَادِبَةٌ. وَقَالَ الْأَعْمَشِيُّ:

فَصَدَّقْتُهَا وَكَذَّبْتُهَا وَالْمَرْءُ يَنْفَعُهُ كِدَابُهُ^٥

١. ساقطة في النسخة، فأضفناها على ما ورد في التبيان، للطوسي.

٢. في النسخة: «اللذة». والصحيح ما ورد في تفسير ابن فورك، وفي التهذيب، للحاكم الجشمي، ٧٢٥٤/١٠.

٣. وردت في النسخة غير واضحة. وفي التبيان، للطوسي: «منجى إلى مبرة».

٤. أنشده الزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٢٧٥/٥ ولم ينسبه؛ ورواه الأزهرى عنه في تهذيب اللغة، ٢٥٧/٥؛ فيبدو أن الرماني أول من استشهد بالبيت في تفسير الآية.

٥. لم يرد في ديوان الأعشى. رواه أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٨٣/٢ والمبرد في الكامل، ١٥٦/٢، وقال «أنشد المازني للأعشى، وليس مما روت الرواة متصلاً بقصيدة»؛ ذكره الأزهرى في تهذيب اللغة، ١١٧/٣؛ والطبري في جامع البيان، ٤٣/٢٤.

وَقَرَأَ الْكِتَابَ وَيُحَدِّثُ أَخْلَاصَ الْإِحْلَاصِ لِلْإِمْتِنَاعِ مِنْ غَيْرِ سَمَاعٍ لَعُوِ الْكَلَامِ وَلَا حَدِيثِ الْكُذَّابِ^١.

وَقَدْ تَضَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا لِلْمُتَّقِينَ مِنَ الْحَدَائِقِ وَالْأَعْنَابِ وَالْكَوَاعِبِ الْأَثْرَابِ وَالْكَأْسِ الدِّهَاقِ عَلَى نَهَايَةِ الْإِحْلَاصِ لِلْإِمْتِنَاعِ مِنْ غَيْرِ سَمَاعٍ لَعُوِ الْكَلَامِ وَلَا حَدِيثِ الْكُذَّابِ^١.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَاباً رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَاباً يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَاباً ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ) فَهَذَا [١١٦] شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ مَا بَأْسًا إِنَّا أُنذَرْنَاكُمْ عَذَاباً قَرِيباً يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً

يُقَالُ: مَا الْجَزَاءُ؟ الْجَوَابُ: إِعْطَاءُ الْمُسْتَحَقِّ بِالْعَمَلِ الطَّاعَةِ أَوْ الْمَعْصِيَةِ، وَنَظِيرُهُ الْمُجَازَاةُ: الْمُكَافَأَةُ عَلَى الْعَمَلِ بِمَا يَفْتَضِيهِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (عَطَاءً حِسَاباً)؟ الْجَوَابُ: بِحِسَابِ الْعَمَلِ، كُلُّ وَاحِدٍ عَلَى مَرْتَبَتِهِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، ثُمَّ سَائِرِ أَصْنَافِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعِنْدَ اللَّهِ الْمَزِيدُ مِنَ النَّعِيمِ.

٢٥٧

آبِنُهُ بِرُوهْش | ٢١٠
سال | ٣٥ شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٠٣

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَاباً)؟ الْجَوَابُ: لَا يَمْلِكُونَ أَنْ يَسْأَلُوا إِلَّا فِيمَا أذِنَ فِيهِ، كَمَا قَالَ جَلَّ وَعَزَّ: (وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى)^٢ وَهَذَا أَيْ التَّخْذِيرُ مِنَ الْإِتِّكَالِ.

وَيُقَالُ: مَا الصَّوَابُ؟ الْجَوَابُ: مُوَافَقَةُ الْعَرَضِ الْحَكْمِيِّ، كَأَنَّهُ إِصَابَةٌ ذَلِكَ الْعَرَضِ الَّذِي تَدْعُو^٣ إِلَيْهِ الْحِكْمَةُ؛ وَنَقِيضُهُ الْخَطَأُ، وَهُوَ مُخَالَفَةُ الْعَرَضِ الْحَكْمِيِّ، وَلَمَّا كَانَتْ الْحِكْمَةُ قَدْ تَدْعُو إِلَى أَمْرٍ بِأَوْكَدٍ مِمَّا يَدْعُو إِلَى أَمْرٍ لِدُعَائِهَا إِلَى الْفِعْلِ الْأَصْلَحِ وَالْفِعْلِ الْأَذْوَنِ^٤ صَحَّ أَنْ صَوَاباً أَصَوَّبَ مِنْ صَوَابٍ، وَذَلِكَ كَطَلَبِ الْعِلْمِ وَالْإِسْتِكْتَارِ مِنَ الْمَالِ عَلَى جِهَةِ الْفِعْلِ^٥. [١١٦] ب

وَيُقَالُ: مَا الْخِطَابُ؟ الْجَوَابُ: تَوْجِيهُ^٦ الْكَلَامِ إِلَى مُدْرِكٍ لَهُ بِصِيغَةٍ تُنَبِّئُ عَنِ الْمُرَادِ، خِلَافَ صِيغَةِ

١. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١٠٨.

٢. الأنبياء: ٢٨.

٣. في النسخة: تدعوا.

٤. في النسخة: تدعوا.

٥. في النسخة: يدعوا.

٦. في النسخة: «النقل الأصلح والنقل الأذون». والصحيح ما أثبتناه على ما ورد عند الطوسي في التبيان، ٢٤٩/١٠.

٧. في النسخة: «النقل».

٨. في النسخة: «توجيه». والصحيح ما أثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك.

الْعَائِبِ عَنِ الْإِذْرَاكِ عَلَى طَرِيقَةٍ أَنْتَ وَبِكَ. وَالْإِضْمَارُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجِهٍ؛ إِضْمَارُ الْمُتَكَلِّمِ، وَإِضْمَارُ الْمُخَاطَبِ، وَإِضْمَارُ الْعَائِبِ.

وَقِيلَ: **(الرُّوحُ)**: جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنِ الصَّحَّاحِ وَالشَّعْبِيِّ. وَقِيلَ: مَلَكٌ مِنْ أَعْظَمِ الْمَلَائِكَةِ خَلَقًا، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَابْنِ مَسْعُودٍ. وَقِيلَ: **(الرُّوحُ)**: بَنُو آدَمَ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: أَزْوَاجُ بَنِي آدَمَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِيمَا بَيْنَ النَّفْخَتَيْنِ، قَبْلَ رَدِّ الْأَزْوَاجِ إِلَى الْأَجْسَادِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. **(مَأْبَأٌ)**: مَفْعَلٌ مِنْ أَبِ يُوُوبَ أَوْبًا. وَقَالَ سُفْيَانُ: **(مَأْبَأٌ)**: مَرْجِعًا. قَالَ عُبَيْدُ:

وَكُلُّ ذِي غَيْبَةٍ يُوُوبُ وَعَائِبِ الْمَوْتِ لَا يُوُوبُ^١

وَقِيلَ: **(عَطَاءٌ حِسَابًا)**: كَافِيًا، مِنْ قَوْلِهِمْ: أَعْطَانِي مَا أَحْسَبَنِي، أَي: كِفَانِي؛ وَحَسْبُكَ أَي: اِكْتَفَى؛ وَحَسْبِي اللَّهُ، أَي: كَافِي. ^٢ **(فَمَنْ شَاءَ اخْتَذِ إِلَى رَبِّهِ مَأْبَأً)** يَدُلُّ عَلَى أَنَّ الْعِبَادَ قَادِرُونَ عَلَى اتِّخَاذِ الْمَأْبِ وَتَرْكِهِ. وَقَالَ الْحَسَنُ: إِنَّمَا أَعْظَاهُمْ ذَلِكَ بِمُحَاسَبَةِ [١١٧٧].

وَقَرَأَ **«رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ»**، رَفَعَ جَمِيعًا ابْنَ كَثِيرٍ وَنَافِعٌ وَأَبُو عَمْرٍو. وَقَرَأَ حَمْرَةُ وَالْكَسَائِيُّ **«رَبِّ السَّمَاوَاتِ»** بِكَسْرِ الْبَاءِ **«الرَّحْمَنُ»** رَفْعًا. وَقَرَأَ عَاصِمٌ وَابْنُ عَامِرٍ **«رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ»** جَمِيعًا بِالْخَفْضِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي إِعْطَاءِ الْمُؤْمِنِينَ التَّعِيمَ فِي الْجَنَّةِ مِنْ أَنَّهُ عَلَى طَرِيقِ الْجَزَاءِ بِحِسَابِ عَمَلِ الطَّاعَةِ، وَمَا فِي صِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَالْمُلْكِ مِنْ امْتِنَاعِ شَيْءٍ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، لِأَنَّهُ لَا يَتَمَكَّنُ أَحَدٌ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا مَا مَكَّنَهُ مِنْهُ، وَمَا فِي قِيَامِ الرُّوحِ وَالْمَلَائِكَةِ عَلَى نَهَائِهِ الْخُشُوعَ وَالْهَيْبَةَ، مِمَّا ظَهَرَ مِنَ الْعِظَمَةِ، وَمَا فِي التَّمَكُّينِ مِنْ مَشِيَّةِ الْمَأْبِ إِلَى الْجَنَّةِ مِنْ إِزَاحَةِ الْعِلَّةِ فِي الْقُدْرَةِ، وَمَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي فِعْلِ الطَّاعَةِ، وَمَا فِي الْإِنْدَارِ بِالْعِقَابِ الَّذِي يَتَمَنَّى الْكَافِرُ مَعَهُ أَنَّهُ انْقَلَبَ إِلَى حَالِ التُّرَابِ مِنْ لُزُومِ التَّنْبِيهِ^٣ عَلَى عِظَمِ الشَّأْنِ فِي هَذِهِ الْحَالِ وَالْأَخْذِ فِي ذَلِكَ بِالْحَزْمِ وَالِاسْتِيْقَاقِ.^٤

١. البيت من القصيدة الأولى في ديوان عبيد بن الأبرص، ص ٢٢؛ وفيه: (لا يشوب) مكان (لا يُوُوب). رواه أبو زيد

القرشي في جمهرة أشعار العرب، ص ٢٨٢؛ واستشهد به أبو عبيدة في مجاز القرآن، ١٨٠/٢؛

٢. في التبيان، للطوسي: «أي: كفاني».

٣. في النسخة: «لزوم البينة»؛ والصواب ما أثبتناه على ما ورد في البرهان لعلوم القرآن، للخوفي.

٤. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة:

١١٠٨-١٠٨٠ ب.

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ [١١٧ب] فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا وَالسَّاجِدَاتِ سَجْدًا فَالسَّابِقَاتِ سَبِقًا فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا﴾

يُقَالُ: لَمْ جَاَزَ نَهْيُ الْعِبَادِ عَنِ الْقَسَمِ بِغَيْرِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَيُقَسَمُ هُوَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِغَيْرِهِ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّ هَذَا بَابٌ مِنْ مَصَالِحِ الْعِبَادِ الَّذِي يَجُوزُ أَنْ تَحْتَلَفَ بِهِ الْعِبَادَاتُ، وَإِنَّمَا جَاَزَ أَنْ يُقَسَمَ هُوَ جَلَّ وَعَزَّ بِغَيْرِهِ لِلتَّنْبِيهِ عَلَى مَوْقِعِ الْعِبْرَةِ فِيهِ، إِذِ الْقَسَمُ يُدُلُّ عَلَى عِظَمِ شَأْنِ الْمُقَسَمِ بِهِ^١ وَقَدْ قَالَ بَعْضُ أَهْلِ التَّنْظُرِ: ^٢ إِنْ الْقَسَمَ بِرَبِّ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ كَأَنَّهُ قِيلَ: وَرَبِّ ﴿النَّازِعَاتِ غَرْقًا﴾، وَلَيْسَتْ أَحْتَارُ هَذَا التَّأْوِيلَ لِأَنَّهُ عُدُولٌ عَنِ ظَاهِرِ الْكَلَامِ بِغَيْرِ دَلِيلٍ.

وَيُقَالُ: مَا ﴿النَّازِعَاتِ﴾؟ الْجَوَابُ: الْجَاذِبَاتُ الشَّيْءِ^٣ مِنْ أَعْمَاقٍ مَا هُوَ فِيهِ، وَقِيلَ: هُمُ الْمَلَائِكَةُ الَّتِي تَنْزِعُ الْأَرْوَاحَ مِنَ الْأَبْدَانِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَابْنِ مَسْعُودٍ. وَقِيلَ: هِيَ التُّجُومُ، أَي: تَنْزِعُ مِنَ أَفْقِي إِلَى أَفْقِي، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: الْفَيْسِيُّ تَنْزِعُ بِالسَّهْمِ، عَنِ عَطَاءٍ. وَقِيلَ: التُّفُوسُ، أَي: تَنْزِعُ بِالْخُرُوجِ مِنَ الْبَدَنِ، عَنِ السُّدِّيِّ. وَ﴿غَرْقًا﴾: بِمَعْنَى اغْتِرَاقًا، أَي: إِبْعَادًا فِي التَّنْزِعِ. [١١٨]

وَيُقَالُ: مَا النَّاشِطَاتُ؟ الْجَوَابُ: الْخَارِجَاتُ بِنَشَاطٍ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ، وَالْهُمُومُ تَنْشِطُ بِصَاحِبِهَا، أَي: تَخْرُجُ بِهِ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ. وَقَالَ هَمِيَانُ بْنُ قُحَافَةَ^٤:

أَمَسْتُ هُمُومِي تَنْشِطُ الْمَنَاشِطَا الشَّامُ بِي طَوْرًا وَطَوْرًا وَأَسْطَا^٥

وَقِيلَ: هِيَ الْمَلَائِكَةُ أَي: تَنْشِطُ بِأَمْرِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ إِلَى حَيْثُ كَانَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: هِيَ التُّجُومُ الَّتِي تَنْشِطُ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ. وَقِيلَ: هِيَ الْوَحْشُ تَنْشِطُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ، عَنِ عَطَاءٍ. وَقَالَ رُوْبَةُ^٥:

١. ذكر الواحدي كلام الرماني في التفسير البسيط، ١٧٠/٢٣، بقوله: «وقال أهل المعاني: إنما أقسم الله بهذه الأشياء للتنبيه على موقع العبرة؛ إذ القسم يدل على عظم شأن المقسم به».

٢. المراد منه: أبو علي الجبائي، كما صرح باسمه الحاكم الجشمي في التهذيب في التفسير، ٧٢٦٣/١٠.

٣. في النسخة: «الجازات»؛ والصحيح ما أثبتناه على ما ورد في التبيين، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك.

٤. هميان بن قحافة السعدي من بني عوافة بن سعد بن زيد مناة بن تميم، وقيل أحد بنى عامر بن عبيد بن الحارث، راجز إسلامي في العصر الأموي.

٥. استشهد بالبيت أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٨٤/٢؛ والطبري في جامع البيان، ٦٢/٢٤؛ والنحاس في إعراب القرآن، ٨٨/٥.

تَنَشَّطَتْهُ كُلُّ مِغْلَاةِ الْوَهْقِ^١

يَعْنِي بَقَرِ الْوَحْشِ. وَيُقَالُ: مَا (السَّابِحَاتِ سَبْحًا)؟ الْجَوَابُ: الْمَارَاتُ بِعَوْصِ مُعْظَمِهَا فِي الْمَنَاعِ، فَقَدْ يَكُونُ ذَلِكَ فِي الْمَاءِ، وَقَدْ يَكُونُ فِيمَا جَرَى مَجْرَاهُ، وَذَلِكَ كَسَبْحِ دَوْدَ الْحَلِّ فِيهِ، وَقَدْ يَكُونُ السَّبْحُ فِي الْهَوَاءِ عَلَى التَّشْبِيهِ بِالْمَاءِ. وَقِيلَ: السَّابِحَاتُ: الْمَلَائِكَةُ، أَيْ: لِأَنَّهَا تَسْبَحُ فِي نُزُولِهَا بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، كَمَا يُقَالُ: الْفَرَسُ يَسْبَحُ فِي جَرِيهِ إِذَا أُسْرِعَ، عَنْ مُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: [١١٨ب] هِيَ النَّجُومُ، عَنْ قَتَادَةَ. أَيْ: تَسْبَحُ فِي فَلَكِهَا. وَقِيلَ: هِيَ السُّفُنُ، عَنْ عَطَاءٍ.

وَيُقَالُ: مَا السَّابِحَاتُ؟ الْجَوَابُ: الْكَائِنَاتُ قَبْلَ غَيْرِهَا عَلَى مَعْنَى صِفَةٍ مِنَ الصِّفَاتِ، وَقِيلَ: هِيَ الْمَلَائِكَةُ، عَنْ مُجَاهِدٍ؛ أَيْ: لِأَنَّهَا سَبَّحَتْ إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَقِيلَ: الْخَيْلُ السَّابِقَةُ، عَنْ عَطَاءٍ. وَقِيلَ: النَّجُومُ، عَنْ قَتَادَةَ، أَيْ: يَسْبِقُ بَعْضُهَا بَعْضًا فِي السَّيْرِ.

وَيُقَالُ: مَا الْمُدْبِرَاتُ؟ الْجَوَابُ: الْمُجْرِيَاتُ لِلشَّيْءِ عَلَى أَحْكَامِ عَاقِبَتِهِ. وَقِيلَ: هِيَ الْمَلَائِكَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ أَيْ: تُدَبِّرُ الْأَشْيَاءَ بِأَمْرِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَقَتَادَةَ وَعَطَاءِ بْنِ السَّائِبِ. وَقِيلَ: تُدَبِّرُ الْمَلَائِكَةُ فِيمَا وَكَلَّتْ بِهِ مِنَ الرِّيَّاحِ وَالْأَمْطَارِ وَنَحْوِ ذَلِكَ مِنَ الْأُمُورِ. وَجَوَابُ الْقَسَمِ مَخْذُوفٌ، كَأَنَّهُ قِيلَ: لَتُبْعَثَنَّ لِلْجَزَاءِ وَالْحِسَابِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْقَسَمِ بِالتَّزَاعَاتِ غَرْفًا إِلَى فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا، مِنْ تَعْظِيمِ الشَّانِ فِي الْمُقْسَمِ بِهِ، لِلْإِعْتِبَارِ وَإِزْعَاجِ الْفِكْرِ لِلْإِسْتِدْلَالِ بِهَذِهِ الْأُمُورِ الْحَادِثَةِ فِي الرَّجُوعِ إِلَى صَانِعِ غَيْرِ مَصْنُوعٍ،^٢ لَوْلَا لَمْ يَصِحَّ شَيْءٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ، وَلَا انْتَضَمَ تَدْبِيرٌ، [١١٩أ] فَكُلُّهَا دَلِيلٌ عَلَيْهِ مِنْ جِهَةِ أَنَّهُ صَنَعَهَا أَوْ صَنَعَ مَنْ صَنَعَهَا.^٣

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتْبُعُهَا الرَّادِفَةُ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ يَقُولُونَ أَلْنَا لِمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ)

يُقَالُ: مَا الرَّجُفُ؟ الْجَوَابُ: حَرَكَةُ الشَّيْءِ مِنْ تَحْتِ غَيْرِهِ بِتَزْدِيدٍ وَاضْطِرَابٍ؛ رَجَفَ يَرْجُفُ رَجْفًا وَرَجُوفًا، وَأَرْجَفُوا إِذَا أَرْعَجُوا النَّاسَ بِاضْطِرَابِ الْأُمُورِ كَمَا يَنْزَعُ الَّذِي يَرْجُفُ مَا

١. ورد البيت في العين، للخليل بن أحمد، ٦٤/٤ (وهق)؛ جامع البيان، للطبري، ٦٢/٢٤؛ تهذيب اللغة، للأزهري،

٢١٥/١١؛ جمهرة اللغة، لابن دريد، ٨٦٧/٢. وقال في اللسان ٣١٣/١٠ (فتق): «قَالَ ابْنُ بَرِيٍّ: وَصَوَابٌ إِشْرَافُهُ عَلَى مَا

فِي رَجْرِهِ: تَنَشَّطَتْهُ كُلُّ مِغْلَاةِ الْوَهْقِ * مَضْبُورَةٌ قَرَوَاءُ هَزْجَابٌ فُنُقٌ * مَائِرَةٌ الصَّبْعَيْنِ مَضْلَابُ الْعُنُقِ».

٢. في البرهان في علوم القرآن، للحوافي: «إلى صنابع غير مصنوعة».

٣. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوافي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١١٤.

٤. في التبيان، للطوسي: «كما ينزع».

تَحْتَهُ، وَمِنْهُ الرَّجْفَةُ: الرَّعْرَعَةُ الشَّدِيدَةُ مِنْ تَحْتِ مَا كَانَ مِنَ الْحَيَوَانِ، وَقِيلَ: [رَعْرَعَةُ] الْأَرْضِ مَعَ الْجِبَالِ^١.

وَيُقَالُ: مَا الرَّادِفَةُ؟ الْجَوَابُ: الْكَائِنَةُ بَعْدَ الْأُولَى فِي مَوْضِعِ الرَّذْفِ مِنَ الرَّكَبِ؛ وَرَدَّ فَهُمْ الْأَمْرُ رَذْفًا، وَهُوَ رَادِفٌ، وَارْتَدَفَ الرَّكَبُ إِذَا اتَّخَذَ رَدِيفًا. وَيُقَالُ: مَا الْوَاحِفَةُ؟ الْجَوَابُ: الْكَائِنَةُ عَلَى الْأَنْزِعَاجِ وَالْإِضْطِرَابِ، وَجَفَّتْ تَجِفُّ وَجُفًا وَوَجِيفًا، وَأَوْجَفَ فِي السَّيْرِ إِذَا أَرْعَجَ الرَّكَابَ فِيهِ. وَيُقَالُ: مَا الْحَافِرَةُ؟ الْجَوَابُ: الْكَائِنَةُ عَلَى حَفْرِ أَوَّلِ كَرَّةٍ رَجَعَ فِي حَافِرَتِهِ إِذَا رَجَعَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ، وَذَلِكَ كَرَجُوعِ [١١٩ب] الْقَهْقَرِيِّ، فَزُدُّوا فِي الْحَافِرَةِ، أَي: زُدُّوا كَمَا كَانُوا أَوَّلَ مَرَّةٍ. وَيُقَالُ: مَا الْخَاشِعَةُ؟ الْجَوَابُ: الْكَائِنَةُ عَلَى الْخُضُوعِ وَالذَّلَّةِ، وَقَالَ الشَّاعِرُ: [جريرا]:

لَمَّا أَتَى حَبْرَ الزُّبَيْرِ تَوَاصَعَتْ سُورُ الْمَدِينَةِ وَالْجِبَالُ الْخُشَّعُ^٢

وَقِيلَ: هُمَا تَفْحَتَانِ؛ أَمَا الْأُولَى فَتُمِيتُ الْأَحْيَاءَ، وَأَمَا الثَّانِيَةُ فَتُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: (وَاحِفَةٌ): خَائِفَةٌ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: الْحَافِرَةُ: الْحَيَاةُ الثَّانِيَةُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالسُّدِّيِّ. وَقِيلَ: الْحَافِرَةُ: الْأَرْضُ الْمَحْفُورَةُ، أَي: نُزِدُّ فِي قُبُورِنَا بَعْدَ مَوْتِنَا أَحْيَاءً. قَالَ الشَّاعِرُ:

أَحَافِرَةٌ عَلَى صَلَعٍ وَشَيْبٍ مَعَادَ اللَّهِ مِنْ سَفَهٍ^٣ وَطَيْشٍ^٤

وَقِيلَ: يَقُولُ الْمُشْرِكُونَ مَنْ مُنْكَرِي الْبُعْثِ: (أَنَا لَمَزْدُودُونَ) بَعْدَ الْمَوْتِ، وَقِيلَ: حَافِرَةٌ بِمَعْنَى مَحْفُورَةٌ، مِثْلُ (مَاءٍ دَافِقٍ)^٥ بِمَعْنَى مَدْفُوقٍ.

وَقَرَأَ «نَاجِرَةٌ» حَمْرَةً وَالْكَسَائِيُّ بِخِلَافٍ عَنْهُ، وَأَبُو بَكْرٍ عَنْ عَاصِمٍ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ (نَاجِرَةٌ).

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي رُجُوفِ الْأَرْضِ وَالْجِبَالِ عِنْدَ التَّفْخَةِ الْأُولَى، وَتَبَعَ الرَّادِفَةَ [١٢٠أ] لِلْقِيَامَةِ بِالتَّفْخَةِ الثَّانِيَةِ مِنْ وَجِيفِ الْقُلُوبِ،^٦ مَعَ مَا يَلْحَقُ الْأَبْصَارَ مِنَ الْخُشُوعِ، وَأَهْلُ الْجَهْلِ يَقُولُونَ: أَلْنَا فِي الْحَافِرَةِ لَمَزْدُودُونَ؟^٧

١. في التبيان، للطوسي: «وقيل: إن الأرض مع الجبال تنزعزع».

٢. ديوان جرير بشرح محمد بن حبيب، ٩١٣/٢؛ ورد البيت في الكتاب، لسبويه، ٥٢/١؛ ومجاز القرآن، لأبي عبيدة، ١٩٧/١؛ وجامع البيان، للطبري، ٥٢٣/١؛ ومعاني القرآن، للنحاس، ٥٠٣/٥.

٣. في النسخة: «من جهل».

٤. البيت غير منسوب في المصادر. ورد في كتاب الفاخر، للمفضل بن سلمة، ص ١٤؛ وغريب القرآن، لابن قتيبة، ص ٥١٣؛ وجامع البيان، للطبري، ٧٠٢٤؛ وأمال القالي، لأبي علي القالي، ٢٧/١. وفي بعضها: (وعار) بدل (وطيش).

٥. الطارق: ٦.

٦. في النسخة: «من وجوب القلوب»؛ والصحيح ما أثبتناه على ما ورد عند الحوفي في البرهان.

٧. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١١٤.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿إِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى﴾

يُقَالُ: مَا الْعِظَامُ؟ الْجَوَابُ: أَجْسَامٌ صُلْبَةٌ تَشُدُّ بِهَا أَعْصَابُ الْبَدَنِ وَيَنْبُتُ عَلَيْهَا اللَّحْمُ وَالْعَضَلُ، وَهِيَ مَأْخُودَةٌ مِنَ الْعَظْمِ، وَذَلِكَ لِعِظَمِ صَلَابَتِهَا وَعِظَمِهَا فِي نَفْسِهَا. وَيُقَالُ: مَا النَّخِرَةُ؟ الْجَوَابُ: الْبَالِيَةُ بِمَا حَدَثَ فِيهَا مِنَ التَّعْتِيرِ وَاجْتِلَالِ الْبُنْيَةِ، جِدْعٌ نَخِرٌ إِذَا كَانَ بِهَذِهِ الصِّفَةِ، وَإِنْ لَمْ تَخْتَلْ بُنْيَتُهُ لَمْ يَكُنْ نَخِرًا، وَإِنْ بُلِيَ بِالْوَهَاءِ أَوْ الضَّعْفِ. وَيُقَالُ: مَا الْكَرَّةُ؟ الْجَوَابُ: الْمَرَّةُ مِنَ الْمَرِّ، وَهِيَ الْوَاحِدَةُ مِنَ الْكَرِّ، كَرَّ يَكْرُ كَرًا وَكَرَّةً، وَهِيَ كَالصَّرْبَةِ الْوَاحِدَةِ مِنَ الصَّرْبِ.

وَيُقَالُ: مَا الْخَاسِرُ؟ الْجَوَابُ: الدَّاهِبُ رَأْسُ مَالِهِ، فَتِلْكَ الْكَرَّةُ، كَأَنَّهُ قَدْ ذَهَبَ رَأْسُ الْمَالِ فِيهَا فَذَلِكَ الْخُسْرَانُ، وَإِنَّمَا قَالُوا (كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ) أَي: لَا يَجِيءُ مِنْهَا شَيْءٌ [١٢٠ب] كَالْخُسْرَانِ الَّذِي لَا يَجِيءُ مِنْهُ فَائِدَةٌ، وَكَأَنَّهُمْ قَالُوا: هُوَ كَالْخُسْرَانِ بِذَهَابِ رَأْسِ الْمَالِ، فَلَا تَجِيءُ بِهِ تِجَارَةٌ، فَكَذَلِكَ لَا يَجِيءُ بِتِلْكَ الْكَرَّةِ حَيَاةٌ.

وَيُقَالُ: مَا الرَّجْرَةُ؟ الْجَوَابُ: الصَّبِيحَةُ الْهَائِلَةُ يَكْرُبُ بِهَا أَمْرٌ مِنَ الْأُمُورِ، وَالرَّجْرُ: الصَّوْتُ الصَّارِفُ عَنِ الشَّيْءِ بِالضَّرِّ فِيهِ، وَالرَّجْرَةُ: التَّنْفِخَةُ فِي الصُّورِ، وَالسَّاهِرَةُ: الْكَائِنَةُ عَلَى مِثْلِ حَالِ الْمُتَيَقِّظِ فِي أَنَّهَا مُهَيَّأَةٌ لِمَا يَرِدُ عَلَيْهَا، وَهِيَ أَرْضُ الْقِيَامَةِ. وَقِيلَ: نَاخِرَةٌ: مُجَوَّفَةٌ تَنْخُرُ الرِّيحُ فِيهَا بِالْمُرُورِ فِي جُوفِهَا. وَقِيلَ: هُمَا سَوَاءٌ مِثْلُ الْبَاخِلِ وَالْبُخْلِ، وَ«نَخِرَةٌ» أَوْضَحُ فِي الْمَعْنَى، ^١ وَ«نَاخِرَةٌ» أَشْكَلُ بِرُؤُوسِ الْآيِ، فَقَدْ تَكَافَأَ الْوُجْهَانِ إِلَّا بِمُقْدَارِ تَغْلِيْبِ الْمَعْنَى، وَقِيلَ: نَخِرَةٌ: بَالِيَةٌ مُجَوَّفَةٌ بِالْبَلْبِيِّ. وَقِيلَ: الْعَرَبُ تُسَمِّي وَجْهَ الْأَرْضِ مِنَ الْفَلَاةِ سَاهِرَةً، أَي: ذَاتَ سَهْرٍ، لِأَنَّهُ يَسْهَرُ فِيهَا خَوْفًا مِنْهَا. قَالَ أُمِيَّةُ بْنُ أَبِي الصَّلْتِ:

وَفِيهَا لَحْمٌ سَاهِرَةٌ وَبَحْرٌ وَمَا فَاهُوا بِهِ لَهُمْ مُقِيمٌ^٣

وَقَالَ آخَرُ:

فَإِنَّمَا قَصْرُكَ تُرْبُ السَّاهِرَةِ ثُمَّ تَعُودُ بَعْدَهَا فِي الْخَافِرَةِ

[١٢٢]

مِنْ بَعْدِ مَا كُنْتَ عِظَامًا نَاخِرَةً

١. في النسخة: «لكون». والصحيح ما أثبتناه على ما ورد عند الحاكم الجسّمي في التهذيب في التنسير، ٧٢٦٣/١٠.

٢. في النسخة: «عن المعنى». فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي.

٣. ديوان أمية بن أبي الصلت، ص ٤٧٥. ورد البيت مع اختلاف يسير في جمهرة أشعار العرب، لأبي زيد القرشي، ص ٢٤؛

واستشهد بالبيت الفراء في معاني القرآن، ٢٣٢/٣؛ وأبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٨٥/٢؛ والطبري في جامع البيان، ٧٤/٢٤.

٤. الأبيات للحارث بن سمي بن دالان بن صعّب بن الحارث بن مرهبة، وعزاها بعض إلى رجل من أهل همدان، قالها يوم القادسية؛

وردت في جمهرة النسب، لابن الكلبي، ٣١٥/٢؛ وجمهرة اللغة، لابن دريد، ٧٢٤/٢؛ وجامع البيان، للطبري، ٧٤/٢٤-٧٥.

وَيُقَالُ: السَّاهِرَةُ: وَجْهُ الْأَرْضِ، عَنِ الْحَسَنِ وَفَتَادَةَ وَمُجَاهِدٍ وَالصَّحَّاحِ. وَقِيلَ: ﴿قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ﴾ عَلَى مَا يَعِدُنَا مِنَ الْعَذَابِ. وَقِيلَ: خَاسِرَةٌ: كَاذِبَةٌ لَيْسَتْ كَائِنَةً، عَنِ الْحَسَنِ. وَقِيلَ: ﴿بِالسَّاهِرَةِ﴾ أَي: مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ إِلَى ظَهْرِهَا.

وَقَدْ تَضَمَّنَتْ الْآيَاتُ النَّبِيَّانَ عَنِ دَاعِي الْجَهْلِ إِلَى التَّعَجُّبِ مِنْ رُجُوعِ الْعِظَامِ النَّخْرَةِ إِلَى حَالِ الْحَيَاةِ وَالْقُوَّةِ، حَتَّى وَقَعَ الْإِنْكَارُ لَهُ مَعَ الْإِفْرَارِ بِأَوَّلِ النَّشْأَةِ، وَهِيَ أَهْوَلُ فِي الْعَقْلِ مِنَ الثَّانِيَةِ، وَمَا فِي الصَّيْحَةِ الْوَاحِدَةِ مِنْ خُرُوجِهِمْ عَنِ بَطْنِ الْأَرْضِ إِلَى ظَهْرِهَا بِغَيْرِ كَلْفَةٍ كَمَا أَوْجَدَهُمُ الْقَادِرُ عَلَيْهِمْ مِنْ غَيْرِ مُعَانَةٍ.^٢ الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى فَأَرَاهُ الْكُتُبَى﴾

يُقَالُ: مَا نَدَاهُ؟ الْجَوَابُ: الدُّعَاءُ بِطَرِيقَةٍ: يَا فُلَانُ، فَمَعْنَى ﴿نَادَاهُ﴾ قَالَ لَهُ: يَا مُوسَى،^٣ ثُمَّ أَمَرَهُ بِالذَّهَابِ إِلَى فِرْعَوْنَ الطَّاغِي. وَيُقَالُ: [١٢٢]ب]

سقطت من هنا ورقة [في تفسير الآيات ١٦-٢١ من سورة النازعات]

٤١٣

آبِنُهُ بِزَوْهَش | ٢١٠
سال | ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٠٣

الْإِذْبَارُ: تَوَلِيَةُ الدُّبْرِ، وَنَقِيضُهُ الْإِقْبَالُ، وَهُوَ تَوَلِيَةُ الْقَبْلِ. وَيُقَالُ: أَقْبَلَ فُلَانٌ إِذَا اسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَلَى الْمَثَلِ، أَي: هُوَ كَالْمُقْبِلِ إِلَى الْخَيْرِ، وَأَدْبَرَ فُلَانٌ إِذَا اضْطَرَبَتْ عَلَيْهِ؛ وَفِرْعَوْنُ وَلَّى الدُّبْرَ لِيُظَلَبَ مَا يَكْسِرُ بِهِ حُجَّةَ مُوسَى فِي الْآيَةِ الْكُبْرَى، فَمَا أَزْدَادَ إِلَّا غَوًى،^٤ لِأَنَّهَا لَا تَقَاوِمُ الضَّلَالَ الْهَدَى.

وَيُقَالُ: مَا السَّعْيُ؟ الْجَوَابُ: الْإِسْرَاعُ فِي الْمَشْيِ، فَإِذَا كَانَ الْإِسْرَاعُ فِي الْعَمَلِ - نَحْوَ الْكِتَابَةِ أَوْ الصِّيَاغَةِ أَوْ التِّجَارَةِ - لَمْ يَكُنْ سَعْيًا، وَفِي ﴿أَدْبَرَ يَسْعَى﴾ فِي هَذِهِ الْحَالِ دَلِيلٌ عَلَى خَوْفِهِ.^٥ وَيُقَالُ: مَا الْحَشْرُ؟ الْجَوَابُ: الْجَمْعُ مِنْ كُلِّ جِهَةٍ، وَقَدْ يَكُونُ الْجَمْعُ بِضَمِّ جُزْءٍ إِلَى جُزْءٍ، فَلَا يَكُونُ حَشْرًا، فَإِذَا جُمِعَ النَّاسُ مِنْ كُلِّ جِهَةٍ فَذَلِكَ الْحَشْرُ، وَلِهَذَا سُيِّي يَوْمُ الْحَشْرِ؛ وَالْحَاشِرُ: الَّذِي يَجْمَعُ النَّاسَ مِنْ كُلِّ جِهَةٍ،^٦ فَإِنَّمَا طُلِبَ جَمْعُ السَّحْرَةِ؛ فَلَمَّا اجْتَمَعُوا نَادَاهُمْ، فَقَالَ لَهُمْ: ﴿أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى﴾^٧

١. في البرهان، للخوفي: «الحياة والعود».

٢. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١١٤.

٣. في النسخة: «فَمَعْنَاهُ نَادَاهُ قَالَ يَا مُوسَى»؛ فأثبتناه على ما ورد عند الطوسي في التبيان، ٢٥٦/١٠.

٤. في التبيان، للطوسي: «الإغواية».

٥. في النسخة: «على خرقه»، والصحيح ما أثبتناه على ما ورد في التبيان، الطوسي.

٦. في التبيان، للطوسي، ٢٥٨/١٠: «مِنْ كُلِّ جِهَةٍ إِلَى الْخِرَاجِ».

٧. زيادة وردت في التبيان، للطوسي.

وَيَقَالُ: مَا (الْأَعْلَى)؟ الْجَوَابُ: الْمُخْتَصُّ بِعُلُوِّ مَعْنَى صِفَتِهِ عَلَى غَيْرِهِ مِمَّا لَا يَنَالُهُ بِكَيْدِهِ^١ وَيَنَالُ هُوَ بِهِ، وَمِنْ هُنَا خَرَجَ الْعُلُوُّ إِلَى التَّعْظِيمِ، وَلَمْ يَكُنْ مِثْلُ ذَلِكَ مِنْ جِهَةٍ مِنَ الْجِهَاتِ، وَكَأَنَّهُ قَالَ: أَنَا الَّذِي أَنَالُ بِالضَّرِّ مَنْ شِئْتُ وَلَا يَنَالُنِي غَيْرِي، (فَكَذَّبَ) لَعْنَةُ اللَّهِ، إِنَّمَا هَذِهِ صِفَةُ الَّذِي خَلَقَهُ وَخَلَقَ جَمِيعَ الْعِبَادِ جَلَّ وَعَزَّ.

وَيَقَالُ: [١٢٣ أ] مَا التَّكَالُ؟ الْجَوَابُ: عِقَابٌ يُنَكَّلُ بِهِ عَنِ الْإِقْدَامِ عَلَى سَبَبِهِ بِشِدَّتِهِ؛ نَكَّلَ بِهِ تَنكِيلًا إِذَا شَوَّهَ بِهِ فِي عِقَابِهِ بِمَا يَكُونُ رَاجِعًا لِعَيْبِهِ مِنْ مِثْلِ جُرْمِهِ أَشَدَّ الرَّجْرِ الَّذِي يَزْعَجُ النَّفْسَ، وَمَعْنَى نَادَى هُنَا: قَالَ: يَا مَعَاشِرَ النَّاسِ (أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى)، أَي: نَادَى بِهِذَا. وَقِيلَ: كَلِمَتُهُ الْأُولَى قَوْلُهُ: (مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي)^٢ وَالْأُخْرَى قَوْلُهُ: (أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى)، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَالشَّعْبِيِّ وَالصَّحَّاحِ. وَقِيلَ: عَذَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: أَوَّلُ عَمَلِهِ وَآخِرُهُ، عَنِ مُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: إِنَّهُ لَمَّا رَأَى الْحَيَّةَ وَعَظْمَهَا خَافَ مِنْهَا فَأَذْبَرَ يَسْعَى.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا يُوجِبُهُ حَالُ الْمُكَذِّبِ بِالْحَقِّ، الْعَاصِي فِيهِ، السَّاعِي بِجُهْدِهِ فِي إِبْطَالِهِ، الطَّاعِي^٣ بِإِدْعَاءِ الرُّبُوبِيَّةِ مِنْ أَخْذِهِ بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَقْدَارِ عِظَمِ جُرْمِهِ، حَتَّى يَكُونَ نَكَالًا بِالْأَوَّلِ وَالْآخِرِ^٤ مِنْ كُفْرِهِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ صُحَاها وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا)

يُقَالُ: مَا الْعِبْرَةُ؟ الْجَوَابُ: الدَّلَالَةُ [١٢٣ ب] الَّتِي يَغْتَبِرُ بِهَا إِلَى الْحَقِّ حَتَّى تُذَرِّكَهُ النَّفْسُ؛ اعْتَبَرَ بِهِ اعْتِبَارًا وَعِبْرَةً، وَمِنْهُ الْعِبَارَةُ، لِأَنَّهُ يُعْتَبَرُ بِالْمَعْنِي عِنْدَهَا إِلَى نَفْسِ الْمُخَاطَبِ لِإِنْفِهَامٍ، وَمِنْهُ عُبُورُ النَّهْرِ، وَتَعْبِيرُ الرُّؤْيَا؛ إِخْرَاجُ مَا فِيهَا بِعُبُورِ الْمَعْنَى إِلَى نَفْسِ السَّائِلِ^٥ عَنْهَا. وَيُقَالُ: مَا السِّدَّةُ؟ الْجَوَابُ: قُوَّةُ الْقِتْلِ بِصُعُوبَةِ الْحَلِّ،^٦ فَكَأَنَّهُ قِيلَ: أَنْتُمْ أَقْوَى أَمْرًا بِصُعُوبَةِ حَالِكُمْ،^٧ أَمْ السَّمَاءُ فِي عِظَمِ جُرْمِهَا

١. في النسخة: «بِمَا لَا يَنَالُ بِكَيْدٍ». فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك.

٢. القَصص: ٣٨.

٣. في النسخة: «لِلطَّاعِي»؛ وليست الكلمة موجودة في البرهان، للخوفي.

٤. في البرهان، للخوفي: «في الأولى والآخرة».

٥. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١١٤ ب.

٦. في التبيان، للطوسي: «النفس السائلة».

٧. في تفسير ابن فورك: «قوة القتل لصعوبة الحد».

٨. في النسخة: «بصعوبة حالكم»؛ والصحيح ما أثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي: «بصغر حالكم».

وَسَأُنْهَى فِي وُفُوفِهَا وَسَائِرِ تَدْبِيرِهَا؟ وَيُقَالُ: مَا السَّمْكُ؟ الْجَوَابُ: أَخَذَ الْجِسْمَ بِالتَّأْلِيفِ فِي جِهَةِ الْعُلُوِّ، وَهُوَ مُقَابِلٌ لِلْعُمُقِ، لِأَنَّهُ أَخَذَ الْجِسْمَ بِالتَّأْلِيفِ فِي جِهَةِ السُّفْلِ.

وَيُقَالُ: مَا التَّسْوِيَةُ؟ الْجَوَابُ: جَعَلَ أَحَدَ الشَّيْئَيْنِ عَلَى مِقْدَارِ الْآخَرِ فِي نَفْسِهِ، أَوْ مَعْنَى حُكْمِهِ؛^١ وَكُلُّ مَا جُعِلَ فِي حَقِّهِ عَلَى تَرْتِيبِهِ مَعَ غَيْرِهِ فَقَدْ سُوِيَ، فَلَمَّا كَانَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ السَّمَاءِ مَجْعُولاً فِي حَقِّهِ عَلَى تَرْتِيبِهِ مَعَ غَيْرِهِ كَانَتْ قَدْ سُوِيَتْ عَلَى هَذَا الْوَجْهِ الَّذِي ذَكَرْنَا.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى «أَغَطَّشَ لَيْلَهَا»؟ الْجَوَابُ: أَظْلَمَ لَيْلَهَا، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَالضَّحَّاكَ وَابْنَ زَيْدٍ. وَقِيلَ: لَيْلَهَا فَأَصَافَ الظَّلَامَ إِلَى السَّمَاءِ، لِأَنَّ مِنْهَا يَنْشَأُ الظَّلَامُ وَالضِّيَاءُ بِغُرُوبِ [١١٢٤] الشَّمْسِ وَظُلُوعِهَا عَلَى مَا دَبَّرَهَا. وَقِيلَ: «وَأَخْرَجَ ضَحَاهَا»: نُورَهَا، عَنِ مُجَاهِدٍ وَالضَّحَّاكَ. وَقِيلَ: «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا» أَي: مَعَ ذَلِكَ، عَنِ مُجَاهِدٍ وَالشَّدِيِّ؛ كَقَوْلِهِ: «عُتِّلَ بَعْدَ ذَلِكَ زَيْمٌ»^٣.

وَقِيلَ: إِنَّهُ جَلَّ وَعَزَّ دَحَا الْأَرْضَ بَعْدَ السَّمَاءِ وَإِنْ كَانَ خَلْقُ الْأَرْضِ قَبْلَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَ«دَحَاهَا»: بَسَطَهَا، دَحَا يَدْحُو، وَدَحَيْتُ أَدْحَا دَحِيًّا لِعَتَانٍ. وَقَالَ أُمِيَّةُ بْنُ أَبِي الصَّلْتِ:

دَارَ دَحَاهَا ثُمَّ أَعْمَرْنَا بِهَا وَأَقَامَ بِالْأُخْرَى الَّتِي هِيَ أَمَجْدُ

وَقَالَ ابْنُ حَجَرٍ:

يَنْفِي الْحَصَى عَنْ جَدِيدِ الْأَرْضِ مُبْتَرِكٌ كَأَنَّهُ فَاحِصٌ أَوْ لَاعِبٌ دَاحِيٌّ^٦ وَقَالَ أَبُو عَبِيدَةَ: كُلُّ أَعْطَشٍ لَا يَبْصُرُ.^٧

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي أَخْذِ فِرْعَوْنَ لَمَّا طَعَى بِنِكَالِ الْعَرْقِ فِي الدُّنْيَا مَعَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِمَّا هُوَ أَشَدُّ وَأَبْقَى مِنَ الْإِعْتِبَارِ لِمَنْ يَخْشَى، وَيَطْلُبُ التَّجَاةَ بِالْهُدَى، وَمَا فِي بِنَاءِ السَّمَاءِ

١. في التبيان، للطوسي: «في نفسه أو في حكمه»؛ وفي التهذيب، للحاكم الجشمي: «في نفسه ومعناه».

٢. في النسخة: كلما.

٣. القلم: ١٣.

٤. في النسخة: يدحوا.

٥. ديوان أمية بن أبي الصلت، ص ٣٥٢؛ استشهاد بالبيت الطبري في جامع البيان، ٩٥/٢٤، وابن الأنباري، في

الأضداد، ص ١١١. وفي نقل الروماني: (فأقام) مكان (وأقام).

٦. البيت في وصف المطر. يريد أنه فحص في الأرض حتى صار بها. استشهاد بالبيت ابن دريد في جمهرة اللغة،

٥٠٧/١، والطبري في جامع البيان، ٩٥/٢٤.

٧. مجاز القرآن، لأبي عبيدة، ٢٨٥/٢.

عَلَى رَفْعِ سَمَكِهَا وَعَظْمِ جُزْمِهَا وَاسْتِوَاءِ أَمْرِهَا عَلَى مَا هُوَ مَعْلُومٌ مِنْ شَأْنِهَا مِنَ الْإِعْتِبَارِ الْمُؤَدِّي إِلَى أَنْ جَاعِلًا لَهَا قَادِرٌ لَا يُعْجِزُهُ شَيْءٌ مِنْهَا وَلَا مِنْ غَيْرِهَا، وَمَا [١٢٤ب] فِي إِظْلَامِ اللَّيْلِ وَإِخْرَاجِ نُورِ النَّهَارِ مِنَ الدَّلِيلِ الَّذِي لَيْسَ بِهِ خَفَاءٌ لِمَنْ نَاصَحٌ نَفْسَهُ فِي طَلَبِ الْإِهْتِدَاءِ.^١

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ فَإِذَا جَاءَتِ الظَّامَةُ الْكُبْرَى يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى)

يُقَالُ: مَا الْمَرْعَى؟ الْجَوَابُ: التَّبَاتُ الَّذِي يَصْلُحُ أَنْ تَرْعَاهُ الْمَاشِيَةُ، وَهِيَ تَرْعَاهُ بِأَنْ تَأْكُلَهُ فِي مَوْضِعِهِ، رَعَتْ تَرْعَى رَعِيًا وَمَرْعَى،^٢ ثُمَّ سَعَى التَّبَاتُ الَّذِي يَصْلُحُ أَنْ يُرْعَى بِهِ.

وَيُقَالُ: مَا وَجْهُ الْعَبْرَةِ فِي الْأَرْضِ؟ الْجَوَابُ: مِنْ جِهَةِ أَثْقَالِهَا، وَمِنْ شَأْنِ الثَّقِيلِ أَنْ يَذْهَبَ سُفْلًا، وَهِيَ وَاقِفَةٌ بِإِمْسَاكِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَهَا، وَهِيَ وَاقِفَةٌ عَلَى الْمَاءِ، وَمِنْ شَأْنِ الْمَاءِ أَنْ يَجْرِيَ فِي الْمُنْحَدَرِ، وَهُوَ وَاقِفٌ بِإِمْسَاكِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَقَدْ خَرَجَتْ عَنْ طَنِيعِ الثَّقِيلِ، وَقَدْ خَرَجَتْ عَنْ اخْتِيَارِ التَّوَلِيَةِ،^٣ إِذْ لَا يُمَكِّنُ الْجِسْمُ أَنْ يَفْعَلَ فِي غَيْرِهِ إِلَّا بِمَا يُؤَلِّدُهُ فِي نَفْسِهِ، وَاقْتَصَى أَنَّهُ مِمَّنْ لَا يُشْبِهُ الْأَشْيَاءَ، وَلَا تُشْبِهُهُ، إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْأُمُورِ الَّتِي تَخْتَصُّ الْأَرْضُ مِنَ الْمَنَافِعِ الْعَظِيمَةِ الَّتِي هِيَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى كَثْرَةً.

وَيُقَالُ: مَا الْمَاءُ؟ [١٢٥أ] الْجَوَابُ: جَوْهَرٌ مَائِعٌ سَيَّالٌ يُرْوِي الْعَطْشَانَ مِنْ غَيْرِ عَدَاءِ الْحَيَوَانَ، وَفِي إِخْرَاجِ الْمَاءِ مِنَ الْأَرْضِ عَبْرَةً لَا تُحْصَى كَثْرَةً بِمَا فِيهِ مِنَ الْمَنْفَعَةِ، وَمَا لَهُ مِنَ الْمَادَّةِ عَلَى مَوْجِعِ الْحَاجَةِ، وَسَدِّ الْخَلَّةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْمَنْفَعَةِ، وَالتَّوْفِيقِ^٤ فِي السَّيْرِ إِلَى الْمَكَانِ الْبَعِيدِ بِالسُّهُولَةِ،^٥ كُلُّ ذَلِكَ مِنْ بِيَدِ ذُو الْجَلَالِ وَالْعَظَمَةِ. وَيُقَالُ: مَا الْإِرْسَاءُ؟ الْجَوَابُ: الْإِثْبَاتُ بِالثَّقَلِ،^٦ وَالسَّفِينَةُ تَرْسُو، أَيُّ: تَثْبُتُ بِثِقَلِهَا فَلَا تَزُولُ عَنْ مَكَانِهَا، وَرَبَّمَا أُرْسِيَتْ بِأَبْخُرٍ يُطْرَحُ لَهَا.^٧ فَأَمَّا الْجِبَالُ فَهِيَ أَوْتَادُ الْأَرْضِ أُرْسِيَتْ بِثِقَلِهَا، وَفِي جَعْلِهَا عَلَى الصِّفَةِ الَّتِي هِيَ عَلَيْهَا أَعْظَمُ الْعَبْرَةِ.

١. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١١٩-١١٩ب.

٢. في النسخة: مرعاً.

٣. في النسخة: «التوليد». فأثبتنا ما ورد عند الطوسي في التبيان، ٢٦٢/١٠.

٤. في النسخة: «شدة الخلة». والصحيح ما أثبتناه على ما ورد عند الطوسي في التبيان، ٢٦٢/١٠.

٥. في النسخة: معما.

٦. في النسخة: «من المتعة والمرفق». والصحيح ما أثبتناه على ما ورد عند الطوسي في التبيان، ٢٦٢/١٠.

٧. في النسخة: «السهولة». والصحيح ما أثبتناه على ما ورد عند الطوسي في التبيان، ٢٦٢/١٠.

٨. في النسخة: «النقل»؛ والصحيح ما أثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك، وفي التهذيب في التفسير، للحاكم الجسسي.

٩. في التبيان، للطوسي، ٢٦١/١٠: «وربما ارست بالبحر بما يطرح لها».

وَيَقَالُ: مَا (الطَّامَّةُ)؟ الْجَوَابُ: الْعَاشِيَةُ الْعَلِيظَةُ الْمُجَلَّلَةُ الَّتِي تُدْفِنُ الشَّيْءَ بِالْعَلَظِ وَالْكَثْرَةِ. وَيَقَالُ: مَا مِنْ طَامَّةٍ إِلَّا وَفَوْقَهَا طَامَّةٌ، فَهَذَا يُوضِحُ الْمَعْنَى الَّتِي ذَكَرْنَا فِي حَقِيقَةِ الطَّامَّةِ؛ وَالطَّامَّةُ: الْعَامِرَةُ لَمَّا يَتَدَفَّنُ بِعَلَظِهَا وَكَثْرَتِهَا، وَقِيلَ: الطَّامَّةُ: الْقِيَامَةُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: الطَّامَّةُ: الْعَامِرَةُ الْهَائِلَةُ. وَقِيلَ: (مَتَاعاً) أَي: بِأُصُولِ لِبَاسِ الْقُظْنِ وَالْكَتَّانِ وَالثَّمَارِ وَالطَّعَامِ لِبَنِي آدَمَ وَالْأَنْعَامِ. وَقِيلَ: الطَّامَّةُ: النَّفْحَةُ [١٢٥ب] الثَّانِيَةُ، عَنِ الْحَسَنِ. وَيُقَالُ: هِيَ تَطْمُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَتَطْمُ، عَنِ الْفَرَّاءِ.^١

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي دَحْوِ الْأَرْضِ^٣ لِإِمْكَانِ التَّصَرُّفِ عَلَيْهَا، وَإِخْرَاجِ الْمَاءِ وَالْمَرَعَى مِنْهَا، بِمَا فِيهِ قِيَامٌ أَهْلِيهَا، وَالِإِمْتِنَاعُ بِالطَّعَامِ لِلنَّاسِ وَالْأَنْعَامِ عَلَى إِدْرَارِهِ فِيهَا مِنْ أَعْتِبَارِ الْعَاقِلِ اللَّيِّبِ بِالْفِكْرِ اللَّطِيفِ وَالنَّظَرِ الثَّاقِبِ الصَّحِيحِ حَتَّى يَهْجُمَ بِهِ عَلَى الْأَمْرِ الْجَلِيلِ بِمَا يُظْهِرُهُ مِنَ الدَّلِيلِ، وَمَا فِي مَجِيءِ الطَّامَّةِ الْكُبْرَى مِنْ تَذَكِيرِ الْإِنْسَانِ مَا سَعَى فِي الدُّنْيَا، وَلِأَيِّ شَيْءٍ قَعَدَ عَنْ طَرِيقِ الْهُدَى وَضَيَّعَ الْحَزْمَ فِيمَا هُوَ أَوْلَى.^٥

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (وَبُورِزَتْ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى فَمَا مَنَّ ظَعَى وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ)

يُقَالُ: مَا التَّبَرُّيزُ؟ الْجَوَابُ: إِظْهَارُ الشَّيْءِ بِمِثْلِ التَّكْشِيفِ الَّذِي يُفْضِي^٦ إِلَيْهِ بِالْإِحْسَاسِ، وَمِنْهُ: فَلَانَ مُبَرِّزًا فِي الْفَضْلِ إِذَا ظَهَرَ لَهُ أَنْتَمَ الظُّهُورِ. وَمِنْهُ: بَارَزَ قَوْمُهُ إِذَا ظَهَرَ إِلَيْهِ مِنْ بَيْنِ الْجَمَاعَةِ. وَيُقَالُ: مَا الطُّغْيَانُ؟ الْجَوَابُ: الْعُدْوَانُ بِمُجَاوَزَةِ الْحَدِّ فِيهِ إِلَى الْإِفْرَاطِ، وَكُلُّ كَافِرٍ طَاغٍ [١٢٦أ] يَأْفِرُطُهُ فِي طُلْمِ نَفْسِهِ، وَطُلْمُ النَّفْسِ كَطُلْمِ غَيْرِهَا فِي التَّعَاطُفِ بِحَسَبِ زَاجِرِ الْعَقْلِ وَتَضْيِيعِ الْحَقِّ.

وَيُقَالُ: مَا الْإِيثَارُ؟ الْجَوَابُ: إِزَادَةُ الشَّيْءِ عَلَى جِهَةِ التَّفْضِيلِ لَهُ عَلَى غَيْرِهِ، وَمِنْهُ: الْإِخْتِيَارُ: إِزَادَةُ الشَّيْءِ بِأَنَّهُ خَيْرٌ مِنْ ضِدِّهِ، فَالْإِزَادَةُ أَعْمٌ لِأَنَّهَا غَيْرُ مُضَمَّنَةٍ بِإِيثَارِ شَيْءٍ عَلَى شَيْءٍ، وَمَنْ آثَرَ الْأُدْنَى عَلَى الْأَوْلَى فِي الْعَقْلِ فَهُوَ مَنْقُوصٌ بِالْحَاجَةِ، كَمَا أَنَّ مَنْ آثَرَ الْقَبِيحَ عَلَى الْحَسَنِ فَهُوَ عَلَى صِفَةِ نَقْصٍ، صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا، وَكَذَلِكَ كُلُّ مَنْ فَعَلَ الْقَبِيحَ فِي الْعَقْلِ.

١. يبدو أنها - أي: نظم الثانية - زيادة وردت في النسخة، فلم تكن موجودة في المصادر.

٢. معاني القرآن، للفرّاء، ٢٣٤/٣: «وهي القيامة، تطم على كل شيء، يُقال: تَطْمُ وتَطْمُ لغتان».

٣. في النسخة: «وجود الأرض»؛ والصحيح ما أثبتناه على ما ورد في البرهان، للخوفي.

٤. في البرهان، للخوفي: «من تذكير».

٥. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١١٩ب.

٦. في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك: «يقضي».

وَيُقَالُ: مَا الْهَوَى؟ الْجَوَابُ: أَوْجِيئَةٌ فِي النَّفْسِ تَدْعُو إِلَى مَا لَا يَجُوزُ فِي الْعَقْلِ، وَذَلِكَ أَنَّ اتِّبَاعَ الْهَوَى مَذْمُومٌ، وَلَيْسَ يَجُوزُ لِأَحَدٍ أَنْ يَفْعَلَ شَيْئاً لِدَاعِي الْهَوَى، فَإِنْ عَمِلَهُ لِدَاعِي الْعَقْلِ عَلَى مُوَافَقَةِ الْهَوَى لَمْ يَضُرَّ. وَيُقَالُ: مَا الْحَيَاةُ؟ الْجَوَابُ: خَاصَّةٌ لِلنَّفْسِ، بِهَا يَصْحُحُ الْإِذْرَاكُ، كَمَا أَنَّ الْقُدْرَةَ خَاصَّةٌ لِلنَّفْسِ يَصْلُحُ لِلصَّادِقِينَ وَهَمَّا حَيَاتَانِ: حَيَاةُ الدُّنْيَا وَحَيَاةُ الْآخِرَةِ، وَهِيَ الْحَيَاةُ الدَّائِمَةُ.

(وَأَثَرُ) نَعِيمِ الدُّنْيَا عَلَى نَعِيمِ الْآخِرَةِ. (فَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ عَمَّا يُحِبُّ عَلَيْهِ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ مَاوَاهُ، وَالْأَلْفُ وَاللَّامُ بَدَلٌ مِنَ الصَّمِيرِ، وَهُوَ شَبِيهَةٌ [١٢٦ب] بِقَوْلِهِمْ: مَرَزْتُ بِرَجُلٍ حَسَنِ الْوَجْهِ، أَي: حَسَنَ وَجْهَهُ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي بُرُوزِ الْجَحِيمِ لِلرَّائِي مِنْ هَوْلِ ذَلِكَ الْمَرْئِي، حَتَّى يَوَدَّ الظَّاعِي أَنَّهُ مَا طَعَى مَعَ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلَاصِ لِإِيثَارِ مَا يَدْعُو إِلَيْهِ الْهَوَى وَمَا فِي نَهْيِ النَّفْسِ عَنِ الْعَمَلِ لِلشَّهْوَةِ الدَّاعِيَةِ إِلَى خِلَافِ الْحِكْمَةِ مِنَ الْفُوزِ بِالْجَنَّةِ فِي أَجَلٍ^٢ نِعْمَةٍ وَأَتَمِّ كَرَامَةٍ^٣.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى يَسْتَلُوتَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنْ يُخَشَاهَا كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا)

يُقَالُ: مَا الْجَنَّةُ؟ الْجَوَابُ: الْبُسْتَانُ الَّذِي تَحْتَهُ الشَّجَرُ، فَجَنَّةُ الْخُلْدِ بِهَذِهِ الصِّفَةِ عَلَى الْقُصُورِ الَّتِي فِيهَا وَالْأَبْنِيَّةِ الْحَسَنَةِ الَّتِي قَدْ جَمَعَتْ كُلَّ تَحْفَةٍ وَطَرْفَةٍ مِمَّا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ وَتَلدُّ الْأَعْيُنُ مِنْ غَيْرِ أَدَى يَلْحَقُ بِحَالٍ فِي عَاجِلٍ وَلَا أَجَلٍ.

وَيُقَالُ: إِنَّ قُصُورَهَا مَبْنِيَّةٌ بِفَاخِرِ الْجَوْهَرِ مِنَ الْيَاقُوتِ وَالزُّمُرُودِ، وَمِنْهُ مَا هُوَ بِلَبَنَةٍ مِنْ ذَهَبٍ وَبَلَبَنَةٍ مِنْ فِضَّةٍ، وَتَعْظِيمُ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَتَشْوِيقُهُ إِلَيْهَا يَدُلُّ عَلَى أَنَّهَا عَلَى أَجَلٍ حَالٍ يُشْتَهَى فِيهَا، مَعَ أَنَّهُ [١٢٧أ] لَا تَتَعَاظَمُ فِي مَقْدُورِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (أَيَّانَ)؟ الْجَوَابُ: مَتَى، إِلَّا أَنَّ مَتَى أَكْثَرُ اسْتِعْمَالًا فِي السُّؤَالِ عَنِ الزَّمَانِ، وَنَظِيرُهَا أَيَّنَ عَنِ السُّؤَالِ عَنِ الْمَكَانِ وَلِذَلِكَ فُتِّرَتْ (أَيَّانَ) بِمَتَى.

١. لعل الأنسب هنا: «وهي».

٢. في النسخة: «في أجل»؛ والصحيح ما أثبتناه على ما ورد عند الحوفي في البرهان لعلوم القرآن.

٣. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١١٩ب.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى **(مُرْسَاهَا)**؟ الْجَوَابُ: قِيَامُهَا ثَانِيَةً عَلَى مَا يَصِفُ مِنْ شَأْنِهَا، وَأَصْلُ الْإِرْسَاءِ التُّبُوتُ مِنْ قَوْلِهِمْ رَسَتِ الشَّفِينَةُ تَرَسُو رَسْوًا، وَهِيَ رَاسِيَةٌ إِذَا تَبَتَّتْ، وَمِنْهُ: **(وَالْحِبَالُ أَرْسَاهَا)**،^١ وَيَحْتَمَلُ أَنْ يَكُونَ الْمُرْسَى الْمَصْدَرُ وَلَوْ قَتِ الْإِرْسَاءُ.^٢

وَيُقَالُ: مَا الْمُنْتَهَى؟ الْجَوَابُ: مَوْضِعُ بُلُوغِ الشَّيْءِ فَكَأَنَّهُ قِيلَ: إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَى أَمْرُهَا بِإِقَامَتِهَا لِأَنَّ مُبْتَدَأَ أَمْرِهَا بِذِكْرِهَا وَصِفَتِهَا وَالْإِنْدَارِ بِهَا، وَمُنْتَهَى أَمْرُهَا بِإِقَامَتِهَا إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ لِأَنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى. وَيُقَالُ: لِمَ حُصَّ الْإِنْدَارُ بِمَنْ يَحْشَى وَهُوَ مُنْذِرٌ مَنْ يَحْشَى وَمَنْ لَا يَحْشَى؟ الْجَوَابُ: إِنَّهُ لَمَا كَانَ مَنْ يَحْشَى يَنْتَفِعُ بِالْإِنْدَارِ، وَمَنْ لَا يَحْشَى لَا يَنْتَفِعُ بِهِ لَمْ يَعْتَدِ بِالْإِنْدَارِ مَنْ لَا يَحْشَى، وَكَانَ كَأَنَّهُ غَيْرُ مُنْذِرٍ لَهُ لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ.

وَقِيلَ: إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَى عِلْمُهَا، أَيْ: لَا يَعْلَمُ إِلَّا هُوَ مَتَى قِيَامُهَا، عَنِ الْحَسَنِ. وَقِيلَ: فِي مُرْسَاهَا مَتَى **[١٢٧]** يَثْبُتُ أَمْرُهَا بِقِيَامِهَا. وَقِيلَ: صَغُرَتِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِ الْقَوْمِ حَتَّى رَأَوْا الْآخِرَةَ، عَنِ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: الرَّهْبُ فِي الدُّنْيَا وَالرَّغْبَةُ فِي الْآخِرَةِ: التَّمَسُّكُ بِطَاعَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَمُجَانِبَةُ مَعَاصِيهِ. وَقِيلَ: **(فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا)** أَيْ: إِنَّهُ لَيْسَ عِنْدَكَ عِلْمٌ مَتَى تَكُونُ؛ فَإِنَّمَا عِنْدَكَ عِلْمٌ أَنَّهَا تَكُونُ. وَقِيلَ: هِيَ حِكَايَةُ قَوْلِهِمْ: فَذَكَرْتُمْ مِنْ ذِكْرَاهَا؛ فَمَتَى تَكُونُ؟

وَكُلُّهُمْ قَرَأَ **(إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مَنْ يَخْشَاهَا)** بِغَيْرِ تَنْوِينٍ إِلَّا أَبَا عَمْرٍو، وَفِي رِوَايَةِ عِيَّاشٍ فَإِنَّهُ نَوَّنَ **«مُنْذِرٌ مَنْ»**.

وَقَدْ تَصَمَّتِ الْآيَاتُ الْبَيِّنَاتُ عَمَّا فِي السُّؤَالِ عَنِ السَّاعَةِ عَلَى طَرِيقِ التَّكْذِيبِ بِهَا، وَالتَّعْجِيبِ مِنْ ذِكْرِ مَنْ ثَبَّتَهَا مِنَ الْإِنْكَارِ عَلَيْهِ، وَالْإِسْتِجْهَالِ لَهُ، وَالتَّعْرِيفِ أَنَّ أَمْرَهَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْمَالِكِ لَهَا وَلِجَمِيعِ الْأُمُورِ مِنْ غَيْرِهَا، وَأَنَّ الرَّسُولَ مُنْذِرٌ بِهَا^٣ وَلَيْسَ إِلَيْهِ [عِلْمٌ] قِيَامُهَا، وَأَنَّ مَا أَنْكَرُوهُ فَسَيَرُونَهُ^٤، حَتَّى كَانَتْهُمْ لَمْ يَزَالُوا فِيهِ، وَكَانَتْهُمْ لَمْ يَلْبَثُوا فِي الدُّنْيَا إِلَّا سَاعَةً، ثُمَّ مَضَتْ كَأَنَّهَا لَمْ تَكُنْ.^٥

١. النازعات: ٣٢.

٢. يعني اسم الزمان؛ فذكر الطوسي هذه الجملة في التبيان، ١٠/٢٦٥: «ويجوز أن يكون المراد بالمرسى المصدر، ويجوز أن يكون وقت الارساء».

٣. في البرهان، للخوفي: «منذر لها».

٤. ساقطة من النسخة؛ فأضفناها على ما ورد في البرهان، للخوفي.

٥. في النسخة: «فسيره»؛ فأثبتناه على ما ورد في البرهان، للخوفي.

٦. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١١٤.

سورة عَبَسَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ [١١٢٨] فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْكِي أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى أَمَا مِنْ اشْتَعْنَى﴾

يُقَالُ: مَا الْعُبُوسُ؟ الْجَوَابُ: تَقْيِضُ الْوَجْهِ عَنِ تَكْرُوهٍ، وَالْعُبُوسُ وَالْبُسُورُ وَالْتَّقْطِيبُ نَطَائِرٌ، وَمِنْهُ أَخَذَ الْعَبَّاسُ^١ وَعَبَسَ فَلَانَ فِي وَجْهِهِ فَلَانَ مِثْلَ كَلْحٍ. وَيُقَالُ: مَا التَّوَلَّى؟ الْجَوَابُ: الذَّهَابُ بِالْوَجْهِ عَنِ الشَّيْءِ لِأَنَّهُ صَرَفَهُ عَنِ أَنْ يَلِيَهُ؛ وَتَوَلَّى عَنْهُ^٢ بِمَعْنَى أَعْرَضَ؛ وَتَوَلَّاهُ^٣ بِخِلَافِ تَوَلَّى عَنْهُ، وَذَلِكَ أَنَّ تَوَلَّاهُ: عَقَدَ عَلَى نَصْرِهِ، وَتَوَلَّى عَنْهُ: أَعْرَضَ عَنْهُ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى ﴿يَزْكِي﴾؟ الْجَوَابُ: يَتَزَكَّى بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ إِلَّا أَنَّ التَّاءَ أُدْغِمَتْ فِي الرَّايِ كَمَا أُدْغِمَتْ [فِي الدَّالِ فِي قَوْلِهِ]^٤ ﴿يَذَّكَّرُ﴾ بِمَعْنَى يَتَذَكَّرُ، وَلَا يَجُوزُ إِدْغَامُ الرَّايِ فِي التَّاءِ، لِأَنَّهَا أَفْضَلُ، إِذْ هِيَ مِنْ حُرُوفِ الصَّفِيرِ: الرَّايِ وَالصَّادِ وَالسَّيْنِ.

وَيُقَالُ: مَا التَّذَكُّرُ؟ الْجَوَابُ: طَلَبُ الذِّكْرِ بِالْفِكْرِ، وَقَدْ حَصَّ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ عَلَى التَّذَكُّرِ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ مِنَ الْقُرْآنِ، فَقَالَ: ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^٥، وَقَالَ: ﴿إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾^٦، فَيَتَبَغَّى لِلْإِنْسَانِ أَنْ يَسْتَكْتِرَ مِنْ ذِكْرِ مَا [١٢٨ب] يَدْعُو^٧ إِلَى الْحَقِّ وَيَصْرِفَ عَنِ الْبَاطِلِ. وَيُقَالُ: مَا الْإِسْتِعْنَاءُ؟ الْجَوَابُ: الْإِكْتِفَاءُ بِالْأَمْرِ فِيمَا يَنْفِي الضَّرَّ^٨، وَقَدْ يُكْتَفَى الْإِنَاءُ فِي مَلْتِهِ بِمَا فِيهِ وَلَا يَكُونُ هَذَا مِنْ بَابِ الْإِسْتِعْنَاءِ فِي الْحَقِيقَةِ.

وَقِيلَ: كَانَ الْأَعْمَى عَبْدَ اللَّهِ بْنِ أُمِّ مَكْتُومٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَالصَّحَّاحِ وَابْنِ زَيْدٍ. وَقُرَأَ عَاصِمٌ وَحْدَهُ ﴿فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى﴾ بِالنَّضْبِ عَلَى جَوَابِ لَعَلَّ، وَقُرَأَ الْبَاقُونَ بِالرَّفْعِ عَلَى الْعِظْفِ عَلَى يَذَّكَّرُ.

٤٢٠

آينه پژوهش | ٢١٥
سال ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٥٣

١. «ومنه اشتق اسم عباس»، التبيان، للطوسي، ٢٦٨/١٠.

٢. في النسخة: «يولي عنه»؛ فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي.

٣. في النسخة: «وتولى»؛ فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي.

٤. في النسخة: تزكى.

٥. زيادة تقتضيها السياق؛ فأضفناه على ما ورد في التبيان، للطوسي.

٦. الذاريات: ٥٥.

٧. الرعد: ١٩.

٨. في النسخة: «يدعوا».

٩. في التبيان، للطوسي: «ينفي الضرر»؛ وفي تفسير ابن فورك: «يتقى الضرر».

وَقَدْ نَصَمَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي انْكَارِ الْعُبُوسِ وَالتَّوَلِّيِ عَنْ مَنْ ظَاهَرَهُ الْإِيمَانُ وَالتَّرَكِّي، بَصِيرًا كَانَ أَوْ أَعْمَى، مِنْ شَرِيفِ الْأَدَبِ الدَّاعِي إِلَى كَرِيمِ الْخُلُقِ لَا سِيَّمَا فِي مَجَالِسِ الدِّكْرِ الَّتِي تُؤَدِّي إِلَى الْإِسْتِبْصَارِ فِي الدِّينِ بِالْعِلْمِ.^٢

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا نَبْذِيكَ وَأَمَا مِنْ جَاءَكَ يَسْعَى وَهُوَ يَخْشَى فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى)

يُقَالُ: مَا التَّصَدَّى؟ الْجَوَابُ: التَّعَرُّضُ لِلشَّيْءِ كَتَعَرَّضَ الْعَطْشَانُ لِلْمَاءِ، وَأَصْلُهُ الصَّدَى: الْعَطْشُ، وَرَجُلٌ صَدِيَانٌ، أَيُّ: عَطْشَانٌ، وَالصَّدَى: الصَّوْتُ الَّذِي يَرُدُّهُ الْجَبَلُ أَوْ نَحْوُهُ، لِأَنَّهُ بِالْجَفَافِ كَجَفَافِ حَلْقِ الْإِنْسَانِ الْعَطْشَانِ [١٢٩]. وَيُقَالُ: مَا السَّعَى؟ الْجَوَابُ: الْإِسْرَاعُ فِي الْمَشْيِ، وَمِنْهُ سَعَى بِالْفَسَادِ إِذَا عَمِلَ بِهِ مُسْرِعًا إِلَيْهِ، وَمِنْهُ (فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ)^٣ أَيُّ: سَارِعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَلَا تَتَنَاقَلُوا عَنْهُ.

وَيُقَالُ: مَا التَّلَهَّى عَنِ الشَّيْءِ؟ الْجَوَابُ: التَّرَوُّحُ بِالْإِعْرَاضِ عَنْهُ، وَالتَّلَهَّى بِهِ: التَّرَوُّحُ بِالْإِفْتِخَالِ عَلَيْهِ، وَمِنْهُ: «إِذَا اسْتَأْتَرَ اللَّهُ بِشَيْءٍ فَالَهُ عَنْهُ»، أَيُّ: ائْتَرَكُهُ وَأَعْرَضَ عَنْهُ؛ وَلَهَيْتُ عَنِ الشَّيْءِ: إِذَا تَشَاعَلْتُ عَنْهُ. وَيُقَالُ: لِمَ كَانَ التَّطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ تَرْكِيًّا؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّ أَصْلَهُ الرِّكَاءُ [وَهُوَ] التِّمَاءُ، فَلَمَّا كَانَ الْخَيْرُ يَنْمِي لِلْإِنْسَانِ بِالتَّطَهَّرِ مِنَ الذُّنُوبِ صَارَ تَرْكِيًّا.

وَيُقَالُ: لِمَ لَزِمَتِ الْمُؤْمِنُ الْحَشِيَّةُ؟ الْجَوَابُ: التَّحَدُّرُ مِنَ الْخَطِيئَةِ الْمُؤَدِّيَةِ إِلَى عِقَابِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ إِلَى أَنْ يَصِيرَ إِلَى الْجَنَّةِ، فَتَرْفَعُ عَنْهُ كُلُّ حَشِيَّةٍ وَمَخَافَةٍ، لِأَنَّهُ قَدْ زَالَ التَّكْلِيفُ وَصَارَ إِلَى الرَّاحَةِ التَّامَةِ بِالْإِلْجَاءِ إِلَى الْمَحَاسِنِ وَتَرْكِ الْمَقَابِحِ بِمَا يُؤْمِنُهُ مِنْ مُوَافَقَةِ الْمَعْصِيَةِ.

وَقِيلَ: نَزَلَتْ فِي عُثْبَةَ بْنِ رَبِيعَةَ وَشَيْبَةَ بْنِ رَبِيعَةَ، عَنْ مُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: نَزَلَتْ فِي الْعَبَّاسِ، عَنْ سُفْيَانَ.

وَمَنْ قَرَأَ (تَصَدَّى) حَفِيفَةَ الصَّادِ فَهِيَ عَلَى حَذْفِ التَّاءِ، وَمَنْ قَرَأَ (تَصَدَّى) مُشَدَّدَةَ الصَّادِ فَهُوَ عَلَى [١٢٩ب] الْإِدْغَامِ، فَأَمَّا «تَتَكَلَّمُونَ» فَلَا يَجُوزُ فِي تَخْفِيفِهِ إِلَّا الْحَذْفُ دُونَ الْإِدْغَامِ، لِأَنَّ أَلْفَ الْوُضَلِ لَا تَدْخُلُ فِي الْمُضَارِعِ كَمَا لَا تَدْخُلُ فِي اسْمِ الْفَاعِلِ.^٤ وَقَرَأَ ابْنُ كَثِيرٍ وَنَافِعٌ «تَصَدَّى» مُشَدَّدَةَ الصَّادِ،

١. في البرهان، للخوفي: «في الدنيا».

٢. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١٢٥.

٣. الجمعة: ٩.

٤. من أمثال العرب، ونسب قوله إلى عمر بن عبدالعزيز. انظر: الكامل في اللغة والأدب، للمبرد، ٣٢/٤؛ الفصحح، لأبي

العباس ثعلب، ص ٢٧٨.

٥. «تتكلمون وتدون لم يجز الإدغام وإدخال ألف الوضل لأن ألف الوضل لا تدخل على الفعل المضارع»

المقتضب، لمحمد بن يزيد المبرد، ٢٤٣/١.

وَقَرَأَ الْبَاقُونَ (تَصَدَّى) حَفِيْفَةً. وَقَرَأَ ابْنُ كَثِيْرٍ فِي رَوَايَةٍ ابْنِ أَبِي بَرَّةَ وَابْنِ فُلَيْحٍ (تَلَّهَى) بِإِذْعَامِ النَّاءِ فِي اللَّامِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِالتَّخْفِيْفِ، وَفُنْبِلٌ عَنِ ابْنِ كَثِيْرٍ بِالتَّخْفِيْفِ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي تَصَدَّى الدَّاعِي إِلَى الْحَقِّ لِلْغَنِيِّ وَإِعْرَاضِهِ عَنِ الْفَقِيْرِ مِمَّا لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ لِمَا فِيهِ مِنَ التَّنْفِيْرِ وَإِيْهَامِ طَلْبِ النَّائِلِ^١ مِنَ الْغَنِيِّ، وَإِنْ كَانَ الدَّاعِي بَرِيئاً مِنْهُ، وَإِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ جَرِصاً عَلَى أَنْ يَهْتَدِي، وَإِكْرَامِ طَالِبِ الْعِلْمِ أَوَّلَى^٢.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ)

يُقَالُ: مَا التَّذْكِرَةُ؟ الْجَوَابُ: حُضُورُ الْمُوعِظَةِ بِاجْتِلَابِ الْفِكْرِ عَلَى مَا يَدْعُو إِلَيْهِ مِنَ الصَّلَاحِ وَيَزْجُرُ عَنْهُ مِنَ الْفَسَادِ وَيُلَيِّنُ الْقَلْبَ بِمَا يَرَى مِنْ عَاقِبَةِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا، فَبِئْسَ التَّذْكِرَةُ أَعْظَمُ الْفَائِدَةِ [١١٣٠]، وَفِي الْعُقْلَةِ أَكْبَرُ الْآفَةِ.

وَيُقَالُ: مَا الْفَرْقُ بَيْنَ التَّذْكِرَةِ وَالْمَعْرِفَةِ؟ الْجَوَابُ: إِنَّ التَّذْكِرَةَ ضِدُّ الْعُقْلَةِ، وَالْمَعْرِفَةُ تَضَادُّ الْجَهَالَةَ وَالسُّكُوتَ وَكِلَاهُمَا يَتَعَاقَبَانِ عَلَى حَالِ الذِّكْرِ دُونَ السَّهْوِ، فَتَعَاقَبُ الْعِلْمُ وَأَصْدَادُهُ عَلَى حَالِ الذِّكْرِ دُونَ السَّهْوِ، وَالذِّكْرُ مُعْظَمٌ لِأَنَّهُ طَرِيقٌ إِلَى الْعِلْمِ بِالْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ وَالصَّحِيْحِ مِنَ الْفَاسِدِ.

وَيُقَالُ: مَا الْمُكْرَمُ؟ الْجَوَابُ: الْمُعْظَمُ بِمَا لَهُ مِنَ الْجَلَالَةِ عَلَى حَسَبِ مَنْزِلَتِهِ فِي شِدَّةِ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ، وَإِنَّمَا وُصِفَتِ الصُّحُفُ بِأَنَّهَا مُكْرَمَةٌ لِتَعْظِيمِهَا بِمَا تَضَمَّنَتْ مِنَ الْحِكْمَةِ. وَيُقَالُ: مَا السَّفَرَةُ؟ الْجَوَابُ: الْكُتُبَةُ لِأَسْفَارِ الْحِكْمَةِ، وَاحِدُهُمْ: سَافِرٌ، كَقَوْلِكَ كَاتِبٌ وَكُتُبَةٌ؛ وَوَاحِدُ الْأَسْفَارِ: سَفْرٌ، وَأَصْلُهُ الْكَشْفُ عَنِ الْأَمْرِ مِنْ قَوْلِهِمْ: سَفَرَتِ الْمَرْأَةُ، إِذَا كَشَفَتْ عَنْ وَجْهِهَا، فَالْكَاتِبُ يَسْفِرُ بِالْكِتَابِ عَنِ النَّفْسِ.

وَيُقَالُ: لِمَ عَظُمَتِ الرَّفْعَةُ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّ الرَّفِيْعَ يُنَالُ بِالْخَيْرِ، وَالشَّرُّ لَا يُنَالُ،^٣ وَالْعُلُوُّ مُعْظَمٌ، وَكَذَلِكَ الرَّفْعَةُ إِلَّا أَنَّ الْعَالِيَّ قَدْ صُرِفَ إِلَى مَعْنَى الْقَادِرِ الْعَظِيمِ الشَّانِ فِيْمَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ.

وَقِيلَ: كَلَّا، إِنَّ السُّورَةَ تَذْكِرَةٌ، فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَ التَّنْزِيلَ؛ [١٣٠ب] وَقِيلَ: (كَلَّا) أَي: لَيْسَ الْأَمْرُ يُنْبَغِي أَنْ يَكُونَ عَلَى هَذَا. وَقِيلَ: السَّفَرَةُ: الْكُتُبَةُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ؛ وَقِيلَ: الْمَلَانِكَةُ، عَنْهُ؛ وَقِيلَ: الْقُرَاءُ، عَنْ

١. فِي النِّسْخَةِ: «طَلَبِ التَّوَالِي»، وَالصَّوَابُ مَا أَثْبَتْنَاهُ عَلَى مَا وَرَدَ فِي الْبَرَهَانَ لِعُلُومِ الْقُرْآنِ، لِلْحَوْفِيِّ.

٢. وَرَدَتْ هَذِهِ الْفَقْرَةُ بِكَامِلِهَا عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْحَوْفِيِّ فِي تَفْسِيْرِهِ: الْبَرَهَانَ فِي عُلُومِ الْقُرْآنِ، الْوَرَقَةُ: ١١٢٥-١١٢٥ب.

٣. فِي النِّسْخَةِ: «بِالْخَيْرِ أَوْ الشَّرِّ وَلَا يُنَالُ».

فَتَادَا؛ وَقِيلَ: الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ يَسْفِرُونَ بِالْوَحْيِ مِنَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ إِلَى رُسُلِهِ. وَسَفِيرُ الْقَوْمِ: الَّذِي يَسْعَى بَيْنَهُمْ فِي الصُّلْحِ؛ وَسَفَرْتُ بَيْنَ الْقَوْمِ، إِذَا أَصْلَحْتَ بَيْنَهُمْ. وَقَالَ الشَّاعِرُ:

وَمَا أَدْعُ السِّفَارَةَ بَيْنَ قَوْمِي وَمَا أَمْشِي بِغَيْشٍ إِنْ مَسَيْتُ^١

وَأَسْفَرَ الصُّبْحُ إِذَا أَضَاءَ، وَقَدْ دَلَّ (كَلَامًا) عَلَى أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ فِيمَا يَسْتَأْنِفُ، فَأَمَّا الْمَاضِي فَلَمْ يَدُلَّ عَلَى أَنَّهُ مَعْصِيَةٌ، لِأَنَّهُ لَمْ يَتَقَدَّمْ مَعْنَى التَّنْهِي. (فَسَنَ شَاءَ ذِكْرَهُ) دَلِيلٌ عَلَى بُطْلَانِ مَذْهَبِ الْمُجْبِرَةِ فِي الْقُدْرَةِ أَنَّ قُدْرَةَ الْإِيمَانِ لَيْسَتْ مَعَ أَكْثَرِ الْمُكَلَّفِينَ، وَلَا لِأَحَدٍ مِنَ الْعِبَادِ قُدْرَةٌ إِلَّا فِي حَالِ الْفِعْلِ^٢. وَقِيلَ: مُطَهَّرَةٌ: مَصُونَةٌ عَنِ أَنْ يَنَالَهَا أَيْدِي الْكُفَّارِ الْأَنْجَاسِ. وَقِيلَ: سَفَرَةٌ: مَلَائِكَةٌ مُوَكَّلُونَ بِالْأَسْفَارِ مِنْ كُتُبِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ. وَقِيلَ: مُطَهَّرَةٌ مِنْ كُلِّ دَنَسٍ، عَنِ الْحَسَنِ. وَيَجُوزُ فِي الْهَاءِ أَنَّهَا عِمَادٌ، وَيُحَدَّفُ لِلْإِبْتِدَاءِ، كَأَنَّهُ قِيلَ: إِنَّهَا هِيَ تَذَكِيرَةٌ.

وَقَدْ تَصَمَّيَتْ [١١٣١] الْآيَاتُ الْبَيَانِ عَمَّا فِي التَّذَكِيرَةِ بِالْحِكْمَةِ الْمُعْظَمَةِ بِإِثْبَاتِهَا فِي صُحُفٍ مُكْرَمَةٍ^٣ وَجَعَلَهَا مَرْفُوعَةً مُطَهَّرَةً وَبِأَيْدِي سَفَرَةٍ كِرَامٍ بَرَّةٍ مِنَ الْمُوعِظَةِ بِمَا يَدْعُو إِلَى الْخَيْرِ وَيَرْجُرُّ عَنِ الشَّرِّ وَيُثَبِّتُ الْقَلْبَ لِلْعَمَلِ بِالْحَقِّ^٤.

٤٢٣

آبِنُهُ بِزَوْهَشٍ | ٢١٠
سال ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٠٣

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (كِرَامٍ بَرَّةٍ قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ)

يُقَالُ: مَا الْكِرِيمُ؟ الْجَوَابُ: الْخَصِيصُ بِأَنَّ مِنْ شَأْنِهِ أَنْ يَأْتِيَ الْخَيْرَ مِنْ جِهَتِهِ مُهَيَّأً مِنْ غَيْرِ شَائِبٍ يُكَدِّرُهُ، وَهِيَ صِفَةٌ مَدْحٌ وَتَعْظِيمٌ؛ وَمِنْهُ أَخَذَتْ الْكِرْمَةُ لِشَرَفِ الثَّمَرَةِ، وَالْكَرْمُ يَتَعَاطَمُ، فَالِنَّبِيُّ أَكْرَمُ مِمَّنْ لَيْسَ بِنَبِيِّ مِنَ الْعِبَادِ، وَالْمُؤْمِنُ أَكْرَمُ مِمَّنْ لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ مِنْهُمْ.

وَيُقَالُ: مَا الْبَرُّ؟ الْجَوَابُ: فِعْلٌ لِلتَّنْفَعِ عَلَى اجْتِلَابِ الْوُدِّ، وَالْبَارُّ فَاعِلُ الْبِرِّ، وَأَصْلُهُ اتِّسَاعُ التَّنْفَعِ، وَمِنْهُ الْبَرُّ لِاتِّسَاعِ التَّنْفَعِ بِهِ، وَمِنْهُ الْبَرُّ مُسَمًّى بِهِ عَلَى التَّفَاوُلِ بِاتِّسَاعِ التَّنْفَعِ بِهِ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (قُتِلَ)

١. ورد البيت من غير عزو في معاني القرآن، للفراء، ٢٣٦/٣؛ وجامع البيان، للطبري، ١٠٩/٢٤.
٢. في التبيان، للطوسي، ٢٧١/١٠: «دليل على بطلان مذهب المجبرة في أن القدرة مع الفعل، وأن المؤمن لا قدرة له على الكفر، وأن الكافر لا يقدر على الإيمان، لأنه تعالى بين أن من شاء أن يذكره ذكره لأنه قادر عليه».
٣. في البرهان في علوم القرآن، للخوفاي: «إثباتها صحفاً مكرومة».
٤. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفاي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١٢٥ ب.
٥. في تفسير ابن فورك: مهياً.

الإنسان ما أكفَرُهُ؟ الجواب: قَدْ حَلَّ مَحَلَّ مَنْ يُدَّعَى عَلَيْهِ بِالْقَتْلِ دَمًا لَهُ بِقَبِيحِ الْفِعْلِ، فَمَخْرَجُهُ مَخْرَجَ الدُّعَاءِ عَلَيْهِ. وَلَا يُقَالُ: إِنَّ [١٣١ب] اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ دَعَا عَلَيْهِ لِقُبْحِ اللَّفْظِ بِهِ لِمَا يُوْهُمُّ مِنْ تَمَنِّي الْمَدْعُوِّ بِهِ.

وَيُقَالُ: مَا التَّقْدِيرُ؟ الجواب: جَعَلَ الشَّيْءَ عَلَى مِقْدَارٍ غَيْرِهِ، فَلَمَّا كَانَ الْإِنْسَانُ قَدْ جُعِلَ عَلَى مِقْدَارٍ مَا تَقْتَضِيهِ الْحِكْمَةُ فِي أَمْرِهِ مِنْ غَيْرِ زِيَادَةٍ وَلَا نُقْصَانٍ كَانَ قَدْ قُدِّرَ أَحْسَنُ تَقْدِيرٍ وَدُبَّرَ أَحْسَنُ التَّدْبِيرِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى **(تَمَّ السَّبِيلَ بَسْرَهُ)**؟ الجواب: تَمَّ مَكَّنَهُ مِنْ سُلُوكِ طَرِيقِ الْخَيْرِ، وَاتَّقَاءِ طَرِيقِ الشَّرِّ، فَيَجِبُ لَهُ الثَّوَابُ وَيَسْتَحِقُّ الْإِجْلَالَ وَالْإِكْرَامَ، فَهُوَ يَكْفُرُ هَذَا كُلَّهُ وَيُضَيِّعُ حَقَّهُ. وَجَمْعُ بَارٍ: بَرَزَةٌ، كَقَوْلِكَ سَاحِرٌ وَسَحْرَةٌ، وَرَجُلٌ بَرٌّ وَامْرَأَةٌ بَرَّةٌ، وَلَا يُجْمَعُ إِلَّا عَلَى هَذَا اسْتِغْنَاءً بِهِ.

و**(قُتِلَ الْإِنْسَانُ)** بِمَنْزِلَةِ لُعِنِ الْإِنْسَانِ وَهُوَ الْكَافِرُ، عَنِ مُجَاهِدٍ؛ وَ**(مَا)** يَخْتَمِلُ التَّعَجُّبَ، وَيَخْتَمِلُ مَعْنَى أَيْ. ^١ وَقِيلَ: **(تَمَّ السَّبِيلَ بَسْرَهُ)** بِخُرُوجِهِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَقَتَادَةَ وَالشَّيْخِ، وَقِيلَ: طَرِيقِ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ، عَنِ مُجَاهِدٍ، كَقَوْلِهِ تَعَالَى: **(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)**. ^٢ وَقَالَ الْحَسَنُ: سَبِيلَ الْخَيْرِ. وَقَالَ ابْنُ زَيْدٍ: سَبِيلَ الْإِسْلَامِ. وَقَالَ الْحَسَنُ أَيْضًا فِي **(بَسْرَهُ)**: بَصْرَهُ طَرِيقَ الْهُدَى وَالضَّلَالِ. وَقَالُوا: [١٣٢أ] سَرِيٌّ وَسَرَاءٌ، فَجَمَعُوا عَلَى فَعْلَةٍ، وَأَجْرُوهُ مَجْرَى فَاعِلٍ مِنَ الصَّحِيحِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي كُفْرِ الْإِنْسَانِ بِمَا يُوجِبُهُ خَلْقُهُ مِنْ نُظْفَةٍ مُقَدَّرَةٍ، ثُمَّ تَبَسُّيرِ السَّبِيلِ لَهُ بِالْقُدْرَةِ، ثُمَّ رَدِّهِ إِلَى حَالِ الْإِمَاتَةِ لِلْعَبْرَةِ مِنَ الدَّمِّ بِحَسَبِ عِظَمِ هَذَا الْكُفْرِ فِي الشُّبْحِ الَّذِي خَرَجَ بِهِ إِلَى أَفْحَشِ الْفُحْشِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (تَمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ كَلَّا لَمَّا يُفْضِ مَا أَمَرَهُ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا)

يُقَالُ: مَا الْإِمَاتَةُ؟ الجواب: إِحْدَاثُ الْمَوْتِ، وَالْمَوْتُ عَرَضٌ يُصَادُ الْحَيَاةَ مُضَادَّةً الْمَعَاقِبَةَ عَلَى الْحَالِ الْوَالِحَةِ وَهِيَ حَالُ تَعْدِيلِ الْبُنْيَةِ الْحَيَوَانِيَّةِ وَذَلِكَ أَنَّ مَا لَا يَصِحُّ أَنْ تَحُلَّهُ حَيَاةٌ لَا يَصِحُّ لَهُ الْمَوْتُ.

١. في النسخة: «ويتقي».

٢. التهذيب في التفسير، للحاكم الجشمي، ٧٢٨٥/١٠.

٣. الإنسان: ٣.

٤. التعليقة على كتاب سيبويه، لأبي علي الفارسي، ١٠٢/٤.

٥. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١٢٥ب.

وَيَقَالُ: مَا الْإِقْبَارُ؟ الْجَوَابُ: جَعَلَ الْقَبْرِ لِدْفِنِ الْمَيِّتِ، أَقْبَرَهُ يُقْبِرُهُ إِقْبَارًا، وَالْقَبْرُ: الْحَفْرُ الْمُهَيَّأُ لِلدَّفْنِ فِيهِ، وَيُقَالُ: أَقْبَرَنِي فَلَانًا، أَي: جَعَلَنِي أَقْبَرَهُ. وَيُقَالُ: مَا الْإِنشَاءُ؟ الْجَوَابُ: الْأَحْيَاءُ لِلتَّصَرُّفِ بَعْدَ الْمَوْتِ، كَنَشْرِ الثُّوبِ بَعْدَ الطِّيِّ، أَنْشَرَ اللَّهُ الْمَوْتَى فَتَشَرُوا، كَقَوْلِكَ [١٣٢ب] أَحْيَاهُمْ فَحَيُّوا. وَيُقَالُ: مَا الْمَشِيَّةُ؟ الْجَوَابُ: خَاصَّةٌ لِلْفِعْلِ تَدْعُو إِلَيْهِ بِخُدُوثِهَا لَهُ، وَالشَّهْوَةُ تَدْعُو إِلَى الْفِعْلِ بِمِلَاتِمَةِ الطَّبْعِ لَهُ، وَالْحِكْمَةُ تَدْعُو إِلَى الْفِعْلِ بِالْإِحْسَانِ بِهِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (لَمَّا يَفْضُ مَا أَمْرُهُ)؟ الْجَوَابُ: لَمَّا يَفْضُ مَا عَلَيْهِ مِمَّا أَمَرَهُ اللَّهُ بِهِ؛ لِأَنَّهُ قَدْ أَمَرَهُ بِأَشْيَاءٍ وَاجِبَةٍ عَلَيْهِ، فَلَمْ يَفْعَلْهَا مِنْ إِخْلَاصِ عِبَادَتِهِ وَشُكْرِهِ بِحَسَبِ مُفْتَضَى نِعَمِهِ، وَالخُرُوجُ مِنَ الْحُقُوقِ الَّتِي لِلْعِبَادِ عَلَيْهِ مِنْ دِينٍ أَوْ وَدِيعةٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْأُمُورِ اللَّازِمَةِ؛ وَالْمُقْبِرُ هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِأَمْرِهِ عِبَادَهُ أَنْ يُقْبِرُوا الْإِنْسَانَ بَعْدَ وَفَاتِهِ فَصَيَّرَهُ ذَا قَبْرِ. وَالْقَابِرُ: الدَّافِنُ الْمَيِّتِ بِيَدِهِ، وَقَالَ الشَّاعِرُ، الْأَعشى:

لَوْ أَسَدَتْ مَيِّتًا إِلَى نَحْوِهَا
عَاشَ وَلَمْ يُثَقَّلْ إِلَى قَابِرِ
حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ مِمَّا رَأَوْا
يَا عَجَبًا لِلْمَيِّتِ النَّاشِرِ^٢

وَ (صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا): أَنْزَلْنَا الْغَيْثَ انزَالًا. وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِالْكَسْرِ عَلَى الْإِسْتِيفَانِ، وَالْأَوَّلُ عَلَى الْبَدَلِ مِنْ (طَعَامِهِ)، وَيَصْلُحُ عَلَى [١٣٣أ] [أَنَّهُ] خَبْرٌ ابْتِدَاءً^٣ مَحْدُوفٍ.

وَقَدْ تَصَمَّتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي إِمَانَةِ الْإِنْسَانِ، ثُمَّ إِقْبَارِهِ بَعْدَ أَحْيَائِهِ، وَإِنْشَائِهِ مِنَ الْعِبْرَةِ الْمُؤَدِّيَةِ إِلَى صِحَّةِ النَّشْأَةِ الثَّانِيَةِ، وَمَا فِي هَلَاكِ الْإِنْسَانِ، وَلَمَّا يَفْضُ مَا عَلَيْهِ مِمَّا أَمَرَهُ بِهِ مِنْ طَوْلِ حَسْرَتِهِ وَشِدَّةِ نَدَامَتِهِ عَلَى مَا فَاتَ مِنْ أَمْرِهِ، وَمَا فِي نَظَرِ الْإِنْسَانِ إِلَى طَعَامِهِ وَسَرَابِهِ، كَيْفَ أَنْشَى لَهُ حَتَّى سَدَّ خَلَّتَهُ، وَأَخَذَ مِنْهُ حَاجَتَهُ مِنْ عَظْمِ النِّعْمَةِ وَتَمَكِينِ الْعِبْرَةِ^٤.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعَبْنًا وَقَضْبًا وَرَيْثُونًا وَخَلًّا وَحَدَائِقَ غُلْبًا)

يُقَالُ: مَا الشَّقُّ؟ الْجَوَابُ: الْقَطْعُ طَوْلًا عَنِ الْبِتْنَامِ؛ شَقَّ الخَشْبَةَ إِذَا جَعَلَهَا عَلَى هَذِهِ الصِّفَةِ، وَكَذَلِكَ شَقَّ الشَّعْرَةَ، فَأَمَّا قَطْعُ الشَّعْرَةِ فَكَقَطْعِ الخَيْطِ عَلَى خِلَافِ ذَلِكَ الْوَجْهِ. وَيُقَالُ: مَا الْإِنْبَاتُ؟ الْجَوَابُ: إِخْرَاجُ

١. في التبيان، للطوسي، ٢٧٣/١٠: «للمدفن».

٢. البیتان في ديوان الأعشى الكبير، ص ١٣٩ و ١٤١؛ واستشهد بهما في مجاز القرآن، لأبي عبيدة، ٢٨٦/٢؛ ومعاني القرآن وإعرابه، للزجاج، ٢٨٥/٥؛ وجامع البيان، للطبري، ١١٤/٢٤؛ وإعراب القرآن، للنحاس، ٩٦/٥.

٣. في التبيان، للطوسي، ٢٧٤/١٠: «خبر مبتدأ».

٤. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفا في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١٢٩أ.

التَّامِي حَالًا بَعْدَ حَالٍ؛ أَنْبَتَهُ اللَّهُ إِنْبَاتًا فَنَبَتَ نَبَاتًا، فَفَاعِلُ النَّبَاتِ وَالْإِنْبَاتِ وَاحِدٌ إِلَّا أَنَّ الْإِنْبَاتَ يُؤْخَذُ مِنْهُ صِفَةُ النَّابِ وَلَيْسَ النَّابُ فَاعِلًا وَلَكِنَّ الصَّائِرَ عَلَى تِلْكَ الصِّفَةِ بِتَضْيِيرٍ غَيْرِهِ لَهُ.

وَيُقَالُ: مَا الْحَبُّ؟ [١٣٣ب] الْجَوَابُ: جَمْعُ الْحَبَّةِ، وَهُوَ جِسْمٌ صَغِيرٌ قَرِيبٌ إِلَى التَّدْوِيرِ كَوَاحِدَةٍ الشَّعِيرِ، وَكُلُّ مَا كَانَ بِهَذِهِ الصِّفَةِ فَهُوَ حَبَّةٌ مِنْ حِنْطَةٍ وَشَعِيرَةٍ، وَكَذَلِكَ السِّمْسِمُ وَالذُّخْنُ وَنَحْوُهُ، وَكَذَلِكَ حَبُّ اللُّؤْلُؤِ دَاخِلٌ فِي هَذَا الْحَدِّ. وَيُقَالُ: مَا الْقَضْبُ؟ الْجَوَابُ: الرَّطْبَةُ، عَنِ الصَّحَّاحِ وَالْفَرَّاءِ، وَأَهْلُ مَكَّةَ يُسَمُّونَ الْقَتَّ قَضْبًا، وَأَصْلُهُ مِمَّا يَنْقَطِعُ رَطْبًا مِنْ قَوْلِهِمْ: قَضَبْتُهُ أَقْضَبُهُ قَضْبًا إِذَا قَطَعْتَهُ رَطْبًا، وَمِنْهُ الْقَضِيبُ وَالْمُقْتَضِبُ.

وَيُقَالُ: مَا الْحَدِيقَةُ؟ الْجَوَابُ: الْبُسْتَانُ الْمُحَوَّطُ، وَمِنْهُ أَخَذَ الْقَوْمُ إِذَا أَحَاطُوا بِهِ، وَمِنْهُ الْحَدَقَةُ لِمَا أَحَاطَ بِهَا مِنْ جَفْنَيْهَا؛ وَالْغَلْبُ: جَمْعُ أَغْلَبَ وَغَلَبَاءَ، وَهِيَ الْغِلَاطُ بِعَظِيمِ الْأَشْجَارِ؛ شَجَرَةٌ غَلْبَاءُ إِذَا كَانَتْ غَلِظَةً، وَالشَّقُّ وَالصَّدْعُ وَالْفَرْجُ وَالْقَطْرُ نَظَائِرٌ. وَذِكْرُ الرَّيْثُونَ لِعَظَمِ التَّفْعِ بِالرَّيْثِ الَّذِي يَكُونُ مِنْهُ مَعَ مَا لَهُ فِي نَفْسِهِ. وَقَالَ الْفَرَزْدَقُ:

عَوَى فَأَنَارَ أَغْلَبَ صَيِّغِيًّا فَوَيْلُ ابْنِ الْمَرَاعَةِ مَا اسْتَنَارَا^٢

وَقَدْ تَصَمَّتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي سَقَى الْأَرْضِ لِلنَّبَاتِ [١١٣٤] مِنْ صُرُوبِ الْحَبِّ وَالثَّمَارِ^٣ وَالْقَضْبِ وَالرَّيْثُونَ وَالنَّخْلُ وَالْأَعْنَابُ فِي الْحَدَائِقِ الَّتِي التَّفَّتْ بِهَا الْأَشْجَارُ مِنَ الْإِعْتِبَارِ بِإِنْشَاءِ تِلْكَ الْأُمُورِ عَلَى كَثْرَتِهَا، وَخْتِلَافِ صُنُوفِهَا، وَعَظَمِ شَأْنِهَا، مِنْ غَيْرِ أَنْ يُمَكِّنَ لِلْعِبَادِ فِعْلَ شَيْءٍ مِنْهَا، فَدَلَّ عَلَى أَنَّهُ قَادِرٌ لَا يُعْجِزُهُ شَيْءٌ مَنْ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ^٤.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ﴾

يُقَالُ: مَا الْفَاكِهَةُ؟ الْجَوَابُ: ثَمَرُ الْأَشْجَارِ الَّذِي فِيهِ الْإِلْدَادُ، وَتَفَكَّهُ بِكَذَا إِذَا اسْتَعْمَلَهُ لِإِسْتِمْتَاعِ بِهِ، وَالْفَاكِهَةُ تَكُونُ رَطْبَةً وَيَابِسَةً. وَيُقَالُ: مَا الْأَبُّ؟ الْجَوَابُ: الْأَبُّ: الْمَرْعَى مِنَ الْحَشِيمِ وَسَائِرِ النَّبَاتِ

١. في النسخة: وكلما.

٢. ديوان الفرزدق، ص ٣٠٧؛ شرح نقائض جرير والفرزدق، لأبي عبيدة، ٤٣٢/٢؛ واستشهد به الطبري في جامع البيان، ١١٧/٢٤.

٣. في النسخة: «وللثمار»؛ فأثبتناه على ما ورد في البرهان، للخوفي.

٤. في النسخة: «العباد».

٥. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١١٢٩.

الَّذِي تَرَعَاهُ الْأَنْعَامَ وَالِدَّوَابُّ، وَأَبَّ إِلَى سَيْفِهِ فَاَسْتَلَّهُ كَقَوْلِكَ: هَبَّ إِلَيْهِ وَبَدَرَ إِلَيْهِ فَيَكُونُ كَبُدُورِ الْمَرْعَى بِالْحُرُوجِ. وَقَالَ الشَّاعِرُ [الأعشى]:

[رَمْتُ وَلَمْ أَصْرِمْكُمْ وَكَصَارِمٍ
أَخْ قَدْ طَوَى كَشْحًا وَأَبَّ لِيذْهَبًا^١

وَيُقَالُ: مَا الْمَتَاعُ؟ الْجَوَابُ: كُلُّ شَيْءٍ فِيهِ الْإِحْسَاسُ مِنْ كُلِّ مَا كَلَّ أَوْ مَشَرَبٍ أَوْ مَسَمٍّ أَوْ مَنْظَرٍ أَوْ مَلْمَسٍ أَوْ مَلْبَسٍ. وَأَصْلُهُ: الْمَصْدَرُ مِنْ قَوْلِهِمْ: أَمْتَعَهُ إِمْتَاعًا [١٣٤ب] وَمَتَاعًا، وَمَتَعَ النَّهَارَ إِذَا ارْتَفَعَ، وَذَلِكَ لِأَنَّ بَارْتِفَاعَهُ يُسْتَمْتَعُ بِهِ.

وَيُقَالُ: مَا الْأَنْعَامُ؟ الْجَوَابُ: الْمَاشِيَّةُ بِنِعْمَةِ الْمَشِيِّ مِنَ الْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَالْغَنَمِ وَذَلِكَ خِلَافَ الْحَافِرِ بِشِدَّةِ وَطْئِهِ بِحَافِرِهِ مِنَ الْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ. وَيُقَالُ: مَا (الصَّاحَّةُ)؟ الْجَوَابُ: الصَّاعَةُ بِشِدَّةِ صَوْتِهَا الْأَذَانَ؛ صَخَّ يَصْخُ صَخًا، وَهُوَ صَاحٍ، وَقَدْ قَلَّبُوا الْمُضَاعَفَ يَاءً كَرَاهَةً لِلتَّضْعِيفِ، فَقَالُوا أَصَاحٌ^٢ يُصِيخُ إِصَاخَةً. قَالَ الشَّاعِرُ:

يُصِيخُ لِلتَّبَاةِ أَسْمَاعَهُ
إِصَاخَةً النَّاشِدِ لِلْمُنْشِدِ^٣

وَقِيلَ: تَطَلَّيْتُ، وَالْأَصْلُ: تَطَلَّيْتُ. وَقِيلَ: هِيَ الْفِيَامَةُ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: التَّفْحُخَةُ الثَّانِيَةُ الَّتِي تُحْيِي عِنْدَهَا النَّاسُ. وَقِيلَ: الْأَبُّ: الْكَلًّا وَالْمَرْعَى، كُلُّهُ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنُ وَمُجَاهِدٍ وَالصَّحَاكُ. وَقَالَ الْحَسَنُ: (الصَّاحَّةُ): الَّتِي تَصِيخُ لَهَا الْحَلْقُ، وَهِيَ التَّفْحُخَةُ الثَّانِيَةُ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي إِخْرَاجِ الْحَبِّ وَالتَّمَارِ وَالْمَرْعَى لِلأَنْعَامِ وَأَصْنَافِ الْحَيَوَانِ لِأَقْوَاتِ الَّتِي بَهَا قِوَامُ الْإِنْسَانِ [١٣٥أ]، وَالْإِمْتَاعُ الَّذِي بِهِ الْإِتْحَافُ وَالْإِلْدَادُ مِنَ الدَّلِيلِ الْمُؤَدِّي إِلَى الْعِلْمِ بِمُدَبَّرِ ذَلِكَ وَمُجْرِيهِ عَلَى حَقِّهِ فِي آيَاتِهِ، وَبِحَسَبِ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ بِمَا لَا يُمَكِّنُ مِنْ مُحْتَاجٍ لَا يَصِحُّ قِيَامُهُ إِلَّا بغيرِهِ^٦.

١. ديوان الأعشى الكبير، ص ١١٥. ورد البيت في غريب الحديث، لابن قتيبة، ٣٤٥/١؛ وجمهرة اللغة، لابن دريد، ٥٣/١؛ وتهذيب اللغة، للأزهري، ٤٢٩/١٥؛ ومقاييس اللغة، لابن فارس، ١٨٣/٥.

٢. في النسخة: صاخ.

٣. ورد منسوبا للمثقب العبدى في البيان والتبيين، للجاحظ، ١٩٧/٢؛ وجمهرة اللغة، لابن دريد، ٦٥٢/٢.

٤. في البرهان، للحوفي: «قوام الأبدان».

٥. في النسخة: «في إبانة»؛ فأثبتناه على ما ورد في البرهان، للحوفي.

٦. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١١٢٩-١٢٩ب.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (وَصَاحِبَتِهِ وَبَيْنَهُ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ صَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ)

يُقَالُ: مَا الصَّاحِبَةُ؟ الْجَوَابُ: الرَّوْجَةُ الَّتِي كَانَتْ فِي الدُّنْيَا مُصَاحِبُهُ، وَالصَّحْبَةُ: الْمَقَارَنَةُ عَلَى الْمَوَافَقَةِ فِي أَمْرٍ مِنَ الْأُمُورِ، وَمِنْ هَذَا قِيلَ: أَصْحَابُ الشَّافِعِيِّ، وَأَصْحَابُ مَالِكٍ، وَأَصْحَابُ أَبِي حَنِيفَةَ، لِلْمَوَافَقَةِ فِي مُعْظَمِ الْمَذْهَبِ. وَيُقَالُ: مَا الْإِبْنُ؟ الْجَوَابُ: الذَّكَرُ مِنَ وُلْدِ الْإِنْسَانِ، وَالْإِبْنَةُ الْأُنثَى مِنَ وُلْدِهِ، وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَهُوَ ابْنٌ لِإِنْسَانٍ إِلَّا آدَمَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ابْتَدَأَ خَلْقَهُ مِنْ غَيْرِ آبٍ وَلَا أُمٍّ. فَأَمَّا امْرُؤُ فَهُوَ الذَّكَرُ مِنَ النَّاسِ وَتَأْنِيثُهُ امْرَأَةٌ.

وَيُقَالُ: مَا الشَّأْنُ؟ الْجَوَابُ: الْأَمْرُ الْعَظِيمُ؛ [١٣٥ب] لِفَلَانٍ شَأْنٌ مِنَ الشَّأْنِ، أَي: لَهُ أَمْرٌ عَظِيمٌ، وَأَصْلُهُ الْوَاحِدُ مِنْ شُؤُونِ الرَّأْسِ وَهُوَ الْمُؤَصَّلُ بَيْنَ مُتَقَابِلَاتِهِ الَّتِي بَهَا قَوَامُ أَمْرِهِ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (يُغْنِيهِ)؟ الْجَوَابُ: تُكْفِيهِ عَنْ زِيَادَةِ عَلَيْهِ، أَي: لَيْسَ فِيهِ فَضْلٌ لِعَظِيمِ مَا هُوَ فِيهِ مِنَ الْأَمْرِ الَّذِي قَدْ اكْتَنَفَهُ وَمَلَأَ صَدْرَهُ فَصَارَ [حَالُهُ] كَحَالِ الْغَنِيِّ عَنِ الشَّيْءِ فِي أَنْ نَفْسَهُ لَا تَتَنَزَعُ إِلَيْهِ. ^٣ وَيُقَالُ: مَا الْإِسْفَارُ؟ الْجَوَابُ: الْكَشْفُ عَنْ ضِيَاءٍ مِنْ قَوْلِهِمْ: أَشْفَرَ الصُّبْحُ إِذَا أَضَاءَ، وَسَفَرَتِ الْمَرْأَةُ إِذَا كَشَفَتْ عَنْ وَجْهِهَا، وَمِنْهُ السَّفَرُ لِأَنَّهُ يَكْشِفُ عَنْ أُمُورٍ تَظْهَرُ بِهِ.

وَقِيلَ: نَفَرٌ مِنْ هَوْلَاءِ حَدَرًا مِنْ مَظْلَمَةٍ تَكُونُ عَلَيْهِ. وَقِيلَ: لِعَلَّ يَرَى مَا يَنْزِلُ بِهِ مِنَ الْهَوَانِ. وَقِيلَ: صَجْرًا بِهِ لِعِظَمِ مَا هُوَ فِيهِ. وَقِيلَ: لِأَنَّهُ لَا يُمَكِّنُهُ أَنْ يَنْفَعَهُ بِشَيْءٍ وَلَا يَنْتَفِعَ بِهِ. وَقَالَ تَوْبَةُ بِنْتُ الْحَمِيرِ:

وَكُنْتُ إِذَا مَا جِئْتُ لِيَلِي تَبَرَّقَعْتُ فَقَدْ رَأَيْتِي مِنْهَا الْعِدَاةَ سُفُورَهَا

أَي: كَشَفْتُ نِقَابَهَا.

وَالْقَتْرَةُ: ظُلْمَةُ الدُّخَانِ، وَمِنْهُ قَتْرَةُ الصَّائِدِ: مَوْضِعُهُ الَّذِي يَدْخُنُ فِيهِ لِتَدْفِي أَوْ لِعَيْرِهِ، وَ(تَرْهَقُهَا قَتْرَةٌ): تَغْشَاهَا.

١. وردت في نقل الواحدي في التفسير البسيط: «وما أصدره».
٢. زيادة تقتضيها السياق، وردت في نقل الواحدي في التفسير البسيط.
٣. ذكر الواحدي نص كلام الرماني في التفسير البسيط، ٢٣٩/٢٣-٢٤٠، بقوله: «وقال أهل المعاني...».
٤. في النسخة: «صحوا»؛ فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي (٢٧٧/١٠) وفي التهذيب، للحاكم (٧٢٩٣/١٠).
٥. قاله توبة بن الحمير في ليلى الأخيلية. ورد البيت في العين، للخليل، ٢٩٨/٢؛ والشعر والشعراء، لابن قتيبة، ٤٣٦/١؛ والفاضل، للمبرد، ص ٢٤؛ وجامع البيان، للطبري، ١٢٦/٢٤؛ وتهذيب اللغة، للأزهري، ١٨٨/٣؛ وأشعار النساء، للمرزباني، ص ٤٤ و ٥٤.

وَقَدْ نَصَمَنْتِ الْآيَاتِ الْبَيَانَ عَمَّا فِي (يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ [١١٣٦] وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ) لِشُغْلِهِ بِنَفْسِهِ مِنْ هَوْلٍ مَا نَزَلَ بِهِ مِنْ أَنَّهُ حَقِيقٌ بِالتَّأْهِبِ لَهُ، وَطَلَبِ السَّلَامَةِ مِنْهُ^١ بِكُلِّ مَا يَفِدُرُ عَلَيْهِ، مَعَ أَنَّهُ مُفْتَوِّحٌ، وَالطَّرِيقُ^٢ إِلَيْهِ مُمَكِّنٌ مَسْلُوكٌ، وَمَا فِي إِسْفَارِ الْوُجُوهِ بِالبَشَارَاتِ وَإِظْلَامِ وَجُوهِ آخَرِينَ بِالْعَلَامَاتِ مِنَ الرَّغْبَةِ فِي تِلْكَ الْحَالِ، وَالرَّهْبَةِ مِنْ هَذَا عَلَى أْتَمِّ مَا يَقَعُ بِهِ الْإِمْكَانُ^٤.

سورة التَّكْوِير

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ وَإِذَا الْعِشَابُ عَطَلَتْ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ)

يُقَالُ: مَا التَّكْوِيرُ؟ الْجَوَابُ: تَلْفِيفٌ عَلَى جِهَةِ الْإِسْتِدَارَةِ، وَمِنْهُ كُوِّرَ الْعِمَامَةُ؛^٥ كَوَّرَ يُكْوِرُ تَكْوِيرًا، وَمِنْهُ الْكَارَةُ، وَالشَّمْسُ تُكْوَرُ بِأَنْ يُجْمَعَ نُورُهَا حَتَّى تَصِيرَ كَالْكَارَةِ الْمُملَقَةِ، فَيَذْهَبُ صَوْنُهَا،^٦ وَيُجَدِّدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْعِبَادِ ضِيَاءً غَيْرَهَا.

٤٢٩

آبِنُهُ بِزَوْهَشٍ | ٢١٠
سال ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٠٣

وَيُقَالُ: مَا النَّجْمُ؟ الْجَوَابُ: الشَّخْصُ الظَّالِعُ عَلَى صُورَةِ الدَّرَّةِ^٧ فِي السَّمَاءِ، وَجَمْعُهُ: نُجُومٌ وَأَنْجَمٌ؛ وَمِنْهُ نَجَمَ النَّبْتُ إِذَا طَلَعَ، يَنْجِمُ نَجْمًا، وَهُوَ نَاجِمٌ، وَلِذَلِكَ نَجَمَ الْقُرْنُ وَنَجَمَ [١٣٦ب] السِّنُّ. وَيُقَالُ: مَا الْإِنْكَدَارُ؟ الْجَوَابُ: انْقِلَابُ الشَّيْءِ حَتَّى يَصِيرَ الْأَعْلَى الْأَسْفَلَ بِمَا لَوْ كَانَ مَاءً تَكَدَّرَ، وَقِيلَ: أَضَلَّ الْإِنْكَدَارُ: الْإِنْصَبَابُ، وَقَالَ الْعَجَّاجُ:

تَقْضِي الْبَازِي إِذَا الْبَازِي كَسَرَ أَبْصَرَ خُزْبَانَ فَضَاءً فَاِنْكَدَرَ^٨

وَقِيلَ: (الْإِنْكَدَرْتُ): تَنَاقَرْتُ، عَنْ مُجَاهِدٍ وَالرَّبِيعِ بْنِ خُنَيْمٍ وَقَتَادَةَ وَأَبِي صَالِحٍ وَابْنِ زَيْدٍ.

١. في النسخة: «وطلباً للسلامة منه»؛ فأثبتناه على ما ورد في البرهان، للحوفي.

٢٢. في النسخة: بكلما.

٣. في النسخة: «مفتوح الطريق»؛ فأثبتناه على ما ورد في البرهان، للحوفي.

٤. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١٢٩ب.

٥. في النسخة: العمة؛ فأثبتنا الصحيح على ما ورد في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك.

٦. ذكر الواحدي نص كلام الرمانى في التفسير البسيط، ٢٤٧/٢٣، بقوله: «وقال أهل المعاني...».

٧. في النسخة: الدرة.

٨. ديوان العجاج، ٤٣/١ والرواية فيه تختلف يسيراً عما ورد في تفسير الرمانى. انظر أيضاً: مجاز القرآن، لأبي عبيدة،

١٠٢/٢ و ٢٨٧؛ وجامع البيان، للطبري، ١٣٢/٢٤؛ والزاهر في معاني كلمات الناس، لابن الأنباري، ١٠٠/١.

وَيُقَالُ: مَا **(الْعِشَارُ)**؟ الْجَوَابُ: التُّوْقُ الَّتِي قَدِ اتَى عَلَيْهَا عَشْرَةُ أَشْهُرٍ مِنْ حَمَلِهَا، وَاحِدُهَا عَشْرَاءٌ، وَصَفَتْهَا مَأْخُودَةٌ مِنَ الْعَشْرَةِ؛ فَيَقُولُ: هَذِهِ الْحَوَامِلُ الَّتِي يَتَنَافَسُ أَهْلُهَا فِيهَا قَدْ أَهْمَلَتْ^١. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى **(وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ)**؟ الْجَوَابُ: تَغَيَّرَتِ الْأُمُورُ بِأَنْ صَارَتِ الْوُحُوشُ الَّتِي تُشْرَدُ^٢ فِي الْبِلَادِ تَجْتَمِعُ مَعَ النَّاسِ. وَقِيلَ: **(إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ)**: ذَهَبَ نُورُهَا، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَأَبِي بَنْ كَعْبٍ وَمُجَاهِدٍ وَتَنَادَةَ وَالصَّخَاكِ. وَقَالَ الرَّبِيعُ بْنُ خُثَيْمٍ: زَمِي بِهَا. وَقِيلَ: تَسْيِيرُ الْجِبَالِ: تَضْيِيرُهَا هَبَاءً وَسَرَابًا. وَقِيلَ: **(وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ)**: جُمِعَتْ، عَنِ الْحَسَنِ وَتَنَادَةَ. وَقِيلَ: حَشْرُهَا: مَوْتُهَا، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. [١١٣٧]

وَيُقَالُ: كُرْتُ الْعِمَامَةَ عَلَى رَأْسِي، أَكُوْرُهَا كُوْرًا. وَالنَّاقَةُ إِذَا وَصَعَتْ لِتَمَامِ فِيهَا سَنَةٍ. وَأَجَازَ بَعْضُ أَهْلِ النَّظْرِ^٣ أَنْ تَفْنَى الْوُحُوشُ بَعْدَ الْعَوْضِ، وَهَذَا عَلَطٌ، لِأَنَّ الْعَوْضَ دَائِمٌ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ أَجَلٌ مِنَ التَّفَضُّلِ الْمُبْتَدَأِ، وَأَنَّهُ لَا يَخْلُصُ النَّعِيمَ بِهِ مَعَ تَجْوِيزِ الْإِنْقِطَاعِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي تَكْوِيرِ الشَّمْسِ وَأَنْكَدَارِ التُّجُومِ وَتَسْيِيرِ الْجِبَالِ وَتَعْطِيلِ الْعِشَارِ وَحَشْرِ الْوُحُوشِ مِنْ تَغْيِيرِ الْأُمُورِ بِإِبْطَالِ الدُّنْيَا وَتَجْدِيدِ أَمْرِ الْآخِرَةِ لِلْجَزَاءِ بِالْحَسَنَةِ وَالسَّيِّئَةِ مِمَّنْ يَمْلِكُ الْعِبَادَ وَالْبِلَادَ وَيَحْكُمُ فِيهِ بِمَا يُرِيدُ جَلَّ وَعَزَّ بِمَا يَفْتَضِي الْمُسَارَعَةَ إِلَى الطَّاعَةِ بِحَسَبِ مَا تَقْتَضِيهِ هَذِهِ الْأَدِلَّةُ^٤.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: **(وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ وَإِذَا التُّفُوسُ زُوِّجَتْ وَإِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ)**

يُقَالُ: مَا مَعْنَى **(سُجِّرَتْ)**؟ الْجَوَابُ: قُلِبَتْ نَارًا كَمَا تَسْجُرُ التُّنُورُ، وَأَصْلُ السَّجْرِ: الْمَلَأَ. قَالَ لَبِيدٌ:

فَتَوَسَّطًا عُرْضَ السَّرِيِّ وَصَدَّعَا
مَسْجُورَةً مُتَجَاوِرًا فَلَامَهَا^٥

[١٣٧ب] أَي: مَمْلُوءَةٌ،^٦ وَمِنْهُ **(وَالْبَحْرُ الْمَسْجُورُ)**^٧.

١. كذا وردت الجملة في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك. ووردت في جامع البيان، للطبري، ١٣٤/٢٤: «وإذا هذه الحوامل التي يتنافس أهلها فيها أهملت فثرت من شدة الهول النازل بهم، فكيف بغيرها؟»
٢. في النسخة: «تَشْرَدُ»؛ فأثبتنا الصحيح على ما ورد في التبيان، للطوسي، وتفسير ابن فورك.
٣. يحتمل أن يكون المراد منه أبا علي الجبائي، كما أشار إليه الحاكم الجشمي في التهذيب، ٧٢٩٨/١٠.
٤. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة ١١٣٣.
٥. ديوان لبيد بن ربيعة العامري، ص ١١١؛ وجمهرة أشعار العرب، لأبي زيد القرشي، ص ٢٥٠. واستشهد به أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٥/٢؛ والطبري في جامع البيان، ٥٩٦/٢١ و ١٤٠/٢٤؛ والزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٣٢٥/٣؛ والنحاس في معاني القرآن، ٣٢٥/٤.
٦. في النسخة: مملوءة.
٧. الطُّور: ٦.

وَيُقَالُ: مَا النَّفْسُ؟ الْجَوَابُ: حَاصَةُ الشَّيْءِ غَيْرُ مُعَلَّقَةٍ بِمَعْنَى صِفَةٍ؛ وَقَدْ يُقَالُ النَّفْسُ بِمَعْنَى إِنْسَانٍ؛ وَتَرْوِيحُ النَّفْسِ: صَمُّ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهَا إِلَى شَكْلِهِ. وَيُقَالُ: مَا (الْمَوْؤَدَةُ)؟ الْجَوَابُ: الْمَقْتُولَةُ بِدَفْنِهَا حَيَّةً، وَكَانَتِ الْعَرَبُ تَبْدُ الْبَنَاتِ خَوْفَ الْإِمْلَاقِ، وَأَدَهَا يَبْدُهَا وَأَدَاءٌ، وَهِيَ مَوْؤَدَةٌ، أَي: مَدْفُونَةٌ حَيَّةً، وَعَلَى هَذَا جَاءَ (وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ). وَيُقَالُ: لِمَ سُئِلَتِ الْمَوْؤَدَةُ (بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ)؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّهُ سُؤَالٌ تَوْبِيحٌ لِقَاتِلِهَا، وَهُوَ أَبْلَغُ مِنْ سُؤَالِهِ، لِأَنَّ هَذَا مِمَّا لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِدَنْبٍ، وَأَيُّ ذَنْبٍ كَانَ لَكَ؟ فَإِذَا ظَهَرَ أَنَّهُ لَا ذَنْبَ لَهَا (جَاءَتْ الطَّامَةُ الْكُبْرَى) أَعْلَى قَاتِلِهَا، لِأَنَّهُ رَجَعَ الْأَمْرُ إِلَيْهِ بِحُجَّةٍ مُقَرَّرٍ بِهَا.

وَيُقَالُ: مَا النَّشْرُ؟ الْجَوَابُ: بَسْطُ الْمَطْوِيِّ، وَذَلِكَ أَنَّ الْبَسْطَ قَدْ يَكُونُ لِمَا لَمْ يُطَوَّرْ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ، كَبَسْطِ الْعَجِينِ وَالْحَدِيدِ مِنْ غَيْرِ نَشْرِ، وَالنَّشْرُ لِلصُّحُفِ وَالنِّيَابِ وَنَحْوِهَا. وَيُقَالُ: (سُجِّرَتْ): أَوْقَدَتْ فَصَارَتْ نَارًا، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَأَبِي بِنِ كَعْبٍ. وَقَالَ [١١٣٨] شِمْرُ بْنُ عَطِيَّةَ: بِمَنْزِلَةِ الثَّنُورِ الْمَسْجُورِ. وَيُقَالُ: مَلِئْتُ حَتَّى فَاصَتْ عَلَى الْأَرْضِ فَتَنَشَّفُهَا حَتَّى يَكُونَ لِحُجِّ الْبِحَارِ وَرُؤُسِ الْجِبَالِ بِمَنْزِلَةِ وَاحِدَةٍ، عَنِ الْحَسَنِ وَالضَّحَّاكِ.

وَيُقَالُ: (وَإِذَا النَّفْسُ رُؤِجَتْ): قُرِنَ كُلُّ إِنْسَانٍ بِشَكْلِهِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَهْلِ النَّارِ، عَنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ نَصَرَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَالْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَيُقَالُ: (رُؤِجَتْ): رُذِّتِ الْأَرْوَاحُ إِلَى الْأَجْسَادِ، عَنِ عِكْرَمَةَ وَالشَّعْبِيِّ. وَيُقَالُ: سُئِلْتُ قَتَلْتُهَا بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ، وَالْكِتَابَةُ عَنْهَا أَظْهَرُ.

وَعَنْ قَتَادَةَ قَالَ: جَاءَ قَيْسُ بْنُ عَاصِمِ التَّمِيمِيِّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: إِنِّي وَأَدْتُ ثَمَانِي بَنَاتٍ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، قَالَ: فَأَعْتَقِي عَنْ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ رَقَبَةً، قَالَ إِنِّي صَاحِبُ إِبِلٍ، قَالَ: فَأَهْدِي إِنْ شِئْتِ عَنْ كُلِّ وَاحِدَةٍ بُدْنَةً.

وَيُقَالُ: (رُؤِجَتْ) أَي: يُفَرِّقُ الْعَاوِي بِمَنْ أَعْوَاهُ مِنْ شَيْطَانٍ أَوْ إِنْسَانٍ، وَيُقَالُ: مَوْؤَدَةٌ لِلثَّقَلِ عَلَيْهَا مِنَ الثَّرَابِ، وَمِنْهُ (وَلَا يَوُودُهُ حِفْظُهُمَا) ^٣ أَي: لَا يُثْقَلُهُ. وَقَالَ الْفَرَزْدَقُ:

وَمِمَّا الَّذِي مَنَعَ الْوَائِدَا ت وَأَخِيَا الْوَيْدَ فَلَمْ يُؤَادِ يُؤَدِّ

[١٣٨ب]

١. الأنعام: ١٥١.

٢. النازعات: ٣٤.

٣. البقرة: ٢٥٥.

٤. ديوان الفرزدق، ص ١٥٥. ورد البيت في مجاز القرآن، لأبي عبيدة، ٢/٢٨٧؛ وجمهرة اللغة، لابن دريد، والكمال،

للمبرد، ٢/٥٧.

وَقِيلَ: (سَجِرَتْ): جُعِلَ مَأْوَاهَا شَرَاباً يُعَذَّبُ بِهِ أَهْلُ النَّارِ. وَقَرَأَ ابْنُ كَثِيرٍ وَأَبُو عَمْرٍو (سَجِرَتْ) خَفِيفَةً، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ (سَجِرَتْ) مُشَدَّدَةً. وَقَرَأَ (نُسِرَتْ) خَفِيفَةً نَافِعٌ وَابْنُ عَامِرٍ وَحَفْصٌ عَنْ عَاصِمٍ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ (نُسِرَتْ) مُشَدَّدَةً.

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي سَجْرِ الْبِحَارِ بِاضْطِرَامِ النَّارِ، وَتَرْوِجِ الثُّفُوسِ بِالْأَشْكَالِ، وَنَشْرِ صُحُفِ الْأَعْمَالِ، وَإِقَاعِ التَّبَكِيتِ فِي قَتْلِ الْمَوْؤُودَةِ بِالسُّؤَالِ مِنْ أَقْصَاءِ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَلَى مَا يُوجِبُهُ هَذَا الْأَمْرُ الْعَظِيمُ وَالْهَوْلُ الْجَسِيمُ الَّذِي لَا صَبْرَ عَلَى مِثْلِهِ عِنْدَ لَيْبٍ^١.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ وَإِذَا الْجَبَاهِمُ سُعِرَتْ وَإِذَا الْجَنَّةُ أَزْلِفَتْ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أُخْضِرَتْ فَلَا أُفْسِمُ بِالْخُنَّسِ)

يُقَالُ: مَا الْكُشِطُ؟ الْجَوَابُ: الْقَلْعُ عَنْ شِدَّةِ التَّرَاقِي؛ كَشِطَ جِلْدَةَ الرَّأْسِ، يَكْشِطُهَا كَشِطاً، إِذَا قَلَعَهَا، فَالْقَلْعُ السَّمَاءَ عَنْ مَكَانِهَا عَلَى شِدَّةٍ وَنَاقِهَا فِي اعْتِمَادِهَا كَقَلْعِ جِلْدَةِ الرَّأْسِ عَنْ مَكَانِهَا. وَيُقَالُ: مَا التَّعْسِيرُ؟ الْجَوَابُ: تَهْيِيجُ النَّارِ حَتَّى تَتَأَجَّجَ، وَمِنْهُ السَّعْرُ لِأَنَّهُ حَالُ هَيْجِ الثَّمَنِ [١٣٩] بِالِازْتِفَاعِ وَالْإِنْحِطَاطِ؛ وَاسْتَعْرَتِ الْحَرْبُ وَالشَّرُّ بَيْنَ الْقَوْمِ مِنْ هَذَا. وَيُقَالُ: مَا الْإِزْلَافُ؟ الْجَوَابُ: إِذْنَاءُ مَا نُحِبُّ،^٢ وَمِنْهُ الرُّلْفَةُ: الْقُرْبَةُ مِمَّا نُحِبُّ. وَازْدَلَفَ إِلَى الْأَمْرِ أَيْ: اقْتَرَبَ مِنْهُ، وَمِنْهُ الْمُرْدَلْفَةُ لِأَنَّهَا مَنْزِلَةٌ قَرِيبَةٌ مِنْ مَكَّةَ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أُخْضِرَتْ)؟ الْجَوَابُ: أَيْ: عِنْدَ ظُهُورِ الْجَزَاءِ عَلَيْهِ بِعَمَلِهِ وَقَدْ كَانَ غَافِلاً عَنْهُ، وَهُوَ كَقَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (أَخْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ)^٣. وَيُقَالُ: مَا الْخُنَّسُ؟ الْجَوَابُ: جَمْعُ خَانِسٍ، وَهُوَ الْغَائِبُ عَنْ طُلُوعِ، خَلَسَتْ الْوَحْشِيَّةُ فِي الْكُنَائِسِ إِذَا غَابَتْ فِيهِ بَعْدَ طُلُوعِ؛ وَالْكَشِطُ وَالْقَشِطُ وَاحِدٌ. وَقَالَ قَتَادَةُ: سَعَرَهَا غَضَبُ اللَّهِ وَخَطَايَا بَنِي آدَمَ.

و(عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أُخْضِرَتْ) جَوَابُ (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ) وَمَا بَعْدَهُ. وَقِيلَ: الْخُنَّسُ: التُّجُومُ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ^٤ وَالْحَسَنِ وَقَتَادَةَ وَمُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: تَخُنَّسُ بِالنَّهَارِ وَتَبْدُو

١. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة ١١٣٣.

٢. ذكر الواحدي نص كلام الرماني في التفسير البسيط، ٢٦٢/٢٣، بقوله: «وقال أهل المعاني...».

٣. في النسخة: «إذناء ما يحب»؛ وفي التبيان، للطوسي: «إذناء ما يجب»؛ فأثبتناه على ما ورد في تفسير ابن فورك.

٤. المجادلة: ٦.

٥. أخرجه الطبري في جامع البيان، ١٥٣/٢٤: «عن علي (ع) أنه قال: هل تدرُونَ ما الخُنَّسُ؟ هي التُّجُومُ، تجري بالليل وتخُنَّسُ بالنهار». انظر أيضاً: إعراب القرآن، للنحاس، ١٠١/٥.

بِاللَّيْلِ، وَقِيلَ: تَخْنِسُ فِي مَغِيبِهَا بَعْدَ طُلُوعِهَا، وَقِيلَ: هِيَ بَقْرُ الْوَحْشِ، عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ وَإِبْرَاهِيمَ. وَقِيلَ: هِيَ الظُّبَاءُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ [١٣٩ب] وَسَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ وَالصَّحَّاحِ. وَقِيلَ: (وَإِذَا الْجَنَّةُ أُنزِلَتْ) فُرِيَتْ مِنْ أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وَقِيلَ: الْقَسَمُ بِالنُّجُومِ الْخَمْسَةِ: زُحْلٌ وَبَهْرَامٌ وَالْمُشْتَرِي وَعُطَارِدٌ وَالزُّهْرَةُ. وَقَرَأَ (سُعْرَت) مُشَدَّدَةً نَافِعٌ وَابْنُ عَامِرٍ وَحَفْصٌ عَنْ عَاصِمٍ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ «سُعْرَتٌ» خَفِيفَةً.

وَقَدْ تَصَمَّمَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانُ عَمَّا فِي كَشْطِ السَّمَاءِ وَتَشْعِيرِ النَّارِ وَإِزْلَافِ الْجَنَانِ مِنْ عِلْمِ كُلِّ إِنْسَانٍ بِمَا وَافَى بِهِ مِنَ الْأَعْمَالِ بِمَا يَظْهَرُ مِنَ الْجَزَاءِ بِالتَّعْلِيمِ، أَوْ الْعَذَابِ عَلَى حَسَبِ مَا افْتَضَّتْهُ هَذِهِ الْمُقَدِّمَةُ لِيَكُونَ الْإِنْسَانُ عَلَى بَصِيرَةٍ.^٢

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (الْجَوَارِ الْكُنَّسِ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ)

يُقَالُ: مَا مَعْتَمَدَ الْفَائِدَةَ فِي هَذَا الْكَلَامِ؟ الْجَوَابُ: تَعْظِيمُ الرَّسُولِ بِأَنَّهُ كَرِيمٌ وَأَنَّهُ مَكِينٌ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكَّدَ ذَلِكَ أَمَّ التَّأَكِيدِ.

وَيُقَالُ: مَا الْجَوَارِي؟ الْجَوَابُ: النُّجُومُ الَّتِي تَجْرِي فِي مَسِيرِهَا، ثُمَّ تَغِيبُ [١٤٠أ] فِي مَعَارِبِهَا عَلَى مَا دَبَّرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا؛ فَنِي طُلُوعِهَا ثُمَّ جَرِيهَا فِي مَسِيرِهَا ثُمَّ غَيْبِهَا فِي مَوَاقِعِهَا مِنَ الْآيَةِ الْعَظِيمَةِ وَالِدَّلَالَةِ الْمُؤَدِّيَةِ إِلَى الْمَعْرِفَةِ مَا لَيْسَ بِخَفِيِّ عَلَى مُتَأَمِّلٍ مَوْقِعِهِ وَعَظَمِ شَأْنِهِ؛^٣ فَالْجَارِيَةُ: السَّفِينَةُ، وَالْجَارِيَةُ: الْمَرَاةُ الشَّابَّةُ، وَالْجَارِيَةُ: النُّجُومُ السَّيَّارَةُ. وَيُقَالُ: مَا الْكُنَّسُ؟ الْجَوَابُ: جَمْعُ الْكَانِسِ وَهِيَ الْعَيْبُ فِي مَثَلِ الْكَانِسِ، وَهُوَ كِنَاسُ الْوَحْشِيَّةِ: نَبْتُ يَتَّخِذُ مِنَ الشَّجَرِ تَحْتَفِي فِيهِ. وَقَالَ طَرَفَةُ:

كَأَنَّ كِنَاسِي صَالَةً يُكْنِفَانِيهَا وَأَطْرُقِيسِي تَحْتَ صُلْبٍ مُؤَيَّدٍ

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (عَسْعَسَ)؟ الْجَوَابُ: قِيلَ: أَدْبَرَ بِظُلَامِهِ، عَنِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،^٤ وَابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَالصَّحَّاحِ وَابْنِ زَيْدٍ. وَقِيلَ: أَقْبَلَ بِظُلَامِهِ، عَنِ الْحَسَنِ وَمُجَاهِدٍ وَالْفَضْلِ بْنِ عَطِيَّةٍ. وَالْعَرَبُ تَقُولُ: عَسْعَسَ اللَّيْلُ إِذَا أَدْبَرَ بِظُلَامِهِ. وَقَالَ عَلْقَمَةُ بْنُ قَرِظٍ:

١. في النسخة: «ما اقتضاه»؛ والصواب ما أثبتناه على ما ورد في البرهان في علوم القرآن، لأبي الحسن الحوفي.
٢. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١٣٣-١٣٣ب.

٣. في التبيان، للطوسي، ٢٨٥/١٠: «ما لا يخفى على متأمل معرفته وعظيم شأنه».

٤. ديوان طرفة بن العبد (تحقيق علي الجندي)، ص ٣٨؛ ورد البيت في جمهرة أشعار العرب، لأبي زيد القرشي، ص ٣١٢؛ وغريب الحديث، لأبي عبيد، ٢٤٢/١؛ وجامع البيان، للطبري، ١٥٨/٢٤؛ وتهذيب اللغة، للأزهري، ٩/١٤.

٥. لم نجده - منسوبا إلى الإمام علي عليه السلام - في المصادر التي وصلت إلينا من قبل الروماني.

حَتَّى إِذَا الصُّبْحُ لَهَا تَنَفَّسَا وَانْجَابَ عَنْهَا لَيْلَهَا وَعَسَسَا

وَقِيلَ: عَسَسَ: دَنَا مِنْ أَوَّلِهِ وَأَظْلَمَ، وَالْعُسُ: طَلَبُ الشَّيْءِ بِاللَّيْلِ. [١٤٠ب]

وَيُقَالُ: مَا الْأُفُقُ؟ الْجَوَابُ: نَاحِيَةٌ مِنَ السَّمَاءِ يُقَالُ هُوَ كَالنَّجْمِ فِي الْأُفُقِ، وَفَلَانٌ يُنْظَرُ فِي آفَاقِ السَّمَاءِ، وَوُصِفَ بِالْمَكِينِ^١ إِنَّهُ فِي آفَاقِ السَّمَاءِ مِنْ غَيْرِ تَحَيُّلٍ لَا يَرْجِعُ إِلَى يَقِينِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى «بَطْنِينَ»؟ الْجَوَابُ: بِمُتَّهَمٍ، أَيْ: لَيْسَ مِمَّنْ يَنْبَغِي أَنْ يُظَنَّ بِهِ الرَّيْبَةَ، لِأَنَّ أَحْوَالَهُ نَاطِقَةٌ بِالصِّدْقِ وَالْأَمَانَةِ. وَمَنْ قَرَأَ «بَضْنِينَ» فَالْمَعْنَى: مَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِبَخِيلٍ. وَقِيلَ: «مُطَاعٌ تَمَّ أَمِينٌ» مِنْ صِفَةِ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، مُطَاعٌ فِي الْمَلَائِكَةِ، أَمِينٌ عَلَى وَحْيِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ. وَقِيلَ: الْأُفُقُ الْمُبِينُ مِنْ حَيْثُ تَطْلُعُ الشَّمْسُ وَيَجِيءُ النَّهَارُ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِبَطْنِينَ»: بِمُتَّهَمٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَسَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَالضَّحَّاكَ. وَقِيلَ: «رَجِيمٌ» رَجَمَهُ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ بِاللَّعْنَةِ، عَنِ الْحَسَنِ، وَقِيلَ: «رَجِيمٌ» بِالشُّهْبِ طَرْدًا مِنَ السَّمَاءِ. وَقَرَأَ «بَطْنِينَ» ابْنُ كَثِيرٍ وَأَبُو عَمْرٍو وَالْكَسَائِيُّ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ «بَضْنِينَ»، وَقِيلَ: هُوَ فِي الْمُصْحَفِ بِالضَّادِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي نِسْبَةِ دَاعِي الْحَقِّ إِلَى الْجُنُونِ مِنَ الْإِنْكَارِ عَلَى قَائِلِهِ وَالذَّمَّ لَهُ، وَمَا فِي رُؤْيَةِ الْمَلَكِ عَلَى صُورَتِهِ مِنْ [١١٤١أ] الْإِحْتِصَاصِ بِجَلِيلِ الْأَمْرِ لِلْكَبِيرِ فِي الدَّعَاءِ إِلَى الْحَقِّ وَرَوَالِ الظَّنَّةِ فِي الْإِخْبَارِ بِالْغَيْبِ وَالتَّبَعِيدِ عَنْ حَالِ كُلِّ شَيْطَانٍ مِنْ إِنْسٍ وَجِنِّ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: «فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ وَمَا تَشَاوَنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»

يُقَالُ: مَا الدَّهَابُ؟ الْجَوَابُ: الْمَصِيرُ عَنْ شَيْءٍ إِلَى شَيْءٍ بِالتُّفُؤِ فِي الْأَمْرِ، وَذَلِكَ أَنَّهُ قَدْ يَصِيرُ الشَّيْءُ مُوجُودًا فَلَا يَكُونُ ذَهَابًا، وَيَصِيرُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ فَيَكُونُ ذَهَابًا، وَمِنْهُ الدَّهَبُ، لِأَنَّهُ أَذْهَبَ شَيْءٌ فِي الثَّمَنِ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى «فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ»؟ الْجَوَابُ: فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ عَنِ الْحَقِّ الَّذِي قَدْ ظَهَرَ أَمْرُهُ وَبَدَتْ أَعْلَامُهُ إِلَّا إِلَى الضَّلَالِ الَّذِي فِيهِ الْبَوَارُ وَالْهَلَاكُ، وَهُوَ الْإِسْتِبْطَاءُ لَهُمْ فِي الْفُعُودِ عَنِ اتِّبَاعِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْعَمَلِ بِمَا يُوجِبُهُ الْقُرْآنُ.

وَيُقَالُ: مَا الدِّكْرُ؟ الْجَوَابُ: إِذْرَاكُ النَّفْسِ لِلْمَعْنَى بِمَا يُضَادُّ الشَّهْوَةَ؛ وَالْكَلامُ الَّذِي يَقَعُ بِهِ إِذْرَاكُ الْمَعْنَى: دِكْرٌ، سُمِّيَ سَبَبُهُ الْمُؤَدِّي إِلَيْهِ بِاسْمِهِ. وَيُقَالُ: لِمَ صَارَ [١٤١ب] الْعِلْمُ وَأَصْدَادُهُ يَتَعَاقَبُ

١. مجاز القرآن، لأبي عبدة، ٢٨٨/٢؛ وجامع البيان، للطبري، ١٦٢/٢٤.

٢. في النسخة: بالمتين.

عَلَى حَالِ الدِّكْرِ؟ الجَوَابُ: لِأَنَّ الدَّاكِرَ لِلْمَعْنَى لَا يَخْلُو مَنْ أَنْ يَكُونَ عَالِمًا بِهِ أَوْ جَاهِلًا بِهِ أَوْ شَاكًا فِيهِ أَوْ مُعْتَقِدًا لَهُ عَلَى مَا هُوَ بِهِ مِنْ غَيْرِ نِقَةٍ، وَلَا يَصِحُّ شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ مَعَ السَّهْوِ الَّذِي يُضَادُّ الدِّكْرَ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى ﴿وَمَا تَشَاوُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾؟ الجَوَابُ فِيهِ ثَلَاثَةٌ أَقْوَالٍ: الْأَوَّلُ: مَا تَشَاوُونَ مِنْ الإِسْتِقَامَةِ إِلَّا وَقَدْ شَاءَ هَا اللَّهُ وَذَلِكَ لِأَنَّهُ قَدْ جَرَى ذِكْرُهَا فَرَجَعَتْ الْكِتَابَةُ إِلَيْهَا. الثَّانِي: ﴿وَمَا تَشَاوُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾ تَمْكِينُكُمْ لِأَنَّ الْكَلَامَ يَتَّضِي الإِقْتِدَارَ عَلَيْهِمْ بِتَمْكِينِهِمْ إِذَا شَاءَ وَمَنْعِهِمْ إِذَا شَاءَ. الثَّلَاثُ: ﴿وَمَا تَشَاوُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾ أَنْ يُلْطَفَ لَكُمْ فِي الإِسْتِقَامَةِ لِمَا فِي الْكَلَامِ مِنْ مَعْنَى الرَّغْمَةِ.

وَقِيلَ: ﴿فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ﴾ بِمَعْنَى: فَإِلَى أَيِّنَ تَذْهَبُونَ، كَمَا قَالَ بَعْضُ بَنِي عَقِيلٍ:

تَصِيحُ بِنَا حَنِيفَةً إِذْ رَأَيْنَا وَأَيَّ الأَرْضِ تَذْهَبُ لِلصَّيْحِ

بِمَعْنَى: إِلَى أَيِّ الأَرْضِ.

وَلَا يَجُوزُ أَنْ يَشَاءَ أَحَدٌ الإِسْتِقَامَةَ عَلَى الإِيمَانِ إِلَّا وَقَدْ شَاءَ اللَّهُ، لِأَنَّهُ أَمَرَ بِهِ وَرَعَّبَ فِيهِ أَتَمَّ التَّرْغِيبِ، وَمِنْ تَرْغِيبِهِ فِيهِ إِرَادَتُهُ لَهُ. وَقَالَ الْحَسَنُ: ﴿لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ [١١٤٢] أَنْ يَسْتَقِيمَ﴾ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَقِيلَ: فَأَيُّ طَرِيقٍ تَسْلُكُونَ أُبَيْنُ مِنَ الطَّرِيقِ الَّذِي بَيَّنَّهُ لَكُمْ.

٤٣٥

آبِنُهُ بَزُوهُشٍ | ٢١٠
سال ٣٥ | شماره ٦
بهم و اسفند ١٤٠٣

وَقَدْ تَصَمَّتِ الآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الإِسْتِئْطَاءِ فِي الذَّهَابِ عَنِ الْحَقِّ يَمِينًا وَشِمَالًا مِنَ الإِنْكَارِ عَلَى صَاحِبِهِ وَالذَّمُّ لَهُ بِذِهَابِهِ، وَمَا فِي كَوْنِ الْقُرْآنِ ذِكْرًا لِمَنْ طَلَبَ الإِسْتِقَامَةَ بِسُلُوكِ طَرِيقِ الْمَعْرِفَةِ وَالْعَمَلِ عَلَى الْبَصِيرَةِ مَعَ مَشِيئَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ لِيَتْلِكَ الْحَالِ وَالتَّرْغِيبِ فِيهَا بِالتَّوَابِ مِنْ وُجُوبِ الإِقْبَالِ عَلَيْهِ وَطَلَبِ الْفَائِدَةِ مِنْ جِهَتِهِ وَالتَّأَدُّبِ بِأَدْبِهِ وَالْعَمَلِ بِمَوْجِبِهِ وَأَمْرِهِ وَنَهْيِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ.

سُورَةُ السَّمَاءِ انْفَطَرَتْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِرَتْ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ﴾

يُقَالُ: مَا الْإِنْفِطَارُ؟ الجَوَابُ: انْقِطَاعُ الشَّيْءِ مِنَ الْجِهَاتِ مِثْلَ تَفْطَرُ، وَمِنْهُ الْفَطِيرُ: قِطْعُ الْعَجِينِ قَبْلَ بُلُوغِهِ بِمَا هُوَ مُتَأَنِّفٌ لِإِسْتَوَائِهِ، وَفَطَرُهُ يَفْطَرُهُ إِذَا وَجَدَهُ بِمَا هُوَ كَقِطْعِ [١٤٢] مَا يَصُدُّ عَنْهُ، وَالْإِنْفِطَارُ

١. في النسخة: يخلوا.

٢. أنشده الفراء لبعض بني عقيل. انظر: معاني القرآن، ٢٤٣/٣؛ ونقله الطبري في جامع البيان، ١٧١/٢٤.

وَالْإِنْشِقَاقُ وَالْإِنْصِدَاعُ نَطَائِرٌ فِي اللَّغَةِ. وَيُقَالُ: مَا الْإِنْشِقَاقُ؟ الْجَوَابُ: تَسَاقُطُ الشَّيْءِ مِنْ الْجِهَاتِ؛ انْتَشَرَ يَنْتَشِرُ انْتِشَارًا، وَنَثَرَهُ يَنْثَرُهُ نَثْرًا، وَتَنَاطَرَ تَنَاطُرًا، وَاسْتَنْشَرَ اسْتِنْشَارًا، وَمِنْهُ النَّثْرُ فِي الْكَلَامِ خِلَافَ النَّظْمِ.

وَيُقَالُ: مَا التَّفَجِيرُ؟ الْجَوَابُ: حَزَقُ بَعْضِ مَوَاضِعِ الْمَاءِ إِلَى بَعْضِ عَالِي التَّكْثِيرِ؛ فَجَرَ الْأَنْهَارَ يُفَجِّرُهَا تَفْجِيرًا، وَمِنْهُ الْفُجُورُ لِأَنْخِرَاقِ صَاحِبِهِ بِالْخُرُوجِ إِلَى كَثِيرٍ مِنَ الذُّنُوبِ، وَمِنْهُ الْفُجْرُ لِأَنْخِرَاقِهِ بِالضِّيَاءِ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (بُعْثِرْتُ)؟ الْجَوَابُ: بُعْثِرْتُ؛ بَعَثَرْتُ فَلَانَ حَوْضَهُ وَبَحَثَرَهُ بِمَعْنَى وَاحِدٍ، إِذَا جَعَلَ أَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ، وَالْبَحَثَرَةُ: إِثَارَةُ الشَّيْءِ بِقَلْبٍ بَاطِنِهِ إِلَى ظَاهِرِهِ. وَقِيلَ: (بُعْثِرْتُ): بَحَثْتُ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (مَا قَدَّمْتُ وَأَخَّرْتُ) هُنَا؟ الْجَوَابُ: قِيلَ مَا أَخَذْتَ وَتَرَكْتَ مِمَّا يُسْتَحَقُّ بِهِ الْجَزَاءُ. وَقِيلَ: كُلُّ مَا يُسْتَحَقُّ بِهِ الْجَزَاءُ مِمَّا كَانَ فِي أَوَّلِ عُمُرِهِ وَآخِرِهِ. وَقِيلَ: فُجِرَ عَذْبُهَا فِي مَالِحِهَا وَمَالِحُهَا فِي ٢ عَذْبِهَا، عَنْ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: مَا قَدَّمْتُ مِنْ عَمَلِهَا وَمَا أَخَّرْتُ مِنْ سُنَّةٍ سَنَّتْهَا يُعْمَلُ بِهَا، عَنْ الْقُرْطُبِيِّ. وَقِيلَ: مَا قَدَّمْتُ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ أَوْ تَرَكْتُ، عَنْ ابْنِ [١١٤٣] عَبَّاسٍ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: (مَا قَدَّمْتُ وَأَخَّرْتُ) مِنْ إِحْسَانٍ أَوْ إِسَاءَةٍ إِذَا قُرِئَ كِتَابُهُ وَجُوزِيَ بِعَمَلِهِ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي انْفِطَارِ السَّمَاءِ وَانْتِشَارِ الْكَوَاكِبِ، وَتَفْجِيرِ الْبِحَارِ وَالْأَنْهَارِ، وَبَعَثَرَةِ الْقُبُورِ مِنْ انْكَشَافِ الْأُمُورِ، وَوُقُوعِ التَّغْيِيرِ الَّذِي يُؤْدِنُ بِالْأَمْرِ الْكَبِيرِ، وَيَعْلَمُ كُلُّ إِنْسَانٍ مَا كَانَ مِنْهُ فِي التَّقْدِيمِ وَالتَّأخِيرِ مِنْ إِسَاءَةٍ أَوْ إِحْسَانٍ.^٣

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ)

يُقَالُ: مَا الْعُرُورُ؟ الْجَوَابُ: ظُهُورُ أَمْرٍ يَتَوَهَّمُ بِهِ جَهْلًا الْأَمَانُ مِنَ الْمَحْذُورِ؛ غَرَّهُ يَعْرَهُ غُرُورًا، وَاعْتَرَّ بِهِ يَعْتَرُّ اعْتِرَارًا. وَقَالَ الْحَارِثُ بْنُ حَلِيزَةَ:

لَمْ يَعْرُوكُمْ غُرُورًا وَلَكِنْ
يَرْفَعُ الْأَلَّ جَمْعُهُمُ وَالضَّحَاءُ^٥

١. في النسخة: «بعض المواضع الماء».

٢. وردت في النسخة "من" بدل "في" في كلا الموضعين.

٣. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١٢-٢ب.

٤. الحارث بن حلزة بن مكروه بن يزيد اليشكري الوائلي، شاعر جاهلي، من عظماء قبيلة بكر بن وائل، من وجوه قومه في العراق. وهو أحد أصحاب المعلقات؛ كان أبرص فخورا، ارتجل معلقته بين يدي عمرو بن هند الملك، بالحيرة، ومطلعها: (أَدَّتْنَا بَيْنِيهَا أَسْمَاءُ * رَبِّ تَأْوِيئُ مِنْهُ التَّوَاهُ) جمع بها كثيرا من أخبار العرب ووقائعهم. توفي سنة ٥٠ هـ على وجه التقريب.

٥. ديوان الحارث بن حلزة اليشكري، ص ٨٩؛ شرح المعلقات التسع، لأبي عمرو الشيباني، ص ٣٥٨؛ شرح القصائد السبع الطوال الجاهليات، لابن الأثير، ص ٤٩١؛ ونسب البيت في مسائل نافع بن الأزرق إلى أوس بن حجر وليس في ديوانه؛ وفيه (الزهاء) بدل (الضحاء). ولم نجد أحدا من المفسرين قبل الرماني من استشهد بالبيت في تفسيره.

وَيُقَالُ: مَا الْكَرِيمُ؟ الْجَوَابُ: الْقَادِرُ عَلَى التَّكْرُمِ مِنْ غَيْرِ مَانِعٍ، وَمِنْ هَذِهِ صِفَتُهُ حَكِيمٌ لَا يَجُوزُ الْإِعْتِرَازُ بِهِ، لِأَنَّ تَكْرُمَهُ عَلَى مَا تَدْعُو إِلَيْهِ الْحِكْمَةُ مِنْ مُجَازَاةِ الْمُحْسِنِ بِإِحْسَانِهِ وَالْمُسِيءِ بِإِسَاءَتِهِ. [١٤٣ب] وَيُقَالُ: مَا التَّسْوِيَةُ؟ الْجَوَابُ: جَعَلَ الشَّيْءَ عَلَى مَقْدَارِ غَيْرِهِ، وَتَسْوِيَةُ الْإِنْسَانِ: جَعَلَهُ عَلَى مَقَادِيرِ مَا تَدْعُو إِلَيْهِ الْحِكْمَةُ عَلَى مَا دَبَّرَهُ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ فِي التَّسْوِيَةِ بَيْنَ الْمَعْنِيِّينَ فِي الْحُكْمِ، جَعَلَهُمَا عَلَى مَقْدَارٍ وَاحِدٍ فِي الصِّحَّةِ أَوْ الْفَسَادِ.

وَيُقَالُ: مَا الْفَرْقُ بَيْنَ التَّسْوِيَةِ وَالتَّعْدِيلِ؟ الْجَوَابُ: إِنَّ التَّعْدِيلَ قَدْ يَكُونُ بِجَعْلِ الشَّيْءِ عَلَى حَالٍ بَيْنَ حَالَيْنِ كَتَّعْدِيلِ الْمَاءِ بَيْنَ الْحَارِّ وَالْبَارِدِ. وَيُقَالُ: عَدَلَ الْمَاءُ وَعَدَلَ الْمِرْجَاحُ، لَا يُقَالُ فِي هَذَا الْمَعْنَى: سَوَى الْمَاءِ، وَلَكِنْ سَوَاهُ إِذَا جَرَى فِي غَيْرِ حَقِّهِ، حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى حَقِّهِ بِالتَّسْوِيَةِ فِي الْيَدَيْنِ وَالرِّجْلَيْنِ وَالْعَيْنَيْنِ وَنَحْوِ ذَلِكَ، وَالتَّعْدِيلُ فِي الْمِرْجَاحِ.

وَيُقَالُ: مَا الصُّورَةُ؟ الْجَوَابُ: الثُّبِيَّةُ الَّتِي تَمِيلُ بِالتَّأَلِيفِ إِلَى مُمَائِلَةِ الْحِكَايَةِ، وَهِيَ مِنْ صَارَهُ يَصُورُهُ صَوْرًا إِذَا أَمَّالَهُ، وَمِنْهُ (فَضْرَهُنَّ إِلَيْكَ) ^٢ أَي: أَمْلَهُنَّ إِلَيْكَ، وَلَوْ كَانَتْ بُثِّيَّةً مِنْ غَيْرِ مُمَائِلَةٍ لَمْ يَكُنْ صُورَةً لَشَيْءٍ. وَقِيلَ: غَرَّهُ عَدُوُّهُ الشَّيْطَانُ، عَنْ فَتَادَةَ، وَقِيلَ: غَرَّهُ جَهْلُهُ ^٣ الْوَجْهَ فِي طَوْلِ الْإِمْهَالِ.

وَقِيلَ: (فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ) مِنْ شَبَّهَ أَبَ أَوْ أُمَّ أَوْ خَالَ أَوْ عَمَّ [١٤٤أ] عَنْ مُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: (تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ) بِالْجَزَاءِ وَالْحِسَابِ، عَنْ مُجَاهِدٍ وَفَتَادَةَ. وَقِيلَ: (فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ) مِنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْشَى، وَجَسِيمًا أَوْ نَحِيفًا، وَطَوِيلًا أَوْ قَصِيرًا، وَمُسْتَحْسَنَ الصُّورَةِ أَوْ مُسْتَقْبِحًا فِي الصُّورَةِ. وَقِيلَ: (تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ) الَّذِي جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ الْإِسْلَامُ.

وَقَرَأَ عَاصِمٌ وَحَمْزَةً وَالْكَسَائِيُّ (فَعَدَلَكُ) خَفِيفَةَ الدَّالِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ «فَعَدَلَكُ» مُشَدَّدَةَ الدَّالِ، وَاخْتَارَهُ الْفَرَّاءُ، لِأَنَّ «فِي» مَعَ التَّعْدِيلِ أَحْسَنُ، وَ«إِلَى» مَعَ الْعَدْلِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي اعْتِرَازِ الْإِنْسَانِ بِإِمْهَالِ رَبِّهِ جَلَّ وَعَزَّ حَتَّى يَهْلِكَ فِي دِينِهِ، وَهُوَ مُظَاهَرٌ عَلَيْهِ بِكَرَمِهِ مِنْ جِنَاتِيهِ عَلَى نَفْسِهِ، وَاسْتِيْجَابِهِ الدَّمَّ وَالتَّوْبِيخَ عَلَى فِعْلِهِ، وَمَا فِي خَلْقِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ لِلْإِنْسَانِ وَتَسْوِيَتِهِ بِالتَّرْكِيبِ فِي صُورَتِهِ وَتَعْدِيلِهِ فِي أَخْلَاطِ بَدَنِهِ وَمِرْجَاحِهِ مِنَ الدَّلِيلِ الْمُؤَدِّيِّ إِلَى مَعْرِفَةِ خَالِقِهِ بِمَا يَزْجُرُ عَنِ الْإِعْتِرَازِ بِهِ، وَمَا فِي تَكْذِيبِ الْكَافِرِ بِالَّذِينَ مَعَ مَا عَلَيْهِ مِنَ الرُّقْبَاءِ الْحَافِظِينَ مِنَ الرَّجْرِ عَنْ هَذَا الْقَبِيحِ الَّذِي حَمَلَ نَفْسَهُ عَلَيْهِ بِالْعُزُورِ.

١. في النسخة: تدعوا.

٢. البقرة: ٢٦٠.

٣. ورد في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك: «بجهله».

٤. في البرهان في علوم القرآن، للحوفي، «عزَّ وجلَّ».

٥. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ٢ب.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا [١٤٤ب] تَفْعَلُونَ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَنِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَنِي جَحِيمٍ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ﴾

يُقَالُ: بَأَيِّ شَيْءٍ يَعْلَمُ الْمَلَكُ مَا يَفْعَلُهُ الْإِنْسَانُ فِي قَلْبِهِ؟ الْجَوَابُ: مِنْهُ مَا يَعْلَمُهُ بِاضْطِرَارٍ كَمَا نَعْلَمُ نَحْنُ أَنَّهُ يُقْصَدُ إِلَى كَلَامِنَا وَأَمْرِنَا وَنَهْيِنَا وَإِخْبَارِنَا، وَمِنْهُ مَا يَعْلَمُهُ بِاسْتِدْلَالٍ، إِذَا رَأَاهُ وَقَدْ ظَهَرَ مِنْهُ الْأُمُورُ الَّتِي لَا تَكُونُ عَنْ عِلْمٍ وَقْصِدٍ، نَحْوُ التَّحَرِّيِّ فِي الْوِزْنِ وَالْكَفْلِ، وَرَدِّ الْوُدَيْعَةِ وَقَضَاءِ الدَّيْنِ، وَمِمَّا يَعْتَمِدُ مِنْهُ أَهْلُ الْحُقُوقِ دُونَ غَيْرِهِمْ.

وَيُقَالُ: لَمْ جَازَ أَنْ يَكُونَ كُلُّ عِلْمٍ فَهُوَ اغْتِقَادٌ لِلشَّيْءِ عَلَى مَا هُوَ بِهِ عَنْ ثِقَةٍ، وَلَمْ يَجْزُ أَنْ يَكُونَ كُلُّ عَالِمٍ فَهُوَ مُعْتَقِدٌ عَلَى هَذِهِ الصُّفَةِ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّ مِنَ الْعَالِمِينَ مَا يَسْتَعْنِي عَنْ عِلْمٍ وَاعْتِقَادٍ بِنَفْسِهِ، وَلَيْسَ مِنَ الْمُعْتَقِدِينَ مَا يَسْتَعْنِي عَنْ اغْتِقَادٍ بِنَفْسِهِ، كَمَا أَنَّ مِنَ الْعَالِمِينَ مَا يَسْتَعْنِي عَنْ اسْتِفَادَةِ عِلْمٍ وَلَيْسَ مِنْهُمْ مَا يَسْتَعْنِي عَمَّا بِهِ يَعْلَمُ، إِذْ لَا يَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ عَالِمًا بِعِلْمٍ بِهِ اسْتَعْنَى، أَوْ عَالِمًا بِنَفْسِهِ الَّتِي اسْتَعْنَى بِهَا عَنْ عِلْمٍ.

وَيُقَالُ: مَا الْأَبْرَارُ؟ الْجَوَابُ: عَمَّالُ الْإِحْسَانِ الَّذِي يَكُونُونَ بِهِ مُحْسِنِينَ، وَالْفُجَّارُ: عَمَّالُ الْإِسَاءَةِ الَّتِي يَكُونُونَ بِهَا [١٤٥أ] مُسِيئِينَ، وَالْحَمْدُ لَا يَسْتَحِقُّهُ إِلَّا الْمُحْسِنُ، وَالذَّمُّ لَا يَسْتَحِقُّهُ إِلَّا الْمُسِيءُ، وَهُمَا دَلِيلُ الثَّوَابِ وَالْعِقَابِ. وَيُقَالُ: لَمْ سَمِّيَ الْإِسْلَامُ دِينًا؟ لِأَنَّهُ يُسْتَحَقُّ بِهِ الْجَزَاءُ، وَذَلِكَ أَنْ أَصْلَ الدِّينِ الْجَزَاءُ، فَأَمَّا دِينُ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ فَيُسْتَحَقُّ عَلَيْهِ الْجَزَاءُ بِالْعِقَابِ، وَهُوَ عِنْدَ أَهْلِهِ بِخِلَافِ ذَلِكَ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى ﴿يَصْلَوْنَهَا﴾؟ الْجَوَابُ: يَلْزَمُونَهَا بِكَوْنِهِمْ فِيهَا، وَمِنْهُ الْمُضْطَلِّي: الْمَلَاذِمُ لِلنَّارِ يَتَدَفَّأُ بِهَا؛ صَلِيٌّ يَصَلِي صَلِيًّا^١ وَاضْطَلِّي يَضْطَلِّي اضْطِلَاءً. وَقَالَ الْحَسَنُ: «﴿يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ مِنْ الظَّاهِرِ دُونَ الْبَاطِنِ». وَقِيلَ: بَلْ هُوَ عَلَى ظَاهِرِ الْعُمُومِ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَعْلَمُهُمْ إِثَاءً.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي كُتُبِ الْأَعْمَالِ [مِنْ] الْمَلَايِكَةِ الْكِرَامِ^٣ عَلَى عِلْمٍ مِنْهُمْ بِالْأَفْعَالِ^٤ مِنْ لُزُومِ الْاجْتِهَادِ فِي مَلَكِ الصَّحَائِفِ بِالْحَسَنَاتِ دُونَ السَّيِّئَاتِ بِالْفُوزِ بِهَا يَوْمَ الْحِسَابِ، وَإِبْيَاضِ الْوُجُوهِ يَوْمَ تَسْوَدُ الْوُجُوهُ بِالسَّيِّئَاتِ، وَمَا فِي نَعِيمِ الْأَبْرَارِ

١. في التبيان، للطوسي وفي تفسير ابن فورك: «كما يعلم أنه يقصد».

٢. في النسخة: صاءً.

٣. في البرهان في علوم القرآن، للخوفي: «في تركيب أعمال الملائكة الكرام».

٤. في البرهان في علوم القرآن، للخوفي: «بالفعل».

وَتَعَذِّبِ الْفُجَّارِ مِنْ طَلَبِ صِفَةِ الْأَبْرَارِ وَالتَّبَاعِدِ مِنْ صِفَةِ الْفُجَّارِ فِي دَارِ الْإِمْتِكَانِ قَبْلَ رَفْعِ الْإِمْتِكَانِ.^١
الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: [١٤٥ب] ﴿وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ﴾

يُقَالُ: مَا الْغَائِبُ؟ الْجَوَابُ: الزَّائِلُ عَنْ حَضْرَةِ مَا يُمْتَنَعُ بِهِ إِذْرَاكُهُ لَوْ كَانَ مِمَّا يُدْرَكُ، وَالْغَائِبُ: خِلَافُ الشَّاهِدِ، وَمِنْهُ الْإِسْتِدْلَالُ بِالشَّاهِدِ عَلَى الْغَائِبِ، وَالْعُقُولُ يُسْتَدَلُّ بِهَا عَلَى الْغَائِبِ بِالشَّاهِدِ. وَيُقَالُ: لَمْ عَظَمَ يَوْمَ الدِّينِ بِطَرِيقِ الْإِسْتِفْهَامِ عَمَّا وَقَعَ بِهِ الْإِعْلَامُ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّهُ نَبَّهَ عَلَيْهِ بِطَرِيقِ الظَّلْبِ لَهُ الَّذِي يُوجَدُ مَعَهُ وَتَحَضَّرُ النَّفْسُ ذِكْرَهُ فَكَانَ ذَلِكَ أَبْلَغَ مِنْ طَرِيقِ الْخَبَرِ عَنْهُ.

وَيُقَالُ: بِأَيِّ شَيْءٍ عَظَمَ يَوْمَ الدِّينِ؟ الْجَوَابُ: بِشِدَّةِ الْحَاجَةِ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ الَّذِي تَحْصُلُ فِيهِ لِأَهْلِ الطَّاعَةِ النَّجَاةِ مِنْ عَذَابِ أَهْلِ الْمُعْصِيَةِ، فَلَا يَوْمَ أَعْظَمَ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ كَمَا دَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عَلَى عَظَمِ شَأْنِهِ. وَيُقَالُ: مَا الَّذِي أَعْلَمْنَا يَوْمَ الدِّينِ؟ الْجَوَابُ: الدَّلِيلُ الْمُؤَدِّي إِلَى الْعِلْمِ بِالْحَقِّ فِي صِفَتِهِ، وَمَا يَكُونُ فِيهِ مِنْ قَوْمٍ يُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ، وَقَوْمٍ يُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ عَلَى التَّخْلِيدِ فِي النَّعِيمِ أَوْ الْعَذَابِ.

وَيُقَالُ: لِمَ [١٤٦أ] ﴿وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ﴾ وَالْأَمْرُ فِي كُلِّ وَقْتٍ لِلَّهِ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ لَمْ يُمَلِكِ اللَّهُ فِيهِ أَحَدًا شَيْئًا مِنَ الْأُمُورِ كَمَا مَلَكَهُمْ فِي دَارِ الدُّنْيَا. وَوَجْهٌ آخَرَ، وَهُوَ أَنَّهُ لَا يُمَكِّنُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنْ يُجَازِيَ أَحَدٌ إِلَّا بِالْحَقِّ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

وَقَرَأَ ابْنُ كَثِيرٍ وَأَبُو عَمْرٍو «يَوْمَ لَا يَمْلِكُ» بِالرَّفْعِ لِلْمِيمِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِالنَّصْبِ.

وَقَدْ نَصَّصَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْيَأْسِ مِنْ غَيْبَةِ الْفُجَّارِ عَنِ النَّارِ مِنَ التَّحْذِيرِ كُلِّ التَّحْذِيرِ مِنْ رُكُوبِ الْفُجُورِ، وَمَا فِي التَّنْبِيهِ عَلَى عِلْمِ يَوْمِ الدِّينِ مِنَ التَّهْوِيلِ بِالْحَقِّ الَّذِي يَمْلَأُ الصُّدُورَ وَيَصُدُّ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ حَوْفًا مِنْ وُقُوعِ الْمَخْذُورِ، وَمَا فِي الْيَوْمِ الَّذِي لَا تَمْلِكُ فِيهِ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا مِنْ تَرْكِ الْإِتِّكَالِ إِلَّا عَلَى صَالِحِ الْأَعْمَالِ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَزَاءَ بِالْإِحْسَانِ.^٤

١. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ٢ب.

٢. في تفسير ابن فورك: «يوم الدين».

٣. في النسخة: يملؤ.

٤. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ٢ب-٣أ.

سُورَةُ الْمُطَفِّينِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ [١٤٦ب] أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ)

يُقَالُ: مَا التَّطْفِيفُ؟ الْجَوَابُ: تَنْقِصُ يَخُونُ بِهِ صَاحِبُهُ فِي كَيْلٍ أَوْ وَزْنٍ؛ وَقَدْ يَكُونُ التَّنْقِيسُ يَرْجِعُ إِلَى مَقْدَارِ الْحَقِّ، فَلَا يَكُونُ تَطْفِيفًا؛ وَلَا يُسَمَّى [التَّقْصُ] بِالشَّيْءِ السَّيْرِ مُطْفَفًا عَلَى إِطْلَاقِ الصِّفَةِ حَتَّى يَصِيرَ إِلَى حَالٍ تَتَفَاحَشُ؛^١ وَيُحْسِنُ بِهَا ذَمُّهُ فِي دِينِ الْمُسْلِمِينَ لَمَّا جَاءَ عَلَيْهِ مِنَ الْوَعِيدِ.

وَيُقَالُ: مَا الْاِكْتِيَالُ؟ الْجَوَابُ: الْأَخْذُ بِالْكَيْلِ، وَتَطْبِئُهُ الْاِئْتِانُ: الْأَخْذُ بِالْوِزْنِ، وَالْاِعْتِدَادُ: الْأَخْذُ بِالْعَدَدِ؛ اِكْتَالًا يَكْتَالُ اِكْتِيَالًا، وَكَالَهُ يَكِيلُهُ كَيْلًا، وَكَأَيْلُهُ مَكَائِلَةٌ، وَتَكَأَيْلًا تَكَأَيْلًا. وَيُقَالُ: مَا الْاِسْتِيفَاءُ؟ الْجَوَابُ: الْأَخْذُ بِالْوَفَاءِ، وَهُوَ طَلَبُ الْوَفَاءِ، وَالْوَفَاءُ تَمَامُ مَقْدَارِ الْحَقِّ، وَقَدْ يَكُونُ تَمَامٌ وَمَقْدَارٌ عَدَدٌ لَيْسَ بِوَفَاءٍ، فَالتَّمَامُ أَعَمُّ مِنَ الْوَفَاءِ.

وَيُقَالُ: لِمَ ذُكِرَ فِي الذَّمِّ (إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ)؟ الْجَوَابُ: لِيُبَيِّنَ مَنْزِلَتَهُمْ إِلَى تَعَدِّي الْحَقِّ بِأَنَّهُمْ لَمْ يَنْقُصُوا النَّاسَ عَلَى طَرِيقِ مُسَامَحَةٍ، يَتَعَامَلُونَ بِمِثْلِهَا لَكِنْ عَلَى مَخْضِ الظُّلْمِ فِي الْبَحْسِ. وَيُقَالُ: لِمَ جَازَ (كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ) وَإِنَّمَا يَكَالُ الطَّعَامُ وَيُوزَنُ الْمَتَاعُ [١٤٧أ] وَالْاِئْتِمَانُ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّهُ مَحْدُوفٌ مِنْ كَالُوا لَهُمْ أَوْ وَزَنُوا لَهُمْ، فَحُذِفَ لِمَا دَلَّ الْكَلَامُ عَلَيْهِ لِلِاِجْزَاءِ مِنْ غَيْرِ اِخْتِلَالٍ؛ وَأَصْلُ الْمُطَفِّفِ مِنَ الظَّفِيفِ، وَهُوَ الْقَلِيلُ النَّزْرُ، وَالْمُطَفِّفُ: الْمُقَلِّلُ حَقَّ صَاحِبِهِ بِنُقْصَانِهِ عَنِ الْحَقِّ فِيهِ فِي كَيْلٍ أَوْ وَزْنٍ، وَمِنْهُ يُقَالُ: كَطَفَّ الصَّاعُ، أَي: كَقَرَّبَ الْمَلِيءُ.^٢

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: كَانَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ مِنْ أَحَبِّ النَّاسِ كَيْلًا إِلَى أَنْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّينَ) فَأَحْسَنُوا الْكَيْلَ. وَيُقَالُ: اِكْتَالُوا عَلَيْهِمْ وَاِكْتَالُوا مِنْهُمْ، فَالْأَوَّلُ: أَخَذُوا مَا عَلَيْهِمْ، وَالثَّانِي: اسْتَوْفُوا مِنْهُمْ.

٤٤٠

آينه پژوهش | ٢١٠

سال ٣٥ | شماره ٦

بهمن و اسفند ١٤٠٣

١. في النسخة: «ليرجع». فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي.

٢. في التبيان، للطوسي، ٢٩٦/١٠: «ولفظه (المطفف) صفة ذم لا تطلق على من طفف شيئاً يسيراً إلى أن يصير إلى حال تتفاحش».

٣. في التبيان، للطوسي: «تكايل».

٤. في النسخة: لتبين.

٥. قال الطبري في جامع البيان: «ومنه قيل للقوم يكونون سواءً في حسبة أو عدد؛ هم سواءً كطف الصاع يعني بذلك: كقرب الممتلئ منه ناقص عن الجلاء». وذكر الكرمانى في لباب التفاسير: «وطف الصاع قرب ملئه».

وَكَانَ عَيْسَى بْنُ عَمَرَ يَجْعَلُ (هُم) مُنْفَصِلًا فِي مَوْضِعِ رَفْعٍ بِمَعْنَى الْفَاعِلِ،^٢ وَالْوَجْهُ: التَّنْصِبُ، لِأَنَّهُ الْأَظْهَرُ؛ وَمَذْهَبُ أَهْلِ الْحِجَازِ يَقُولُونَ: وَزَنْتَكَ حَقَّكَ وَكَلْتُكَ طَعَامَكَ؛ وَهِيَ فِي الْكِتَابِ: (كَالْوَهُم) بِغَيْرِ أَلِفٍ [أَي: كَالْوَاهِم].

وَقِيلَ: أَقَلُّ التَّظْفِيفِ الَّذِي يَلْزِمُ فِيهِ الْوَعِيدُ مَقْدَارُ خَمْسَةِ دَرَاهِمٍ فِيمَا يُقَطَّعُ بِهِ أَنَّهُ فَسُقٌ. وَيُقَالُ: أَحْسَرَ وَحَسِرَ لُعْتَانِ، إِذَا نَقَصَ الْحَقُّ. وَقَالَ خَفَافٌ:^٣

وَيُحْضَرُ فَوْقَ جُهْدِ الْحُضْرِ نَصًّا | يَصِيدُكَ قَافِلًا وَالْمُخُّ رَاؤُ

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ [٤٧ب] الْبَيَانَ عَمَّا فِي التَّظْفِيفِ بِالْبُخْسِ فِي الْكَيْلِ وَالْوَزْنِ مِنَ الْوَيْلِ لِصَاحِبِهِ وَسَخَطِ رَبِّهِ وَعِقَابِهِ وَفَضِيحَتِهِ وَذَمِّهِ، وَمَا فِي التَّذَكُّرِ لِيَوْمِ الْبُعْثِ مِنَ الرَّجْرِ عَنِ الْبُخْسِ فِي كَيْلٍ أَوْ وَزْنٍ بِمَا يَمْلَأُ هُوَ لَهُ الصَّدْرُ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ كِتَابٌ مَرْقُومٌ وَبِلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ)

٤٤١

آبَنُهُ بَرْوَهَش | ٢١٠
سال ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٠٣

يُقَالُ: مَا الْقِيَامُ؟ الْجَوَابُ: الْإِنْتِصَابُ وَهُوَ الْإِمْتِدَادُ فِي جَهَةِ الْعُلُوِّ، وَإِنَّمَا يَقُومُ النَّاسُ مِنْ قُبُورِهِمْ إِلَى أَرْضِ الْمَحْضَرِ لِحِزَاءِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَيُقَالُ: مَا سِجِّينٌ؟ الْجَوَابُ: السِّجْنُ عَلَى التَّخْلِيدِ فِيهِ، وَهُوَ فَعِيلٌ مِنْ: سَجَنْتُهُ أَشْجَنْتُهُ سَجْنًا، وَفِيهِ مُبَالَغَةٌ كَمَا فِي شَرَّيْبٍ مِنَ الشَّرْبِ، وَسَكَيْتٍ مِنْ الشُّكُوتِ، وَشَرَّيْرٍ مِنَ الشَّرِّ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى جَعَلَ (كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ)؟ الْجَوَابُ: إِنَّ تَخْلِيدَهُ فِيهِ يَقُومُ مَقَامَ إِدَامَةِ التَّفْرِيعِ وَأَنَّ عِقَابَهُمْ لَا يَفْتَنِي وَلَا يَبِيدُ كَمَا لَا يَفْتَنِي كِتَابُ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا يَبِيدُ. وَيُقَالُ: مَا الرَّقْمُ؟ الْجَوَابُ: طَبْعُ الْحِطِّ بِمَا فِيهِ عِلْمٌ لِأَمْرِ، رَقْمُهُ يَرْقُمُهُ رَقْمًا، وَهُوَ رَاقِمٌ [١٤٨أ] وَالشَّيْءُ مَرْقُومٌ، وَمِنْهُ رَقْمُ النَّيِّابِ بِعِلْمَةٍ

١. في النسخة: «يجعلهم».

٢. قال ابن الأنباري في إيضاح الوقف والابتداء، ٣٤٧/١: «وكان عيسى بن عمر يقول: (كالوهم) حرفان، ويقف على (كالوا) و (وزنوا) وبيتدئ: (هم يخسرون)؛ فموضع (هم)، من قول عيسى بن عمر، رفع على التوكيد لما في (كالوا) و (وزنوا) كما تقول في الكلام: «قالوا هم وقعدوا هم» ويجوز أن يكون الكلام انقطع عند قوله: (وزنوا) ثم ابتداء: (هم يخسرون) ورفع (هم) بما عاد من (يخسرون). وقد روي مذهب عيسى بن عمر عن حمزة».

٣. خَفَافٌ بن عمير بن الحارث بن الشريد السلميّ، من مضر؛ أبو خراشة، خَفَافٌ بن نَدْبَةَ - ونَدْبَةُ اسم أمه - شاعر وفارس، وهو ابن عمّ خنساء بنت عمرو بن الشريد الشاعرة. عاش زمنًا في الجاهلية، وأدرك الإسلام فأسلم.

٤. أي: يصيد لك. عجز بيت صدره «وَيُحْضَرُ فَوْقَ جُهْدِ الْحُضْرِ نَصًّا» ذكره أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٨٩/٢؛ وابن دريد في جمهرة اللغة، ١٣١٧/٣؛ والمبرد في الكامل في اللغة والأدب، ٥٣/٣.

لَيْلًا يَخْتَلِطُ. وَيُقَالُ: مَا أَضْلُ (كَلَامًا)؟ الْجَوَابُ: فِيهَا وَجْهَانِ: أَحَدُهُمَا أَنْ تَكُونَ كَلِمَةً وَاحِدَةً مِنْ غَيْرِ تَرْكِيْبٍ وَضِعَتْ لِلزَّرْعِ وَالزَّجْرِ، وَجَرَتْ مَجْرَى الْأَصْوَاتِ مِنْ نَحْوِ: صَهْ وَمَهْ. وَالْآخَرُ أَنْ تَكُونَ كَأَفِ التَّشْبِيهِ دَخَلَتْ عَلَى لَا، وَشُدِّدَتْ لِلْمُبَالَغَةِ فِي الزَّجْرِ مَعَ الْإِنْدَارِ بِتَرْكِيْبِ اللَّفْظِ.

و(يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ) يَحْتَمِلُ ثَلَاثَةَ أَوْجُهٍ: النَّصْبُ عَلَى: ذَاكَ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ، وَيَصْلُحُ: مَبْعُوثُونَ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ، وَالرَّفْعُ عَلَى الْإِسْتِيْنَاَفِ، وَالْجَزُّ عَلَى الْبَدَلِ مِنْ (لِيَوْمٍ عَظِيمٍ). وَقِيلَ: يَقُومُونَ مِقْدَارَ ثَلَاثِمَائَةِ سَنَةٍ، وَيَقْصُرُ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَتَّى تَكُونَ كَأَحَدَى صَلَاتِهِ الْمَكْتُوبَةِ، عَنْ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: «إِنَّ أَحَدَهُمْ لَيَغِيْبُ فِي رُشْحِهِ إِلَى أَنْصَافِ أَذْنِيهِ»،^١ فِي حَدِيثِ مَرْفُوعٍ.

وَقِيلَ: (لِي سَجِينٍ): فِي الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَالضَّحَّاكَ. وَقِيلَ: سَجِينٌ: جُبٌّ فِي جَهَنَّمَ، فِي خَبَرٍ مَرْفُوعٍ.^٢ وَقِيلَ: سَجِينٌ: صَخْرَةٌ فِي الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى، عَنْ مُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: سَجِينٌ: شَدِيدٌ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ. وَأَنْشَدَ: [١٤٨ب]

وَرَجَلَةٌ يَضْرِبُونَ الْبَيْضَ عَنْ عُرْضٍ | صَرَبًا تَوَاصَى بِهِ الْأَبْطَالُ^٣ سَجِينًا

يَعْنَى: شَدِيدًا. وَكَأَنَّهُ كَشِدَّةِ السَّجْنِ، وَيَكُونُ بِمَعْنَى شَدِيدٍ عَدَاؤُهُ.

وَقَدْ تَصَوَّرَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي قِيَامِ النَّاسِ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِمَّا يُوجِبُ الْإِسْتِعْدَادَ لِذَلِكَ الْمَقَامِ، وَمَا فِي كِتَابِ الْفُجَّارِ الَّذِي فِي سَجِينٍ مِمَّا يَفْتَضِي التَّبَاعُدَ مِنَ الْفُجُورِ، وَمَا فِي التَّكْذِيبِ بِهَذِهِ الْأُمُورِ مِنَ الْوَيْلِ لِصَاحِبِهِ يَوْمَ الدِّينِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ وَمَا يُكْذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ)

١. صحيح البخاري، ١٨٨٤/٤؛ صحيح مسلم، ٢١٩٥/٤؛ جامع البيان، للطبري، ١٩٢/٢٤.

٢. عن سعيد بن جبيرة. رواه الطبري في جامع البيان، ١٩٦/٢٤.

٣. في النسخة: الأقران.

٤. عجز بيت صدره: «وَرَجَلَةٌ يَضْرِبُونَ الْبَيْضَ عَنْ عُرْضٍ» من قصيدة نونية لتميم بن مقبل، انظر: ديوان ابن مقبل، ص ٢٣٦؛ ورد البيت في جمهرة أشعار العرب، لأبي زيد القرشي، ص ٦٩١؛ والنوادر، لأبي زيد الأنصاري، ص ٢٠٩؛ واستشهد به أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٩٦/١؛ ونقله الطبري في جامع البيان، ٥٧٢/١٢؛ والزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٧٧/٣؛ فقبل البخاري هذا الاستشهاد في صحيح البخاري، ١٧٢٤/٤-١٧٢٥، ولم يقبله ابن قتيبة في غريب القرآن، ص ٢٠٨.

يُقَالُ: مَا الدَّاعِي إِلَى التَّكْذِيبِ بِيَوْمِ الدِّينِ مَعَ افْتِصَاءِ الْعَقْلِ الْجَزَاءِ الْمُحْسِنِ بِإِحْسَانِهِ وَالْمُسِيءِ بِإِسَاءَتِهِ؟ الْجَوَابُ: الْجَهْلُ بِمَجَازِي الْعِبَادِ بِمَا يَسْتَحَقُّونَهُ، وَأَنَّهُ لَمْ يُمَكِّنْهُمْ إِلَّا بِشَرْطِ الْجَزَاءِ عَلَى التَّرْغِيبِ وَالتَّرْهِيبِ لِئَلَّا يَكُونَ مُبِيحًا لِلْقَبِيحِ.

وَيُقَالُ: مَا الْمُعْتَدِي؟ الْجَوَابُ: الْمُتَجَاوِزُ لِلْحَقِّ فِي الْبَاطِلِ؛ اعْتَدَى اعْتِدَاءً وَهُوَ مُعْتَدٍ، وَالْعَادِي: الْخَارِجُ مِنَ الْحَقِّ؛ عَدَا يَعْدُو عُدْوَانًا، وَأَصْلُهُ: مُجَاوِزَةُ الْحَدِّ [١٤٩أ] وَمِنْ ذَلِكَ الْعَدَاوَةُ وَهِيَ مُجَاوِزَةُ الْحَدِّ فِي [الإبغاضِ؛ وَالْعَدْوُ: مُجَاوِزَةُ الْحَدِّ فِي إِسْرَاعِ الْمَشْيِ.

وَيُقَالُ: مَا الْأَثِيمُ؟ الْجَوَابُ: مُكْتَسِبُ الْقَبِيحِ؛ أَثِيمٌ يَأْتُمُ إِثْمًا، وَهُوَ أَثِيمٌ وَأَثِيمٌ، وَأَثَمَهُ غَيْرُهُ تَأْتِيمًا إِذَا نَسَبَهُ إِلَى الْإِثْمِ، وَتَأْتَمُّ مِنْ فِعْلٍ كَذَا إِذَا تَحَرَّجَ مِنْهُ لِلْإِثْمِ بِهِ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَخْجُوبُونَ)؟ الْجَوَابُ: عَنْ ثَوَابِ رَبِّهِمْ وَإِحْسَانِهِ، وَحَسَنَ حَذْفُهُ تَفْخِيمًا لِلسَّانِ إِحْسَانِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ إِلَى عِبَادِهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ.

[كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ]، يُقَالُ مِنْهُ: «رَأَتِ الْخَمْرُ عَلَى عَقْلِهِ تَرِينٌ رَيْنًا»^٣ وَذَلِكَ إِذَا سَكَرَ فَعَلَبَتْ عَلَى عَقْلِهِ، فَالرَّيْنُ: غَلَبَةُ الشُّكْرِ عَلَى الْقَلْبِ. قَالَ أَبُو زَيْدٍ الطَّائِيُّ:

تُمُّ لَمَّا رَأَتْ رَأَتْ بِهِ الْخَمْرُ وَرِينَ وَأَنْ لَا تَرِينَهُ بِاتِّقَاءِ^٥

يُرِيدُ بِمَخَافَةٍ، أَي: سَكَرَ فَهُوَ لَا يَتَّقِيهِ. وَقَالَ الرَّاجِزُ:

لَمْ تَرَوْ حَتَّى هَجَرْتِ وَرَيْنَ بِي وَرِينِ بِالسَّاقِي الَّذِي أَمْسَى مَعِيَ^٦

وَقِيلَ: الرَّيْنُ: الدَّنْبُ عَلَى الدَّنْبِ حَتَّى يَمُوتَ الْقَلْبُ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ [١٤٩ب]. وَقِيلَ: غَلَبَتْ الدَّنُوبُ عَلَى الْقُلُوبِ، فَلَا يَخْلُصُ إِلَيْهَا خَيْرُ الْعُلُومِ، عَنِ ابْنِ زَيْدٍ. وَقِيلَ: (لَمَخْجُوبُونَ) عَنْ إِحْسَانِهِ، وَقِيلَ: عَنْ كَرَامَتِهِ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: هَذَا مَا سَطَّرَهُ الْأَوْلُونَ، أَي: كَتَبُوهُ. وَقِيلَ: أَثِيمٌ بَرِّيَّةٌ، عَنْ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: عَنْ رَحْمَتِهِ لَمَمْنُوعُونَ؛ وَأَصْلُ الْحَجْبِ: الْمَنْعُ، وَمِنْهُ: الْأُخُوَّةُ يَحْجُبُونَ

١. في النسخة: يعدوا

٢. ساقطة من النسخة؛ فأضفناها كما ورد في التبيان، للطوسي، ٢٩٩/١٠.

٣. جامع البيان، للطبري، ١٩٩/٢٤.

٤. في النسخة: «وإلا يرينه». وفي طبقات فحول الشعراء، لابن سلام الجمحي، ٦٠٤/٢: «وأن لا يرينه».

٥. أنشده أبو عبيدة لإبي زيد في مجاز القرآن، ٢٨٩/٣، واستشهد بالبيت؛ فنقله أبو عبيد في غريب الحديث، ٢٧٧/٣، والطبري في جامع البيان، ١٩٩/٢٤؛ انظر أيضاً: تهذيب اللغة، للأزهري، ١٦٣/١٥؛ وجمهرة اللغة، لابن دريد، ٨٠٨/٢.

٦. أنشده الفراء لبعض العرب في معاني القرآن، ٢٦٤-٢٦٥؛ واستشهد به الطبري في جامع البيان، ١٩٩/٢٤؛ وفي اللسان: أنشده ابن الأعرابي، والرواية فيه: «صَحِيحٌ حَتَّى أَظْهَرْتُ وَرِينَ بِي * وَرِينِ بِالسَّاقِي الَّذِي كَانَ مَعِيَ».

الأمّ عن الثُّلثِ، ووَاحِدِ الْأَسَاطِيرِ: أَشْطُورَةٌ، مِثْلُ أَخْذُوثَةٍ وَأَحَادِيثُ. وَقِيلَ: أَبَاطِيلُ الْأَوَّلِينَ. وَقِيلَ: رَانَ: عَطَى وَعَشَى.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي التَّكْذِيبِ بِيَوْمِ الدِّينِ مِنَ الْخُسْرَانِ الْمُبِينِ بِاعْتِدَاءِ الْأَثِيمِ بِنِسْبَتِهِ آيَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى أَسَاطِيرِ الْأَوَّلِينَ، وَمَا فِي كَسْبِ السَّيِّئَاتِ مِنْ غَلْبَةِ الْفَسَادِ عَلَى الْقُلُوبِ وَاسْتِيْلَاءِ الْجَهْلِ عَلَى النَّفْسِ حَتَّى يَخْجُبَ صَاحِبَهُ عَنِ الْخَيْرِ مِنْ رَبِّهِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (تَمَّ إِتْمَامُ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَنْبِيَاءِ لِنِي عَلَيْينَ وَمَا أَدْرَاكُ مَا عَلَيُونَ كِتَابَ مَرْقُومٍ)

يُقَالُ: مَا مَعْنَى (صَالُوا الْجَحِيمِ)؟ الْجَوَابُ: لَازِمُوا الْجَحِيمِ بِكَوْنِهِمْ [١٥٠] فِيمَا لَا يَغَيَّبُونَ عَنْهَا؛ صَلِيَ بِالنَّارِ يَصْلَى صَلِيًّا، وَهُوَ صَالٍ، وَالْمُصْطَلِي: الْمَلَازِمُ لِلنَّارِ لِلتَّذْقِي بِهَا. وَيُقَالُ: هَلْ يَلْزِمُ اجْتِنَابَ الْقَبِيحِ خَوْفٌ مِثْلُ هَذَا الْوَعِيدِ أَمْ لِقُبْحِهِ فَقَطْ؟ الْجَوَابُ: لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنَ الْأَمْرَيْنِ؛ لِأَنَّ عَلَى الْإِنْسَانَ فِي حُجَّةِ عَقْلِهِ أَلَّا يُعْرِضَ نَفْسَهُ لِلضَّرَرِ إِلَّا أَنْ يَصِلَ بِهِ إِلَى نَفْعٍ هُوَ أَجَلٌ.

وَيُقَالُ: لِمَ كَانَ (هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ) تَقْرِيحًا؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّهُ خَبِرَ بِمَا يَقْرَعُ الْقَلْبَ بِشِدَّةِ الْغَمِّ عَلَى طَرِيقِ الدَّمِّ، وَكَذَلِكَ كُلُّ خَبِرٍ يَقْرَعُ الْقَلْبَ بِشِدَّةِ الْغَمِّ عَلَى جِهَةِ الدَّمِّ فَهُوَ تَقْرِيحٌ وَتَوْبِيخٌ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (عَلَيينَ)؟ الْجَوَابُ: مَرَاتِبٌ عَالِيَةٌ مَحْفُوفَةٌ بِالْجَلَالَةِ، وَقَدْ عَظَمَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِمَا يَدُلُّ عَلَى عِظَمِ شَأْنِهَا فِي التَّعَمُّةِ، وَجَمَعَتْ بِالْوَاوِ وَالْتُونِ تَشْبِيهًا بِمَا يَعْقِلُ فِي الْفَضْلِ وَعَظَمِ الشَّانِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (كِتَابَ مَرْقُومٍ)؟ الْجَوَابُ: أَيُّ: مَرْقُومٌ بِمَا تَقَرَّبَ بِهِ أَعْيُنُهُمْ وَيُوجِبُ سُرُورَهُمْ بِمَا فِيهِ إِثْبَاتٌ حَسَنَاتِهِمْ الْمُتَقَبَّلَةَ^١ مِنْهُمْ، وَذَلِكَ بِالضَّادِ مِنْ رَقَمَ كِتَابَ الْفَجَارِ، لِأَنَّهُ مِمَّا^٢ يَسُوءُهُمْ وَيُسْخِنُ^٣ أَعْيُنَهُمْ. وَقِيلَ: عَلَيُونَ: السَّمَاءُ السَّابِعَةُ وَفِيهَا [١٥٠] أَزْوَاجُ الْمُؤْمِنِينَ، عَنِ كَعْبٍ وَقَتَادَةَ وَمَجَاهِدٍ وَالصَّحَّاحِ. وَقِيلَ: عَلَيُونَ: الْجَنَّةُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: عَلَيُونَ: سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى وَهِيَ النَّبِي إِلَيْهَا يَنْتَهِي كُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَهِيَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ، عَنِ الصَّحَّاحِ. وَقِيلَ: عَلَيُونَ: عَلُوٌّ عَلَى عَلُوِّ مُضَاعَفٍ، وَلِهَذَا جُمِعَ بِالْوَاوِ وَالْتُونِ تَفْخِيمًا لِشَأْنِهِ. قَالَ الشَّاعِرُ:

٤٤٤

آينهُ پژوهش | ٢١٥
سال ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٥٣

١. في النسخة: «النار»؛ فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي.

٢. في تفسير ابن فورك: حسناتهم المتعينة.

٣. في التبيان، للطوسي، ٣٠٢/١٠: «لأن فيه ما».

٤. في النسخة: يسؤهم.

٥. هذا على ما ورد في النسخة، وفي تفسير التبيان، للطوسي. فورد عند الواحد في التفسير البسيط: «ويسحت».

٦. ذكر الواحد في نص كلام الرماني في التفسير البسيط، ٣٣٥/٢٣، بقوله: «وقال أهل المعاني...».

فَأَصْبَحَتِ الْمَدَاهِبُ قَدْ أَذَاعَتْ / أَضَاعَتْ بِهَا الْأَعْصَارُ بَعْدَ الْوَالِدَيْنَا

يُرِيدُ مَطْرًا بَعْدَ مَطَرٍ غَيْرِ مَحْدُودِ الْعَدَدِ، وَكَذَلِكَ تَفْخِيمُ شَأْنِ الْعَدَدِ الَّذِي لَيْسَ عَلَى الْوَاحِدِ، نَحْوِ ثَلَاثِينَ إِلَى تِسْعِينَ، وَجَرَتْ الْعِشْرُونَ عَلَيْهِ. وَقِيلَ: عَلِيٌّ: أَعْلَى الْأَمْكِنَةِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي صَلِّي الْجَحِيمِ وَالتَّفْرِيعِ بِالتَّكْذِيبِ مِنَ الْإِغْلَظِ فِي الْوَعِيدِ بِالْحَقِّ الَّذِي لَيْسَ عَنْهُ مَحِيدٌ، وَمَا فِي كَوْنِ الْأَبْرَارِ فِي (عَلِيِّينَ) إِلَى كُلِّ خَيْرٍ مُقَرَّبِينَ، وَعَنْ كُلِّ سُوءٍ مُبْعَدِينَ، بِمَا دَلَّ عَلَيْهِ تَعْظِيمُ عَلِيِّينَ مِنْ جَلَالَةِ هَذَا الْوَعْدِ الَّذِي يُشْتَرَى بِبَدْلِ النَّفْسِ، وَاسْتِفْرَاحِ الْوَسْعِ فِي كُلِّ مَا آدَى إِلَى هَذَا الْأَمْرِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ [١٥١ أ]) إِنَّ الْأَبْرَارَ لَنِي نَعِيمٍ عَلَى الْأَرْئِثِكِ يَنْظُرُونَ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَحْنُومٍ

يُقَالُ: مَا الشَّهَادَةُ؟ الْجَوَابُ: الْإِذْرَاكُ بِحَاسَّةٍ، وَذَلِكَ أَنَّ الْإِذْرَاكَ قَدْ يَكُونُ بِالْعِلْمِ، فَلَا يَكُونُ شَهَادَةً، وَقَدْ يَكُونُ بِالْإِحْسَاسِ، فَيَكُونُ شَهَادَةً. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى الْمُقَرَّبِينَ هُنَا؟ الْجَوَابُ: الْمُقَرَّبُونَ إِلَى كَرَامَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ فِي أَجْلِ الْمَرَاتِبِ، وَهُمْ الْمَلَائِكَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَهُمْ أَحَقُّ بِهَذِهِ الصِّفَةِ، لِأَنَّهُمْ أَقْرَبُ الْعِبَادِ إِلَى كَرَامَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ. وَيُقَالُ: مَا الْأَبْرَارُ؟ الْجَوَابُ: أَهْلُ الْبِرِّ الْمُخْلِصُونَ لَهُ مِنْ شَائِبِ الْقُبْحِ، وَالْبِرُّ: التَّفَعُّعُ الَّذِي يَتَّقِضِي الْحَمْدَ، بَرَزْتُ وَالِدِي، أَبْرُهُ، وَأَنَا بَارٌّ وَبِرٌّ.

وَيُقَالُ: مَا الْأَرْئِثِكُ؟ الْجَوَابُ: السُّرْرُ فِي الْحِجَالِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقَالَ مُجَاهِدٌ: هِيَ مِنَ اللَّوْلُؤِ وَالْيَاقُوتِ، وَاحِدُهَا أَرِيكَةٌ: سَرِيرٌ فِي حِجْلَةٍ يَنْظُرُونَ مَا أَعْطَاهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْمُثْلِكِ وَالْكَرَامَةِ.

وَيُقَالُ: مَا الرَّحِيقُ؟ الْجَوَابُ: الْخَمْرُ الصَّافِيَةُ الْخَالِصَةُ مِنَ الْعَشِّ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَعَبْدِ اللَّهِ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَابْنِ زَيْدٍ وَالْحَسَنِ. [وَقِيلَ: الرَّحِيقُ] ٢ [١٥١ ب]. وَقَالَ الْخَلِيلُ: أَحْوَدُ الْخَمْرِ وَأَفْضَلُهَا. وَقَالَ حَسَّانُ: ٣

يُسْقَوْنَ مِنْ وَرْدِ الْبَرِيصِ عَلَيْهِمْ بَرْدًا يُصَفَّقُ بِالرَّحِيقِ السَّلْسَلِ

١. في النسخة: كلما.

٢. زيادة في النسخة. وكتب في حاشية النسخة: هكذا في الأصل.

٣. قال ابن سلام في طبقات فحول الشعراء (٢١٨/١): «وهذا من شعره الرائع الجيد ما مدح به بنى جفنة من عسان مملوك الشام في كلمة».

٤. البيت في ديوان حسان بن ثابت الانصاري، ٧٤/١، وفي الشعر والشعراء، لابن قتيبة، ٢٩٦/١، واستشهد به الطبري في جامع البيان، ٢١٥/٢٤؛ والزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٣٠٠/٥؛ والبريص: موضع بدمشق، ورجح ياقوت أنه اسمه الغوطة بأجمعها؛ وبردى: أعظم نهر بدمشق.

وَقِيلَ: الْحِجْلَةُ كَالْقُبَّةِ عَلَى الْأَسِرَّةِ. وَقِيلَ: هَذَا الْخَمْرُ مَحْتُمٌ فِي الْإِنْيَةِ بِمِسْكِ، وَهُوَ غَيْرُ الَّذِي يَجْرِي فِي الْأَنْهَارِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي شَهَادَةِ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ لِكِتَابِ الْأَبْرَارِ بِصَالِحِ الْأَعْمَالِ مِنَ الْأَغْبَابِ بِبِتْلِكَ الْحَالِ الَّتِي يُقْضَرُ عَنْهَا تَمَيُّي الْإِنْسَانِ، وَمَا فِي كَوْنِ الْأَبْرَارِ فِي النَّعِيمِ عَلَى سُرْرِ الْحِجَالِ مُتَّكِلِينَ مُتَقَابِلِينَ يَشْرَبُونَ مِنْ رَحِيقِ الْمِسْكِ مَحْتُمٍ مِنْ تَنَافُسِ الْمُتَنَافِسِينَ فِي مِثْلِ ذَلِكَ النَّعِيمِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿خِتَامُهُ مِسْكٌ﴾ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ عَيْنًا بِشَرَبِ بِهَا الْمُتَقَرَّبُونَ إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَصْحَكُونَ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَرُونَ ﴿

يُقَالُ: مَا مَعْنَى ﴿خِتَامُهُ مِسْكٌ﴾؟ الْجَوَابُ: فِيهِ قَوْلَانِ: الْأَوَّلُ: مَقْطَعُهُ مِسْكٌ بِأَنْ يُؤْخَذَ رِيحُ الْمِسْكِ عِنْدَ خَاتِمَةِ شُرْبِهِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنِ وَقَتَادَةَ وَالصَّحَّاحِ. الثَّانِي: إِنَّهُ خْتِمٌ إِنَاؤُهُ بِالْمِسْكِ بَدَلٌ [١١٥٢] الطَّيْنِ الَّذِي يُخْتَمُ بِمِثْلِهِ الشَّرَابُ فِي الدُّنْيَا، عَنِ مُجَاهِدٍ وَابْنِ زَيْدٍ.

وَيُقَالُ: مَا الْمِسْكُ؟ الْجَوَابُ: جِسْمٌ يُضْرَبُ بِرِيحِهِ الْمَثَلُ فِي الطَّيْبِ، يُعْجَنُ بِالْعَنْبَرِ وَيُعْمَلُ مِنْهُ أَفْخَرُ النَّدِّ، وَأَصْلُهُ مِنْ تَمَاسِكِ أَجْزَائِهِ بِجُمُودٍ، وَالْمِسْكُ بِالْفَتْحِ: الْجِلْدُ لِأَنَّهُ يَمْسِكُ مَا فِيهِ؛ وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ الْمِسْكُ مِنْ أَنَّهُ يَمْسِكُ النَّفْسَ طَيْبَ رِيحِهِ. وَيُقَالُ: مَا التَّنَافُسُ؟ الْجَوَابُ: تَمَيُّي كُلِّ وَاحِدٍ مِنَ النَّفْسَيْنِ مِثْلَ الشَّيْءِ النَّفِيسِ أَنْ يَكُونَ لَهُ؛ تَنَافَسُوا فِي الشَّيْءِ تَنَافُسًا، وَنَافَسَهُ بِهِ مُتَنَافِسَةً؛ وَالْجَلِيلُ الَّذِي يُنْفَسُ بِمِثْلِهِ: نَفِيسٌ؛ وَنَفَسَ عَلَيْهِ بِالْأَمْرِ يَنْفَسُ نَفَاسَةً إِذَا صَنَّ بِهِ لِحَالَتِهِ.

وَيُقَالُ: مَا تَسْنِيمٌ؟ الْجَوَابُ: عَيْنٌ مَاءٍ تَجْرِي مِنْ عَلْوٍ إِلَى سُفْلٍ؛ يُقَالُ سَنَمْتُ الْعَيْنَ تَسْنِيمًا؛ أَجْرَيْتُهَا عَلَيْهِمْ مِنْ فَوْقِهِمْ، وَمِنْهُ سَنَامُ الْبَعِيرِ لِعُلُوِّهِ مِنْ بَدَنِهِ. وَيُقَالُ: مَا الْمَنْجُ؟ الْجَوَابُ: خَلْطُ الْمَائِعِ بِمَائِعٍ عَلَى خِلَافِ صِفَتِهِ كَمَا يُمَنْجُ الْحَارُّ بِالْبَارِدِ وَالشَّرَابُ بِالْمَاءِ؛ مَرْجَهُ يَمِنْجُهُ مَرْجًا، وَامْتَنْجَ بِهِ امْتِزَاجًا، وَمَا زَجَهُ مُمَازَجَةً، وَمَا زَجَا تَمَازَجًا؛ وَالْخِتَامُ مَصْدَرٌ، وَالْخَاتِمُ صِفَةٌ، وَنَظِيرُهُ فَلَانٌ كَرِيمِ الطَّابِعِ وَالطَّبَاعِ. وَقَالَ الْفَرَزْدَقُ: [١١٥٢] ب

وَبِتُّ أَفْضُ أَعْلَاقِ الْخِتَامِ ٢

فَبِئْسَ جَنَابَتِي مَصْرَعَاتٍ

١. في التبيان، للطوسي (٣٠٣/١٠): «بمسك النفس لطيب ريعه».

٢. لم نجده في ديوان الفرزدق؛ رواه ابن قتيبة في الشعر والشعراء، ٤٦٩/١ وابن سلام في طبقات فحول الشعراء، ٤٦/١؛ واستشهد به الفراء في معاني القرآن، ٢٤٨/٣؛ والطبري في جامع البيان، ١١٧/٢٤.

وَقِيلَ فِي نَضْبِ عَيْنِ وَجْوهٍ: الأول: أَنْ (تَسْنِينٍ) مُعْرِفَةٌ وَ(عَيْنًا) قَطْعٌ مِنْهَا أَوْ حَالٌ. الثَّانِي: أَنْ يَكُونَ (تَسْنِينٍ) مَصْدَرًا فَيَجْرِي مَجْرَى (أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ يَتِيمًا).^١ الثَّالِثُ: عَلَى [تَقْدِيرًا] «أَعْنَى عَيْنًا» مَدْحًا. الرَّابِعُ: يُسْقَوْنَ عَيْنًا.

وَقَرَأَ الْكِسَائِيُّ وَحْدَهُ «حَاتَمُهُ» بِالْفِ قَبْلَ التَّاءِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِالْفِ بَعْدَ التَّاءِ [حَتَامُهُ].

وَقَدْ تَصَمَّتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي شَرَابِ الرَّحِيقِ الَّذِي خِتَامُهُ مِسْكٌ، وَمِرْأَجُهُ مِنْ تَسْنِينٍ، عَيْنٍ مَاءٍ بَارِدٍ لَدِيدٍ يَنْحَدِرُ فِي غَيْرِ أَخْدُودٍ مِنْ تَنَافُسِ الْمُتَنَافِسِينَ مِنْ عَقْلَاءِ الْمُكَلَّفِينَ وَالْبَالِغِينَ، وَمَا فِي ضُحْكِ الْمُجْرَمِينَ فِي الدُّنْيَا بِالْمُؤْمِنِينَ، وَتَعَامُرِهِمْ اشْتِهَاءً بِهِمْ مِنْ عَائِدِ الْوَبَالِ عَلَيْهِمْ مِمَّا صَيَّرَهُمْ إِلَى أَعْلَظِ التَّنْكِيلِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ هَلْ تُؤْتِبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ)^٢

يُقَالُ: مَا الْفَاكَةُ؟ [١٥٣] الْجَوَابُ: الطَّالِبُ مَا يَتَفَكَّهُ بِهِ مِنْ نَوَادِرِ الْأُمُورِ، وَالْفَاكَةُ: النَّاعِمُ الْمُعْجَبُ بِحَالِهِ. وَقِيلَ: الْفَاكَةُ: الْإِلَهِي، وَالْفَكَةُ: الْمَرْحُ بِمَنْزِلَةِ الطَّمَعِ وَالطَّامِعِ، وَالتَّفَكُّهُ: التَّمَتُّعُ بِالْمَأْكُولِ مِنْ غَيْرِ أَخْذِهِ لِلْقُوتِ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ)؟ الْجَوَابُ: الدَّمُ لَهُمْ بِعَيْبِ الْمُؤْمِنِينَ بِالضَّلَالِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكْلَفُوا مَنَعَهُمْ مِنَ الْمُرَادِ، وَأَنْ يَنْظُرُوا فِي ذَلِكَ بِالصَّوَابِ، فَتَطَّقُوا بِالْحَطَاءِ فِي نَسْبَتِهِمْ إِلَى الضَّلَالِ، فَكَانُوا الْيَوْمَ مِنْهُمْ لَوْ أَخْطَأُوا فِيهِ، وَقَدْ كَلَّفُوا الْاجْتِهَادَ.

وَيُقَالُ: مَا وَجْهُ ضُحْكِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ؟ الْجَوَابُ: إِنَّهُمْ كَانُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعْدَاءَهُمْ، جَعَلَ اللَّهُ لَهُمْ سُرُورًا فِي تَعْدِيهِمْ، وَلَوْ كَانَ الْعَفْوُ قَدْ وَقَعَ لَمْ يَبْجُرْ أَنْ يَجْعَلَ السُّرُورَ فِي ذَلِكَ، لِأَنَّهُ مُضْمَنٌ بِالْعَدَاوَةِ، وَقَدْ زَالَتْ بِالْعَفْوِ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (تُؤْتِبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ)؟ الْجَوَابُ: فِيهِ قَوْلَانِ: الأول: هَلْ جُوزِي الْكُفَّارُ إِذَا فَعَلَ بِهِمْ هَذَا^٣ الَّذِي ذُكِرَ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؟ الثَّانِي: يَنْظُرُونَ هَلْ جُوزِي الْكُفَّارُ؟ فَيَكُونُ مَوْضِعُهُ نَضْبًا بِ(يَنْظُرُونَ).^٤ والأولُ اسْتِيفَانٌ لَا مَوْضِعَ لَهُ.

وَيُقَالُ: لِمَ قِيلَ: [١٥٣ب] تُؤْتِبُ الْكُفَّارُ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّ الثَّوَابَ وَإِنْ كَانَ الْجَزَاءَ بِالنَّعِيمِ عَلَى الْأَعْمَالِ فَإِنَّ أَصْلَهُ الْجَزَاءَ الَّذِي يَرْجِعُ إِلَى الْعَامِلِ بِعَمَلِهِ؛ ثَابَ الْمَاءُ يُثُوبُ ثُوبًا إِذَا رَجَعَ، وَثَابَ إِلَيْهِ عَقْلُهُ إِذَا

١. البَلَدُ: ١٤ و ١٥.

٢. فِي النِّسْخَةِ: أَخْطَأُوا.

٣. فِي النِّسْخَةِ: «بِهَذَا». فَأْتَبْنَاهُ عَلَى مَا وَرَدَ فِي التَّبْيَانِ، لِلطُّوسِيِّ.

٤. ذَكَرَ الْوَالِحْدِيُّ كَلَامَ الرَّمَانِيِّ فِي التَّفْسِيرِ الْبَسِيطِ، ٢٣/٢٣٩-٢٤٠، بِقَوْلِهِ: «وَذَكَرَ بَعْضُ أَهْلِ الْمَعَانِي وَجْهًا آخَرَ...».

رَجَعَ، وَمِنْهُ التَّنَاؤُبُ: تَرْجِيعٌ يُمَدَّدُ بِالْفَمِّ مَعَ انْفِتَاحِهِ وَنَفْسٍ ثَقِيلٍ يَتَرَدَّدُ بِهِ؛ وَقِيلَ: يَقُولُ الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: هَلْ جُوزِيَ الْكُفَّارُ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ، سُورًا بِمَا نَزَلَ بِهِمْ.

وَقَرَأَ (انْقَلَبُوا فَكَيْهِنَ) عَاصِمٌ فِي رِوَايَةِ حَفْصٍ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ «فَاكَيْهِنَ» بِالْأَلْفِ. وَقَرَأَ «هَلْ نُؤَبٌ» مُدْعَمًا أَبُو عَمْرٍو فِي رِوَايَةِ هَارُونَ، وَقَرَأَ حَمْرَةُ وَالْكَسَائِيُّ مُدْعَمًا أَيْضًا، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ وَالْيَزِيدِيُّ عَنْ أَبِي عَمْرٍو بِإِظْهَارٍ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي صِفَةِ الْجَاهِلِ بِالْإِنْقِلَابِ إِلَى أَهْلِهِ بِحَالِ الْفَاكِهِ مِنَ الدَّمِ الْفَاضِحِ بَعْدَ نَزُولِ الْعَذَابِ الْفَادِحِ، وَمَا فِي تَضْلِيلِ الْكَافِرِينَ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنْ عَجِيبِ الْأُمُورِ وَسَنِيْعِ مَا تَجْرِي بِهِ الدُّهُورُ، وَمَا فِي ضِحْكِ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الشُّرُورِ بِمَا يَجَلُّ بِأَعْدَائِهِمْ وَالْإِنْتِقَامِ مِنْهُمْ وَمَا جُوزُوا بِهِ مِنْ قَبِيحِ أَفْعَالِهِمْ. [١٥٤]

سُورَةٌ إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ)

يُقَالُ: مَا الْإِنْشِقَاقُ؟ الْجَوَابُ: افْتِرَاقٌ امْتِدَادٍ عَنِ الْتِيَامٍ^٢ وَذَلِكَ أَنَّ الْإِفْتِرَاقَ قَدْ يَكُونُ بَيْنَ التَّفْسِيحِ بِالتَّبَاعِدِ مِنْ غَيْرِ انشِقَاقٍ، فَكُلُّ انشِقَاقٍ افْتِرَاقٌ وَلَيْسَ كُلُّ افْتِرَاقٍ انشِقَاقًا، وَالْإِنْشِقَاقُ وَالْإِنْفِطَارُ وَالْإِنْصِدَاعُ وَالْإِنْفِرَاجُ نَطَائِرٌ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ)؟ الْجَوَابُ: قِيلَ سَمِعَتْ وَأَطَاعَتْ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَسَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ، أَيْ: كَانَتْهَا سَمِعَتْ بِأَذْنٍ وَأَطَاعَتْ بِانْقِيَادِهَا لِتَدْبِيرِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ. وَالْعَرَبُ تَقُولُ: أَذْنُ لَكَ هَذَا الْأَمْرُ إِذْنًا، بِمَعْنَى: أَسْتَمِعُ لَكَ. وَقَالَ الشَّاعِرُ:^٣

صُمُّ إِذَا سَمِعُوا خَيْرًا ذَكَرْتُ بِهِ وَإِنْ ذَكَرْتُ بِسُوءٍ عِنْدَهُمْ أَذْنُوا

٤٤٨

آينيه پژوهش | ٢١٥

سال ٣٥ | شماره ٦

بهمن و اسفند ١٣٥٣

١. في النسخة: مدغم.

٢. في النسخة: «التيام»: فصاحتها على ما ورد في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك، وفي التهذيب، للحاكم الجشمي.

٣. نسبته ابن قتيبة في عيون الأخبار، ٩٦/٣، والبلاذري في أنساب الأشراف، ٤١٢/١٣-٤١٣ إلى قعنب بن أم صاحب، ونسبه أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٩١/٢ إلى روبة، وفي ١٧٧/١ إلى قعنب بن أم صاحب.

٤. استشهد بالبيت أبو عبيدة في مجاز القرآن، ١٧٧/١ و ٢٩١/٢، والطبري في جامع البيان، ٢٣٠/٢٤، والزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٣٠٣/٥.

أَي: اسْتَمَعُوا.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ)؟ الْجَوَابُ: بُسِطَتْ بِإِنْدِكَاجِ جِبَالِهَا وَأَكَامَهَا حَتَّى تَصِيرَ كَالصَّحِيفَةِ الْمَلْسَاءِ، [١٥٤هـ] وَهَذَا مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ، وَجَلَائِلِ الْأُمُورِ الَّتِي تَكُونُ فِيهَا. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ)؟ الْجَوَابُ: أَلْقَتْ مَا فِيهَا مِنَ الْمَعَادِنِ وَغَيْرِهَا، وَتَخَلَّتْ مِنْهَا، وَذَلِكَ مِمَّا يُؤْذِنُ بِعِظَمِ الْأَمْرِ كَمَا تُلْقِي الْحَامِلُ مَا فِي بَطْنِهَا عِنْدَ الشِّدَّةِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (وَحُقَّتْ)؟ الْجَوَابُ: وَحُقَّ لَهَا أَنْ تَأْذَنَ بِالْإِنْقِيَادِ لِأَمْرِ رَبِّهَا. وَيُقَالُ: حَقَّ لَهُ أَنْ يَكُونَ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ بِمَعْنَى جَعَلَ ذَلِكَ حَقًّا، وَالَّذِي جَعَلَهُ الْعَقْلُ وَالرَّأْيُ بِالصَّوَابِ. وَقِيلَ: «تَمُدُّ الْأَرْضُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَدَّ الْأَدِيمِ»،^٢ فِي حَدِيثِ مَرْفُوعٍ.

وَقِيلَ: (وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا)^٣ وَمَا فِيهَا مِنَ الْمَوْتَى، عَنْ قَتَادَةَ وَمُجَاهِدٍ. وَقِيلَ فِي جَوَابِ (إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ) إِنَّهُ مَحْدُوفٌ بِتَقْدِيرِ: رَأَى الْإِنْسَانُ مَا قَدَّمَ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ. وَقِيلَ: جَوَابُهُ فِي (إِنَّكَ كَادِحٌ)؛ وَالْأَوَّلُ الرَّجْحُ وَهُوَ عَلَى: اذْكُرْ (إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ). الثَّانِي فِي صِفَةِ الْأَرْضِ، وَالْأَوَّلُ فِي صِفَةِ السَّمَاءِ، وَلَيْسَ بِتَكْرِيرٍ فِي الْمَعْنَى. وَقَالَ عَدِيُّ بْنُ زَيْدٍ:

فِي سَمَاعٍ يَأْذَنُ الشَّيْخُ لَهُ
وَحَدِيثٍ مِثْلِ مَا ذِي مَسَارٍ^٤

[١٥٥هـ]

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي انشِقَاقِ السَّمَاءِ وَأَنْصِياعِهَا لِتَدْبِيرِ رَبِّهَا بِمَا يَحِقُّ لَهَا فِي مَدِّ الْأَرْضِ بَعْدَ الْقَاءِ مَا فِيهَا وَتَخَلِّيها بِالْإِنْقِيَادِ لِأَمْرِ رَبِّهَا بِمَا يَحِقُّ لَهَا مِنْ عِظَمِ شَأْنِ ذَلِكَ الْأَوَانِ بِتَجْدِيدِ الْأُمُورِ، وَبَعَثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، عَلَى مُخَالَفَةِ دَارِ الْجَزَاءِ لِدَارِ الْعَمَلِ، وَدَارِ الْمُقَامِ لِدَارِ الْإِرْتِحَالِ، بِمَا يَفْتَضِي حُسْنَ الْإِسْتِعْدَادِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فُتْلِقِيهِ فَاَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا وَيَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ)

١. فِي النسخة: «تَمْتَدُّ»؛ فَصَحَّحْنَاهُ عَلَى مَا وَرَدَ فِي التَّبْيَانِ، لِلطُّوسِيِّ، ٣٠٨/١٠، وَفِي تَفْسِيرِ ابْنِ فُورِكَ.

٢. أَخْرَجَهُ ابْنُ أَبِي حَاتِمٍ فِي تَفْسِيرِهِ (٢٣٤٣/٧) عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص). وَبَنَحُوهُ وَرَدَ فِي تَفْسِيرِ عَبْدِ الرَّزَّاقِ، لِلصَّنْعَانِيِّ، ٤٠٧/٣، وَفِي جَامِعِ الْبَيَانِ، لِلطَّبْرِيِّ، ٤٩/١٥.

٣. الزَّلْزَالُ: ٢.

٤. وَرَدَ الْبَيْتُ فِي غَرِيبِ الْحَدِيثِ، لِأَبِي عُبَيْدٍ، ١٤٠/٢؛ وَالْحِجَّةُ لِلْقُرَّاءِ السَّبْعَةِ، لِأَبِي عَلِيٍّ الْفَارِسِيِّ، ٢٠١/٤؛ وَالصَّحَاحُ تَاجُ اللُّغَةِ، لِلجَوْهَرِيِّ، ٥٧١/٢.

يُقَالُ: مَا الْكَدْحُ؟ الْجَوَابُ: سَعْيٌ شَدِيدٌ فِي الْأَمْرِ؛ كَدَحَ يَكْدَحُ فِي أَمْرِهِ كَدْحًا، وَهُوَ كَدُوْحٌ وَخَدُوْشٌ، أَيُّ: أَثَارَةٌ مِنْ شِدَّةِ السَّعْيِ فِي الْأَمْرِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَلَا قِيَةَ)؟ الْجَوَابُ: سَاعَ فِي أَمْرِكَ بِشِدَّةٍ وَمَسَقَّةٍ إِلَى أَنْ تَلْقَى جَزَاءَ عَمَلِكَ مِنْ رَبِّكَ، فَأَنْتَ لَا تَحُلُوْ فِي الدُّنْيَا مِنْ مَسَقَّةٍ، فَلَا تَعْمَلُ لَهَا وَاعْمَلْ لِغَيْرِهَا مِمَّا تَصِيْرُ بِهِ إِلَى الرَّاحَةِ مِنَ الْكَدْحِ، فَالْعَنِيُّ وَالْفَقِيْرُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا [يَكْدَحُ مَا يَفْتَضِيهِ حَالُهُ]. [١٥٥ب]

سقطت من هنا قرابة ورقة

لَأَنَّهُ يَهْلِكُهُ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى يَحْوِرُ؟ الْجَوَابُ: يَرْجِعُ؛ حَارَ يَحْوِرُ حَوْرًا، إِذَا رَجَعَ، وَكَلَّمْتُهُ فَمَا أَحَارَ جَوَابًا، أَيُّ: مَا رَدَّ جَوَابًا، وَفِي الْمَثَلِ: نَعُوْذُ بِاللَّهِ مِنَ الْحَوْرِ بَعْدَ الْكُوْرِ، أَيُّ: مِنَ الرَّجُوْعِ إِلَى التُّفْصَانِ بَعْدَ التَّمَامِ؛ وَمَنْهُ: حَوْرُهُ، إِذَا رَدَّهُ إِلَى الْبِيَاضِ؛ وَالْمَحْوَرُ، لِأَنَّهُ يَدُوْرُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَكَانِهِ، وَالْمَعْنَى: ظَنَّ أَنْ لَنْ يَرْجِعَ إِلَى حَالِ الْحَيَاةِ فِي الْآخِرَةِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا)؟ الْجَوَابُ: أَيُّ: افْتِطَعَهُ الشُّرُوْرُ بِأَهْلِهِ عَمَّا يَلْزِمُهُ أَنْ يَقُوْمَ بِهِ، فَهُوَ ذَمٌّ بِهَذَا الْمَعْنَى، وَلَوْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الشُّرُوْرُ بِأَهْلِهِ لَمْ يَدُم. وَيُقَالُ: مَا وَجْهُ اتِّصَالِ (إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيْرًا)؟ الْجَوَابُ: أَيُّ: فَهُوَ يُخْبِرُ عَنْ ظَنِّهِ (أَنْ لَنْ يَحْوِرَ) وَيَقْطَعُ عَلَيْهِ أَنَّهُ يَحْوِرَ عَلَى أَنَّهُ بَصِيْرٌ بِهِ وَيَجْمِيعُ الْأُمُوْرَ؛ وَإِنَّمَا قِيلَ: وَأَوْبِلَاهُ وَالْهَفَاهُ وَاهْلَاكَاهُ، لِأَنَّهُ يَنْزِلُ بِهِ مِنَ الْمَكْرُوْهِ لِأَجْلِهِ مِثْلُ مَا يَنْزِلُ بِالْمُتَفَجِّعِ عَلَيْهِ. وَقِيلَ: (ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحْوِرَ) فَلِذَلِكَ كَانَ يَرْكَبُ الْمَائِمَ فَيَنْتَهِكُ الْمَحَارِمَ. وَقِيلَ: (إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا) بِمَعَاصِيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

وَقَرَأَ (وَيُضْلِي) بِفَتْحِ الْيَاءِ خَفِيْفَةً أَبُو عَمْرٍو وَعَاصِمٌ [١٥٦أ] وَحَمْزَةً. وَقَرَأَ (وَيُضْلِي) بِضَمِّ الْيَاءِ مُشَدَّدَةً ابْنُ كَثِيْرٍ وَنَافِعٌ وَابْنُ عَامِرٍ وَالْكِسَائِيُّ. وَرُوِيَ «وَيُضْلِي» بِضَمِّ الْيَاءِ خَفِيْفَةً عَنْ نَافِعٍ وَعَاصِمٍ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي دُعَاءِ الصَّلَاةِ فِي الدِّينِ مِنَ الْوَيْلِ وَالْتُبُوْرِ وَصَلَّى السَّعِيْرَ مِنَ الْخَوْفِ لِهَذِهِ الْحَالِ بِحَسَبِ عِظَمِهَا، وَتَدَكَّرَ مَا فِيهَا مِنَ الرَّاجِرِ وَمَا فِي ظَنِّ الْجَاهِلِ أَنْ لَنْ يَحْوِرَ، وَإِنْطَوَّاهُ عَلَى ذَلِكَ بِالشُّرُوْرِ مِنْ ذَمِّ الْعَلِيْمِ الْخَبِيْرِ الَّذِي يَصِيْرُ بِهِ إِلَى سَرِّ مَصِيْرٍ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (فَلَا أُفْسِمُ بِالسَّفَقِ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ لِتَرْكُوبِنَّ ظَبْقًا عَنْ ظَبْقٍ فَمَا هُمْ لَا يَوْمُونَ)

٢٥٠

آينه پژوهش | ٢١٠
سال ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٠٣

١. في النسخة: «أثار»، وفي التبيان، للطوسي: «آثار»، فأثبتناه على ما ورد في التهذيب، للحاكم الجشمي.

يُقَالُ: مَا الشَّفَقُ؟ الجَوَابُ: الحُمْرَةُ الرَّيْقِيَّةُ فِي الْمَغْرِبِ بَعْدَ مَغِيبِ الشَّمْسِ، وَأَصْلُهُ: الشَّفَقُ فِي الْعَمَلِ وَهُوَ الرِّقَّةُ عَلَى خَلَلٍ فِيهِ؛ وَأَشْفَقَ عَلَى كَذَا إِذَا رَقَّ عَلَيْهِ وَخَافَ هَلَاكَهُ، وَأَشْفَقَ مِنْهُ إِذَا رَقَّ بِالْخَوْفِ مِنْ وُفُوْعِهِ. وَوَجْهُ الإِعْتِبَارِ بِالشَّفَقِ عَلَامَةٌ لَوْفَتِ بَعِيْنِهِ يَمْتَضِي تَثْبِيْتِ عَالَمٍ بِهِ.^٣ وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ)؟ الجَوَابُ جَمْعٌ إِلَى مَسْكِنِهِ مِمَّا كَانَ مُنْتَشِرًا بِالنَّهَارِ فِي مُنْصَرَفِهِ [١٥٦ب]؛ وَسَقَّتْهُ أَسْفَهُ وَسَقًا إِذَا جَمَعْتَهُ، وَطَعَامٌ مَوْسُوقٌ، أَيُّ: مَجْمُوعٌ فِي الْعَرَائِرِ وَالْأَوْعِيَةِ، وَالْوَسَقُ: الطَّعَامُ الْمُجْتَمَعُ الكَثِيرُ مِمَّا يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ، وَمَقْدَارُهُ سِتُونَ صَاعًا. وَأَنْشَدَ ابْنُ عَبَّاسٍ:

إِنَّ لَنَا فَلَانِصًا نَقَانِقًا | مُسْتَوْسِقَاتٍ لَوْ يَجِدَنَّ سَائِقًا^٤

أَيُّ: مُتَجَمِّعَاتٍ.

وَيُقَالُ: مَا الإِتْسَاقُ؟ الجَوَابُ: الإِجْتِمَاعُ عَلَى تَمَامٍ وَاسْتِمْرَارٍ، وَهُوَ افْتِعَالٌ مِنَ الوَسَقِ، فَإِذَا تَمَّ نُورُ الْقَمَرِ وَاسْتَمَرَّ فِي ضِيَائِهِ فَذَلِكَ الإِتْسَاقُ لَهُ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ)؟ الجَوَابُ: مَنْزِلَةٌ عَنْ مَنْزِلَةٍ، وَطَبَقَةٌ عَنْ طَبَقَةٍ، وَذَلِكَ أَنَّ مَنْ كَانَ عَلَى صَلَاحٍ دَعَا إِلَى صَلَاحِ فَوْقَهُ، وَمَنْ كَانَ عَلَى فَسَادٍ دَعَا إِلَى فَسَادٍ فَوْقَهُ، لِأَنَّ كُلَّ شَيْءٍ يَجْرُؤُ إِلَى شَكْلِهِ. وَقِيلَ: (طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ): جَزَاءٌ عَنْ عَمَلٍ.

٢٥١

آبِنُهُ بِزَوْهَشٍ | ٢١٠
سال ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٠٣

وَيُقَالُ: مَا الْجَمْعُ الَّذِي يَخْصُ اللَّيْلُ؟ الجَوَابُ: جَمْعُ الْحَيَوَانَاتِ الإِنْسِيَّةِ إِلَى مَسَاكِينِهَا وَأَوْكَارِهَا، وَالْعَرَبُ تَقُولُ إِذَا جَاءَ اللَّيْلُ اسْتَوْحَشَ كُلُّ إِنْسِيٍّ وَاسْتَأْنَسَ كُلُّ وَحْشِيٍّ. وَقِيلَ: الشَّفَقُ: حُمْرَةُ الأفقِ عِنْدَ الْمَغْرِبِ. وَقِيلَ: البِيَاضُ. وَقِيلَ: (الْقَمَرُ إِذَا اتَّسَقَ) إِذَا اسْتَدَارَ، عَنْ قَتَادَةَ، وَإِذَا اسْتَوَى، [١٥٧أ] عَنْ مُجَاهِدٍ.

وَقِيلَ: (لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ): لَتَصِيرَنَّ إِلَى الآخِرَةِ عَنِ الدُّنْيَا، وَقِيلَ: شِدَّةٌ عَنْ شِدَّةٍ، وَقِيلَ: طَبَقَاتُ السَّمَاءِ بِعُرُوجِ الأَرْوَاحِ. وَقَالَ الْحَسَنُ: الشَّفَقُ: الحُمْرَةُ مَا بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ، وَقِيلَ: (طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ): حَالٌ عَنْ حَالٍ مِنْ إِحْيَاءٍ، وَإِمَاتَةٍ، ثُمَّ إِحْيَاءٍ.

١. في النسخة: «الشفيق». فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣١٢/١٠.

٢. في النسخة: «عالي». فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣١٢/١٠.

٣. تفسير ابن فورك: «وجه الاعتبار بالشفق علامة الوقت بعينه يقتضي توقيت عالم به»؛ وفي التبيان، ٣١٢/١٠: «والاعتبار بالشفق أنه علامة لوقت بعينه لا يختلف اقتضى اثبات علم به».

٤. في النسخة من الغرائر، فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣١٣/١٠.

٥. ورد في مسائل نافع بن الأرقم، منسوبا إلى طرفة بن العبد؛ وعزي للعجاج في اللسان وتاج العروس (مادة وسق)، ولم يرد في ديوانه. ونسبه الخطابي في غريب الحديث (١١٣/١) إلى أبي صرمة الأنصاري.

٦. عجز بيت صدره: «إِنَّ لَنَا فَلَانِصًا نَقَانِقًا»؛ استشهد به أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٩١/٢؛ والطبري في جامع البيان، ٢٤٥/٢٤؛ والزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٣٠٥/٥.

٧. في التبيان، للطوسي: «يحن»؛ وفي تفسير ابن فورك: «يجيء».

وَقَرَأَ «لَتَرْكَبَنَّ» بِفَتْحِ الْبَاءِ ابْنَ كَثِيرٍ وَحَمَزَةً وَالْكَسَائِيَّ، أَي: لَتَرْكَبَنَّ أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ. وَقَرَأَ الْبَاقُونَ: «لَتَرْكَبَنَّ» بِضَمِّ الْيَاءِ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتْ آيَاتُ الْبَيَانِ عَمَّا فِي الْقَسَمِ بِالشَّفَقِ (وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ)، أَي: جُمِعَ إِلَى الْمَأْوَى، (وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ) بِتَمَامِ الضَّمِّاءِ مِنْ تَحْقِيقِ طَبَقِي عَنْ طَبَقِي بِحَالٍ عَنْ حَالٍ إِلَى أَنْ يَصَارَ إِلَى الْجَزَاءِ بِالثَّوَابِ وَالْعِقَابِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ)

يُقَالُ: مَا الْقِرَاءَةُ؟ الْجَوَابُ: ضَمُّ الْحُرُوفِ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ بِالتَّأْلِيفِ عَلَى سِيَاقِهِ؛ قَرَأْتُ الْكِتَابَ أَقْرَأْتُهُ قِرَاءَةً، وَالْقِرَاءَةُ [١٥٧ب] وَالتَّلَاوَةُ مِنَ النَّظَائِرِ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى قُرْآنٍ؟ الْجَوَابُ: كَلَامٌ فِي أَعْلَى طَبَقَاتِ حُسْنِ النِّظَامِ فِي الْمَعْنَايِ وَالْأَلْفَاظِ. وَيُقَالُ: مَا مُعْتَمِدُ الْأَسْبَابِ الَّتِي تَعْلُو بِهَا طَبَقَةُ الْكَلَامِ؟ الْجَوَابُ: سِتَّةٌ: تَعْدِيلُ الْحُرُوفِ، وَتَشَاكُلُ الْمَقَاطِعِ وَغَيْرِهَا لِحُسْنِ الْبَيَانِ، وَالْإِيحَازُ مِنْ غَيْرِ إِخْلَالٍ فِي حُكْمِ بِالْمَعْنَايِ الَّتِي يَعْمَلُ عَلَيْهَا فِي اجْتِنَابِ وَإِبْقَاءِ، وَالْوَعْظُ الَّذِي يُكَلِّبُ الْقَلْبَ لِلْعَمَلِ بِالْحَقِّ، وَالْحُجَّةُ الَّتِي تُؤَدِّي إِلَى مَعْرِفَةِ تَمْيِيزِ الْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ، فَهَذِهِ جُمَلٌ لَهَا تَفْصِيلٌ كَثِيرٌ.^٣

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ) هُنَا؟ الْجَوَابُ: أَي: الَّذِي يَمْنَعُهُمْ مِنَ السُّجُودِ عِنْدَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ بِتَكْذِيبِهِمْ بِهِ جَهْلًا بِمَا عَلَيْهِمْ فِيهِ، وَفِي ذَلِكَ التَّحْذِيرُ مِنَ الْجَهْلِ وَالْحَثُّ عَلَى طَلَبِ الْعِلْمِ. وَيُقَالُ: مَا الْإِيْعَاءُ؟ الْجَوَابُ: جَعْلُ الشَّيْءِ فِي وَعَاءٍ، وَالْقُلُوبُ أَوْعِيَةٌ لِمَا يُجْعَلُ فِيهَا مِنْ مَعْرِفَةٍ، أَوْ جَهَالَةٍ، أَوْ عَزِيمَةٍ خَيْرٍ، أَوْ شَرٍّ، وَمَيْلٌ مَعَ هُدًى أَوْ هَوًى. وَقِيلَ: (فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ) وَلَا بُدَّ مِنْ رُكُوبِ جَزَاءٍ عَنْ عَمَلٍ، ثُمَّ قِيلَ: تَكْذِيبُهُمْ عَنْ جَهْلِ مِنْهُمْ يَصْرِفُهُمْ عَنْ ذَلِكَ؛ وَقِيلَ: (فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ): مَا وَجْهُ الْإِزْتِيَابِ الَّذِي يَصْرِفُهُمْ [١٥٨أ] عَنِ الْإِيمَانِ؟

وَقِيلَ: (بِمَا يُوعُونَ) فِي صُدُورِهِمْ، عَنْ فَتَادَةٍ وَمُجَاهِدٍ؛ وَقِيلَ: (أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ): غَيْرُ مَنْقُوصٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، وَقِيلَ: غَيْرُ مَقْطُوعٍ، وَقِيلَ: غَيْرُ مَنْعَصٍ بِالْمَنْ الَّذِي يُؤْذِي، وَإِنَّمَا قِيلَ لَهُ مَنْ، لِأَنَّهُ قَطَعَ عَنْ

١. في تفسير ابن فورك: «تلاوة في».

٢. في النسخة: تعلوا.

٣. ورد التفصيل في كتاب آخر للمؤلف: أبي الحسن علي بن عيسى الرماني، النكت في إعجاز القرآن، مطبوع ضمن: ثلاث رسائل في إعجاز القرآن (ص ٧٣-١١٣)، تحقيق محمد خلف الله، د. محمد زغلول سلام، القاهرة: دار المعارف بمصر، الطبعة الثالثة، ١٩٧٦م.

٤. في التبيان، للطوسي: «ولا بد من الجزاء على الاعمال».

٥. في النسخة: «بتكذيبهم»؛ فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣١٤/١٠.

شُكِرَ التَّعَمَّةِ، فَالْمَنْ: الْقَطْعُ إِلَى الشُّكْرِ بِالتَّفْضِيلِ، وَالْمَنْ: الْقَطْعُ عَنِ الشُّكْرِ بِالْأَدَى. وَإِنَّمَا قِيلَ (يُوعُونَ) أَي: يَحْمِلُونَ مِنَ الْأَثَامِ فِي قُلُوبِهِمْ؛ يُقَالُ: أَوْعَيْتُ الْمَتَاعَ، وَوَعَيْتُ الْعِلْمَ، تَقُولُ: مَنَنْتُ الْحَبْلَ، إِذَا قَطَعْتَهُ، عَنِ الرَّجَاحِ. ^١ وَقَالَ لَبِيدٌ:

لِمَعْمَرٍ فَهَدَّ تَنَازَعَ شَلْوَهُ
عُبْسٌ كَوَاسِبٌ مَا يَمُنُّ طَعَامُهَا ^٢

قِيلَ: مَا يَنْقُصُ، وَقِيلَ: مَا يَكْدُرُ.

وَقَدْ نَصَّصَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي تَرْكِ الْإِيمَانِ، وَمَا فِي الْإِمْتِنَاعِ مِنَ الشُّجُودِ عِنْدَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، لِاعْتِقَادِ الزُّورِ وَالْبُهْتَانِ مِنَ الْمَصِيرِ إِلَى سَلْبِ التَّعَمَّةِ، وَحِزْمَانِ كُلِّ فَائِدَةٍ، وَالْإِبْعَادِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَمَا فِي إِيْعَابِهِمْ ^٣ الْبَاطِلِ مِنْ بَشَارَتِهِمْ بِالْعَذَابِ النَّازِلِ، وَمَا فِي الْإِفْلَاحِ عَنِ الْكُفْرِ إِلَى الْإِيمَانِ، وَالْمَسَادِ إِلَى الصَّلَاحِ مِنَ الْبِسَارَةِ [١٥٨ب] بِالْأَجْرِ الْأَلْزِمِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمِ.

سُورَةُ الْبُرُوجِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٤٥٣

آبَنُهُ بَرْوَهَش | ٢١٠

سَال | ٣٥ | شَمَارُهُ ٦

بِهِمْ وَاسْفَنَد ١٤٠٣

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ)

يُقَالُ: مَا الْبُرُوجُ؟ الْجَوَابُ: الْمَنَارِلُ الْعَالِيَّةُ بِمَا هِيَ عَنِ جُمَّلَةِ الْأَرْضِ بَائِنَةٌ، ^٤ وَهِيَ هَاهُنَا مَنَارِلُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، وَمِنْهُ قَوْلُهُ جَلَّ وَعَزَّ: (وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُسْتَبَدَّةٍ) ^٥ أَي: فِي مَنَارِلِ عَالِيَّةٍ، عَنِ جُمَّلَةِ الْأَرْضِ بَائِنَةٌ؛ وَهِيَ اثْنَا عَشَرَ بُرْجاً يَسِيرُ الْقَمَرُ فِي كُلِّ بُرْجٍ مِنْهَا يَوْمَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا، ^٦ فَذَلِكَ ثَمَانِيَةٌ وَعِشْرُونَ مَنْرَلَةً، ثُمَّ يَسْتَتِرُ لَيْلَتَيْنِ، وَمَسِيرُ الشَّمْسِ فِي كُلِّ بُرْجٍ مِنْهَا شَهْرٌ.

وَيُقَالُ: مَا (الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ)؟ الْجَوَابُ: يَوْمُ الْجَزَاءِ وَفَضْلِ الْقَضَاءِ، وَهُوَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ فِي خَبَرٍ مَرْفُوعٍ، وَعَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ وَابْنَ زَيْدٍ. وَيُقَالُ: مَا الشَّاهِدُ وَالْمَشْهُودُ؟ الْجَوَابُ: الشَّاهِدُ: النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ

١. معاني القرآن وإعرابه، للزجاج، ٣٠٦/٥.

٢. ديوان لبيد بن ربيعة العامري، ص ١١١؛ وجمهرة أشعار العرب، لأبي زيد القرشي، ص ٢٥٢. واستشهد به الطبري في جامع البيان، ١٧٠/٢ عند تفسير الآية ٧٩ من سورة البقرة.

٣. وردت الكلمة في النسخة: «إيعابهم».

٤. ورد في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك: «ثابتة».

٥. النساء: ٧٨.

٦. في النسخة: وثلاثا.

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْمَشْهُودُ: يَوْمُ الْقِيَامَةِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ^٢ وَتَلَا (فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ
كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ [١٥٩] وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا)^٣ وَ (ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ
مَشْهُودٌ)^٤، وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَسَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ.

وَقِيلَ: (وَشَاهِدٌ): هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، (وَمَشْهُودٌ): يَوْمُ الْقِيَامَةِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ بِخِلَافٍ. وَقِيلَ: الشَّاهِدُ: يَوْمُ
الْجُمُعَةِ، وَالْمَشْهُودُ: يَوْمُ عَرَفَةَ، فِي خَبَرٍ مَرْفُوعٍ وَعَنْ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: الشَّاهِدُ: يَوْمُ النَّحْرِ، وَالْمَشْهُودُ: يَوْمُ
عَرَفَةَ، عَنِ إِبْرَاهِيمَ [التَّخَعُّبِي]. وَيُقَالُ: مَا الْأَخْدُودُ؟ الْجَوَابُ: الشَّقُّ الْعَظِيمُ فِي الْأَرْضِ، وَمِنْهُ فِي صِفَةِ
الشَّجَرَةِ الَّتِي دَعَاهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، «جَعَلْتُ تَحْدُ الْأَرْضِ خَدًّا حَتَّى أَتَيْتُهُ». وَمِنْهُ الْخَدُّ
لِمَجَارِي الدَّمُوعِ فِيهِ، وَالْمَخْدَةُ لِأَنَّ الْخَدَّ يُوضَعُ عَلَيْهَا، وَتَخَدُّ لِحُمِّهِ إِذَا صَارَ فِيهِ طَرَائِقُ كَالشَّقُوقِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (ذَاتِ الْوُقُودِ) وَكُلُّ نَارٍ ذَاتٌ وَوُقُودٌ؟ الْجَوَابُ: فِيهِ قَوْلَانِ: الْأَوَّلُ: إِنَّهُ يَكُونُ نَارًا لَيْسَتْ
ذَاتٌ وَوُقُودٌ كَنَارِ الْحَجَرِ وَنَارِ الْكَبِدِ. وَالثَّانِي: عَلَى وَوُقُودٍ مَحْضُوصٍ، لِأَنَّهُ مُعَرَّفٌ فَكَأَنَّهُ الْوُقُودُ بِإِنْدَارِ
النَّاسِ. وَقِيلَ: إِنَّ الْكُفَّارَ الَّذِينَ كَانُوا فُعُودًا عَلَى النَّارِ حَرَجَ لِسَانٍ مِنْهَا، فَأَحْرَقَهُمْ عَنْ آخِرِهِمْ، عَنِ
الرَّبِيعِ بْنِ أَنَسٍ. وَقِيلَ: كَانُوا مِنَ الْمَجُوسِ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ [١٥٩] عَلَيْهِ السَّلَامُ^٦.

وَفِيمَا يَرَوَى عَنِ الصَّحَّاحِ: كَانُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَقِيلَ: كَانُوا مِنَ الْيَمَنِ، وَ (قُتِلَ) بِمَعْنَى لَعِنَ،
وَقِيلَ: لَعِنُوا بِتَحْرِيقِهِمْ فِي الدُّنْيَا قَبْلَ الْآخِرَةِ. وَالْوُقُودُ بِالْفَتْحِ: الْحَطْبُ، وَالْوُقُودُ بِالضَّمِّ: الْإِيقَادُ،
وَجَوَابُ الْقَسَمِ مَحْدُوفٌ بِتَقْدِيرِ: الْأَمْرُ حَقٌّ فِي الْجَزَاءِ عَلَى الْأَعْمَالِ. ^٧ وَقِيلَ: (قُتِلَ) هُوَ لِقَاتِلِي
الْمُؤْمِنِينَ، لِأَنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ أَحْرَقَهُمْ بَعْدَ قَتْلِهِمْ، وَقِيلَ: هُوَ لِلْمَقْتُولِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. وَقِيلَ: الْبُرُوجُ:
النُّجُومُ الَّتِي هِيَ مَنَازِلُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ. وَذَكَرَ اللَّهُ هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنِينَ بِحُسْنِ بَصِيرَتِهِمْ فِي الصَّبْرِ عَلَى
دِينِهِمْ حَتَّى أُحْرِقُوا بِالنَّارِ لَا يُعْطُونَ التَّقِيَّةَ^٩ بِالرُّجُوعِ عَنِ الْإِيمَانِ.

١. جامع البيان، للطبري، ٢٦٧/٢٤.
٢. كذا في أصل النسخة؛ فمحييت الكلمة وكتبت مكانها: «رضي الله تعالى عنهما».
٣. النساء: ٤١.
٤. هود: ١٠٣.
٥. فَأَقْبَلْتُ تَحْدُ الْأَرْضِ خَدًّا حَتَّى قَامَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ، أخبار مكة، للفراهيدي، ٢٩/٤؛ أنساب الأشراف، للبلاذري، ١٧٥/١؛ والمعجم الكبير، للطبراني، ٤٣١/١٢.
٦. ورد هذا المضمون في رواية طويلة عن الإمام عليه السلام في جامع البيان، للطبري، ٢٧٠/٢٤.
٧. ذكر الواحدي نص كلام الرماني في التفسير البسيط، ٣٨٤/٢٣، بقوله: «وقال غيره من أهل المعاني...».
٨. يحتمل أن يكون المراد به أبا علي الجبائي. فورد في التبيان، للطوسي (٣١٦/١٠): «وقال الجبائي: يحتمل أن يكون المعنى بذلك القاتلين، ويحتمل أن يكون المقتولين».
٩. في النسخة: «يَقْطَعُونَ الْبَقِيَّةَ». فصححناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣١٧/١٠، وفي تفسير ابن فورك.

وَقَدْ نَصَمَنْتِ الْآيَاتِ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْقَسَمِ بِالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ) لِلْجَزَاءِ الْمَحْتُمِ،
وَبِالشَّاهِدِ هُنَاكَ وَالْمَشْهُودِ لِتُصَوِّرَ الْأَمْرَ عَلَى تَحْقِيقِي مِنْ شَأْنِ الْمُقْسَمِ بِهِ وَالْمُقْسَمِ عَلَيْهِ الَّذِي قَدْ
أَعْتَى ظُهُورَهُ بِالْعَقْلِ عَنْ إِظْهَارِهِ بِالذِّكْرِ، مِنْ أَنْ لِهَذَا التَّدْبِيرِ رَبًّا قَدْ دَلَّ بِهِ عَلَى الْحَقِّ وَلَمْ يَبْقَ إِلَّا
الْعَمَلُ أَوْ الْخُرُوجُ إِلَى الْجَهْلِ، وَمَا فِي حَالِ أَصْحَابِ الْأُخْدُودِ لِلنَّارِ الَّتِي أُضْرِمَتْ بِالْوَفُودِ بِحَسَانِ
الْمُؤْمِنِينَ [١١٦٠] الَّذِينَ كَانُوا عَلَى الْحَقِّ صَابِرِينَ مِنْ لَعْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَهُوْلَاءِ الْكُفْرَةِ بِتَعْجِيلِ
الْعِقَابِ فِي الدُّنْيَا قَبْلَ مَا لَهُمْ مِنْهُ فِي الْآخِرَةِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ
يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ)

يُقَالُ: مَا الْقُعُودُ؟ الْجَوَابُ: جَمْعُ قَاعِدٍ، كَقَوْلِكَ: شَاهِدٌ وَشُهُودٌ، وَرَاكِعٌ وَرُكُوعٌ؛ وَالْقُعُودُ أَيْضًا الْمَصْدَرُ
مِنْ قَوْلِهِمْ: قَعَدَ يَقْعُدُ قُعُودًا، وَهُوَ هُدُوءٌ يُنَافِي حَالَ الْقَائِمِ وَالْمُضْطَجِعِ. وَيُقَالُ: مَا الشُّهُودُ؟ الْجَوَابُ:
الْحُضُورُ عَلَى مُشَاهَدَةِ أَمْرٍ مِنَ الْأُمُورِ، وَكُلُّ حَاضِرٍ عَلَى مُشَاهَدَةِ أَمْرٍ بِسَمْعٍ أَوْ بَصَرٍ فَهُوَ شَاهِدٌ،
وَالْمُشَاهَدُ هُوَ الْمُدْرِكُ بِحَاسَّةٍ أَوْ مَا يُغْنِي عَنْ حَاسَّةٍ.

وَيُقَالُ: مَا التَّنْقِمَةُ؟ الْجَوَابُ: إِيجَابُ مَصْرَّةٍ عَلَى حَالٍ مَدْمُومَةٍ، وَالتَّنْقِمَةُ تَقْبِضُ النِّعْمَةَ، وَهُوَ إِيجَابُ
الْمَنْفَعَةِ عَلَى حَالٍ مَحْمُودَةٍ، فَهَوْلَاءِ الْجَهَالِ نَقَمُوا حَالَ الْإِيمَانِ لِأَنَّهُمْ جَعَلُوهَا [١١٦٠ب] بِجَهْلِهِمْ
حَالًا مَدْمُومَةً. وَقَالَ الشَّاعِرُ:^٢

مَا نَقَمُوا مِنْ بَنِي أُمَيَّةٍ إِلَّا أَنَّهُمْ يَحْلُمُونَ إِنْ عَضِبُوا^٣

وَيُقَالُ: مَا الدَّاعِي إِلَى أَنْ يَنْقِمُوا مِنَ الْإِيمَانِ؟ الْجَوَابُ: الْجَهْلُ وَالْخِلَافُ، وَذَلِكَ مَا سَبَقُوا إِلَيْهِ مِنْ
الْجَهْلِ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَدَاوَةٍ مِنْ خَالَفَهُمْ وَسَخَفِ أَرَائِهِمْ وَأَنَّ ذَلِكَ يُفْسِدُ عَلَيْهِمْ مَلَكَهُمْ وَيَصْرِفُ
الْوَجْهَ عَنْهُمْ. وَيُقَالُ: لِمَ كَانَتِ التَّوْبَةُ تُسْقِطُ عِقَابَ الْكَبِيرَةِ، وَلَمْ تَكُنِ الطَّاعَةُ الْعَظِيمَةُ تُسْقِطُ
عِقَابَ الْكَبِيرَةِ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّ فِي التَّوْبَةِ إِفْلَاعًا عَنْهَا بِالنَّدَمِ عَلَيْهَا، وَلَيْسَ يُمَكِّنُ اسْتِدْرَاكُهَا إِلَّا بِهَذَا

١. في النسخة: «ياحسان».

٢. هو عبد الله بن قيس، قاله في عبد الملك لما أخذ عبد الله بن جعفر ذي الجناحين الأمان له. ينظر: طبقات
فحول الشعراء، لابن سلام الجمحي، ٦٥٣/٢-٦٥٤؛ وأنساب الأشراف، للبلاذري، ٢٣٤/٧.

٣. استشهد بالبيت أبو عبيدة في مجاز القرآن، ١٧٠/١؛ والطبري في جامع البيان، ٥٣٧/٨؛ والزجاج في معاني القرآن
وإعرابه، ١٨٦/٢.

٤. في التبيان، للطوسي، ٣١٨/١٠: «لأن ما سبقوا إليه».

الطريق، وَلَيْسَ كَذَلِكَ الطَّاعَةُ العَظِيمَةُ مَعَ الإِقَامَةِ عَلَيْهَا العَزِيزُ المَنِيعُ فِي انْتِقَامِهِ مِنْ دَفْعِ دَافِعٍ لَهُ، الحَمِيدُ المُسْتَحَقُّ لِلْحَمْدِ بِإِحْسَانِهِ إِلَى الخَلْقِ.

وَقِيلَ: (إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ): حَرَقُوهُمْ بِالنَّارِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَقَتَادَةَ وَالصَّحَّاحِ؛ (وَهُمْ عَذَابُ الحَرِيقِ) فِي الدُّنْيَا، عَنِ الرَّبِيعِ؛ وَقِيلَ: (إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ) جَوَابُ القَسَمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ، وَلَا يَحْسُنُ هَذَا التَّأْوِيلُ لِطُولِ الكَلَامِ وَانْقِطَاعِ مَا بَيْنَهُمَا بِالْأَخْبَارِ؛ وَقِيلَ: لَهُمْ عَذَابٌ يَكْفُرُهُمْ [١٦١] وَعَذَابٌ بِإِحْرَاقِ الْمُؤْمِنِينَ، عَنِ الرَّجَّاحِ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الآيَاتُ البَيَانَ عَمَّا فِي حَالِ القُعودِ الَّذِينَ هُمْ لِتَعْذِيبِ الْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ عَلَى أَنَّهُمْ مَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا لِإِيْمَانِهِمْ^٢ بِاللَّهِ العَزِيزِ الحَمِيدِ مِنْ رُكُوبِ حَالِ الخِزْيِ بِالدَّمِّ وَاللَّعْنِ وَسَلْبِ النِّعَمِ وَخُلُوقِ التَّقَمِّ مِمَّنْ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ عَلَيْهِمْ شَهِيدٌ، وَقَدْ فُؤِدِمَ إِلَيْهِمْ بِالتَّأَجْرِ أَشَدُّ الوَعِيدِ، وَمَا فِي فِتْنَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالتَّعْذِيبِ مِنْ إِجَابِ عَذَابِ جَهَنَّمَ عَلَى التَّخْلِيدِ مَعَ عَذَابِ الحَرِيقِ.

القَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الفُؤُوزُ الكَبِيرُ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّئُ وَيُعِيدُ وَهُوَ العَفُورُ الوَدُودُ ذُو العَرْشِ المَجِيدِ)

يُقَالُ: مَا الفَرْقُ بَيْنَ الإِيْمَانِ وَالصَّلَاحِ؟ الجَوَابُ: إِنَّ الإِيْمَانَ مِنْ اظْمِئْتَانِ القَلْبِ إِلَى العَمَلِ بِالحَقِّ، وَالصَّلَاحِ مِنْ اسْتِقَامَةِ الأَمْرِ عَلَى مُقْتَضَى العَقْلِ. وَكَأَنَّهُ قِيلَ: الَّذِينَ دَخَلُوا فِي الإِيْمَانِ بِالقَوْلِ وَالعَقْلِ ثُمَّ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ عَلَى مُقْتَضَى الإِيْمَانِ بِالقَوْلِ وَالعَقْلِ [١٦١] ب. وَيُقَالُ: مَا ذِكْرُ الكَبِيرِ هُنَا؟ الجَوَابُ: إِنَّ التَّعِيمَ لَهُوْلَاءِ العَامِلِينَ كَبِيرًا بِالإِضَافَةِ إِلَى نَعِيمٍ مَنْ لَاعَمَلَ لَهُ مِمَّنْ يَدْخُلُ الجَنَّةَ لِمَا فِيهِ مِنَ الإِجْلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْمَدْحِ وَالْإِعْظَامِ.

وَيُقَالُ: مَا الفُؤُوزُ؟ الجَوَابُ: النِّجَاةُ بِالنَّفْعِ الخَالِصِ مِنْ كُلِّ شَائِبٍ، وَأَصْلُهُ: النِّجَاةُ، وَقِيلَ لِلْمَهْلَكَةِ مَفَارَةٌ، نَفَاؤًا كَأَنَّهُ قِيلَ مَنجَاةً، وَقَارَ فُلَانٌ بِكَذَا إِذَا خَلَصَ لَهُ نَفْعُهُ، فَارَ يَفُوزُ فُوزًا، وَلَا يُقَالُ إِلَّا فِي تَعْظِيمِ النَّفْعِ الَّذِي صَارَ إِلَيْهِ. وَيُقَالُ: لِمَ أُعِيدَ ذِكْرُ (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ)؟ الجَوَابُ: لِإِنْعَادِهِ بِمَا بَعْدَهُ مِنْ (ذَلِكَ الفُؤُوزُ الكَبِيرُ)، وَاقْتِصَاءِ مَا قَبْلَهُ مِنْ صِفَةِ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ صَبَرُوا عَلَى المِحْنَةِ لِلوَعْدِ^٣ بِهِ.

١. نسب الواحد في هذا القول في التفسير البسيط (٣٨٤/٢٣)، إلى من سماه بـ «صاحب النظم».

٢. في النسخة: الإيْمَانِهِم.

٣. غير واضحة في النسخة؛ فأضفناها على ما ورد في تفسير ابن فورك.

وَيَقَالُ: مَا الْبَطْشُ؟ الْجَوَابُ: الْأَخْذُ بِالْعُنْفِ، بَطَشَ بِهِ يَبْطِشُ بَطْشًا، وَيَبْطِشُ أَيْضًا، وَهُوَ بَاطِشٌ، فَإِذَا وُصِفَ بِالشِّدَّةِ فَقَدْ تَصَاعَفَ مَكْرُوهُهُ وَمَوْعِئُ إِيلَامِهِ^١. وَقِيلَ: **(يُبْدِي وَيُعِيدُ)** أَي: يُبْدِي الْعَذَابَ وَيُعِيدُهُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ؛ وَذَلِكَ لِإِفْتِصَاءِ مَا قَبْلَهُ لَهُ. وَقِيلَ: يُبْدِي الْحَلْقَ وَيُعِيدُهُ، عَنِ [١٦٦] الْحَسَنِ وَالصَّحَّاحِ وَابْنِ زَيْدٍ؛ وَذَلِكَ لِأَنَّ الْأَظْهَرَ فِي صِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - بِأَنَّهُ الْمُبْدِي الْمُعِيدُ - الْعُمُومُ فِي كُلِّ مَخْلُوقٍ. وَقِيلَ: الْمَجِيدُ الْكَرِيمُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَالْفَوْزُ: الْحِطُّ الْوَاسِعُ مِنَ الْخَيْرِ. وَقَرَأَ حَمْرَةُ وَالْكِسَائِيُّ **(الْمَجِيدُ)** حَفْضًا عَلَى صِفَةِ الْعَرْشِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ **(الْمَجِيدُ)** رَفْعًا عَلَى صِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْإِيمَانِ وَعَمَلِ الصَّالِحَاتِ مِنَ الْجَنَّاتِ الَّتِي تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ الْمَحْفُوفَةُ بِضُرُوبِ الْأَشْجَارِ وَالْتِمَارِ بِالْفَوْزِ الْكَبِيرِ الْمُهَنَّأِ بِالْإِجْلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَمَا فِي الْبَطْشِ الشَّدِيدِ مِنَ الرَّبِّ الْمُبْدِي الْمُعِيدِ مِنَ الْإِتْعَاطِ لِلْعَاقِلِ الْمَفْكَرِ وَالنَّاطِرِ الْمُتَدَبِّرِ، وَمَا فِي سَعَةِ مَغْفِرَةِ الرَّحِيمِ الْوُدُودِ ذِي الْعَرْشِ الْمَجِيدِ مِنَ الْمُبَادَرَةِ إِلَى التَّوْبَةِ الَّتِي تُوجِبُ تِلْكَ الْمَغْفِرَةَ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ فُزِعُونَ وَمَثُودٌ بِلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبِ اللَّهِ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ بَلْ هُوَ فُؤَادٌ مَجِيدٌ فِي لُوحٍ مَحْفُوظٍ)

يُقَالُ: لِمَ لَا يَجُوزُ التَّأْوِيلُ أَنَّهُ فَعَالٌ لِكُلِّ مَا يُرِيدُ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّهُ يَفْتَضِي أَنَّهُ فَعَالٌ [١٦٦ب] لِكُلِّ مَا يُرِيدُ أَنْ يَفْعَلَهُ، وَذَلِكَ لِاسْتِحَالَةِ أَنْ يَفْعَلَ مَا يُرِيدُ أَنْ يَفْعَلَهُ الْعِبَادُ، إِذْ فِي هَذَا إِنْطَالُ الْأَمْرِ وَالنَّهْيِ وَالطَّاعَةِ وَالْمَعْصِيَةِ وَالثَّوَابِ وَالْعِقَابِ، إِذْ لَا يَأْمُرُهُمْ أَنْ يَفْعَلُوا مَا قَدْ فَعَلَهُ وَلَا يَنْهَاهُمْ عَنْهُ. وَأَيْضًا فَإِنَّهُ قَدْ أَرَادَ مِنَ الْكُفَّارِ أَنْ يُؤْمِنُوا، إِذْ قَدْ أَمَرَهُمْ بِالْإِيمَانِ، وَمَا فَعَلَ إِيْمَانَهُمْ. وَأَيْضًا فَإِنَّهُ قَدْ قَالَ: **(وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلْمًا لِلْعَالَمِينَ)**^٣ وَلَوْ قَدْ فَعَلَ ظَلْمَهُمْ لَكَانَ قَدْ أَرَادَ ظَلْمَهُمْ.

وَيُقَالُ: مَا الْإِرَادَةُ؟ الْجَوَابُ: خَاصَّةٌ لِلْفِعْلِ يَدْعُو إِلَيْهَا مَا يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ حِكْمَةٍ أَوْ شَهْوَةٍ أَوْ حَاجَةٍ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَفْعَلُ إِلَّا لِدَاعِي الْحِكْمَةِ، فَأَمَّا خَاصَّةُ الْعَبْدِ أَوْ شَهْوَتِهِ فَإِنَّمَا يَفْعَلُ مَا يُؤَافِقُهُ إِذَا كَانَتِ الْحِكْمَةُ تَدْعُو إِلَيْهِ، وَقَدْ جَعَلَ لِلنَّاسِ أَنْ يَفْعَلَ لِحَاجَتِهِ أَوْ شَهْوَتِهِ مَا لَيْسَ فِيهِ ظُلْمٌ لِأَحَدٍ عَلَى سَبِيلِ الرَّحْمَةِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى **(هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ فُزِعُونَ وَمَثُودٌ)**؟ الْجَوَابُ: أَي: بِذِكْرِ حَدِيثِهِمْ تَذَكُّرٌ مُعْتَبَرٌ، فَإِنَّكَ تَنْتَفِعُ بِهِ^٤ وَهَذَا مِنَ الْإِيجَازِ الْحَسَنِ وَالتَّفْخِيمِ الَّذِي لَا يَقُومُ مَقَامَهُ التَّصْرِيحُ، لِمَا يَذْهَبُ الْوَهْمُ

١. في التبيان، للطوسي، ٣٢٠/١٠: «وتزايد إيلامه».

٢. في النسخة: «والنظر».

٣. آل عمران: ١٠٨.

٤. في تفسير ابن فورك: «أَي: تَذَكُّرٌ حَدِيثِهِمْ تَذَكِيرٌ مَعْتَبَرٌ قَلْبِكَ مُنْتَفِعٌ بِهِ»؛ وَفِي التَّبْيَانِ، لِلطُّوسِيِّ، ٣٢١/١٠: «معناه تذكُر يا محمد حديثهم تذكُر معتبر، فانك تنتفع به»

فِي أَمْرِهِمْ كُلِّ مَذْهَبٍ [١٦٣أ] وَيَطْلُبُ الإِعْتِبَارُ بِهِمْ كُلِّ مَطْلَبٍ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى **(بَلِّ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ)**؟ الْجَوَابُ: بَلِّ أَعْرَضُوا عَمَّا يُوجِبُهُ الإِعْتِبَارُ بِفِرْعَوْنَ وَتَمُودَ، وَأَقْبَلُوا عَلَى مَا يُوجِبُهُ الكُفْرُ وَالتَّكْذِيبُ مِنَ التَّأْكِيدِ وَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ **(مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ)** يَقْدِرُ أَنْ يُنْزِلَ بِهِمْ مَا أَنْزَلَ بِفِرْعَوْنَ وَتَمُودَ.

وَيُقَالُ: مَا المَجِيدُ؟ الْجَوَابُ: الكَرِيمُ العَظِيمُ الكَرِيمُ بِمَا يُعْطِي مِنَ الخَيْرِ، فَلَمَّا كَانَ القُرْآنُ يُعْطِي المَعَانِي الجَلِيلَةَ وَالدَّلَائِلَ النَّفِيسَةَ كَانَ كَرِيمًا مَجِيدًا بِمَا يُعْطِي مِنَ ذَلِكَ، إِذْ جَمِيعُهُ حَكْمٌ، وَالحَكْمُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ لَا رَابِعَ لَهَا: مَعْنَى يُعْمَلُ عَلَيْهِ فِيمَا يُجْتَنَبُ أَوْ يُتَّقَى، وَمَوْعِظَةٌ تُبَلِّغُ القَلْبَ لِلعَمَلِ بِالحَقِّ، وَحُجَّةٌ تُؤَدِّي إِلَى تَمْيِيزِ الحَقِّ مِنَ البَاطِلِ؛ وَذَلِكَ عَلَى وَجْهَيْنِ: فِي عِلْمِ دِينٍ أَوْ دُنْيَا، وَعِلْمِ الدِّينِ أَشْرَفُهُمَا.

وَقِيلَ: **(هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الجُنُودِ)** وَمَا كَانَ مِنْهُمْ إِلَى أَنْبِيَائِهِمْ، فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوْلُوا العَزْمِ مِنْ الرُّسُلِ قَبْلَكَ. وَقِيلَ: **(بَلِّ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ)** إِثَارًا مِنْهُمْ لِأَهْوَائِهِمْ، وَاتِّبَاعًا لِسُنَنِ آبَائِهِمْ. وَقِيلَ: **(فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ)** مِنَ التَّغْيِيرِ وَالتَّنْبِيدِ وَالتَّزْيَادَةِ وَالتَّقْصَانِ [١٦٣ب]. وَقِيلَ: اللُّوحُ المَحْفُوظُ: أَمُّ الكِتَابِ، عَنِ مُجَاهِدٍ، وَقِيلَ: هُوَ اللُّوحُ المَحْفُوظُ، عَنِ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَي: كَأَنَّهُ بِمَا ضَمَّنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ حِفْظِهِ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ. وَمَعْنَى **(مُحِيطٌ)** أَنَّهُمْ فِي مَقْدُورِهِ كَمَا يَكُونُونَ فِيمَا أَحَاطَ بِهِمْ، وَهَذَا مِنْ بَلَاغَةِ القُرْآنِ.

٤٥٨

آينيه پژوهش | ٢١٥
سال ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٥٣

وَقَرَأَ نَافِعٌ وَحْدَهُ **«مَحْفُوظٌ»** بِالرَّفْعِ عَلَى أَنَّهُ صِفَةُ القُرْآنِ. وَقَرَأَ البَاقُونَ **«مَحْفُوظٍ»** عَلَى أَنَّهُ صِفَةُ اللُّوحِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الآيَاتُ البَيَانَ عَمَّا فِي صِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ بِأَنَّهُ **(فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ)** مِنَ الإِقْتِدَارِ عَلَى الأُمُورِ بِأَنَّ مَا أَرَادَ أَنْ يُفْعَلَ لَا يَتَّهَيَّأُ لِأَحَدٍ مَنَعَهُ مِنْهُ، وَلَا يَجُوزُ عَلَيْهِ البِنَاءُ فِيهِ؛ وَمَا فِي حَدِيثِ **(الجُنُودِ فِرْعَوْنَ وَتَمُودَ)** مِنَ العِبْرَةِ وَالمَوْعِظَةِ بِمَا أُعْطُوا وَمَكَّنُوا وَبِمَا عَصَوْا وَكَفَرُوا، مُعْتَرِزِينَ بِطُولِ الإِمْهَالِ حَتَّى أَتَاهُمُ العَذَابُ بِمَا لَا يُمَكِّنُ مَعَهُ اسْتِدْرَاكُ، وَمَا فِي حَالِ الكُفَّارِ بِالتَّكْذِيبِ بِمَنْ هُوَ **(مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ)** بِدُخُولِ الجَمِيعِ فِي المَقْدُورِ، وَمَا فِي صِفَةِ القُرْآنِ بِأَنَّهُ **(مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ)** مِنْ وَجُوبِ الإِقْبَالِ عَلَيْهِ وَطَلَبِ الفَائِدَةِ مِنْ جِهَتِهِ. [١٦٤أ]

١. ذكر الواحدي ملخص كلام الرماني في التفسير البسيط (٣٩٨/٢٣)، بقوله: «وقال أهل المعاني: لما كان القرآن

يعطي المعاني الجليلة، والدلائل النفيسة، كان كريماً...».

٢. في النسخة: «حفظاً»، والصحيح ما أثبتناه.

سُورَةُ الطَّارِقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ النَّجْمُ الثَّاقِبُ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾

يُقَالُ: مَا الطَّارِقُ؟ الْجَوَابُ: الْآتِي لَيْلًا، وَهُوَ هُنَا (النَّجْمُ الثَّاقِبُ) كَمَا وَصَفَهُ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ، فَالْقَوْلُ الْأَوَّلُ يُبَيِّنُ عَنْ مَعْنَى صِفَتِهِ بِالطَّارِقِ، وَالْقَوْلُ الثَّانِي يُبَيِّنُ عَنْ نَفْسِهِ مَا هِيَ. يُقَالُ: طَرَقَنِي فَلَانَ إِذَا أَتَانِي لَيْلًا، وَأَصْلُ الطَّرْقِ: الدَّقُّ، وَمِنْهُ الْمَطْرَقَةُ لِأَنَّهُ يُدَقُّ بِهَا، وَالطَّرِيقُ لِأَنَّ الْمَارَةَ تَدُقُّهُ بِأَرْجُلِهَا، وَالطَّارِقُ لِأَنَّهُ يَأْتِي فِي وَفْتٍ يُحْتَاجُ فِيهِ إِلَى الدَّقِّ لِلتَّنْبِيهِ.

يُقَالُ: مَا النَّجْمُ؟ الْجَوَابُ: الطَّالِعُ فِي السَّمَاءِ كَالدُّرَّةِ الْبَيْضَاءِ، وَيُقَالُ: لِكُلِّ طَالِعٍ نَاجِمٌ تُشَبِّهُهَا بِهِ؛ نَجْمُ النَّبْتِ إِذَا طَلَعَ، وَكَذَلِكَ السِّنُّ وَالْقَرْنُ، وَيُوصَفُ بِالطَّالِعِ وَالْعَارِبِ وَذَلِكَ أَنَّهُ إِذَا طَلَعَ مِنْ الْمَشْرِقِ غَابَ رَقِيبُهُ فِي الْمَغْرِبِ. وَيُقَالُ: مَا الثَّاقِبُ؟ الْجَوَابُ: الْمُضِيءُ النَّبِيءُ، وَتَقْوِبُهُ: تَوْقُدُهُ بِنُورِهِ، وَالْعَرَبُ تَقُولُ: أَثْقَبْتُ نَارَكَ، أَي: أَوْقَدْتُهَا وَأَشَعَلْتُهَا حَتَّى تُضِيءَ وَيُثَقِّبُ لِسَانَهَا بِخُرُوجِ الشَّعَاعِ مِنْهَا، وَالثَّاقِبُ أَيْضًا الْعَالِي الشَّدِيدُ الْعُلُوِّ، وَالْعَرَبُ تَقُولُ: [١٦٤ب] إِذَا ارْتَفَعَ الطَّائِرُ ارْتِفَاعًا شَدِيدًا فَقَدْ ثَقَّبَ، كَأَنَّهُ ثَقَّبَ رَأْسَ الْجَوِّ الْأَعْلَى.^٣

وَقِيلَ: الثَّاقِبُ: الْمُضِيءُ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: الْعَالِي عَلَى النُّجُومِ وَهُوَ زُحَلٌ، عَنْ ابْنِ زَيْدٍ. وَيُقَالُ: مَا الْحَافِظُ؟ الْجَوَابُ: الْمَانِعُ مِنْ هَلَاكِ الشَّيْءِ، حَفِظَهُ يَحْفَظُهُ حِفْظًا وَاحْتَفَظَ بِهِ اخْتِطَافًا؛ فَأَمَّا أَحْفَظُهُ فَمَعْنَاهُ: أَعْصَبَهُ، لِأَنَّهُ بِمَا حَفِظَ عَلَيْهِ مِمَّا يَكْرَهُهُ؛ وَتَحَفَظَ مِنَ الْأَمْرِ إِذَا امْتَنَعَ بِحِفْظِ نَفْسِهِ مِنْهُ. وَحَافِظٌ عَلَيْهِ إِذَا وَاظَبَ عَلَيْهِ بِالْحِفْظِ. وَيُقَالُ: مَا النَّظْرُ؟ الْجَوَابُ: الطَّلَبُ لِإِدْرَاكِ الْمَعْنَى مِنْ وَجْهِ يَظْمَعُ فِيهِ، وَقَدْ يُطَلَّبُ إِدْرَاكُهُ بِفِكْرِهِ، وَقَدْ يُطَلَّبُ إِدْرَاكُهُ بِحَاسَةِ مَنْ حَوَاسِهِ، وَقَدْ يُطَلَّبُ إِدْرَاكُهُ بِمَسْأَلَةِ الْعُلَمَاءِ بِهِ.

وَقِيلَ: طُرُوقُ النُّجُومِ: طُهورُهَا بِاللَّيْلِ وَخَفَاؤُهَا بِالنَّهَارِ، عَنْ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: (حَافِظٌ) مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَحْفَظُونَ عَمَلَهُ وَرِزْقَهُ وَأَجَلَهُ، عَنْ قَتَادَةَ. «إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ» مَا صِلَةٌ مُؤَكَّدَةٌ وَتَقْدِيرُهُ: لَعَلَّهَا حَافِظٌ،

١. في النسخة: «الطالع إلى». فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك.

٢. في النسخة: «كالذمة». فأثبتناه على ما ورد في تفسير ابن فورك.

٣. قال الفراء في معاني القرآن، ٢٤٥/٣: «والعرب تقول للطائر إذا لحق ببطن السماء ارتفاعًا: قد ثقب».

٤. في النسخة: «فأما أحفظه فأعصبه». وهذا ما صححناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣٢٤/١٠.

وَاللَّامُ لَأَمْ الْإِبْتِدَاءِ الَّتِي تَدْخُلُ فِي حَبْرَانِ، وَإِنْ «مُخَفَّفَةٌ مِنَ الثَّقِيلَةِ. وَقِيلَ: (النَّجْمُ الثَّاقِبُ) هُنَا: جَمَاعُ النَّجْمِ، [١١٦٥] عَنِ الْحَسَنِ. وَقَالَ: (مَا أَدْرَاكَ) أَي: إِنَّكَ لَمْ تَدْرِ حَتَّى أَعْلَمْتُكَ، وَكَلَّمَا يَعْلَمُهُ الْإِنْسَانُ فَاللَّهُ أَعْلَمُهُ بِالضَّرُورَةِ أَوْ بِالذَّلِيلِ. وَيُقَالُ: نَقَبَ يَنْقُبُ نُقُوبًا إِذَا أَضَاءَ، وَأَنْقَبَ نَارَكَ: أَضِيئُهَا.

وَقَرَأَ (لَمَّا) بِالتَّشْدِيدِ عَاصِمٌ وَحَمْرَةُ وَابْنُ عَامِرٍ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ «لَمَّا» بِالتَّخْفِيفِ، وَجَاءَ «لَمَّا» مُشَدَّدَةً بِمَعْنَى «إِلَّا» فِي مَوْضِعَيْنِ: إِنْ، وَالْقَسَمِ، كَقَوْلِكَ سَأَلْتُ لَمَّا فَعَلْتَ بِمَعْنَى الْأَفْعَلْتُ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْقَسَمِ بِالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ مِنْ تَعْظِيمِ شَأْنِهِمَا وَالتَّنْبِيهِ عَلَى مَوْجِعِ الْعِبْرَةِ بِهِمَا، وَمَا فِي صِفَةِ الطَّارِقِ بِأَنَّهُ النَّجْمُ الثَّاقِبُ مِنْ اقْتِضَاءِ الْفِكْرِ فِيهِ، وَمَا فِي حِفْظِ كُلِّ نَفْسٍ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبْرَةِ وَالتَّعَمُّةِ الَّتِي أَكْثَرَ عِبَادَ اللَّهِ عَتَا فِي غَفْلَةٍ، وَمَا فِي خَلْقِ الْإِنْسَانِ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ مِنْ اعْتِبَارِ النَّاطِرِ بِمَا يُؤَدِّي إِلَى الْحَقِّ اللَّازِمِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ)

يُقَالُ: مَا الدَّفْقُ؟ الْجَوَابُ: صَبُّ الْكَثِيرِ بِاعْتِمَادِ شَدِيدٍ، وَالْمَاءُ الَّذِي يَكُونُ مِنْهُ الْوَلَدُ [١٦٥ب] إِنَّمَا يَكُونُ دَفْقًا، وَإِنْ نَهَدَتْ مِنْهُ التُّظْفَةُ الَّتِي يُقَالُ لَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنْسَانًا أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الْحَيَوَانَ. وَيُقَالُ: مَا التَّرَائِبُ؟ الْجَوَابُ: مَوْضِعُ الْفِلَادَةِ مِنْ صَدْرِ الْمَرْأَةِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، وَاجْدُهَا: تَرْيِبَةٌ، وَهُوَ مَا أُخُوذُ مِنْ تَذَلِيلِ حَرَكَتَيْهَا كَالْتَّرَائِبِ، فَالتَّرْيِبَةُ مُعَلَّقُ الْحُلِيِّ عَلَى الصَّدْرِ^٢ بِالسَّلَاسِلَةِ وَالْمَرَاثِيلِ^٣.

وَيُقَالُ: مَا السَّرِيرَةُ؟ الْجَوَابُ: الطَّوَيْتَةُ فِي النَّفْسِ وَهِيَ إِسْرَارُ الْمَعْنَى فِي النَّفْسِ، وَقَدْ يَكُونُ الْإِسْرَارُ مِنْ إِنْسَانٍ بِعَيْنِهِ مَعَ إِطْلَاعِ غَيْرِهِ، فَلَا تَكُونُ سَرِيرَةً. يُقَالُ: مَا مَعْنَى (تُبْلَى السَّرَائِرُ)؟ الْجَوَابُ: تُخْتَبَرُ بِإِظْهَارِهَا وَإِظْهَارِ مُوجِبِهَا، وَذَلِكَ أَنَّ الْإِبْتِلَاءَ وَالِاخْتِبَارَ وَالِاعْتِبَارَ كُلَّهُ إِنَّمَا هُوَ بِإِظْهَارِ مُوجِبِ الْمَعْنَى؛ فَفِي الطَّاعَةِ الْحَمْدُ وَالتَّوَابُ، وَفِي الْمَعْصِيَةِ الدَّمُّ وَالْعِقَابُ^٤.

وَيُقَالُ: مَا الْقُوَّةُ؟ الْجَوَابُ: حَاصَّةٌ فِي الشَّيْءِ يَصِحُّ بِهَا الْفِعْلُ، وَهِيَ تَنْفَصِلُ مِنَ الْأَلَةِ، لِأَنَّ الْأَلَةَ لَا تَجَلُّ فِي شَيْءٍ، وَتَنْفَصِلُ مِنَ الْقُدْرَةِ بِأَنَّهَا قَدْ تَكُونُ لِأَحَدِ الصِّدِّيقِينَ كَقُوَّةِ النَّارِ الَّتِي تَحْرِقُ، وَإِذَا

١. يحتمل أن يكون هذا من سهو الكاتب. ففي تفسير ابن فورك: «وإن كانت».

٢. قاله أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٩٤/٢.

٣. في النسخة: «والمراسهل».

٤. في التبيان، للطوسي، ٣٢٥/١٠: «من واحد».

٥. ذكر الواحدي كلام الرماني في التفسير البسيط، ٤١٦/٢٣، بقوله: «وقال أهل المعاني...».

كَانَتْ لِلصَّادِقِينَ فِيهَا فُودْرَةٌ. وَمَاءٌ دَافِقٌ، بِمَعْنَى مَفْعُولٌ، أَي: مَدْفُوقٌ، وَنَظِيرُهُ: سِرٌّ كَاتِبٌ، وَعَيْشَةٌ رَاضِيَةٌ؛ [١١٦٦] وَقَالَ الْمُتَّقِبُ الْعَبْدِيُّ:

وَمِنْ ذَهَبٍ يُسْنُّ عَلَى تَرِيْبٍ كَلَوْنِ الْعَاجِ لَيْسَ بِذِي عُضُونٍ^٢

وَقَالَ آخَرُ:^٣

وَالرَّعْفَرَانُ عَلَى تَرَائِبِهَا شَرِيقًا بِهِ اللَّبَاتُ وَالتَّنْحَرُ^٤

وَقَالَ امْرُؤُ الْقَيْسِ:

مُهْفَهْفَةٌ بِيضَاءٍ غَيْرِ مُفَاصَّةٍ تَرَائِبُهَا مَصْفُولَةٌ كَالسَّجْنَجَلِ^٥

وَقِيلَ: **(إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لِقَادِرٌ)** أَي: رَدَّ الْمَاءَ فِي الصُّلْبِ، عَنِ عِكْرَمَةَ وَمُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: إِنَّهُ عَلَى رَدِّ الْإِنْسَانِ مَاءً كَمَا كَانَ، عَنِ الصَّخَاكِ. وَقِيلَ: إِنَّهُ عَلَى رَجْعِ الْإِنْسَانِ بِالْإِحْيَاءِ بَعْدَ الْمَمَاتِ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَفْضَحُ الْعَاصِي بِمَا كَانَ يُسِرُّ مِنْ مَعَاصِيهِ، وَيُجَلِّ الْمُؤْمِنَ بِإِظْهَارِ مَا كَانَ مِنْ طَاعَتِهِ لِيُكْرِمَهُ النَّاسَ بِذَلِكَ وَيُجَلِّوهُ. وَقِيلَ: إِنَّهُ إِذَا غَلَبَ مَاءُ الرَّجُلِ خَرَجَ الرَّجُلُ إِلَى شِبْهِ أَهْلِ بَيْتِ أَبِيهِ، وَإِذَا غَلَبَ مَاءُ الْمَرْأَةِ خَرَجَ إِلَى شِبْهِ أَهْلِ بَيْتِ أُمِّهِ.

٢٤١

آبِنُهُ بِزَوْهَشٍ | ٢١٠
سال ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٠٣

وَقَدْ تَصَمَّتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي خَلْقِ الْإِنْسَانِ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ، وَخُرُوجِهِ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ [١١٦٦] وَالتَّرَائِبِ مِنْ أَنَّ الَّذِي ابْتَدَأَهُ عَلَى رَجْعِهِ قَادِرٌ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ؛ لِأَنَّ الْإِعَادَةَ أَهْوَنَ مِنْ إِبْتِدَاءِ النَّشْأَةِ، وَمَا فِي بُطْلَانِ الْقُوَّةِ وَالتُّصْرَةِ الَّتِي تَمْنَعُ مِنْ عُقُوبَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ وُجُوبِ الْإِسْتِسْلَامِ لِلطَّاعَةِ الَّتِي تَمْنَعُ تِلْكَ الْعُقُوبَةَ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: **(وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَضْلٌ وَمَا هُوَ بِالْمَهْزَلِ إِيْتَهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا فَهَلْ الْكَافِرِينَ أَهْمَلُهُمْ رُويًا)**

١. معاني القرآن، للفراء، ٢٥٥/٣.
٢. ورد في المفضليات، للمفضل الضبي، ص ٢٨٩؛ والأماشي، لليزيدي، ص ١١١-١١٣؛ وقد استشهد به أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٩٤/٢؛ والطبري في جامع البيان، ٢٩٦/٢٤؛ والنحاس في إعراب القرآن، ١٢٤/٥.
٣. الشاعر: الحارث بن خالد بن العاص بن هشام المخزومي، من قريش، شاعر غزل، من أهل مكة، وتوفي بها سنة (٨٠) هـ.
٤. في النسخة: «شَرِيقًا بِهِ اللَّبَاتُ وَالتَّنْحَرُ». ورد البيت في مسائل نافع بن الأزرق؛ وقد استشهد به الفراء في معاني القرآن، ولم ينسبه؛ والطبري في جامع البيان، ٢٩٦/٢٤.
٥. ديوان امرئ القيس، ص ١٥؛ وقد استشهد بالبيت الزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٣١٢/٥؛ والنحاس في إعراب القرآن، ١٢٤/٥؛ وابن خالويه في إعراب ثلاثين سورة، ص ٤٧.

يُقَالُ: مَا رَجَعِ السَّمَاءُ؟ الْجَوَابُ: إِعْطَاءُ الْخَيْرِ الَّذِي يَكُونُ مِنْ جِهَتِهَا حَالًا بَعْدَ حَالٍ عَلَى مُرُورِ الْأَزْمَانِ؛ رَجَعَتْهُ تَرْجِعُهُ رَجْعًا إِذَا أُعْطِيَتْهُ مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ. وَيُقَالُ: مَا صَدَعُ الْأَرْضِ؟ الْجَوَابُ: انْشِقَاقُهَا بِالنَّبَاتِ لِضُرُوبِ الزُّرُوعِ وَالْأَشْجَارِ؛ صَدَعٌ يَصْدَعُ صَدْعًا، وَتَصَدَعُ الشَّيْءُ تَصَدُّعًا، وَأَنْصَدَعُ أَنْصَدَاعًا، وَصَدَعُهُ تَصَدِّعُهُ.

وَيُقَالُ: مَا الْقَوْلُ الْفَضْلُ؟ الْجَوَابُ: الَّذِي يَفْصِلُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ بِالْبَيِّنَاتِ ٢ عَنْ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا، وَكَذَلِكَ فَضْلُ الْقَضَاءِ، وَكُلُّ مَعْنَى فَإِنَّهُ يُحْتَاجُ فِيهِ إِلَى فَضْلِ حَقِّهِ مِنْ بَاطِلِهِ. وَيُقَالُ: مَا الْهَزْلُ؟ [١٦٧أ] الْجَوَابُ: قَوْلٌ يُهْزَأُ بِهِ ٣ لَا يَرْجِعُ إِلَى حَقٍّ يُعْمَلُ عَلَيْهِ؛ وَالْهَزْلُ تَقْيِضُ الْحَدِّ، وَالْهَزْلُ وَاللَّهُوُ وَاللَّعِبُ وَالْعَبْتُ نَظَائِرٌ؛ وَهَزَلَ يَهْزِلُ هَزْلًا. وَيُقَالُ: مَا الْكَيْدُ؟ الْجَوَابُ: فِعْلٌ مَا يُوجِبُ الْغِيْظَ، مِنْهُ كَادَهُ يَكِيدُهُ كَيْدًا. وَيُقَالُ: كَانِيْدَهُ مُكَانِيْدَةً وَتَكَانِيْدَ الْقَوْمِ تَكَانِيْدًا. وَقِيلَ: الرَّجْعُ: الْمَاءُ الْكَثِيرُ تُرْدِدُهُ بِالرِّيَّاحِ الَّتِي تَمُرُّ عَلَيْهِ، وَقَالَ الْمُتَحَلِّ [الْهُدَلِيُّ] فِي صِفَةِ السَّنَيْفِ:

أَبْيَضُ كَالرَّجْعِ رُسُوبٌ إِذَا مَا تَاخَ فِي مُحْتَفَلٍ يَحْتَلِي ٤

وَقِيلَ: (ذَاتُ الرَّجْعِ): ذَاتُ الْمَطَرِ الَّذِي يَرْجِعُ بِهِ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَالصَّحَّاحِ. وَقِيلَ: سَمْسُهَا وَقَمْرُهَا وَنُجُومُهَا تَغِيْبُ ثُمَّ تَظْلَعُ، عَنْ ابْنِ زَيْدٍ. وَقِيلَ: (وَالْأَرْضُ ذَاتُ الصَّدَعِ) بِالنَّبَاتِ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَقَتَادَةَ وَالصَّحَّاحِ وَابْنِ زَيْدٍ. وَ(رُؤَيْدًا) أَي: إِمَهَالًا، يُقَالُ أَرُوْدَتْهُ إِزْوَادًا، وَتَصْغِيرُهُ: رُؤَيْدٌ. وَقِيلَ: (رُؤَيْدًا): قَلِيْلًا، عَنْ قَتَادَةَ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيِّنَاتُ عَمَّا فِي الْقَسَمِ بِ(السَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدَعِ) مِنَ الْإِعْتِبَارِ بِرَجْعِ السَّمَاءِ بِالْأَمْطَارِ عَلَى مِقْدَارِ الْحَاجَةِ، وَمَا بِالْعِبَادِ إِلَيْهِ الْفَاقَةُ فِي كُلِّ سَنَةٍ، وَمَا فِي تَصَدُّعِ [١٦٧ب] الْأَرْضِ بِالنَّبَاتِ لِمَا يَخْرُجُ مِنَ الْأَقْوَاتِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنْ ضُرُوبِ الثَّمَارِ وَالْأَشْجَارِ، وَمَا فِي الْقَوْلِ الْفَضْلُ الْمُنْرُو عَنْ الْهَزْلِ الْمُبْرَّرِ مِنَ الْعَيْبِ مِنْ تَأْكِيدِ طَلَبِ الْحَقِّ مِنْ جِهَتِهِ وَالْفَائِدَةَ بِالنَّظَرِ فِيهِ، وَمَا فِي كَيْدِ الْكَافِرِينَ مِنْ عَائِدِ الْوَبَالِ عَلَيْهِمْ مِنْ كَيْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ بِالْقَتْلِ وَالذَّلِّ الَّذِي يَنْزِلُ بِهِمْ، وَمَا فِي الْأَمْرِ بِالْإِمَهَالِ لِلْكَافِرِينَ رُؤَيْدًا مِنْ شِدَّةِ الْوَعِيدِ وَمَا يُتَرَقَّبُ لَهُمْ مِنَ التَّنْكِيلِ.

١. ذكر الواحدي نص كلام الرماني في التفسير البسيط، ٤١٨/٢٣، بقوله: «وقال أهل المعاني...».

٢. في النسخة: «بالبيان». فصححناه على ما ورد في تفسير ابن فورك.

٣. في النسخة: «بتمرا به». فصححناه على ما ورد في تفسير ابن فورك.

٤. البيت في ديوان الهدليين، ١٢/٢-١٣؛ واستشهد به أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٩٤/٢؛ وابن قتيبة في غريب القرآن، ص ٥٢٣؛ والطبري في جامع البيان، ٣٠٢/٢٤.

سُورَةُ سَبِّحِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى)

يُقَالُ: مَا التَّسْبِيحُ؟ الْجَوَابُ: التَّنْزِيهِ لِلَّهِ جَلَّ وَعَزَّ عَمَّا لَا يَجُوزُ فِي صِفَتِهِ إِلَى صِفَاتِ التَّعْظِيمِ لَهُ كَوَصْفِهِ بِأَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، فَيَنْفِي مَا لَا يَجُوزُ فِي صِفَتِهِ مِنْ شَرِيكَ فِي عِبَادَتِهِ مَعَ الْإِثْرَارِ بِأَنَّهُ إِلَهٌ وَحْدَهُ. وَيُقَالُ: مَا (أَلْعَلَى)؟ الْجَوَابُ: الْقَادِرُ الَّذِي لَا قَادِرَ أَقْدَرَ مِنْهُ، وَصِفَةُ الْأَعْلَى مَنْقُولَةٌ إِلَى صِفَةِ الْأَقْدَرِ [١٦٨] حَتَّى لَوْ بَطَلَ مَعْنَى عُلُوِّ الْمَكَانِ لَمْ يَبْطُلْ أَنْ يُفْهَمَ بِتَحْقِيقِهَا إِذْ هِيَ غَيْرُ مُضَمَّنَةٍ بِغَيْرِهَا، وَلَمْ تُنْقَلْ إِلَى صِفَةِ الْأَرْفَعِ وَإِنَّمَا يُعْرَفُ فِي رِفْعَةِ الْمَكَانِ.^١

وَيُقَالُ: مَا التَّشْبِيهُ؟ الْجَوَابُ: الْجَمْعُ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ بِمَا هُمَا فِيهِ، وَلَيْسَ كَذَلِكَ الْمُمَاتَلَةُ، لِأَنَّهَا جَمْعٌ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ بِمَا يَشْدُ أَحَدُهُمَا مَسَدًا الْآخَرَ فِي الْمَشَاهِدَةِ. وَيُقَالُ: مَا التَّقْدِيرُ؟ الْجَوَابُ: تَنْزِيلُ الشَّيْءِ عَلَى مِقْدَارِ غَيْرِهِ، وَمِنْهُ تَقْدِيرُ مَعْنَى الْفَرْعِ بِالْأَصْلِ فِي: لَوْ كَانَ كَذَا لَكَانَ كَذَا عَلَى طَرِيقَةِ: لَوْ كَانَ الْجِسْمُ قَدِيمًا لَأَسْتَعْنَى عَنْ صَانِعٍ؛ وَكُلُّ تَدْبِيرِ الْعَالَمِ عَلَى مِقْدَارٍ مَا تَدْعُو إِلَيْهِ الْحِكْمَةُ.

وَيُقَالُ: مَا الْهِدَايَةُ؟ الْجَوَابُ: الدَّلَالَةُ عَلَى طَرِيقِ الرُّشْدِ مِنَ الْغَيِّ، فَسُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ الْهِدَايَةَ فِي قَلْبِ الْوَالِدِ حَتَّى يَطْلُبَ تَدْبِيرَ أُمِّهِ وَمَيَّزَهُ عَنْ غَيْرِهِ، وَمَا أُعْطِيَ الْفَرْخَ حَتَّى يَطْلُبَ الرِّقَّ مِنْ أَبِيهِ وَأُمِّهِ، وَالْعُصْفُورُ عَلَى صِغَرِهِ يَطْلُبُ مِثْلَ ذَلِكَ بِهِدَايَتِهِ. وَالْأَحْوَى: الْأَسْوَدُ وَالْحَوْثَةُ: السَّوَادُ. وَقَالَ ذُو الرُّمَّةِ:

لَمِيَاءٍ فِي شَفْتَيْهَا حَوْثٌ لَعَسَ وَفِي اللَّيْثِ وَفِي أُنْيَابِهَا سَنَبٌ^٣

وَالْعُثَا: مَا يُقْدَفُ بِهِ السَّيْلُ عَلَى جَانِبِ الْوَادِي مِنَ الْحَشِيشِ وَالنَّبَاتِ. وَقِيلَ: مَعْنَى (سَبِّحِ): قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: [١٦٨ب] مَعْنَاهُ: نَزَّ اسْمُ رَبِّكَ الْأَعْلَى أَنْ يُسَمَّى بِهِ سِوَاهُ. وَقِيلَ: نَزَّ رَبُّكَ عَمَّا يَصِفُهُ بِهِ الْمُشْرِكُونَ. وَقِيلَ: صَلَّى بِاسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى. وَقِيلَ: (أَحْوَى) يُضْرَبُ إِلَى السَّوَادِ. وَقِيلَ: ذَكَرَ الْإِسْمَ، وَالْمَعْنَى عَلَى تَعْظِيمِ الْمُسَمَّى، كَمَا قَالَ لَبِيدٌ:

١. في النسخة: تحقيقها. فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣٢٩/١٠ وفي تفسير ابن فورك.

٢. في النسخة: ولم تنقل صفة الأرفع وإنما يُصْرَفُ في رفعة المكان. فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي.

٣. ديوان ذي الرمة، بشرح أبي نصر الباهلي، ٣٩٧/٢. ذكره الخليل في العين، ٣٣٤/١؛ وأبو زيد القرشي في جمهرة أشعار العرب، ص ٧٤٨؛ والمبرد في الكامل في اللغة والأدب، ١١٩/٢؛ واستشهد به ابن قتيبة في تأويل مشكل القرآن، ص ١٥٢؛ وأبو عبيد في غريب الحديث، ٥/٤؛ وابن جني في الخصائص، ٢٩٤/٣.

إِلَى الْحَوْلِ ثُمَّ اسْمُ السَّلَامِ عَلَيْكُمَْا
وَمَنْ يَبْكُ حَوْلًا كَامِلًا فَقَدْ اَعْتَدُوا
وَقِيلَ: (عُثَاءً) أَي: هَشِيمًا يَابِسًا مُفْتَتًا، (أَحْوَى) أَي: أَشْوَدُ مِنْ اخْتِرَاقِهِ بَعْدَ خُضْرِهِ وَنَعْمَتِهِ. وَقَالَ ذُو الرُّمَّةِ:
فَرَحَاءُ حَوَاءِ أَشْرَاطِيَّةٌ وَكَفَّتْ
فِيهَا الدَّهَابُ وَحَفَّتْهَا الْبَرَاعِيمُ^١
وَقَرَأَ الْكِسَائِيُّ وَحْدَهُ «قَدْرٌ» خَفِيْفَةً، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِالتَّشْدِيدِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي التَّسْيِيحِ بِاسْمِ اللَّهِ الْأَعْلَى مِنْ سُلُوكِ طَرِيقِ الْهُدَى فِي مُفْتَضَلِي
التَّعْمَةِ الْعُظْمَى بِأَدَاءِ الْحَقِّ الْوَاجِبِ وَالْأَمْرِ الْإِلَازِمِ، وَمَا فِي خَلْقِ الْعِبَادِ وَتَسْوِيَتِهِمْ عَلَى صُورِهِمْ
وَطَبَائِعِهِمْ وَهَدَايَتِهِمْ إِلَى مَرَادِهِمْ مِنْ مَعَاوِيهِمْ، وَمَا قَدَّرَ لَهُمْ مِنَ الْأَقْوَاتِ وَسَيَقَى إِلَيْهِمْ مِنَ الْأَرْزَاقِ،
وَأُخْرِجَ لِمَوَاشِيهِمْ مِنَ الْمَرْعَى، ثُمَّ جَعَلَ عُثَاءً أَحْوَى بِالْيُبْسِ وَالِاخْتِرَاقِ، لِتَجْدِيدِ حَالِ الْأَرْزَاقِ مِنْ
[١٦٦٩] التَّدْبِيرِ الْعَجِيبِ الَّذِي لَا يَكُونُ إِلَّا مِنْ قَدِيرٍ عَلِيمٍ، وَبِمَا يَصْلُحُ لَهُ، حَتَّى وَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ فِي
حَقِّهِ، وَأَجْرَاهُ عَلَى وُجُوهِ الْمَنَافِعِ بِهِ وَالْمَرَافِقِ فِيهِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى وَنُبَيِّنُكَ لِلْيُسْرَى
فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى)

٤٦٤

آيَةُ بَرُوهَش | ٢١٥
سال ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٣٥٣

يُقَالُ: مَا الْإِفْرَاءُ؟ الْجَوَابُ: أَخَذَ الْقِرَاءَةَ عَلَى الْقَارِي بِالِاسْتِمَاعِ لِتَقْوِيمِ الرَّزْلِ، وَالْقِرَاءَةُ: السَّلَاةُ،
وَالْقَارِي: التَّالِي. وَيُقَالُ: مَا التَّيْسِيَانُ؟ الْجَوَابُ: ذِهَابُ الْمَعْنَى عَنِ النَّفْسِ بَعْدَ أَنْ كَانَ حَاضِرًا لَهَا،
وَنَقِيضُهُ الذِّكْرُ، وَنَظِيرُهُ السَّهْوُ، وَتَضْرِيغُهُ نَسِيٌّ يَنْسَى نَسِيَانًا وَهُوَ نَاسٍ، وَالشَّيْءُ مَنْسِيٌّ؛ وَالتَّدْكِيرُ لِمَا
نُسِيَ، وَالتَّنْبِيهُ لِمَا غَفَلَ عَنْهُ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ)؟ الْجَوَابُ: أَي: مَا شَاءَ نَسِيَانُهُ مِمَّا لَا يَكْلُفُ الْقِيَامَ بِأَدَائِهِ، وَذَلِكَ أَنَّ
التَّكْلِيفَ مُصَمَّنٌ بِالذِّكْرِ. وَيُقَالُ: مَا الْجَهْرُ؟ الْجَوَابُ: رَفْعُ الصَّوْتِ، وَنَقِيضُهُ الْهَمْسُ، وَهُوَ صَغْفُ
الصَّوْتِ؛ أَي: يَحْفَظُ عَلَيْكَ مَا جَهَرْتَ بِهِ وَمَا أَحْفَيْتَهُ مِمَّا تُرِيدُ أَنْ تَعِيَهُ؛ جَهَرَ بِالْقِرَاءَةِ يَجْهَرُ جَهْرًا،
وَمِنْهُ (وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا)^٢. وَيُقَالُ: مَا الْيُسْرَى؟ [١٦٦٩ب] الْجَوَابُ: الْكُبْرَى فِي تَسْهِيلِ

١. ديوان لبید بن ربیعۃ العامری، ص ٥١؛ والوحشیات وهو الحماسة الصغری، لأبی تمام، ص ١٥٤؛ أنشده أبو عبیدة
فی مجاز القرآن، ١٦١، لإثبات أن اسم الشیء هو الشیء؛ ولم یرض به الطبری فی جامع البیان، ١١٧/١-١١٨؛ فقبل
الرماني تأویل أبی عبیدة وذكره فی أول تفسیره علی فاتحة الكتاب.

٢. ديوان ذي الرمة، بشرح أبی نصر الباهلي، ٣٩٩/١؛ ورد البيت في العين، لخليل بن أحمد، ٤٣/٣؛ واستشهد به أبو عبیدة في
مجاز القرآن، ٢٩٥/٢؛ وذكره الطبری فی جامع البیان، ٣١٤/٢٤؛ وابن خالويه في إعراب ثلاثين سورة، ص ٥٦.

٣. الإسراء: ١١٠.

الْخَيْرِ بِهَا، وَهِيَ هُنَا الْجَنَّةُ؛ أَي: يَسْهَلُ لَكَ الْعَمَلُ الْمُؤَدِّي إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِنَّمَا قِيلَ لِلْيَدِ الْمُقَابِلَةِ لِلْيَمْنَى يُسْرَى لِأَنَّ الْعَمَلَ بِهَا مَعَ الْيَمْنَى يَتَيَسَّرُ عَلَى أُمَّمَ مَا يُمَكِّنُ.

وَقِيلَ: بَلْ ذَلِكَ عَلَى جِهَةِ التَّفَاوُلِ، كَمَا قِيلَ لِلْمَهْلَكَةِ: مَفَازَةٌ، وَإِنَّمَا هِيَ مَنْجَاةٌ. وَقِيلَ: (فَلَا تَنْسَى إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ) أَنْ تَنْسَاهُ بِرَفْعِ حَلْمِهِ وَتَلَاوُتِهِ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: (إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ) كَالِاسْتِثْنَاءِ فِي الْإِيمَانِ وَإِنْ لَمْ تَنْفَعْ مَشِيَّةَ النَّسِيَانِ؛ وَالْيُسْرَى: الْفُعْلَى مِنَ الْيُسْرِ، وَهُوَ سَهْوَةٌ عَمَلِ الْخَيْرِ. وَقِيلَ: (إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى) وَهِيَ تَنْفَعُ لَا مُحَالَةَ فِي عَمَلِ الْإِيمَانِ أَوْ الْإِنْتِقَاصِ مِنَ الْعُصْيَانِ. وَقَدْ يُقَالُ سَلَّهُ إِنْ نَفَعَ السُّوَالُ، أَي: فِيمَا يَجُوزُ عِنْدَكَ. وَقِيلَ: (إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ) أَنْ يُؤَخَّرَ إِنْزَالُهُ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي إِقْرَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، لِئَلَّا يَنْسَى مَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُؤَدِّيَ إِلَى الْعِبَادِ مِمَّا يَسْلُكُ بِهِمْ طَرِيقَ الْهُدَى مِنَ التَّعَمُّةِ الشَّامِلَةِ لِلْوَرَى، بِمَا آتَيْتَهُ بِهِ مِنْ هَذَا الْمَعْنَى عَلَى أَنَّهُ عَالِمٌ بِمَا يَظْهَرُ وَمَا يَخْفَى بِهِ مَعَ تَسْهِيلِ الْيُسْرَى، وَالْحَضْرَ عَلَى الذِّكْرَى وَالتَّرْغِيبِ فِي حَالٍ مِنْ يَخْشَى.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَتْقَى الَّذِي يُصَلِّي [١٧٠] النَّارَ الْكُبْرَى ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَخْيَى قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى)

يُقَالُ: مَا التَّجَنَّبُ؟ الْجَوَابُ: الْمَصِيرُ فِي جَانِبٍ عَنِ الشَّيْءِ بِمَا يُنَافِي كَوْنَهُ، فَهَذَا الشَّقِيُّ تَجَنَّبَ الذِّكْرَى بِأَنْ صَارَ بِمَعْرُوفٍ عَنْهَا بِمَا يُنَافِي كَوْنَهَا. وَيُقَالُ: مَا الشَّقْوَةُ؟ الْجَوَابُ: حَلَلٌ يُؤَدِّي إِلَى شِدَّةِ الْعَذَابِ، وَنَقِيضُ الشَّقْوَةِ: السَّعَادَةُ؛ شَقَى يُشْقِي شَقْوَةً وَشَقَاءً، وَأَشَقَّاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يُشْقِيهِ إِشْقَاءً: عَاقِبَةً عَقَاباً بِكُفْرِهِ وَسُوءِ عَمَلِهِ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (الْكُبْرَى) فِي صِفَةِ النَّارِ؟ الْجَوَابُ: الَّتِي الْحَاجَةُ إِلَى اتِّقَائِهَا أَشَدُّ، وَذَلِكَ مِنْ كِبَرِ الشَّانِ، إِذِ الْكَبِيرُ الشَّانُ هُوَ الْمُحْتَضُّ بِشِدَّةِ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ أَوْ إِلَى اتِّقَائِهِ، وَكُلَّمَا كَانَ أَكْبَرَ شَأْنًا فَالْحَاجَةُ إِلَيْهِ أَشَدُّ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَخْيَى)، وَالْعَذَابُ لَا يَصِلُ إِلَّا إِلَى حَيٍّ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّ إِطْلَاقَ الصِّفَةِ يَجِيءُ مِمَّا يُعْظَمُ بِهِ، إِذْ كُلُّ مَا نَافَى الْحَيَاةَ فَهُوَ صِفَةٌ نَقْصٌ مِنَ الْمَوْتِ وَالْجَمَادِيَّةِ وَالْعَدَمِ، وَامْتِنَاعِ صِفَةٍ حَيٍّ لِلِاسْتِحَالَةِ كَالْعَرْضِ، فَتَنَفَى أَنْ يَكُونُوا عَلَى صِفَةِ الْحَيِّ الَّتِي يُرْعَبُ فِيهَا. وَيُقَالُ: مَا إِتْيَاؤُ

١. في تفسير ابن فورك: «الصير».

٢. في تفسير ابن فورك: «يجتنب».

٣. سقطت الكلمة من النسخة، فأضفناها على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣٣٢/١٠.

٤. سقطت كلمة (هو) من النسخة، فأضفناها على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣٣٢/١٠.

الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؟ [١٧٠ب] الْجَوَابُ: إِزَادَةُ الْعَمَلِ لَهَا بَدَلًا مِنَ الْعَمَلِ لِلْآخِرَةِ، وَذَلِكَ عَلَى وَجْهَيْنِ فِي الْفَرْضِ وَالنَّقْلِ، فَمَنْ تَرَكَ وَاحِدًا مِنْهُمَا إِلَى خِلَافِهِ فَقَدْ تَرَكَ الْعَمَلَ لِلْآخِرَةِ بِالْعَمَلِ لِلدُّنْيَا، وَذَلِكَ عَلَى وَجْهَيْنِ: أَحَدُهُمَا يَجُوزُ لِلرُّخْصَةِ، وَالْآخَرُ مَخْطُورٌ مَعْصِيَةٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكُلُّ هَذَا مِنَ الْأَفْعَالِ الْمُتَعَمِّدَةِ الَّتِي تُفْعَلُ لِلْحِكْمَةِ أَوْ الشَّهْوَةِ أَوْ الْحَاجَةِ.

وَالْحَيَاةُ مِنْ غَيْرِ لِحَاقِ أَلْمِ فَضِيلَةٍ، وَالْحَيَاةُ بِلِحَاقِ أَلْمِ تَقِيصَةٍ، وَلِذَلِكَ اخْتِيَارُ الْحُسْنِ بِالرُّخْصَةِ عَيْبٌ، وَاخْتِيَارُ الْحُسْنِ بِمَحْضِ الْحِكْمَةِ فَضْلٌ وَكَرَمٌ. وَقِيلَ: (تَرْكِي): صَارَ زَاكِيًا بِأَنْ عَمَلَ صَالِحًا، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنِ. وَقِيلَ: زَكَا مَالَهُ، عَنِ أَبِي الْأَحْوَصِ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: (إِنَّ هَذَا لِنِي الصُّحُفِ الْأُولَى) مَا قَصَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي هَذِهِ السُّورَةِ، عَنْ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَرَكَ) إِلَى آخِرِ السُّورَةِ. وَقِيلَ: كُتِبَ اللَّهُ كُلُّهَا أَنْزَلَهَا فِي رَمَضَانَ، وَأَنْزَلَ الْقُرْآنَ لِأَرْبَعِ عَشْرَةَ مِنْهُ.

وَقِيلَ: النَّارُ الْكُبْرَى: نَارُ جَهَنَّمَ، وَالنَّارُ الصُّغْرَى: نَارُ الدُّنْيَا، عَنِ الْحَسَنِ. وَقِيلَ: (وَلَا يَخِي): وَلَا يَجِدُ رُوحَ الْحَيَاةِ. وَقِيلَ: الزَّاكِي: التَّامِي بِالْخَيْرِ الْكَثِيرِ. وَقِيلَ: النَّارُ الْكُبْرَى: الَّتِي فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ جَهَنَّمَ، [١٧١أ] عَنِ الْفَرَّاءِ. وَقِيلَ: (مَنْ تَرَكَ) وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى) فَهُوَ مَمْدُوحٌ (فِي الصُّحُفِ الْأُولَى) كَمَا هُوَ فِي الْقُرْآنِ.

وَقَرَأَ أَبُو عَمْرٍو وَحَدَّه «بَلْ يُؤْتُونَ الْحَيَاةَ» بِالْيَاءِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِالتَّاءِ الْمُعْجَمِينَ مِنْ فَوْقِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي تَجَنُّبِ الدُّكْرَى مِنَ الشُّقْوَةِ بِصَلِّي النَّارِ الْكُبْرَى الَّتِي لَا يُمُوتُ صَاحِبُهَا وَلَا يَخِي، وَمَا فِي حَالِ مَنْ تَرَكَ مَعَ ذِكْرِ اسْمِ رَبِّهِ إِذَا صَلَّى مِنَ الْفَلَاحِ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَمَا فِي إِبْتَارِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ لَهُ وَأَبْقَى مِنْ عَيْنِ النَّفْسِ فِي تَرْكِ الْأُولَى وَاخْتِيَارِ الْأَدْنَى عَلَى الْأَعْلَى، وَمَا فِي كَوْنِ الْحُكْمِ بِمَا يَنْبَغِي أَنْ يُجْتَبَى أَوْ يُتَّقَى مُفْصَلًا كَمَا هُوَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمَعْنَى (فِي الصُّحُفِ الْأُولَى صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى) مِنْ تَعْظِيمِ الْحِكْمَةِ وَصَرْفِ الْهِمَّةِ إِلَيْهَا بِالْعِنَايَةِ بِأَنَّهَا طَرِيقُ النَّجَاةِ مِنَ الْهَلَكَةِ وَالْقَوْرُ بِجَلِيلِ التَّعَمَّةِ.

سُورَةُ الْعَاشِيَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَاشِيَةِ وَجُودُهُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ [١٧١ب] عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً تُشْقِي مِنْ عَيْنِ آيَةٍ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ صَرِيحٍ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ وَجُودُهُ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ)

يُقَالُ: مَا الْغَاشِيَةُ؟ الْجَوَابُ: الْمُجَلَّلَةُ بِجَمِيعِ الْجُمَلَةِ، عَشِيَتْ تَعَشَى غَشِيَانًا، وَهِيَ غَاشِيَةٌ، وَأَغَشَاهَا غَيْرُهَا إِغْشَاءً إِذَا جَعَلَهَا تَعَشَى، وَعَشَاهَا تَعَشِيَةً، وَتَعَشَى بِهَا تَعَشِيًا. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (حَاشِعَةً)؟ الْجَوَابُ: دَلِيلَةٌ بِمَا رَأَتْ مِنْ سُوءِ عَاقِبَةِ السَّيِّئَةِ، وَالْحُشُوعُ: الدَّلُّ بِالْحُضُوعِ، وَذَلِكَ أَنَّهُ قَدْ يَدُلُّ الْإِنْسَانُ بِالْفَقْرِ مِنْ غَيْرِ حُضُوعٍ، وَقَدْ يَدُلُّ لِغَيْرِهِ بِالْحُضُوعِ. وَيُقَالُ: مَا النَّاصِبَةُ؟ الْجَوَابُ: النَّاصِبَةُ وَالنَّصِيبَةُ: التَّعَبَةُ، وَهِيَ الَّتِي قَدْ أَضْعَفَهَا الْإِنْتِصَابُ لِلْعَمَلِ؛ نَصَبَ الرَّجُلُ يَنْصِبُ نَصْبًا إِذَا تَعَبَ فِي الْعَمَلِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى آيَةِ؟ الْجَوَابُ: بِاللُّغَةِ شِدَّةُ الْحَرِّ، أَنَّى يَأْتِي إِنِّي إِذَا بَلَغَ الطَّعَامُ حَالَ التُّضْحِ، وَمِنْهُ (نَاطِرِينَ إِنَاءً) أَي: بُلُوغَ نَضِجِهِ. وَمِنْهُ: مَا أَنَّى^٢ لَكَ أَنْ تَفْعَلَ، أَي: مَا حَانَ لَكَ بِبُلُوغِ حَالِ الْفِعْلِ.^٣ وَيُقَالُ: مَا الضَّرِيْعُ؟ الْجَوَابُ: نَبْتُ تَأْكُلُهُ الْإِبِلُ يَضُرُّ وَلَا يُنْفَعُ، كَمَا وَصَفَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ [١٧٢] بِأَنَّهُ (لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ)، وَإِنَّمَا يُسْتَبَعُ عَلَيْهَا أَمْرُهُ، فَتَتَوَهَّمُ أَنَّهُ كَغَيْرِهِ مِنَ النَّبْتِ الَّذِي يُنْفَعُ، لِأَنَّ الْمُضَارَعَةَ الْمُشَابَهَةَ، وَمِنْهُ أُجِدَّ.

(وَلِسَعِيهَا رَاضِيَةٌ) بِمَا آذَاهَا إِلَيْهِ مِنَ النَّوَابِ وَالْكَرَامَةِ. وَقِيلَ: الْغَاشِيَةُ الْقِيَامَةُ تَعَشَى النَّاسَ بِالْأَهْوَالِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: النَّارُ تَعَشَى وَجُوهَ الْكُفَّارِ بِالْعَذَابِ وَالشَّوَاطِظِ، عَنِ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ. وَقِيلَ: (عَامِلَةٌ) لَمْ تَعْمَلْ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الدُّنْيَا فَأَعْمَلَهَا فِي النَّارِ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: آيَةُ: بِاللُّغَةِ النَّهَائِيَّةُ فِي شِدَّةِ الْحَرِّ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: الضَّرِيْعُ: الشَّيْبُوقُ، وَهُوَ سَمٌّ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: (عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ) نَاصِبَةٌ فِي الدُّنْيَا بِمَا يُؤَدِّي بِهَا إِلَى النَّارِ، وَهُوَ مِمَّا اتَّصَلَتْ صِفَتُهُمْ فِي الدُّنْيَا بِصِفَتِهِمْ فِي الْآخِرَةِ. وَقِيلَ: (مِنْ ضَرِيْعٍ) يَضُرُّ أَكَلَهُ فِي الْإِعْفَاءِ مِنْهُ لِحُشُونَتِهِ وَشِدَّةِ كَرَاهِيَتِهِ. وَعَلُوُّ الْجَنَّةِ عَلَى وَجْهَيْنِ: عَلُوُّ الشَّرَفِ وَالْجَلَالَةِ، وَعَلُوُّ الْمَكَانِ وَالْمَنْزِلَةِ.

وَقَرَأَ «تُصَلِّي نَارًا» بِضَمِّ النَّاءِ أَبُو عَمْرٍو وَعَاصِمٌ فِي رِوَايَةِ أَبِي بَكْرٍ، وَقَرَأَ [١٧٢ب] الْبَاقُونَ بِفَتْحِ النَّاءِ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْغَاشِيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِغَشِيَانِهَا النَّاسَ بِالْأَهْوَالِ؛ فَمِنْ وَجُوهِ حَاشِعَةٍ بِالذُّلِّ، مَصِيرُهُمْ إِلَى النَّارِ الْحَامِيَّةِ، بِمَا كَانَتْ عَامِلَةً فِي غَيْرِ الْحَقِّ، نَاصِبَةً شَرَابِهَا مِنْ عَيْنِ آيَةٍ، وَطَعَامُهَا مِنْ ضَرِيْعٍ لَا يُسَدُّ الْجُوعَةَ وَلَا فِيهِ مَنَفَعَةٌ، وَمِنْ وَجُوهِ نَاعِمَةٍ، لِسَعِيهَا فِي الدُّنْيَا رَاضِيَةٌ بِمَا صَارَتْ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ الْعَالِيَةِ الَّتِي لَا يُسْمَعُ فِيهَا لِأَغْيَةِ، بِمَا فِيهَا مِنَ الْعَيْنِ الْجَارِيَةِ، وَالشَّرْرِ الْمَرْفُوعَةِ وَالْأَكْوَابِ وَالْتِمَارِقِ الْمَصْفُوفَةِ وَالزَّرَابِيِّ الْمَبْثُوثَةِ الَّتِي هِيَ لِأَصْنَافِ الْمَلَاذِ جَامِعَةٌ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَغْيَةٍ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ

١. الأحزاب: ٥٣.

٢. في النسخة: «أما أني».

٣. «وما أني لك أن تفعل كذا وما أن بمعنى، أي: ما حان»، المحيط في اللغة، لصاحب بن عباد (٤٢٢/١٠).

وَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ وَزَرَابِي مَبْنُوتَةٌ أَفْلا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ وَإِلَى
الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿

يُقَالُ: مَا اللَّاعِغِيَّةُ؟ الْجَوَابُ: كَلِمَةٌ لَيْسَ فِيهَا فَايِدَةٌ. وَقَالَ الرَّاجِزُ: [الْعَبَّاجُ]:

[وَرُبَّ أَشْرَابٍ حَجِيجٍ كُظْمٍ] عَنِ اللَّعَا وَرَفِثِ التَّكَلُّمِ

وَاللَّعْوُ وَاللَّعَا بِمَنْزِلَةِ، وَلَعَى يَلْعَى لَعَى، وَلَعَا يَلْعُو لَعْوًا، وَالْعَاةُ الْغَاءُ فِي سَمَاعٍ لَا فَايِدَةَ فِيهِ، يُقَالُ
[١٧٣] عَلَى النَّفْسِ وَلِذَلِكَ نَفَى اللَّاعِغِيَّةَ عَنِ الْجَنَّةِ.

وَيُقَالُ: مَا الْجَارِي؟ الْجَوَابُ: الْمَاءُ مِنَ الْمَائِعِ إِلَى جِهَةِ النَّازِلِ، وَيُوصَفُ الْفَرَسُ بِأَنَّهُ يَجْرِي فِي عَدْوِهِ
تَشْبِيهًا لَهُ فِي سُرْعَتِهِ وَسُهولة مَرِهِ، وَكَذَلِكَ السَّفِينَةُ تَجْرِي مَعَ الْمَاءِ، وَفِي الْعَيْنِ الْجَارِيَّةُ مَنْعَةٌ لَيْسَ فِي
الْوَاقِفَةِ. وَيُقَالُ: مَا الشَّرُّ؟ الْجَوَابُ: جَمْعُ سَرِيرٍ، وَهُوَ مَجْلِسٌ سُورُورٍ بِالرَّفْعَةِ عَلَى قَوَائِمٍ مُتَقَابِلَةٍ، وَيُمْكِنُ أَنْ
يَكُونَ مِنْ أَشْيَاءٍ كَثِيرَةٍ مِنَ السَّاجِ وَالْأَبْنُوسِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْجَوَاهِرِ الْكَرِيمَةِ.

وَيُقَالُ: مَا الْأَكْوَابُ؟ الْجَوَابُ: جَمْعُ كُوبٍ وَهِيَ الْأَبَارِيُّ الَّتِي لَيْسَ لَهَا خَرَاطِيمٌ فَهِيَ لِلشَّرَابِ مِنَ
الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْجَوْهَرِ، يَتَمَتَّعُونَ بِالنَّظَرِ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ إِلَيْهَا، وَيَشْرَبُونَ بِهَا مَا يَشْتَهُونَ مِنْ لَذِيذِ
الشَّرَابِ، وَهِيَ كَالْأَكْوَاظِ الْفَاخِرَةِ^٣ الَّتِي يُوضَعُ بَيْنَ يَدَيِ الْمَلِكِ. وَيُقَالُ: مَا التَّمَارِقُ؟ الْجَوَابُ:
الْوَسَائِدُ، عَنِ قِتَادَةِ، وَاحِدُهَا نَمْرَقَةٌ، وَهِيَ الْوَسَادَةُ، وَهِيَ تَصْلُحُ لِلرَّاحَةِ وَرَفْعِ الْمَنْزِلَةِ. وَقِيلَ: الْأَكْوَابُ:
كَالْأَبَارِيْقِ لَا عَرَى لَهَا وَلَا خَرَاطِيمٍ، وَهِيَ آيَةٌ تُتَّخَذُ لِلشَّرَابِ، فَاخِرَةٌ حَسَنَةٌ الصُّورَةِ.

وَالزَّرَابِيُّ: الْبُسْطُ الْفَاخِرَةُ، وَاحِدُهَا زَرِيْبَةٌ. وَقِيلَ: [الْاعِغِيَّةُ] بِمَعْنَى [١٧٣] ذَاتِ لَعْوٍ كَقَوْلِهِمْ: مَا يَلِ
وَدَارِعٌ. قَالَ الْحَطِيئَةُ:

وَعَزَّرْتَنِي^٤ وَرَعَمْتَ أَتَكَ لَابِنٌ فِي الصَّيْفِ تَامِرٌ

١. عجز بيت صدره: «وَرُبَّ أَشْرَابٍ حَجِيجٍ كُظْمٍ»؛ أنشده للعجاج أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٧٠/١؛ واستشهد به الطبري في جامع البيان، ٢٣٠/٣، ٣٤/٤، في تفسير الآيات ١٨٧ و ٢٢٥ من سورة البقرة.
٢. في النسخة: يلغوا.
٣. في النسخة: «كالجزدادي الفاخر»؛ فأثبتناه على ما ورد في تفسير ابن فورك.
٤. هكذا الرواية في أصل النسخة، وفي العين، للخليل، وجمهرة اللغة، لابن دريد، وأدب الكاتب، لابن قتيبة، وفي الخصائص، لابن جني. والرواية في مجاز القرآن لأبي عبيدة، وجامع البيان للطبري: «وَدَعَوْتَنِي»؛ وفي الديوان، ومعاني القرآن للأخفش، وفي معاني القرآن للنحاس: «أَعَزَّرْتَنِي».
٥. ورد البيت في الكتاب، لسيبويه، ٣٨١/٣؛ والعين، للخليل ٣٢٧/٨؛ واستشهد به في مجاز القرآن، لأبي عبيدة، ١٦٤/٢؛ وأدب الكاتب، لابن قتيبة، ص ٣٢٧؛ وجامع البيان، للطبري، ٤٦٣/١٩-٤٦٤؛ ومعاني القرآن، للأخفش، ٥٧٧/٢.

وَقِيلَ: (سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ) لِيَرَى الْمُؤْمِنُ بِجُلُوسِهِ عَلَيْهَا جَمِيعَ مَا حَوَّلَهُ رَبُّهُ مِنَ الْمُلْكِ وَالنَّعِيمِ (وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ)، أَي: عَلَى حَافَةِ الْعَيْنِ الْجَارِيَةِ، أَي: كُلَّمَا أَرَادَ شُرْبَهَا وَجَدَهَا مَمْلُوءَةً. وَقِيلَ: قَدْ سَمِعَ نُمْرُقَةً وَنُمْرِقَةً بِصَمِّ النَّوْنِ وَالزَّاءِ وَكَشْرِهِمَا.

وَقَرَأَ «لَا تَسْمَعُ» بِالْيَاءِ مَضْمُومَةً «فِيهَا لِأَغْيَةِ» رَفْعاً ابْنُ كَثِيرٍ وَأَبُو عَمْرٍو. وَقَرَأَ نَافِعٌ وَحَدَهُ «لَا تَسْمَعُ» بِالتَّاءِ مَضْمُومَةً «فِيهَا لِأَغْيَةِ» بِالرَّفْعِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ «لَا تَسْمَعُ» بِالتَّاءِ مَفْتُوحَةً (فِيهَا لِأَغْيَةِ) نَضْباً.

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانِ عَمَّا فِي صِفَةِ الْجَنَّةِ الْعَالِيَةِ الَّتِي «لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَغْيَةٍ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ وَمَنَارِقٌ مَصْفُوفَةٌ وَزُرَابِيُّ مَشْهُوتَةٌ» مِنَ التَّشْوِيقِ إِلَيْهَا وَالْحَثِّ عَلَى طَلَبِهَا بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ الْمُؤَدِّي إِلَيْهَا وَالَّذِي هُوَ تَمَنُّ لَهَا، وَمَا فِي خَلْقِ الْإِبِلِ وَرَفْعِ السَّمَاءِ وَنَضْبِ الْجِبَالِ وَسَطْحِ الْأَرْضِ مِنَ الْإِعْتِبَارِ بِأَنَّ مَنْ قَدَرَ عَلَى هَذَا قَادِرٌ عَلَى الْجَنَّةِ بِتِلْكَ الصِّفَةِ، إِذْ لَا [١١٧٤] فَضْلٌ بَيْنَهُمَا فِي مُقْتَضَى الْحِكْمَةِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَنْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصِيطِرٍ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ)

٤٦٩

آبِنُهُ بَزُوهُشٍ | ٢١٠
سَال | ٣٥ شَمَارُهُ ٦
بِهِمْ وَاسْفند ١٤٠٣

يُقَالُ: مَا التَّذْكَيرُ؟ الْجَوَابُ: التَّعْرِيفُ لِلذِّكْرِ بِالْبَيَانِ الَّذِي يَفْعُ بِهِ الْفَهْمَ، وَالتَّفْعُ بِالتَّذْكَيرِ عَظِيمٌ لِأَنَّهُ طَرِيقُ الْعِلْمِ بِالْأُمُورِ الَّتِي يَحْتَاجُ إِلَيْهَا وَمَلَيِّنُ الْقَلْبِ لِلْعَمَلِ بِهَا. وَيُقَالُ: مَا الْمُصِيطِرُ؟ الْجَوَابُ: الْمَتَسَلِّطُ عَلَى غَيْرِهِ بِالْقَهْرِ لَهُ، وَهُوَ صَارِبٌ سَطَرَ عَلَى غَيْرِهِ، لَا يُمْكِنُهُ الْخُرُوجُ عَنْهُ، تَسِيطِرُ فَلَانٌ عَلَى فَلَانٍ، وَسِيطِرُ، إِذَا تَسَلَّطَ. وَيُقَالُ: مَا الْإِيَابُ؟ الْجَوَابُ: الرَّجُوعُ، آبٌ يُوُوبُ أَوْباً وَإِيَاباً، وَتَأْوَبُ تَأْوِباً، وَأَوُوبُ يُوُوبُ تَأْوِيباً. وَيُقَالُ: آيَبٌ إِيَاباً عَلَى فِعْلٍ فَيَعَالَا مِنَ الْأَوْبِ. وَقَالَ عُبَيْدٌ:

وَكُلُّ ذِي عَيْبَةٍ يُوُوبُ وَعَائِبُ الْمَوْتِ لَا يُوُوبُ^٢

وَيُقَالُ: مَا حِسَابُ الْكُفَّارِ؟ الْجَوَابُ: إِخْرَاجُ مَقْدَارِ مَا لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ حَتَّى يُظْهَرَ لِرُؤْمِ الْإِحْبَاطِ وَاسْتِخْقَاقِ الْعَذَابِ، وَحِسَابُ الْمُؤْمِنِ إِخْرَاجُ مَا لَهُ وَعَلَيْهِ حَتَّى يُظْهَرَ وَجْهُ التَّكْفِيرِ لِلْسَّيِّئَةِ [١١٧٤] وَتَقْبُلُ الْحَسَنَةِ بِمَا يُوجِبُ الثَّوَابَ عَلَى الْإِيمَانِ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى الْإِسْتِثْنَاءِ فِي (إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ)؟ الْجَوَابُ: فِيهِ وَجْهَانِ: الْأَوَّلُ: لَكِنْ مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ

١. في النسخة: المُسِيطِرُ.

٢. ورد البيت في مسائل نافع بن الأزرق، وفي جمهرة أشعار العرب، لأبي زيد القرشي، ص ٣٨٢؛ وفي الشعر والشعراء، لابن قتيبة، ٢٦١/١؛ استشهد بالبيت أبو عبيدة في مجاز القرآن، ١٨٠/٢؛ والطبري في جامع البيان، ٥٣/٢٤؛ والنحاس في إعراب القرآن، ٣٠٨/٣.

عَلَى الْإِسْتِثْنَاءِ الْمُنْقَطِعِ. الثَّانِي: مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ فَإِنَّكَ مُسَلِّطٌ عَلَيْهِ بِالْجِهَادِ فَاللَّهُ بَعْدَ ذَلِكَ يُعَذِّبُهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ.

وَقِيلَ: مُذَكِّرٌ نِعْمَتِي عِنْدَهُمْ وَمَا يُوجِبُهُ عَلَيْهِمْ. وَقِيلَ: بِمُسَيْطِرٍ: بِجَبَّارٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ. وَقَالَ ابْنُ زَيْدٍ: جَبَّارٌ بِالْإِكْرَاهِ عَلَى الْإِيمَانِ. وَقِيلَ: هَذَا قَبْلَ فَرَضِ الْجِهَادِ ثُمَّ نُسِخَ، وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ غَيْرَ مَنْسُوخٍ لِأَنَّ الْجِهَادَ لَيْسَ بِإِكْرَاهٍ لِلْقُلُوبِ، وَلِأَجْلِ الْإِسْتِثْنَاءِ أَيْضاً. وَقَدْ أَوْضَحَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ طَرِيقَ الْحُجَجِ فِي الدِّينِ فَأَكَّدَهُ غَايَةَ التَّأَكِيدِ بِمَا لَا يَسَعُ عِنْدَهُ التَّقْلِيدِ.

وَيُقَالُ: (إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ) و (وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ) و (إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) و (إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) و (لآيَةً لِقَوْمٍ يَتَذَكَّرُونَ) و (لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ) و (قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) و (جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) و (مُحَاجَّةُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [١٧٥]) الْكَافِرِينَ بِهِ. وَقَوْلُهُ جَلَّ وَعَزَّ: (فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ) (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ) و (إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ) فَكَلَّمَهُ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، عَنِ الْحَسَنِ. وَقِيلَ: (إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ) فَلَسْتَ لَهُ بِمُذَكِّرٍ لِأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْكَ، فَكَأَنَّكَ لَسْتَ تُذَكِّرُهُ.

وَقَرَأَ أَبُو عَمْرٍو وَالْكَسَائِيُّ «بِمُسَيْطِرٍ» بِالسِّينِ بِاخْتِلَافٍ عَنْهُمَا، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِالصَّادِ إِلَّا حَمْرَةَ، فَإِنَّهُ يُشَمُّ الرَّايَ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيِّنَاتُ عَمَّا فِي تَذَكِيرِ الدَّاعِي إِلَى الْحَقِّ مِنَ التَّنْبِيهِ عَلَى مَا يَنْبَغِي أَنْ يُؤَخَّذَ أَوْ يُتْرَكَ مِمَّا لَا غِنَى بِالْإِنْسَانِ عَنْهُ، وَمَا فِي حَالِ الدَّاعِي الَّذِي لَيْسَ بِقَاهِرٍ مِنْ تَرْكِ الْإِتِّكَالِ عَلَى الْإِذْحَالِ فِي الرُّشْدِ بِالْإِكْرَاهِ وَالْمُبَادَرَةِ إِلَيْهِ خَوْفَ الْفَوَاتِ، وَمَا فِي حَالِ مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ مِنَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ، وَمَا فِي لُزُومِ الْآيَاتِ مِنَ الْجَزَاءِ وَالْحِسَابِ.

١. الذاريات: ٥٥.

٢. النحل: ٧٩.

٣. الرعد: ٣.

٤. النحل: ١٣.

٥. آل عمران: ١٩٠.

٦. البقرة: ١١١.

٧. النحل: ١٢٥.

٨. الحشر: ٢.

٩. النساء: ٨٢.

سُورَةُ الْفَجْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرُ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرِ
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا
الصَّخْرَ بِأُلُوَادٍ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ﴾

يُقَالُ: مَا الْفَجْرُ؟ الْجَوَابُ: شَقُّ عَمُودِ الصُّبْحِ، فَجَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِعِبَادِهِ يُفَجِّرُهُ فَجْرًا، إِذَا أَظْهَرَهُ فِي
أُفُقِ الْمَشْرِقِ مُبَشِّرًا بِإِذْبَارِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَإِقْبَالِ النَّهَارِ الْمُضِيِّ، وَهُمَا فَجْرَانِ: الْفَجْرُ الْمُسْتَطِيرُ
وَهُوَ الْمُحَرَّمُ لِلْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَإِبْتِدَاءِ الْيَوْمِ مِنَ الْأَيَّامِ، وَالْفَجْرُ الْمُسْتَطِيلُ قَبْلَهُ
كَذُنْبِ السَّرْحَانِ، وَلَا حُكْمَ لَهُ فِي شَرِيعَةِ الْإِسْلَامِ سِوَى مَا فِيهِ مِنَ الْإِعْتِبَارِ.

وَيُقَالُ: مَا اللَّيَالِي الْعَشْرُ؟ الْجَوَابُ: لَيَالِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ شَهْرِ الْحَجِّ الَّتِي شَرَفَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ،
لِيَسَارِعَ النَّاسُ فِيهَا إِلَى عَمَلِ الْخَيْرِ وَاتِّقَاءِ الشَّرِّ فِي طَاعَةِ الرَّبِّ جَلَّ وَعَزَّ، فِي تَعْظِيمِ مَا عَظَّمَ وَتَصْغِيرِ مَا
صَغَّرَ، مُؤَمِّلِينَ بِحَسَنِ الطَّاعَةِ الْجَزَاءِ بِالْجَنَّةِ. وَيُقَالُ: مَا (وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ)؟ الْجَوَابُ: الشَّفْعُ: الْخَلْقُ بِمَا لَهُ مِنَ
الشَّكْلِ، وَالْوَتْرُ: الْخَالِقُ الْفَرْدُ بِمَا لَيْسَ لَهُ مِثْلٌ، وَذَلِكَ قَوْلُ ابْنِ عَبَّاسٍ وَكَثِيرٍ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى «يَسْرِي»؟ الْجَوَابُ: يَسِيرُ ظَلَامًا حَتَّى يَنْقُضِي بِالضِّيَاءِ الْمُتَبَدِّئِ، [١٧٦] فَمَنْ سَيَّرَهُ
عَلَى الْمَقَادِيرِ الْمُرْتَبَةِ فِيهِ، وَمَنْ جَاءَ بِالضِّيَاءِ عِنْدَ تَقْصِيهِ، وَمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْإِعْتِبَارِ لِأُولِي الْعُقُولِ
وَالْأَفْكَارِ حَتَّى يَصِلُوا إِلَى الْعِلْمِ بِذِي الْعِزَّةِ وَالْإِقْتِدَارِ الَّذِي يَجْلُ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَالْأَمْثَالِ. وَيُقَالُ: مَا الْحِجْرُ؟
الْجَوَابُ: الْعَقْلُ لِمَنْعِهِ مِنَ الْقَبِيحِ بِالرَّجْرِ عَنْهُ. وَيُقَالُ: حَجَرَ يَحْجُرُ حَجْرًا إِذَا مَنَعَ مِنَ الشَّيْءِ بِالتَّصْيِيحِ
فِيهِ، وَمَنْهُ حَجْرُ الرَّجُلِ الَّذِي يَحْجُرُ عَلَى مَا فِيهِ بِصَمِّهِ عَلَيْهِ، وَمَنْهُ الْحَجْرُ لِامْتِنَاعِهِ بِصَلَاتِيهِ.

وَقِيلَ: الْفَجْرُ: فَجْرُ الصُّبْحِ، عَنْ عِكْرَمَةَ وَالْحَسَنِ. وَقِيلَ: اللَّيَالِي الْعَشْرُ لَيَالِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ مِنْ ذِي
الْحِجَّةِ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنِ وَعَبْدَ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ وَمُجَاهِدٍ وَمَسْرُوقٍ وَالصَّحَّاحِ وَابْنِ زَيْدٍ. وَقِيلَ:

١. ورد في أصل النسخة على قراءة نافع وابن كثير وأبي عمرو.

٢. ورد الجملة في التبيان، للطوسي وفي تفسير ابن فورك: «ففي تسييره على المقادير المرتبة فيه، ومجيئه بالضياء عند تقضيه في الفصول أدل دليل على أن فاعله يختص بالعز والاعتدال الذي يجلب عن الأشباه والأمثال».

٣. وردت الأقوال في التبيان، للطوسي، ٣٤١/١٠ كذا: «وقوله وليال عشر، قال ابن عباس والحسن وعبدالله بن الزبير ومجاهد ومسروق والضحاك وابن زيد: وهي العشر الأولى من ذي الحجة شرفها الله تعالى ليسارع الناس فيها إلى عمل الخير واتقاء الشر على طاعة الله في تعظيم ما عظم وتصغير ما صغره، وينالون بحسن الطاعة الجزاء بالجنة. وقال قوم: هي العشر من أول محرم، والأول هو المعتمد».

العَشْرُ مِنْ أَوَّلِ الْمُحَرَّمِ، وَالْعَمَلُ عَلَى الْقَوْلِ الْأَوَّلِ فِي تَعْظِيمِ حُرْمَتِهَا عَلَى الْأَيَّامِ الْأُخْرَى، وَيُرَوَّى فِي حَدِيثٍ مَرْفُوعٍ عَنْ جَابِرٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

وَقِيلَ: الشَّفْعُ: الرَّوْجُ، وَالْوَتْرُ: الْفَرْدُ مِنَ الْعَدَدِ كُلِّهِ، عَنِ الْحَسَنِ، كَأَنَّهُ تَنْبِيهُ عَلَى مَا فِي الْعَدَدِ مِنَ الْعَبْرِ بِمَا تُضَبِّطُ بِهِ الْمَقَادِيرُ الَّتِي يَقَعُ بِهَا التَّعْدِيلُ. وَقِيلَ: الشَّفْعُ: يَوْمُ التَّحْرِ، وَالْوَتْرُ: يَوْمُ عَرَفَةَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَعِكْرَمَةَ وَالضَّحَّاكَ؛ [١٧٦ب] وَوَجْهٌ ذَلِكَ أَنَّ يَوْمَ التَّحْرِ يُشْفَعُ بِيَوْمِ نَحْرِ بَعْدَهُ، وَيَنْفَرِدُ يَوْمُ عَرَفَةَ بِالْمَوْفِقِ. وَقِيلَ: الشَّفْعُ: الْخَلْقُ، وَالْوَتْرُ: اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَحْدَهُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ بِخِلَافٍ، وَمُجَاهِدٍ وَمَسْرُوقٍ وَأَبِي صَالِحٍ.

وَقِيلَ: الشَّفْعُ وَالْوَتْرُ كُلُّهُ مِنَ الْخَلْقِ، عَنِ ابْنِ زَيْدٍ. وَقِيلَ: الصَّلَاةُ الْمَكْتُوبَةُ، مِنْهَا شَفْعٌ وَمِنْهَا وَتْرٌ، عَنِ عُمَرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ. وَقِيلَ: الشَّفْعُ: الْيَوْمَانِ الْأَوَّلَانِ مِنْ يَوْمِ التَّحْرِ، وَالْوَتْرُ الْيَوْمُ الثَّلَاثُ، عَنِ ابْنِ الزُّبَيْرِ. وَقِيلَ: (لِذِي حِجْرٍ): لِذِي عَقْلِ وَنُهَى، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنِ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: (إِزْمَ): بَلَدٌ مِنْهُ الْإِسْكَانْدَرِيَّةُ، عَنِ الْقُرْظِيِّ، وَقِيلَ: دِمَشْقُ، عَنِ الْمُقْبَرِيِّ، وَقِيلَ: هُوَ أُمَّةٌ، عَنِ مُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: قَبِيلَةٌ مِنْ عَادٍ، عَنِ قَتَادَةَ.

وَقِيلَ: (ذَاتُ الْعِمَادِ) ذَاتُ الطُّولِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ مِنْ قَوْلِ الْعَرَبِ: رَجُلٌ مُعَمَّدٌ إِذَا كَانَ طَوِيلًا. وَقِيلَ: ذَاتُ عُمُدٍ لِلأَبْيَاتِ يَنْتَقِلُونَ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ لِإِثْبَاجِ، عَنِ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: (ذَاتُ الْعِمَادِ) فِي إِحْكَامِ البُنْيَانِ، عَنِ ابْنِ زَيْدٍ. وَقِيلَ: ذَاتُ الْقَوَى الشِّدَادِ، عَنِ الضَّحَّاكَ. وَيُقَالُ: جَابَ يَجُوبُ إِذَا قَطَعَ. وَقَالَ النَّابِغَةُ الْجَعْدِيُّ: [١٧٧أ]

أَتَاكَ أَبُو لَيْلَى يَجُوبُ بِهِ الدُّجَى دُجَى اللَّيْلِ جَوَابُ الْفَلَاةِ عَثْمُ

وَقِيلَ: قَطَعُوا الْجِبَالَ بُيُوتًا، عَنِ مُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: (ذِي الْأَوْتَادِ) أَي: ذِي الْجُنُودِ الَّذِينَ كَانُوا يَشُدُّونَ أَمْرَهُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: كَانَ يُوتَدُ الْأَوْتَادُ فِي أَيْدِي النَّاسِ، عَنِ مُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: مَلَاعِبُ كَانَ يُلْعَبُ لَهُ فِيهَا وَيُضْرَبُ تَحْتَهَا بِالْأَوْتَادِ، عَنِ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: (ذِي الْأَوْتَادِ) لِكَثْرَةِ الْأَوْتَادِ الَّتِي كَانُوا يَتَّخِذُونَهَا لِلْمَضَارِبِ بِكَثْرَةِ جُمُوعِهِمْ، وَكَانَ هَذَا فِيهِمْ أَكْثَرَ مِنْهُ فِي غَيْرِهِمْ. وَقِيلَ: جَوَابُ الْقَسَمِ (إِنَّ رَبِّيَ لَبِالْمِرْصَادِ). وَقِيلَ: هُوَ مَحْدُوفٌ. وَقِيلَ: الْعِمَادُ: الْأَنْبِيَاءُ الْعِظَامُ، عَنِ الْحَسَنِ. وَيُقَالُ: أُوتِرْتُ وَوَتِرْتُ، عَنِ أَبِي عَبِيدَةَ.^٢ وَقِيلَ: الْأَوْلَى: عَادُ بْنُ إِزْمَ. وَقِيلَ: (ذِي الْأَوْتَادِ) هِيَ أَوْتَادُ نَصَبِهَا لِلْعَدَابِ يَشُدُّ النَّاسَ إِلَيْهَا، ثُمَّ يُعَدِّبُهُمْ عَلَيْهَا. وَقِيلَ: الْوَتْرُ: آدَمُ شَفَعَ بِرُؤُوسِهِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: إِزْمَ: سَامٌ

١. قاله يصف جملاً ديوان النابغة الجعدي، ص ١٥٢؛ ورد البيت في أخبار مكة، للفاكهي، ٣٠٧/١؛ وفي الكامل، للمبرِّد، ٤/٤؛ وجامع البيان، للطبري، ٣٦٩/٢٤؛ ومقاييس اللغة، لابن فارس، ٤٩١/١.

٢. مجاز القرآن، لأبي عبيدة، ٢٩٧/٢.

بُنُّ نُوحٍ، وَتُرِكَ إِجْرَاؤُهُ، لِأَنَّهُ أَعْجَمِيٌّ مُعَرَّفَةٌ. وَقِيلَ: كَانَ فِرْعَوْنُ إِذَا عَضِبَ عَلَى الرَّجُلِ مَدَّهُ بَيْنَ أَرْبَعَةِ أَوْتَادٍ حَتَّى يَمُوتَ.

وَقَرَأَ حَمْرَةَ وَالْكَسَائِيَّ «الْوَثْرُ» بِكَسْرِ الْوَاوِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ «الْوَثْرُ» بِالْفَتْحِ [١٧٧ب] وَقَرَأَ «يَسْرِي» بِيَاءِ الْوَصْلِ وَبِعَيْرِ يَاءٍ فِي الْوَقْفِ نَافِعٌ وَأَبُو عَمْرٍو بِخِلَافٍ عَنْهُ. وَقَرَأَ ابْنُ كَثِيرٍ بِيَاءٍ فِي الْوَصْلِ وَالْوَقْفِ وَكَذَلِكَ «بِالْوَادِي». وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِعَيْرِ يَاءٍ فِي وَصْلِ وَلَا وَقْفٍ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْقَسَمِ بِالْفَجْرِ، وَاللِّيَالِي الْعَشْرِ: لِيَالِي أَوَّلِ شَهْرِ الْحَجِّ، وَبِالشَّفْعِ: الْخَلْقِ لِمَا لَهُ مِنَ الشَّكْلِ، وَبِالْوَثْرِ: الْخَالِقِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مِثْلٌ، وَبِاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِي، بِإِحْكَامِ تَدْبِيرِ الْأَمْرِ فِي تَعْظِيمِ الشَّانِ الَّذِي يَنْبَغِي أَنْ يُنْبِتَهُ عَلَيْهِ أَوْلُوا الْأَبَابِ فِيمَا يُوجِبُ الْجَزَاءَ وَالْحِسَابَ لِلثَّوَابِ وَالْعِقَابِ، وَأَنَّ ذَلِكَ حَقٌّ كَحَقِّ الْمُقْسَمِ بِهِ مِنْ غَيْرِ شَكٍّ وَلَا اِزْتِيَابٍ، وَمَا فِي فِعْلِ رَبَّنَا جَلَّ وَعَزَّ يَارَبِّمُ ذَاتِ الْعِمَادِ «الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ» شِدَّةً وَعَظَمَ أَجْسَامَ، وَمَا فِعْلُ بِشُمُودٍ «الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ» قِطْعًا لِتَشْيِيدِ الثُّبْنِيَّانِ، فِعْلٌ مُخَلَّدٌ عَلَى الدُّهُورِ وَالْأَزْمَانِ، وَمَا فِعْلُ بِفِرْعَوْنَ «ذِي الْأَوْتَادِ» الَّذِي جَعَلَهَا عَلَى الطُّغْيَانِ وَالْفَسَادِ مِنْ وُجُوبِ الْاِغْتِيَابِ بِأَنَّ مَنْ أَخَذَ أَوْلِيكَ بِالْعَذَابِ لِمَا رَكِبُوا بِذَلِكَ مِنَ الْعِصْيَانِ قَادِرٌ عَلَى أَخْذِ كُلِّ مَنْ عَمِلَ بِمِثْلِ تِلْكَ الْأَعْمَالِ وَتَقَحَّمَ تِلْكَ الْأَهْوَالِ.

٤٧٣

آبِنُهُ بِزُوهَشٍ | ٢١٠
سال ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٠٣

الْقَوْلُ [١٧٨أ] فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: «الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ إِنَّ رَبَّكَ لَبَازِلٌ صَادٍ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَحَاصُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمَشْكِينِ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا»

يُقَالُ: مَا مَعْنَى «سَوْطِ عَذَابٍ»؟ الْجَوَابُ: قَسَطُ عَذَابٍ كَالْعَذَابِ بِالسَّوْطِ الَّذِي يُعْرَفُ إِلَّا أَنَّهُ أَعْظَمُ، وَيَجُوزُ قَسَطُ عَذَابٍ يَخَالِطُ اللَّحُومَ وَالْدِّمَاءَ كَمَا يَخْلُطُ بِالسَّوْطِ مِنْ قَوْلِهِمْ: سَاطَةٌ تَسُوطُهُ سَوْطًا، وَهُوَ سَائِطٌ. وَقَالَ الشَّاعِرُ:

أَحَارِثُ إِذَا لَوْ تَسَاطَ دِمَاؤُنَا
تَرَائِلُنَ حَتَّى لَا يَمَسَّ دَمٌ دَمًا

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى «لِبَازِلٍ صَادٍ»؟ الْجَوَابُ: أَيُّ: لَا يَفُوتُهُ شَيْءٌ مِنْ أَعْمَالِ الْعِبَادِ كَمَا لَا يَفُوتُ مَنْ بِالْمِرْصَادِ،^٢ وَالْمِرْصَادُ مِفْعَالٌ مِنْ رَضَدَ يَرْضِدُ رَضْدًا، وَهُوَ رَاصِدٌ إِذَا رَاعَى مَا يَكُونُ مِنْهُ لِيُقَابِلَهُ مَا

١. البيت للمتلهمس. ورد في الأصمعيات، للأصمعي، ص ٢٤٥؛ وفي البيان والتبيين، للجاحظ، ٤١/٣؛ فالرواني أول من استشهد بهذا البيت في تفسير القرآن.

٢. ذكر الواحدي نص كلام الرواني في التفسير البسيط (٥٠٧/٢٣-٥٠٨)، بقوله: «قال أهل المعاني...».

يَقْتَضِيهِ. وَقِيلَ لِأَعْرَابِي: أَيْنَ رَبُّكَ؟ فَقَالَ لِبِالْمُرْصَادِ. وَقِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ [١٧٨ب] رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ: أَيْنَ كَانَ رَبُّنَا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ؟ فَقَالَ: «أَيْنَ سَوَّالٌ عَنْ مَكَانٍ، وَكَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا مَكَانَ»^١.

وَيُقَالُ: مَا الْإِبْتِلَاءُ؟ الْجَوَابُ: إِظْهَارُ مَا فِي الْعَبْدِ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ بِدَاعِي الْعَقْلِ وَدَاعِي الطَّبَعِ عِنْدَ الشَّدَّةِ وَالرِّخَاءِ وَالْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَإِنْ عَمِلَ بِدَاعِي الْعَقْلِ ظَهَرَ الْخَيْرُ، وَإِنْ عَمِلَ بِدَاعِي الطَّبَعِ ظَهَرَ الشَّرُّ، وَالْإِبْتِلَاءُ وَالْإِمْتِحَانُ وَالْإِخْتِبَارُ نَظَائِرٌ فِي اللَّغَةِ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ)؟ الْجَوَابُ: صَيَّقَ عَلَيْهِ الرِّزْقَ بِأَنْ جَعَلَهُ عَلَى مِقْدَارِ الْحَاجَةِ، وَالْأَصْلُ: الْقُدْرَةُ، وَهُوَ كَوْنُ الشَّيْءِ عَلَى مِقْدَارٍ؛ فَمِنْهُ الْقُدْرَةُ لِأَنَّ الْمَقْدُورَ عَلَى مِقْدَارٍ مَا يُمَكِّنُ أَنْ يُؤْخَذَ بِهَا، وَمِنْهُ تَقْدِيرُ الشَّيْءِ [وَهُوَ] طَلَبُ قَدْرِهِ مِنْ مِقْدَارٍ غَيْرِهِ.

وَيُقَالُ: مَا الْإِكْرَامُ؟ الْجَوَابُ: إِعْطَاءُ الْخَيْرِ لِلنَّفْعِ [بِهِ] ^٣ عَلَى مَا تَدْعُو الْحِكْمَةُ فِيهِ ^٥ لِأَنَّهُ قَدْ كَثُرَ فِيمَا يُسْتَحَقُّ بِالْإِحْسَانِ، وَأَصْلُهُ مَا بَدَأْنَا بِهِ؛ وَالْإِكْرَامُ الَّذِي هُوَ نَقِيضُ الْهَوَانِ، لَا يَكُونُ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ، كَمَا أَنَّ الْهَوَانَ لَا يَكُونُ إِلَّا بِإِسَاءَةٍ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُنْعِمٌ عَلَى الْكَافِرِ وَلَيْسَ بِمُكْرِمٍ لَهُ ^٦ لِأَنَّهُ يَسْتَحَقُّ الْهَوَانَ، فَقَدْ صَارَ يُكْرَمُونَ الْبَيْتِيمَ عَلَى إِعْطَاءِ الْجَزِيلِ، كَأَنَّهُ إِكْرَامٌ لِمَا بَيْنَنَا مِنْ كَثْرَةِ الْإِسْتِعْمَالِ [١٧٩أ].

وَقِيلَ: (إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمُرْصَادِ) أَي: يَسْمَعُ وَيَرَى أَعْمَالَ الْعِبَادِ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: بِإِنْصَافِ الْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ، عَنِ الْحَسَنِ وَالصَّحَّاحِ. وَقِيلَ: (كَلَامًا) رَدُّ لِقَوْلِهِمْ مَنْ ظَنَّ أَنَّ الْإِكْرَامَ بِالْغِنَى، وَالْإِهَانَةَ بِالْفَقْرِ، وَإِنَّمَا الْإِكْرَامُ فِي الْحَقِيقَةِ بِالطَّاعَةِ، وَالْإِهَانَةُ بِالْمَعْصِيَةِ، عَنْ قَتَادَةَ.

وَقِيلَ: (بَلْ لَا تُكْرَمُونَ الْبَيْتِيمَ وَلَا تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ) أَي: الْهَوَانُ لِهَذَا لِأَنَّ الْيَوْمَ ^٧ وَقِيلَ: (وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاتِ أَكْلًا لَمًّا) أَي: جَمْعًا. يُقَالُ: لَمَمْتُ مَا عَلَى الْخَوَانِ، أَلْمُهُ لَمًّا إِذَا أَكَلْتَهُ أَجْمَعًا ^٨.

١. روي مرسلًا في: الكامل في اللغة والأدب، للمبرِّد، ٨٤/١؛ وروي مسندًا في الكافي، للكلييني، ٩٠/١، وفي التوحيد،

للصدوق، ١٧٥/١؛ وأما في المرتضى: غرر الفوائد ودرر القلائد، للشريف المرتضى، ١٤٩/١.

٢. زيادة وردت في تفسير ابن فورك.

٣. زيادة وردت في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك.

٤. في النسخة: تدعوا.

٥. في التبيان، للطوسي، ٣٤٥/١٠: «إعطاء الخير للنفع به على ما تقتضيه الحكمة».

٦. ذكر الواحدي ملخص كلام الرماني في التفسير البسيط (٥٠٩/٢٣)، بقوله: «قال أهل المعاني...».

٧. في التبيان، للطوسي، ٣٤٦/١٠، وفي تفسير ابن فورك: «لا لِمَا تَوَهَّمْتُمْ».

٨. في جامع البيان، للطبري، ٣٧٩/٢٤: «وهو من قولهم: لَمَمْتُ ما على الخَوَانِ أَجْمَع، فأنا أَلْمُهُ لَمًّا، إِذَا أَكَلْتُ ما عليه، فَأَتَيْتُ عَلَى جَمِيعِهِ».

وَالثَّرَاتُ: الْمِيرَاثُ، وَقِيلَ: يَا كُلُّ نَصِيبِهِ وَنَصِيبِ صَاحِبِهِ، عَنِ الْحَسَنِ. وَقِيلَ: (حُبًّا جَمًّا) كَثِيرًا شَدِيدًا، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَأَبْنِ زَيْدٍ. يُقَالُ: جَمَّ الْمَاءُ فِي الْحَوْضِ، إِذَا اجْتَمَعَ وَكَثُرَ. وَقَالَ زُهَيْرٌ:

فَلَمَّا وَرَدَنَّ الْمَاءُ زُرْفًا جَمَامُهُ وَصَعْنَ عِصِيَّيَ الْحَاضِرِ الْمُتَحَيِّمِ^١

وَقِيلَ: (إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ) أَيُّ: لَا يَجُوزُ ظُلْمَ ظَالِمٍ^٢ حَتَّى يُنْصَفَ الْمَظْلُومَ مِنْهُ. وَقِيلَ: لَا يُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ عَنِ الصَّدَقَةِ بِمَا يَكُونُ مِنْهُمْ مِنَ الْعَطِيَّةِ.

وَقَرَأَ أَبُو عَمْرٍو وَحَدَّثَهُ «كَأَنَّ بَلَّ لَا يُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا يَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ وَيَأْكُلُونَ»، ثَلَاثَتَهُنَّ بِالْبَاءِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ ثَلَاثَتَهُنَّ بِالتَّاءِ [١٧٩ب]. وَقَرَأَ عَاصِمٌ وَحَمَزَةُ وَالْكَسَائِيُّ (تَخَاصُّونَ) بِالتَّاءِ وَالْأَلْفِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِعَيْرِ أَلْفٍ، وَالتَّاءِ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مَفْتُوحَةٌ.

وَقَدْ تَصَمَّمَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الطُّغْيَانِ فِي الْبِلَادِ مَعَ إِكْتِثَارِ الْفَسَادِ مِنْ أَقْتِصَاءِ سَوْطِ عَذَابٍ مِنَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ الَّذِي بِالْمِرْصَادِ، وَمَا فِي ابْتِلَاءِ الْإِنْسَانِ، تَارَةً بِالْغِنَى وَتَارَةً بِالْفَقْرِ، مِنْ تَوْهُمِهِ الْجَزَاءَ بِالْإِكْرَامِ وَالْهَوَانِ، وَلَيْسَ الْأَمْرُ كَذَلِكَ، إِنَّمَا هُوَ لِلانْتِصَالِحِ، وَمَا فِي مَنَعِ الْيَتِيمِ وَتَرْكِ الْحَضِّ عَلَى إِطْعَامِ الْمَسْكِينِ وَتَعْتُمُ أَكُلِ الثَّرَاثِ وَجَمْعِ الْمَالِ فِي صِفَاتِ الدَّمِ الَّذِي يَقُومُ مَقَامَ التَّهْيِ عَنْ مِثْلِ هَذَا الْغُلِّ فِي الْفُبْحِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (كَأَنَّ إِذَا دَكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَدِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدًا يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُظْمِئَةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي)

يُقَالُ: مَا الدُّكُّ؟ الْجَوَابُ: حَطُّ الْمُرْتَفِعِ بِالْبَسْطِ؛ إِنَّدَكَ سَنَامُ الْبَعِيرِ إِذَا انْفَرَشَ فِي ظَهْرِهِ، وَنَاقَةٌ [١٨٠أ] دَكَّاءٌ إِذَا كَانَتْ كَذَلِكَ، وَمِنْهُ الدُّكَّانُ لِاسْتَوَائِهِ فِي الْانْفِرَاشِ،^٣ فَكَذَلِكَ الْأَرْضُ إِذَا دَكَّتْ اسْتَوَتْ فِي الْانْفِرَاشِ، فَذَهَبَتْ دُورُهَا وَقُصُورُهَا وَسَائِرُ أَبْنِيَّتَيْهَا حَتَّى تَصِيرَ كَالصَّخْرَاءِ الْمَلْسَاءِ بِهَا. وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَمُدُّ الْأَرْضُ مَدَّ الْأَدِيمِ.^٤ وَيُقَالُ: مَا الصَّفُّ؟ الْجَوَابُ: كَوْنُ الْأَشْيَاءِ يَلِي بَعْضُهَا

١. ديوان زهير بن أبي سلمى، ص ١٠٣؛ وجمهرة أشعار العرب، لأبي زيد القرشي، ص ١٥٩؛ واستشهد بالبيت في جامع

البيان، للطبري، ٣٨٢/٢٤؛ ومعاني القرآن وإعراجه، للزجاج، ٣٤٢/٣.

٢. كذا في النسخة؛ وفي التبيان، للطوسي، ٣٤٤/١٠: «لا يجوز ظلم ظالم».

٣. في التفسير البسيط، للواحدي: «في الفرش».

٤. ذكر الواحدي نص كلام الروماني في التفسير البسيط (٥١٦/٢٣-٥١٧)، بقوله: «قال أهل المعاني...».

٥. أخرجه ابن أبي حاتم في تفسيره (٢٣٤٣/٧) عن علي بن الحسين عليهما السلام عن رجل عن النبي (ص).

وبنحوه ورد في تفسير عبدالرزاق، للصنعاني، ٤٠٧/٣، وفي جامع البيان، للطبري، ٤٩/١٥.

بَعْضاً عَلَى خَطِّ الإِسْتِوَاءِ، كَصُفُوفِ النَّاسِ فِي الصَّلَاةِ، يَأْتِي الصَّفُّ الأوَّلُ ثُمَّ الصَّفُّ الثَّانِي ثُمَّ الصَّفُّ الثَّلَاثُ عَلَى هَذَا التَّرْتِيبِ، لِأَنَّ ذَلِكَ أَشْكَلُ بِحَالِ الإِسْتِوَاءِ مِنَ التَّحْلِيظِ وَالتَّشْوِيشِ، فَالتَّعْدِيلُ فِي الأُمُورِ وَالتَّقْوِيمُ أَوْلَى.

وَيُقَالُ: لِمَ قِيلَ ﴿وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى﴾ وَهُوَ يَذْكُرُ فِي الآخِرَةِ سَيِّئَاتِهِ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّ المَعْنَى ﴿وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى﴾ الَّتِي كَانَ أَمْرُ بِهَا فِي الدُّنْيَا بِأَنَّهَا تَقُودُهُ إِلَى طَرِيقِ الإِسْتِوَاءِ وَتَبْصُرُهُ الضَّلَالَ مِنَ الهُدَى، فَكَأَنَّهُ قِيلَ: ﴿وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى﴾ الَّتِي يَنْتَفِعُ بِهَا؟ كَمَا لَوْ قِيلَ: يَتَنَدَّمُ وَأَنَّى لَهُ التَّنَدُّمُ؟ وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى ﴿قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي﴾؟ الْجَوَابُ: فِيهِ وَجْهَانِ: أَحَدُهُمَا لِحَيَاتِي بَعْدَ مَمَاتِي، وَالأُخْرَى لِحَيَاتِي الَّتِي تَدُومُ لِي، وَكَانَ أَوْلَى بِي مِنَ التَّمَسُّكِ بِحَيَاةٍ زَائِلَةٍ عَنِّي.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى ﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ [١٨٠] أَحَدٌ﴾ عَلَى قِرَاءَةِ الكِسَائِيِّ؟ الْجَوَابُ: لَا يُعَذِّبُ عَذَابُ الكَافِرِ الَّذِي لَمْ يُقَدِّمِ لِحَيَاتِهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ، وَالدَّلِيلُ قَائِمٌ بِأَنَّ إبْلِيسَ لَعَنَهُ اللهُ أَشَدُّ عَذَاباً مِنْ غَيْرِهِ بِحَسَبِ إِجْرَامِهِ، فَأُظْلِقَ الكَلَامَ لِمَا صَحِبَهُ مِنْ ذَلِيلِ التَّفْهِيمِ. وَقِرَاءَةُ النَّاسِ ﴿لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ﴾ بِكَسْرِ الدَّالِ، ﴿وَلَا يُؤْتِقُ﴾ بِكَسْرِ الثَّاءِ، وَتَأْوِيلُهُ: لَا يُعَذِّبُ عَذَابَ اللهُ أَحَدٌ وَلَا يُؤْتِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ، عَنِ الحَسَنِ وَقَتَادَةَ.

قِيلَ: ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُظْمِئَةُ﴾ يُبَشِّرُ بِهِ عِنْدَ المَوْتِ وَيَوْمَ البَعْثِ، عَنِ أَبِي زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ. وَقِيلَ: ﴿الْمُظْمِئَةُ﴾ بِالسَّازَةِ بِالجَنَّةِ. ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ﴾ أَي: جَاءَ جَلَائِلُ آيَاتِهِ، فَجَعَلَ مَجِيءَ جَلَائِلِ الآيَاتِ مَجِيئاً لَهُ تَفْخِيماً لِشَأْنِهَا؛ وَيَجُوزُ جَاءَ ظَهَرَ، بِضَرُورَةِ المَعْرِفَةِ، كَمَا تُوصَفُ الآيَةُ إِذَا وَقَعَتْ ضَرُورَةٌ تُقُومُ مَقَامَ الرُّؤْيَةِ.^{٣٦} وَقِيلَ: ﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ﴾ فِدَاءً لَهُ مِنَ العَذَابِ لِأَنَّهُ المُسْتَحَقُّ لَهُ. وَقَالَ الحَسَنُ: ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ﴾ أَي: جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَقَصَاءُ رَبِّكَ.

وَقَرَأَ الكِسَائِيُّ ﴿يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ وَلَا يُؤْتِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ﴾ بِفَتْحِ الدَّالِ [١٨١] وَالثَّاءِ، وَقَرَأَ البَاقُونَ بِكَسْرِهَا.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الآيَاتُ البَيَانَ عَمَّا فِي ذَلِكَ الأَرْضِ بِالبَسْطِ لِلحَشْرِ وَوَصْفِ المَلَائِكَةِ بِأَمْرِ الرَّبِّ، وَمَجِيءِ جَهَنَّمَ بِرَأْيِ العَيْنِ مِنَ الهَوْلِ الَّذِي لَيْسَ مِثْلَهُ هَوْلٌ بِمَا يُقْتَضِي التَّذْكِيرَ، وَقَدْ فَاتَتْ وَفَّتِ الذِّكْرَ،

١. في النسخة: «جاء بجلال آياته»؛ فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣٤٧/١٠، وفي التفسير البسيط، للواحيدي، ٥١٨/٢٣.

٢. في النسخة: «إذا وقعت ضرورة المعرفة لأنها تقوم مقام الرؤية». فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣٤٧/١٠، وفي تفسير ابن فورك.

٣. ذكر الواحيدي ملخص كلام الرماني في التفسير البسيط (٥١٨/٢٣)، بقوله: «وذكر أهل المعاني في هذا قولين...». وبنحوه ذكره في التفسير الوسيط، ٤٨٥/٤.

فِيهَا لَهَا حَسْرَةٌ عَلَى مَا فَاتَ مِنَ الْأُمُورِ بِالتَّفْرِيطِ فِيمَا يُوجِبُ الْأَمْنَ، وَمَا فِي الْعَذَابِ الَّذِي لَمْ يَرِ مِثْلُهُ، وَالْإِيثَاقِ فِي النَّارِ الَّذِي لَا مُخْلِصَ لَهُ مِنْ وُجُوبِ الْفِرَارِ مِمَّا يُؤَدِّي إِلَيْهِ وَيَقْرُبُ مِنْهُ، وَمَا فِي حَالِ النَّفْسِ الْمُظْمَئِنَةِ الرَّاضِيَةِ الْمَرْضِيَّةِ مِنْ دُخُولِهَا فِي الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِ رَبِّهَا وَجَنَّتِهِ الَّتِي لِأَهْلِ وِلَايَتِهِ أَعَدَّهَا.

سُورَةُ الْبَلَدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يُفَدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا لُبَدًا أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾ [١٨١ب]

يُقَالُ: لَمْ جَازَ ﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ مَعَ قَوْلِهِ: ﴿وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّ لَا لَيْسَتْ تَنْفِي الْقَسَمِ وَإِنَّمَا هِيَ كَقَوْلِ الْعَرَبِ: لَا وَاللَّهِ لَا فَعَلْتُ كَذَا، وَلَا وَاللَّهِ مَا كَانَ كَذَا وَكَذَا، وَلَا وَاللَّهِ لَأَفْعَلَنَّ كَذَا؛ فَقِيلَ: إِنَّهَا صِلَةٌ، كَمَا قَالَ الشَّاعِرُ:

فَمَا أَلُومُ الْبَيْضِ إِلَّا تَسَخَّرَا لَمَّا رَأَيْنِ الشَّمْطَ الْقَفْنَدَرَا^٣

٤٧٧

آبِنُهُ بِزَوْهَشٍ | ٢١٠

سَال | ٣٥ | شَمَارُهُ ٦

بِهِمْ وَاسْتَفْتَدَ ١٤٠٣

أَيُّ: أَنْ تَسَخَّرَ، وَقِيلَ: هِيَ رَدُّ لِكَلَامٍ عَلَى طَرِيقِ الْجَوَابِ لِمَنْ قَدْ ظَهَرَ مِنْهُ الْجِلَافُ، أَيُّ: لَيْسَ الْأَمْرُ عَلَى مَا يُتَوَهَّمُ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى ﴿وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾؟ الْجَوَابُ: التَّنْبِيهُ عَلَى شَرْفِهِ بِشَرْفِ مَنْ هُوَ حِلٌّ فِيهِ مِنَ الرَّسُولِ الدَّاعِي إِلَى تَعْظِيمِ رَبِّهِ وَإِخْلَاصِ الْعِبَادَةِ لَهُ، الْمُبَشِّرِ بِالثَّوَابِ وَالْمُنذِرِ بِالْعِقَابِ.

وَيُقَالُ: مَا الْكَبْدُ؟ الْجَوَابُ: شِدَّةُ الْأَمْرِ، وَمِنْهُ تَكَبَّدَ اللَّبَنُ إِذَا غُلِظَ وَاشْتَدَّ. وَمِنْهُ الْكَبْدُ، كَأَنَّهُ دَمٌ يَغْلُظُ وَيَشْتَدُّ، وَتَكَبَّدَ الدَّمُ إِذَا صَارَ كَالْكَبِدِ، فَالْإِنْسَانُ مَخْلُوقٌ فِي شِدَّةِ أَمْرٍ تَكُونُهُ فِي الرَّحِمِ، ثُمَّ فِي الْقِمَاطِ وَالرِّبَاطِ، ثُمَّ عَلَى حَظَرٍ عَظِيمٍ عِنْدَ بُلُوغِهِ حَالَ التَّكْلِيفِ، فَيَسْتَبْغِي لَهُ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ الدُّنْيَا دَارٌ كَدٌّ وَمَشَقَّةٌ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ هِيَ دَارُ الرَّاحَةِ [١٨٢أ]، وَالتَّعَمَّةُ^٥.

١. التين: ٣.

٢. في النسخة: «أن لا».

٣. أنشده لأبي النجم أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٦١؛ واسم أبي النجم: الفضل بن قدامة بن عبد الله، عجلي من بني عجل بن لجيم. واستشهد بالبيت ابن قتيبة في تأويل مشكل القرآن، ص ١٥٤؛ والطبري في جامع البيان، ١٩١/١؛ والزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ١٣٧/٢.

٤. في التفسير البسيط، للواحدي: «في شدة مكونة في رحمه».

٥. ذكر الواحدي نص كلام الروماني في التفسير البسيط، ١٧/٢٤، بقوله: «قال أهل المعاني...».

وَيُقَالُ: مَا الْبَلْدُ؟ الْجَوَابُ: الْكَثِيرُ الَّذِي قَدْ تَرَكَبَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ، وَمِنْهُ تَلَبَّدَ الْقِطْنُ وَالصُّوفُ إِذَا تَرَكَبَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ، وَكَذَلِكَ الشَّعْرُ، وَمِنْهُ الْبَلْدُ. وَيُقَالُ: مَا التَّجْدِينُ؟ الْجَوَابُ: الطَّرِيقَانِ لِلْخَيْرِ وَالشَّرِّ، وَأَصْلُ التَّجْدِ: الْعُلُوُّ، وَنَجْدٌ: بَلَدٌ سُمِّيَ نَجْدًا لِغُلُوِّهِ عَنِ انْخِفَاضِ تَهَامَةٍ، وَكُلُّ عَالٍ مِنْ الْأَرْضِ نَجْدٌ، وَالْجَمْعُ: نُجُودٌ، وَرَجُلٌ نَجْدٌ: بَيْنَ التَّجْدَةِ، إِذَا كَانَ جَلْدًا قَوِيًّا لِاسْتِعْلَائِهِ عَلَى قَرْبِهِ، وَاسْتَنْجَدْتُ فَلَانًا فَأَنْجَدَنِي، أَي: اسْتَعْتَمْتُهُ لِاسْتِعْلَائِهِ عَلَى خَصْمِي فَأَعَانَنِي، وَالتَّجْدُ: الْكَرْبُ وَالْعَمُّ لِغُلُوِّهِ عَلَى صَاحِبِهِ، وَالتَّجَادُ: مَا عَلَا عَلَى الْعَاتِقِ مِنْ حَمَالَةِ السَّيْفِ، وَالتَّجْدَانِ: الطَّرِيقَانِ الْعَالِيَانِ، وَشَبَّهَ طَرِيقَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ بِهِمَا لِظُهُورِهِ فِيهِمَا.^١

وَيُقَالُ: مَا وَجْهُ الدَّلَالَةِ فِي (أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ) وَمَا بَعْدَهُ؟ الْجَوَابُ: (أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ) لِيُبْصِرَ بِهِمَا، (وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ) لِيَنْطِقَ بِهِمَا، (وَهَدَيْنَاهُ التَّجْدِينَ) لِيَسْتَدِلَّ بِهِمَا، وَفِي ذَلِكَ الدَّلِيلِ الْوَاضِحِ أَنَّهُ مِنْ مُخْتَارٍ لِهَذِهِ الْأَفْعَالِ الَّتِي فَعَلَهَا لِهَذِهِ الرُّجُوحِ وَأَحْكَمَهَا لِهَذِهِ الْأُمُورِ، فَالْمُحْكَمُ الْمُتَقَنَّ ن لَا يَكُونُ إِلَّا مِنْ عَالِمٍ، وَتَعْلِيْقُهُ [١٨٢ب] بِالْمَعْنِيِّ لَا يَكُونُ إِلَّا مِنْ مُخْتَارٍ، لِأَنَّهُ لَا يَعْطَى الْفِعْلُ بِالْمَعْنِيِّ إِلَّا الْإِرَادَةَ.

وَقِيلَ: (لَا أَفْسِمُ بِهَذَا الْبَلْدِ): مَكَّةَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَعَطَاءٍ وَقَتَادَةَ وَابْنَ زَيْدٍ. وَقِيلَ: (وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلْدِ) أَي: حَلَّالٌ لَكَ بِهِ قَتْلٌ مَنْ رَأَيْتَ حِينَ أَمَرَ بِالْقِتَالِ، فَقَتَلَ ابْنُ حَنْظَلٍ صَبْرًا، وَهُوَ آخِذٌ بِاسْتِئْذَانِ الْكَعْبَةِ وَلَمْ يَجَلِّ لِأَحَدٍ بَعْدَهُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَعَطَاءٍ وَقَتَادَةَ وَابْنَ زَيْدٍ وَالصَّحَّاحِ.

وَقَالَ عَطَاءٌ: لَمْ تَحَلِّ إِلَّا لِتَبْيِيحِكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ. وَقِيلَ: (وَوَالِدٍ) كُلُّ وَالِدٍ، (وَمَا وُلْدٍ): الْعَاقِرُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَعِكْرَمَةَ. وَقِيلَ: أَدَمُ وَوُلْدُهُ، عَنِ الْحَسَنِ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَالصَّحَّاحِ وَشُقَيْبَانَ وَأَبِي صَالِحٍ. وَقِيلَ: إِبْرَاهِيمُ وَوَلْدِهِ، عَنِ أَبِي عِمْرَانَ الْجَوْنِيِّ.^٢ وَقِيلَ: (فِي كَبِدٍ): نَصَبٌ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنِ. وَقَالَ قَتَادَةُ: يُكَابِدُ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. وَقِيلَ: (فِي كَبِدٍ): انْتِصَابٌ قَامَةٌ، عَنِ إِبْرَاهِيمَ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَدَادٍ وَأَبِي صَالِحٍ وَمُجَاهِدٍ، وَكَأَنَّهُ بِمَعْنَى شِدَّةِ قَوَامٍ مَخْصُوصٍ بِذَلِكَ [١٨٣أ] مِنْ سَائِرِ الْحَيَوَانِ. قَالَ لَبِيدٌ:

يَا عَيْنُ هَلَّا بَكَيْتِ أَرْبَدًا إِذْ قُمْنَا وَقَامَ الْخُصُومُ فِي كَبِدِ

أَي: فِي شِدَّةِ نَصَبٍ.

(مَا لَأُلبَدًا): كَثِيرًا، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَابْنَ زَيْدٍ. (أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ): فَيُطَالِبُهُ مِنْ أَيْنَ كَسَبْتَهُ، وَفِي أَيِّ شَيْءٍ نَفَقْتَهُ، عَنْ قَتَادَةَ. (وَهَدَيْنَاهُ التَّجْدِينَ) نَجْدُ الْخَيْرِ وَنَجْدُ الشَّرِّ، عَنِ عَبْدِ

١. ذكر أبو إسحاق البونسي هذه الفقرة بلفظه في كنز الكتاب ومنتخب الآداب، ٥٩٩/٢-٦٠٠.

٢. في النسخة: ابن عمران الخوي. وفي التبيان، للطوسي: «الحوي». والصحيح ما أثبتناه كما ورد في تفسير ابن فورك.

٣. ديوان لبيد بن ربيعة العامري، ص ٣٤؛ واستشهد به أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٩٩/٢؛ والطبري في جامع البيان، ٤١٢/٢٤.

اللَّهُ بِنِ مَسْعُودٍ وَابْنِ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنِ وَمُجَاهِدٍ وَالصَّحَّاحِ وَفَتَادَةَ. وَقِيلَ: اللَّدْيَانِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ بِخِلَافٍ. وَقِيلَ: (وَأَنْتَ جِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ) أَي: أَنْتَ فِيهِ وَهُوَ مُحَلَّلٌ. وَقَالَ الْحَسَنُ: (وَأَنْتَ جِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ) أَي: أَنْتَ فِيهِ مُحْسِنٌ، وَأَنَا عَنْكَ رَاضٍ.

وَقَالَ الْحَسَنُ: (يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا) كَثِيرًا، فَمَنْ يُحَاسِبُنِي بِهِ حَمِيْقٌ، أَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُحَاسِبُكَ عَلَيْهِ؟ وَقِيلَ: نَزَلَتْ فِي رَجُلٍ مِنْ بَنِي جُمَحٍ، يُكْنَى أَبُو الْأَشْدَيْنِ، وَكَانَ قَوِيًّا شَدِيدًا. وَقِيلَ: (أَيْحَسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ) فِي إِتْفَاقِهِ لِأَنَّهُ كَاذِبٌ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْقَسَمِ بِهَذَا الْبَلَدِ الَّذِي هُوَ حَرَمٌ وَبِهِ حَلَّ الرَّسُولِ [١٨٣ب] الْمُكْرَمِ. (وَالِدٌ وَمَا وَلَدٌ) أَدَمَ الْمُعْظَمِ فِي الْإِعْتِبَارِ بِكِبَرِ الشَّانِ فِي هَذَا الْأَمْرِ مَعَ تَأْكِيدِ الْمُقْسَمِ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْإِنْسَانَ فِي كِبَدٍ لِمَا عَرَضَهُ مِنْ وُجُوهِ الْعِبَرِ لِيَسْتَفِيدَ ضُرُوبَ الْحِكْمِ، وَمَا فِي طُغْيَانِ الْإِنْسَانِ بِالْمَالِ اللَّبَدِ وَتَوَهُمِهِ (أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ) وَلَا يُحَاسِبُهُ عَلَى مَا أَنْفَقَ، وَلَا يَعْلَمْ أَنَّ الَّذِي أَعْطَاهُ الْبَصَرَ وَالسَّمْعَ وَاللِّسَانَ وَالْفَهْمَ وَالْقَلْبَ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ إِلَى الْأُمُورِ إِنْ عَقَلَ قَادِرًا/قَادِرًا عَلَى مُحَاسَبَتِهِ عَلَى مَا تَلَفَ.

٤٧٩

آبِنُهُ بِزَوْهَشٍ | ٢١٠
سال | ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٠٣

الْقَوْلِ فِي قَوْلِهِ جَلٌّ وَعَزٌّ: (فَلَا افْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكٌ رَقَبَةٌ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْجَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ)

يُقَالُ: مَا الْإِفْتِحَامُ؟ الْجَوَابُ: الدُّخُولُ عَلَى شِدَّةِ اضْطِعَاطٍ، افْتِحَمَ افْتِحَامًا، وَأَفْتِحَمَ إِفْتِحَامًا، وَتَفْتِحَمَ تَفْتِحَامًا، وَتَفْتِحَمَ تَفْتِحِيمًا، وَنَظِيرُهُ الْإِدْخَالُ وَالْإِيْلَاحُ، فَالْمَعْنَى: دَخَلَ فِي الْبِرِّ عَلَى صُعُوبَةٍ كَصُعُوبَةِ افْتِحَامِ الْعَقَبَةِ. وَيُقَالُ: مَا الْعَقَبَةُ؟ [١٨٤أ] الْجَوَابُ: الطَّرِيقَةُ الَّتِي تُرْتَقَى عَلَى صُعُوبَةٍ، وَيَحْتَاجُ فِيهَا إِلَى مُعَاقَبَةِ اللَّسِدَّةِ بِالصِّبْقِ وَالْمُحَاطَرَةِ؛ عَاقَبَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ إِذَا صَارَ فِي مَوْضِعِهِ بَدَلًا مِنْهُ.

وَيُقَالُ: مَا الْفَكُّ؟ الْجَوَابُ: فَرْقٌ يُزِيلُ الْمَنْعَ، وَيُمْكِنُ مَعَهُ أَمْرٌ لَمْ يُمْكِنُ قَبْلُ؛ كَفَكَّكَ الْقَيْدَ وَالْعُلَّ،^٢ لِأَنَّهُ يُزِيلُ بِهِ الْمَنْعَ وَيُمْكِنُ بِهِ تَصَرُّفَ فِي الْأَرْضِ لَمْ يَكُنْ قَبْلُ، فَفَكُّ الرَّقَبَةِ فَرْقٌ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَالِ الرِّقِّ

١. لم أجده بهذا اللفظ في المصادر قبل الرمانى. وفي التبيان، للطوسى، ٣٥١/١٠: «قال الحسن: معناه يقول أهلكت مالا كثيرا، فمن يحاسبني عليه حميق، ألم يعلم ان الله قادر على محاسبته». وفي تفسير القرطبي: «وَقَالَ الْحَسَنُ: يَقُولُ أَتَلَفْتُ مَالًا كَثِيرًا، فَمَنْ يُحَاسِبُنِي بِهِ، دَعْنِي أَحْسِبُهُ. أَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى مُحَاسَبَتِهِ».

٢. في التبيان، للطوسى (٣٥٤/١٠) وفي التفسير البسيط، للواحدي (٢٩/٢٤): «كفك القيد والغل».

بِإِجَابِ الْحُرِّيَّةِ وَإِنْطَالِ الْعُبُودِيَّةِ^١ وَيُقَالُ: مَا الْمَسْعَبَةُ؟ الْجَوَابُ: الْمَجَاعَةُ، سَعَبَ يَسْعُبُ سَعْبًا إِذَا جَاعَ وَهُوَ سَاعِبٌ. قَالَ جَرِيرٌ:

تُعَلِّلُ وَهِيَ سَاعِبَةٌ بَيْنَهَا بِأَنْفَاسٍ مِنَ الشَّيْبِ الْقِرَاحِ^٢

وَيُقَالُ: مَا الْمُؤَصَّدَةُ؟ الْجَوَابُ: الْمُطْبَقَةُ، وَفِيهِ لُغَتَانِ: آصَدْتُ الْبَابَ أَوْصَدُهُ إِبْصَادًا، فَهُوَ مُؤَصَّدٌ بِالْهَمْزِ، وَأَوْصَدْتُهُ أَوْصَدُهُ، فَهُوَ مُؤَصَّدٌ بِغَيْرِ هَمْزٍ. وَقِيلَ: الْمَثْرَبَةُ: شِدَّةُ الْحَاجَةِ مِنْ قَوْلِهِمْ: تَرَبَّ الرَّجُلُ إِذَا افْتَقَرَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ بِخِلَافٍ، وَابْنِ زَيْدٍ (نَارُ مُؤَصَّدَةٍ): مُطْبَقَةٌ [١٨٤ب] عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَالصَّخَاكِ.

وَالْيَتِيمُ: الصَّبِيُّ الَّذِي قَدِمَتْ أَبُوهُ وَأُمُّهُ، وَالْأَعْلَبُ الْيَتِيمُ مِنَ الْأَبِ فِي النَّاسِ. وَقِيلَ: الْعَقْبَةُ: الْبَيْتَةُ الصَّيْقَةُ فِي رَأْسِ الْجَبَلِ يَتَعَاقَبُهَا النَّاسُ، فَشَبَّهَتْ بِهَا التَّفَقُّةَ فِي وُجُوهِ الْبِرِّ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. وَالْوَصِيدُ: الْبَابُ مِنْ أَوْصَدْتُ. وَالْمَشَامَةُ: ذَاتُ الشِّمَالِ، وَأَخَذْتُ مِنَ الشُّؤْمِ خِلَافَ الْبِرِّكَ. وَقَالَ الْحَسَنُ: عَقَبَهُ وَاللَّهُ شَدِيدَةً مُجَاهِدَةً الْإِنْسَانَ نَفْسَهُ وَهَوَاهُ وَعَدُوَّهُ الشَّيْطَانَ. وَقِيلَ: لَمْ يَكْرَرْ فِي اللَّفْظِ، وَهِيَ بِمَنْزِلَةِ الْمُكْرَّرَةِ فِي الْمَعْنَى، كَأَنَّهُ قِيلَ: (فَلَا افْتَحَمَ الْعَقْبَةَ) وَلَا آمَنَ. وَقِيلَ: فَلَا نَ قَرَابَتِي فَيَبِيحُ حَتَّى يَقُولَ ذُو قَرَابَتِي، لِأَنَّهُ مَصْدَرٌ كَمَا قَالَ الشَّاعِرُ:

يَبِيحِي الْغَرِيبَ عَلَيْهِ لَيْسَ يَعْرِفُهُ وَذُو قَرَابَتِي فِي الْحَيِّ مَسْرُورٌ^٣

وَالْمَقْرَبَةُ: الْقَرَابَةُ، وَقِيلَ: الْمَيْمَنَةُ: الْيَمُنُ وَالْبِرْكَةُ؛ وَالْمَرْحَمَةُ: حَالُ الرَّحْمَةِ.

وَقَرَأَ (فَكَ رَقَبَةً أَوْ أَطْعَمَ) بِغَيْرِ أَلْفِ ابْنِ كَثِيرٍ وَأَبُو عَمْرٍو وَالْكَسَائِيُّ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ (فَكَ رَقَبَةً أَوْ إِطْعَمَ)؛ فَالْأَوَّلُ رَدٌّ عَلَى؛ فَلَا افْتَحَمَ الْعَقْبَةَ: فَكَ رَقَبَةً، وَالثَّانِي عَلَى جَوَابِ [١٨٥أ] (وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقْبَةُ)، فَيَكُونُ الْجَوَابُ بِالْإِسْمِ. وَقَرَأَ أَبُو عَمْرٍو وَحَدْرَةَ وَحَفْصٌ عَنْ عَاصِمٍ (مُؤَصَّدَةً) بِالْهَمْزِ. وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِغَيْرِ هَمْزٍ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْإِمْتِنَاعِ مِنْ فَكَ رَقَبَةً أَوْ إِطْعَمَ ذِي مَجَاعَةٍ عَلَى مَا فِي ذَلِكَ مِنْ افْتِحَامِ الْعَقْبَةِ بِالصُّعُوبَةِ مِنَ الدَّمِّ بِالْبُخْلِ بِنَزْكِ الْبَدَلِ فِي مَوَاضِعِ الْبَدَلِ عَلَى مَا بَيَّنَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَا فِي فِعْلِ ذَلِكَ لِلزِّيَاءِ وَالشُّمُوعَةِ مِنْ أَنَّهُ غَيْرُ نَافِعٍ حَتَّى يَكُونَ عَلَى وَجْهِ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ؛ وَالتَّوَاصِي بِالصَّبْرِ

١. ذكر الواحدي كلام الرماني مع تصرف يسير في التفسير البسيط، ٢٩/٢٤، بقوله: «قال أهل المعاني...».

٢. ديوان جرير بشرح محمد بن حبيب، ٨٨/١؛ ورد البيت في إصلاح المنطق، لابن السكيت، ص ٢٩٧؛ وغريب الحديث، لإبراهيم الحربي، ٤١٠/٢؛ وتهذيب اللغة، للأزهري، ٢٧/٤.

٣. الأخبار الموفقيات، للزبير بن بكار، ص ٢٥٠؛ عيون الأخبار، لابن قتيبة، ٣٢٨/٢؛ واستشهد بالبيت الزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٣٢٩/٥.

٤. أي: بدل، كما ورد في تفسير ابن فورك.

٥. في النسخة: «الاسم»، فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي وتفسير ابن فورك.

وَالْمَرْحَمَةَ عَلَى إِخْلَاصِ النَّيَّةِ؛ وَالرُّجُوعَ إِلَى ثِقَةٍ حَتَّى يَكُونَ صَاحِبُهُ مِنْ أَهْلِ الْمَيْمَنَةِ عَلَى مَا يَفْتَضِيهِ
حَالَ أَهْلِ الْمَيْمَنَةِ مِنْ نَعِيمِ الْجَنَّةِ عَلَى تَمَامِ الشُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ، وَمَا فِي التَّكْذِيبِ بآيَاتِ اللَّهِ مِنْ كَوْنِ
صَاحِبِ أَهْلِ الْمَشْأَمَةِ عَلَى مَا يَفْتَضِيهِ حَالَ أَهْلِ الْمَشْأَمَةِ مِنْ نَارٍ مُطَبَّقَةٍ مَعَ الْإِذْلَالِ وَالْإِهَانَةِ.

سُورَةُ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاها وَالنَّهَارُ [١٨٥] إِذَا جَلَّاهَا وَاللَّيْلُ إِذَا
يَغْشَاهَا وَالسَّمَاءُ وَمَا بَنَاهَا وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَاهَا وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ
زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾

يُقَالُ: مَا صُحِيَ الشَّمْسُ؟ الْجَوَابُ: صَدْرُ وَقْتِ طُلُوعِهَا، وَكَذَلِكَ صُحِيَ النَّهَارُ، وَهُوَ صَدْرُ وَقْتِ
كَوْنِهِ. وَقَالَ الشَّاعِرُ [التابغة الجعدي]:

أَعْجَلَهَا أَفْدَحِي الصَّحَاءِ صُحِي وَهِيَ تُنَاصِي ذَوَائِبِ السَّلَمِ

وَأَصْحَى يَفْعَلُ كَذَا: إِذَا فَعَلَهُ فِي وَقْتِ الصُّحَى، وَمِنْهُ صُحِيَ بِكَبْشٍ أَوْ غَيْرِهِ، إِذَا ذَبَحَهُ فِي وَقْتِ
الصُّحَى مِنْ أَيَّامِ الْأَصْحَى، ثُمَّ كَثُرَ حَتَّى قِيلَ لَهُ لَوْ ذَبَحَهُ فِي آخِرِ النَّهَارِ، وَفِيهِ الْعِبْرَةُ مِنْ جِهَةِ تَنْشِئِ
الصُّوِّ حَتَّى تَقْوَى تِلْكَ الْقُوَّةُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

وَيُقَالُ: مَا وَجْهُ الدَّلَالَةِ مِنْ جِهَةِ تَلْقَى الْقَمَرِ لِلشَّمْسِ عَلَى الصِّفَةِ الْمَأْلُوفَةِ؟ الْجَوَابُ: مِنْ جِهَةِ
المُعَاقَبَةِ عَلَى أُمُورٍ مُرْتَبَةِ فِي التَّقْصَانِ وَالزِّيَادَةِ لِأَنَّهُ لَا يَزَالُ ضَوْءُ الشَّمْسِ يَنْقُصُ بِذَهَابِ جِزْمِهَا
وَيَقْوَى ضَوْءُ الْقَمَرِ حَتَّى يَتَكَامَلَ كَذَلِكَ دَائِبِينَ عَلَى التَّسْخِيرِ لِلْعِبَادِ بِمَا لَيْسَ فِي وَسْعِهِمْ أَنْ
يَجْرُوهُ عَلَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ الْمُنْهَاجِ. وَيُقَالُ: عَلَامٌ يَعُودُ الصَّمِيرُ فِي (جَلَّاهَا)؟ الْجَوَابُ: عَلَى
الشَّمْسِ بِضَوْءِهِ [١٨٦] أ [المُنِيرِ لِجِزْمِهَا]. (وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا) بِظُلْمَتِهِ عِنْدَ سُقُوطِهَا.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (طَحَاهَا)؟ الْجَوَابُ: بَسَطَهَا حَتَّى أَمَكَّنَ التَّصَرُّفَ عَلَيْهَا. وَقِيلَ: (طَحَاهَا) وَ
(دَحَاهَا) وَاحِدٌ بِمَعْنَى بَسَطَهَا، عَنْ مُجَاهِدٍ وَالْحَسَنِ. وَطَحَا يَطْحُو طَحْوًا، وَدَحَا يَدْحُو

١. ديوان النابغة الجعدي، ص ١٦٢؛ والبيت في جمهرة اللغة، لابن دريد، ١٠٥٠/٢؛ والمقصور والممدود، لابن ولاد، ص ٧٥؛ وشرح القصائد السبع الطوال الجاهليات، لابن الأنباري، ص ٣٥٦.
٢. في النسخة: يطحوا.
٣. في النسخة: يدحوا.

دَخَوْا، وَطَحَا بِكَ هُمُكَ، أَي: انبَسَطَ بِكَ إِلَى مَذْهَبٍ بَعِيدٍ، وَهُوَ يَطْحَا بِكَ طَحْوًا. وَقَالَ
عَلَقَمَةُ بْنُ عَبْدِةَ:

طَحَا بِكَ قَلْبٌ فِي الْحِسَانِ طَرُوبٌ^١ [بُعَيْدَ الشَّبَابِ عَصَرَ حَانَ مَشِيْبٌ]

وَالْقَوْمُ يَطْحَا بَعْضُهُمْ بَعْضًا عَنِ الشَّيْءِ، أَي: يَدْفَعُ دَفْعًا شَدِيدًا الْإِنْبِسَاطِ. وَالطَّوَاهِي: النَّشُورُ تَنْبَسِطُ
حَوْلَ الْقَتْلَى، فَأَصْلُ الطَّحْوِ: الْبَسْطُ الْوَاسِعُ، وَالتَّصْرُفُ يُدُلُّ عَلَيْهِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (دَسَاهَا)؟ الْجَوَابُ: دَسَى نَفْسَهُ: نَقِيضُ زَكَاهَا بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ، فَذَلِكَ دَسَاهَا
بِالْعَمَلِ الْفَاسِدِ حَتَّى صَيَّرَهَا فِي إِمْحَاقٍ^٢ وَخُسْرَانٍ. وَيُقَالُ: دَسَا فُلَانٌ يَدْسُو^٣ دَسْوًا وَدَسْوَةً، وَهُوَ
دَاسٍ: نَقِيضُ زَكَاءِ يَزْكُو زَكَاءً، فَهُوَ زَاكٍ.

وَقِيلَ: (وَالْقَمَرُ) إِذَا تَبَعَ الشَّمْسُ [وَذَلِكَ] فِي التَّصْفِ الْأَوَّلِ مِنَ الشَّهْرِ؛ إِذَا غَرَبَتْ تَلَاهَا الْقَمَرُ
بِالطَّلُوعِ؛ وَفِي آخِرِ الشَّهْرِ يَتْلُوهَا فِي الْغُرُوبِ، عَنِ ابْنِ زَيْدٍ. وَقِيلَ: (وَالسَّمَاءُ) وَبَنَاتُهَا، عَنِ قَتَادَةَ.
وَقِيلَ: وَمَنْ بَنَاهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، عَنِ مُجَاهِدٍ وَالْحَسَنِ. (فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا) [١٨٦ب]: عَرَفَهَا
طَرِيقَ الْفُجُورِ وَالتَّقْوَى، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَالضَّحَّاكَ وَسُفْيَانَ. وَقِيلَ: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاهُ
نَفْسَهُ بِعَمَلٍ صَالِحٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: (دَسَاهَا) أَي: دَسَسَهَا بِمَعْنَى أَحْمَلَهَا،
وَوَضَعَ مِنْهَا بِمَعْصِيَتِهِ، كَمَا قِيلَ تَطَلَّيْتُ بِمَعْنَى: تَطَلَّيْتُ، وَكَمَا قَالَ:

[دَانِي جَنَاحِيهِ مِنَ الطُّورِ فَمَرًا] تَقْضِي الْبَايِ إِذَا الْبَايِ كَسْرًا^٤

بِمَعْنَى تَقْضَى، وَذَلِكَ لِكِرَاهَةِ التَّضْعِيفِ. وَقِيلَ: وَقَدْ حَابَ مَنْ دَسَّ نَفْسَهُ فِي مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ
وَجَلَّ مُنْهَمَكًا عَلَى الْقَبَائِحِ الَّتِي نَهَاها اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهَا.

١. صدر بيت عجزه: «بُعَيْدَ الشَّبَابِ عَصَرَ حَانَ مَشِيْبٌ». ورد البيت في المفضليات، للمفضل الضبي، ص ٣٩١؛ طبقات

فحول الشعراء، لابن سلام الجمحي، ١٣٩/١؛ والشعر والشعراء، لابن قتيبة، ٢١٥/١؛ والفاخر، للمفضل بن سلمة، ص ١٩.

٢. في التبيان، للطوسي، ٣٥٩/١٠، وفي تفسير ابن فورك: «في محاق».

٣. في النسخة: يدسوا.

٤. في النسخة: يزكوا.

٥. ورد في التبيان: «القمر إذا اتبع الشمس في النصف الاول من الشهر إذا غربت الشمس تلاها القمر بالطلع، وفي
آخر الشهر يتلوها في الغروب»؛ وفي تفسير ابن فورك: «والقمر إذا اتبع الشمس في النصف الأول من الشهر إذا
غربت الشمس تلاها القمر بالطلع، وفي آخر الشهر يتلوها في الغروب».

٦. عجز بيت للعجاج، صدره: «دَانِي جَنَاحِيهِ مِنَ الطُّورِ فَمَرًا»، انظر: ديوان العجاج، ٤٢/١؛ واستشهد بالبيت أبو
عبيدة في مجاز القرآن، ٣٠٠/٢؛ وأبو عبيد في غريب الحديث، ٢٢٤/١.

وَقَالَ الْحَسَنُ: **(وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا)**: نُورُهَا، **(وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا)** لَيْلَةُ الْهَيْلَالِ. وَقَالَ الْحَسَنُ: **(وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا)** النَّفْسُ: أَدَمٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَمَنْ سَوَّاهَا: اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. وَقِيلَ: **(تَلَاهَا)** فِي الصَّوْمِ. وَقِيلَ: دَسَّهَا بِالْبُخْلِ، لِأَنَّ الْبُخِيلَ يُحْفِي نَفْسَهُ وَمَنْزِلَهُ لئَلَّا يُظَلِّبَ نَائِلُهُ. وَقِيلَ: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَا اللَّهُ نَفْسَهُ. وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَا اللَّهُ نَفْسَهُ.

وَقَرَأَ ابْنُ كَثِيرٍ وَابْنُ عَامِرٍ وَعَاصِمٌ **(وَضُحَاهَا)** يَفْتَحُ أَوْ آخِرَ آيَاتِ هَذِهِ السُّورَةِ، وَقَرَأَ الْكَسَائِيُّ بِاضْجَاعِ ذَلِكَ كَلِمَةٍ. وَقَرَأَ أَبُو عَمْرٍو وَنَافِعٌ جَمِيعَ ذَلِكَ بَيْنَ الْكَسْرِ وَالْفَتْحِ. وَقَرَأَ حَمْرَةُ **(وَضُحَاهَا)** كَسْرًا [١٨٧أ] وَفَتْحَ تَلَاهَا وَطَحَاهَا وَدَحَاهَا، وَالْفَتْحُ الْأَصْلُ، وَالْإِمَالَةُ لِلتَّخْفِيفِ، وَمَا بَيَّنَّ ذَلِكَ لِلتَّخْفِيفِ وَالْإِشْعَارِ بِالْأَصْلِ؛ فَأَمَّا حَمْرَةُ فَأَمَالَ بَنَاتِ الْبَيَاءِ وَفَحَمَّ بَنَاتِ الْوَاوِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْقَسَمِ بِالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنَّهَارِ وَاللَّيْلِ وَالسَّمَاءِ وَالنَّفْسِ عَلَى اسْتِوَائِهَا فِي خَلْقِهَا وَالْإِهَامِهَا مِنَ الْإِعْتِبَارِ بِمَا فِي هَذِهِ الْآيَاتِ الْعِظَامِ مَعَ تَأْكِيدِ الْمُثَمِّسِ عَلَيْهِ مِنْ فَلَاحِ الرَّازِكِيِّ بِالطَّاعَةِ وَخَيْبَةِ الْخَاسِرِ بِالْمَعْصِيَةِ.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: **(كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا)**

يُقَالُ: مَا الطَّغْوَى؟ الْجَوَابُ: مُجَاوِزَةٌ حَالَ الْفَسَادِ الْوُسْطَى بِمَا يُرْجِبُهُ الْجَهْلُ وَالْعَمَى، وَأَصْلُهُ مُجَاوِزَةٌ حَدِّ الْأَوْسَطِ فِي الْأَمْرِ إِلَى الْأَعْظَمِ، وَذَلِكَ أَنْ أَكْثَرَ الْأَشْيَاءِ تَنْقَسِمُ ثَلَاثَةً أَقْسَامٍ؛ أَعْظَمٌ وَأَدْوَنٌ وَمَا هُوَ فِي الْأَوْسَطِ. وَيُقَالُ: مَا الشَّقَاءُ؟ الْجَوَابُ: شِدَّةُ الْحَالِ فِي مُقَاسَاةِ الْأَلَامِ، وَالْأَشْقَى: الْأَعْظَمُ فِي شِقَاءٍ، وَنَقِيضُ الشَّقَاءِ: السَّعَادَةُ، وَنَقِيضُ السُّعُودِ: التُّحُوسُ.^١ وَشَقِي يَشْقَى شِقَاءً، وَهُوَ [١٨٧ب] شَقِيٌّ: نَقِيضُ سَعِيدٍ، وَأَشْقَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يُشْقِيهِ إِشْقَاءً.^٢

وَيُقَالُ: مَا الشَّقِيَا؟ الْجَوَابُ: الْحِطُّ مِنَ الْمَاءِ وَهُوَ النَّصِيبُ مِنْهُ، كَمَا قَالَ جَلَّ وَعَزَّ: **(لَهَا شَرِبٌ وَلَكُمْ شَرِبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ)**، وَالشَّقِيُّ: التَّعْرِيبُ لِلشَّرْبِ. وَيُقَالُ: مَا الْعَقْرُ؟ الْجَوَابُ: قَطْعُ اللَّحْمِ بِمَا يَسْبُلُ الدَّمَ، عَقْرَهُ يَعْقِرُهُ عَقْرًا وَهُوَ عَاقِرٌ، وَمِنْهُ عَقْرُ الْحَوْضِ [وَهُوَ] أَصْلُهُ، وَالْعَقَارُ: أَصْلٌ مِنَ الْمَالِ، وَالْعَقْرُ: نَقْضُ الشَّيْءِ^٣ مِنْ أَصْلِ بِنْيَةِ الْحَيَوَانِ.

١. في النسخة: «وَالْإِمَالَةُ تَخْفِيفٌ، وَبَيْنَ بَيْنٍ تَخْفِيفٌ يُشْعِرُ بِالْأَصْلِ»، وكذا ورد في التبيان، للطوسي، ٣٥٦/١٠؛ فأثبتنا النص على ما ورد في التهذيب، للحاكم الجشمي، ٧٤٣٠/١٠.

٢. في النسخة: النجوس.

٣. في النسخة: «شقاء»؛ فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣٦٠/١٠.

٤. الشعراء: ١٥٥.

٥. في النسخة: «شيء»؛ فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣٦٠/١٠.

وَيُقَالُ: مَا الدَّمْدَمَةُ؟ الجَوَابُ: تَزْدِيدُ الحَالِ المُتَكَرِّهَةِ وَهِيَ مُضَاعَفَةٌ مَا فِيهِ المَشَقَّةُ، فَضَاعَفَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى تُمُودِ العَدَابِ بِمَا اذْتَكَبُوهُ مِنَ الطُّغْيَانِ؛ وَالْعُقْبَى: مُسَبَّبٌ^١ مَا أَدَّى إِلَيْهِ الحَالُ الأُولَى، وَالتَّسْوِيَةُ مَصِيرُ الشَّيْءِ عَلَى مِقْدَارِ غَيْرِهِ. (فَسَوَّاهَا) أَي: جَعَلَ بَعْضَهَا عَلَى مِقْدَارِ بَعْضٍ فِي الإِنْدِكَالِ وَاللُّصُوقِ بِالأَرْضِ.

وَقِيلَ: (كَذَّبَتْ تُمُودٌ بِطُغْوَاهَا) أَي: بَعَدَابِهَا، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. كَأَنَّهُ قِيلَ بَعْدَابِ الطَّاغِيَةِ، فَأَتَاهَا مَا كَذَّبَتْ بِهِ. وَقِيلَ: بِمَعْصِيَتِهَا، عَنِ مُجَاهِدٍ وَابْنِ زَيْدٍ وَهُوَ وَجْهُ التَّأْوِيلِ. وَقِيلَ: دَمَدَمَ دَمَّرَ عَلَيْهِمْ، وَقِيلَ: (وَلَا يَخَافُ) اللهُ عَزَّ وَجَلَّ تَبِعَةَ الدَّمْدَمَةَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالحَسَنِ وَقَتَادَةَ وَمُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: [١٨٨] لَمْ يَخَفِ الَّذِي عَقَرَهَا عُقْبَاهَا، عَنِ الصَّحَّاحِ. وَقِيلَ: عَاقَرُ النَّاقَةِ أَحْمَرُ تُمُودَ، وَهُوَ قَدَارٍ، وَكُلُّهُمْ رَضِيَ بِفِعْلِهِ، فَعَمَّهُمُ العِقَابُ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِهِ. وَ(نَاقَةَ اللهِ) نَصَبٌ عَلَى: اخذَرُوا نَاقَةَ اللهِ. وَقِيلَ: عَقَرَهَا هُوَ تَكْذِيبُهُمْ. وَقِيلَ: لَا بَلْ هُوَ غَيْرُهُ. وَقِيلَ: كَانُوا أَقْرَبُوا بِأَنَّ لَهَا شِرْباً وَلَهُمْ شِرْبٌ غَيْرَ مُصَدِّقِينَ بِأَنَّهُ حَقٌّ.

وَقَرَأَ «فَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا» نَافِعٌ بِالفَاءِ وَابْنُ عَامِرٍ، وَلِذَلِكَ هِيَ فِي مَصَاحِفِ أَهْلِ المَدِينَةِ وَالشَّامِ. وَقَرَأَ الباقُونَ بِالْوَاوِ وَلِذَلِكَ هِيَ فِي مَصَاحِفِهِمْ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الآيَاتُ البَيَانَ عَمَّا فِي التَّكْذِيبِ بِالطُّغْيَانِ وَانْبِعَاطِ البَشَرِ مِنَ الأَشَقَى بِعَقْرِ نَاقَةِ اللهِ جَلَّ وَعَزَّ مَعَ إِبْطَالِ الشُّفِيَا مِنَ الدَّمْدَمَةِ عَلَيْهِمْ بِذُنُوبِهِمْ حَتَّى أَهْلِكُوا عَنْ آخِرِهِمْ مَعَ عُقْبَى السُّوءِ الَّتِي لَهُمْ.

سُورَةُ وَالدَّلِيلِ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (وَالدَّلِيلُ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَى فَمَا مَنَ أُعْطِيَ وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنِّيْسِرُهُ لِلْيُسْرَى وَأَمَّا مَنَ بَجَلٍ وَاسْتَعْنَى وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى [١٨٨ب] فَسَنِّيْسِرُهُ لِلْعُسْرَى وَمَا يُعْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى)

يُقَالُ: مَا التَّيْسِيرُ؟ الجَوَابُ: تَصْيِيرُ الأَمْرِ سَهْلاً، وَالتَّيْسِيرُ وَالتَّسْهِيلُ وَالتَّخْفِيفُ نَطَائِرُ فِي اللُّغَةِ، وَتَقْيِضُهُ التَّعْسِيرُ، وَهُوَ تَصْيِيرُ الأَمْرِ صَعْباً، وَاليُسْرُ: تَقْيِضُ العُسْرِ، وَمِنْهُ أَيَسَرَ بِكَثْرَةِ المَالِ يُوسِرُ إِيسَاراً، لِأَنَّ المَالَ مِمَّا تَتَيَسَّرُ بِهِ الأُمُورُ. وَيُقَالُ: مَا العُسْرَى؟ الجَوَابُ: البَلِيَّةُ العُظْمَى بِمَا يُؤَدِّي إِلَيْهِ

١. لم ترد هذه الكلمة في نقل الطوسي في التبيان. والمراد منها غير معلوم.

مِمَّا هُوَ كَصُعُوبَةِ الْمُزْتَقِي؛ وَنَقِيضُهَا الْيُسْرَى، كُلُّ ذَلِكَ مَأْخُودٌ مِنَ الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ، فَحَالُ الْعُسْرِ الْعُسْرَى وَحَالُ الْيُسْرِ الْيُسْرَى،^١ وَمُدَّكْرُهُ: الْأَمْرُ الْإَيْسَرُ وَالْأَمْرُ الْأَعْسَرُ.

وَيُقَالُ: بِأَيِّ شَيْءٍ يَكُونُ التَّيْسِيرُ لِلْعُسْرِ؟ الْجَوَابُ: بِالتَّصْيِيرِ إِلَى النَّارِ كَمَا أَنَّ التَّيْسِيرَ لِلْيُسْرِ بِالتَّصْيِيرِ إِلَى الْجَنَّةِ، وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ بِالتَّمَكِينِ وَسُلُوكِ طَرِيقِ النَّارِ وَالتَّمَكِينِ مِنْ سُلُوكِ طَرِيقِ الْجَنَّةِ، أَي: لَسْنَا نَمْنَعُ الْمُكَلِّفِينَ مِنْ سُلُوكِ أَحَدِ الطَّرِيقَيْنِ وَالتَّمَكِينِ بِالإِقْرَارِ وَرَفْعِ الْمَنْعِ. وَيُقَالُ: مَا الْحُسْنَى؟ الْجَوَابُ: التَّعَمُّةُ الْعُظْمَى يَحْسُنُ مَوْقِعُهَا عِنْدَ صَاحِبِهَا، وَهَذِهِ صِفَةُ الْجَنَّةِ الَّتِي أَعَدَّهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُتَّقِينَ، وَحَرَمَهَا عَلَى مَنْ كَذَّبَ بِهَا وَسَلَكَ [١٨٩أ] بِالْفُجُورِ طَرِيقَ الْمُكَذِّبِ بِهَا.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى شَيْءٍ؟ الْجَوَابُ: مُتَّفَرِّقٌ عَلَى تَبَاعُدِ مَا بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ جِدًّا، وَمِنْهُ شَتَانٌ، أَي: بَعْدَ مَا بَيْنَهَا جِدًّا كَبُعْدِ مَا بَيْنَ الثَّرَى وَالثَّرِيَا، وَمِنْهُ تَشَتَّتَ أَمْرُ الْقَوْمِ، وَشَتَّتَهُمْ رَبُّبَ الزَّمَانِ.

وَقِيلَ: أَفْسَمَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ بِالتَّهَارِ إِذَا أَنَارَ وَظَهَرَ لِلْأَبْصَارِ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْإِعْتِبَارِ، وَبِاللَّيْلِ إِذَا أَظْلَمَ وَادْلَهَمَ وَعَسَّعَسَ وَعَشِيَ الْأَنَامَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْهَوْلِ الْمُحَرِّكِ لِلنَّفْسِ بِالإِسْتِعْظَامِ. وَقِيلَ: إِنَّمَا كُرِّرَ ذِكْرُهُمَا لِعِظَمِ شَأْنِهِمَا، عَنْ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: مَنْ أَعْطَى حَقَّ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَآتَى مَحَارِمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، عَنْ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: (وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى) بِالْحُلْفِ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَعِكْرَمَةَ. وَقِيلَ: بِتَوْحِيدِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، عَنْ الصَّخَّالِكِ. وَكَأَنَّهُ أُتِيَ عَلَى حَالِ الْحُلْفِ، وَقِيلَ: بِالْجَنَّةِ، عَنْ مُجَاهِدٍ وَالحَسَنِ. وَقِيلَ: بِوَعْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، عَنْ قَتَادَةَ. وَقَالَ الشَّاعِرُ:

هُمَا سَيِّدَانَا يَرْعُمَانِ وَإِنَّمَا
يَسُودَانِنَا أَنْ يَسْرَتْ عَنَّمَا هُمَا

أَي: تَسَهَّلَتْ وَوَلَدَتْهُمَا.

وَقِيلَ: (إِذَا تَرَدَّى): هَوَى فِي النَّارِ، عَنْ قَتَادَةَ وَأَبِي صَالِحٍ. وَقِيلَ: إِذَا مَاتَ، عَنْ مُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: (إِنَّ عَلَيْنَا لِلْهُدَى) لِبَيَانِ [١٨٩ب] الطَّاعَةِ مِنَ الْمَعْصِيَةِ، عَنْ قَتَادَةَ. وَالْعَشْيُ: الْبَأْسُ الشَّيْءُ مَا يَعْمُرُهُ^٢ وَيَسْتُرُّ جُمْلَتَهُ. وَقِيلَ: (إِنَّ عَلَيْنَا لِلْهُدَى) يَدُلُّ عَلَى وُجُوبِ هُدَى الْمُكَلِّفِينَ إِلَى الدِّينِ، وَأَنَّهُ لَا يَجُوزُ إِضْلَالُهُمْ عَنِ الدِّينِ.

١. ورد في التبيان، للطوسي، ٣٦٣/١٠: «وتقديره فسنيسره للحال اليسرى، فلذلك أنت فحال اليسير اليسرى، وحال العسير العسرى». وفي موضع آخر من التبيان، ٣٦٤/١٠: «وهو مأخوذ من العسر واليسر، فحال العسر العسرى وحال اليسر اليسرى، ومذكره الأيسر، والامر الأعرس»
٢. نسبة في اللسان (س) إلى أبي أسيدة الديبيري. ورد البيت في معاني القرآن، للفراء، ٢٧٧/٣؛ وغريب الحديث، لابن قتيبة، ٥٩٩/١؛ وجامع البيان، ٤٦٩/٢٤.
٣. في النسخة: «ما يَعْمُرُهُ»؛ وفي التبيان، للطوسي: «ما يَغْمُرُ»؛ وفي تفسير ابن فورك: «ما يَعْمُرُهُ».

وَقِيلَ: ﴿وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَى﴾ النَّهَارَ، فَيُذْهِبُ ضَوْءَهُ، ﴿وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى﴾ أَيْ: جَلًّا اللَّيْلُ فَأَذْهَبَ ظُلْمَتَهُ، عَنِ الْحَسَنِ. وَقَالَ: وَعَنَى بِالذَّكْرِ وَالْأُنْثَى آدَمَ وَحَوَاءَ. وَقَالَ: ﴿لَشَيْءٍ﴾: لِمُخْتَلِفٍ. وَقَالَ: ﴿وَمَا يُعْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى﴾ فِي الْقَبْرِ ﴿مَا يُعْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى﴾ فِي النَّارِ. وَقِيلَ: ﴿فَسُنِّيئِرُهُ﴾ لِلْعُودِ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَنُيْسِرُهُ إِلَى الْعُسْرَى عَلَى مُرَاوَجَةِ الْكَلَامِ، عَنِ الْفَرَّاءِ^١، وَالْمَعْنَى: التَّمَكِينُ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْقَسَمِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى مَا فِيهِمَا مِنَ التَّعَاقُبِ بِالْعَشِيَّانِ وَالتَّجَلِّيِ وَخَلْقِ الذَّكْرِ وَالْأُنْثَى مِنْ سَائِرِ الْأَصْنَافِ مِنَ الْإِعْتِبَارِ بِمَا فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِنَ الْحِكْمِ الَّتِي لَا يُدْرِكُهَا الْإِحْصَاءُ وَلَا يَبْلُغُهَا الْمَدَى، مَعَ تَأْكِيدِ الْمُقْسَمِ عَلَيْهِ مِنْ أَنْ سَعِيَ الْعِبَادِ لَشَيْءٍ مِنْ فَاجِرٍ وَتَقِيٍّ وَمُصَدِّقٍ وَمُكَذِّبٍ بِالْحُسْنَى وَمُيَسِّرٍ لِلْيُسْرَى وَمُيَسِّرٍ لِلْعُسْرَى، وَفِي كُلِّ ذَلِكَ قَدْ أَمَرُوا بِسُلُوكِ طَرِيقِ [١٩٠] الْهُدَى.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿وَإِنَّ لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى فَأَنْذَرْتُمْكُمْ نَارًا تَلَطَّى لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى وَلَسَوْفَ يَرْضَى﴾

يُقَالُ: مَا الْأُولَى؟ الْجَوَابُ: الْمَعْنَى الَّذِي قَبْلَ غَيْرِهِ مِمَّا عَلَيْهِ صِفَةُ الْأُنْثَى، وَالْمَذَكَّرُ: الْأَوَّلُ، كَقَوْلِكَ الْأَكْبَرُ وَالْكُبْرَى، وَالْأُولَى مِنْ صِفَةِ الذُّنْبِ^٢. وَيُقَالُ: مَا التَّلَطَّى؟ الْجَوَابُ: تَلَهَّبُ النَّارِ بِشِدَّةِ الْإِقْتَادِ^٣، تَلَطَّتِ النَّارُ تَلَطَّتْ تَلَطَّى، وَ﴿لَطَّى﴾: اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ جَهَنَّمَ.

وَيُقَالُ: لِمَ قِيلَ ﴿لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ مَعَ مَا يَقْتَضِي مِنْ أَمَانٍ غَيْرِهِ مِمَّنْ عَصَى؟ الْجَوَابُ: فِيهِ قَوْلَانِ: الْأَوَّلُ: الْإِنْذَارُ بِنَارِ هَذِهِ صِفَتِهَا، وَهِيَ ذَرَكٌ مَحْضُوصٌ مِنْ أَدْرَاكٍ جَهَنَّمَ لِهَذَا الْمُتَوَعَّدِ بِهَا. الثَّانِي: إِنَّهُ مَحْذُوفٌ لِمَا صَحِبَهُ مِنْ دَلَائِلِ الْآيِ الْآخِرِ، كَأَنَّهُ: وَمَنْ جَرَى مَجْرَاهُ مِمَّنْ عَصَى.

وَيُقَالُ: مَا التَّجَنَّبُ؟ الْجَوَابُ: التَّصْيِيرُ لِلشَّيْءِ فِي جَانِبٍ عَنْ غَيْرِهِ؛ فَالْأَتْقَى يُصَيَّرُ فِي جَانِبِ الْجَنَّةِ عَنِ جَانِبِ النَّارِ؛ جَنَّبَهُ الشَّرُّ تَجَنَّبًا، وَتَجَنَّبَ [١٩٠] تَجَنَّبًا، وَجَانِبَهُ مُجَانِبَةً، وَرَجُلٌ جُنَّبَ

١. ويقول القائل: فكيف قال: «فَسُنِّيئِرُهُ للعسرى» فهل في العسرى تيسير؟ فيقال في هذا في إجازته بمنزلة قول الله تبارك الله وتعالى: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» والبشارة في الأصل على المنفرح واليسار فإذا جمعت في كلامين: هذا خير، وهذا شر جاز التيسير فيهما جميعاً. معاني القرآن، للفراء، ٢٧٠/٣-٢٧١.

٢. ورد النص في النسخة مغشوشاً كذا: «مِمَّا عَلَيْهِ صِفَةُ الذَّكْرِ وَالْأُنْثَى الْأَوَّلُ». فورد في تفسير ابن فورك: «مما يجري على أصله الأنثى، والأولى من صفة الدنيا».

٣. في النسخة: «الْإِقْتَادُ»؛ فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي وفي تفسير ابن فورك.

٤. المعارج: ١٥.

٥. في النسخة: «فالأَتْقَى تصيير»، وفي تفسير ابن فورك: «فالإِتْقَاءُ تصيير»، فأثبتناها على ما ورد في التبيان، للطوسي (٣٦٦/١).

وَقَدْ أَجْنَبَ إِذَا أَصَابَهُ مَا يُجَانِبُ بِهِ الصَّلَاةَ حَتَّى يَغْتَسِلَ. وَيُقَالُ: مَا **(الْأَعْلَى)**؟ الْجَوَابُ: الْأَجَلُ فِي صِفَةِ الْقَادِرِ بِأَنَّهُ يَنَالُ وَلَا يَنَالُ، وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُوصَفَ بِالْأَزْعِ، لِأَنَّهُ مِنْ رُفْعَةِ الْمَكَانِ مِنْ غَيْرِ نَقْلِ إِلَى الْأَقْدَرِ بِأَنَّهُ يَنَالُ وَلَا يَنَالُ، وَلِذَلِكَ يُقَالُ: اسْتَعْلَى خَصَمَهُ بِالْحُجَّةِ، وَلَا يُقَالُ ذَلِكَ مِنَ الرُّفْعَةِ. وَتَوَهَّجَ وَتَلَهَّبَ وَتَلَطَّى وَتَلَطَّى نَطَائِرٌ فِي اللَّعَةِ.

وَقِيلَ: **(تَلَطَّى)** عَلَى تَلَطَّى، حُدِفَتِ التَّاءُ لِتَكْوِينِ التَّضْعِيفِ، وَلَوْ كَانَ مَاضِيًا قِيلَ: تَلَطَّثَ. ^١ وَقِيلَ: **(وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى)** إِنَّهُ لَيْسَ ذَلِكَ لِيَدِ سَلَفَتْ يُكَافَى عَلَيْهَا وَلَا لِيَدِ يَتَّخِذُهَا عِنْدَ أَحَدٍ مِنَ الْعِبَادِ.

وَذَكَرَ الرَّجَحَ **(فِي) (إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى)** [طَلَبًا لِشَرْفِ الدِّكْرِ، وَالْمَعْنَى: إِلَّا اللَّهُ، وَيَجُوزُ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ رَبِّهِ. وَقِيلَ: نَزَلَتْ فِي أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ. وَقِيلَ: كَذَّبَ، أَي: قَصَرَ عَمَّا أُمِرَ بِهِ، كَمَا تَقُولُ: لَقِيَ فُلَانٌ الْعَدُوَّ فَكَذَّبَ، إِذَا نَكَلَ وَرَجَعَ، عَنِ الْفَرَاءِ. ^٢ وَكَأَنَّهُ قِيلَ: كَذَّبَ فِي الطَّاعَةِ، أَي: لَمْ يُحَقِّقْ.

وَقَرَأَ ابْنُ كَثِيرٍ فِي إِحْدَى [١١٩١] رَوَايَتَيْهِ: «**نَارًا تَلَطَّى**» بِتَشْدِيدِ التَّاءِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِالتَّخْفِيفِ، وَأَدْعَمَ ابْنُ كَثِيرٍ التَّنْوِينَ فِي التَّاءِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي مُلْكِ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى مِنْ وُجُوبِ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِهِ وَالتَّذَبُّرِ بِتَدْبِيرِهِ، وَمَا فِي الْإِنْدَارِ بِنَارِ تَلَطَّى لِمَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى مِنْ وُجُوبِ الْمُجَانَبَةِ لِلتَّكْذِيبِ بِآيَاتِ اللَّهِ وَالتَّوَلَّى عَنِ الطَّاعَةِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَا فِي حَالِ **(الَّذِي يُوْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى)** طَلَبًا لِمَرَضَاةِ رَبِّهِ الْأَعْلَى مِنْ نَارِ تَلَطَّى، وَالفَوْزِ بِالرِّضْوَانِ الَّذِي يُعْطَى فَوْقَ الْمُنَى.

سُورَةُ وَالصُّحَى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: **(وَالصُّحَى وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى)** وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

يُقَالُ: مَا **(الصُّحَى)**؟ الْجَوَابُ: قِيلَ صَدُرَ النَّهَارِ وَهُوَ الصُّحَى الْمَعْرُوفُ، عَنْ فَتَادَةَ. وَقِيلَ: النَّهَارُ كُلُّهُ مِنْ قَوْلِهِمْ: [١٩١ب] صَحَا فُلَانٌ لِلشَّمْسِ، إِذَا ظَهَرَ لَهَا. وَفِي التَّنْزِيلِ: **(وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا**

١. نقله الطبري أيضاً في جامع البيان، ٤٧٦/٢٤.

٢. معاني القرآن، للفراء، ٢٧٢/٣.

تَضَحَّى ﴿٤﴾. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى **(سَجَى)**؟ الْجَوَابُ: قِيلَ عَشَى بِظُلَامِهِ، عَنِ الْحَسَنِ. وَقِيلَ: هَذَا وَسَكَنٌ، مِنْ قَوْلِهِمْ: بَحْرٌ سَاجٌ، أَيُّ: سَاكِنٌ، عَنْ قَتَادَةَ وَالصَّحَّاحِ. سَجَا يَسْجُو سَجْوًا إِذَا هَدَأَ وَسَكَنَ، وَطُرْفٌ سَاجٌ. قَالَ الْأَعَشَى:

فَمَا ذُنُبْنَا إِنْ جَاشَ بَحْرُ ابْنِ عَمِّكُمْ
وَبَحْرُكَ سَاجٌ لَا يُوَارِي الدَّعَامَصَا^٣

وقال الرَّاجِزُ:

يَا حَبْدَا القَمْرَاءِ واللَّيْلِ السَّاجِ
وَطُرُقٌ مِثْلُ مَلَأِ التَّسَاجِ^٤

وَيُقَالُ: مَا العَائِلُ؟ الجَوَابُ: الفَقِيرُ وَهُوَ ذُو العَيْلَةِ مِنْ عَيْرٍ جَدَّةٍ، عَالٌ يَعِيلُ عَيْلَةً إِذَا كَثُرَ عِيَالُهُ وَافْتَقَرَ. وَقَالَ:

وَمَا يَدْرِي الفَقِيرُ مَتَى غِنَاةُ
وَمَا يَدْرِي العَنِيُّ مَتَى يَعِيلُ^٥

أَيُّ: يَفْتَقِرُ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى **(قَلَى)**؟ الجَوَابُ: أَبْغَضَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالحَسَنِ وَابْنِ زَيْدٍ. وَالْقَالِي: المُبْغِضُ، قَلَاهُ يَقْلَاهُ إِذَا أَبْغَضَهُ،^٦ وَلَيْسَ يَجُوزُ أَنْ يَقْلِي^٧ اللهُ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِهِ بِدَلِيلِ العُقْلِ. وَقِيلَ: إِنَّهُ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُ الوَحْيُ قَالَ قَوْمٌ مِنَ المُشْرِكِينَ: وَدَعَّ مُحَمَّدًا رَبُّهُ وَقَلَاهُ، [١٩٢] فَأَنْزَلَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ يُكَدِّبُهُمْ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَقَتَادَةَ وَالصَّحَّاحِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى **(وَجَدَكَ صَالًا فَهَدَى)**؟ الجَوَابُ: قِيلَ وَجَدَكَ لَا تَعْرِفُ الحَقَّ فَهَذَاكَ إِلَيْهِ، وَقِيلَ: صَالًا عَمَّا أَنْتَ عَلَيْهِ إِلَّا مِنَ التُّبُّوَةِ وَالشَّرِيعَةِ فَدَلَّكَ إِلَيْهَا. وَقِيلَ: فِي قَوْمٍ صُلَالٍ، أَيُّ: فَكَأَنَّكَ وَاحِدٌ

١. طه: ١١٩.

٢. في النسخة: يسجوا.

٣. ديوان الأعشى الكبير، ص ١٥١، وفيه: (أتوعدني) مكان (فما ذنبنا). والبيت في الديرياج، لأبي عبيدة، ص ٩٤؛ وجمهرة اللغة، لابن دريد، ١١٤٨/٢؛ وجامع البيان، للطبري، ٤٨٣/٢٤؛ ورواية الكل مشابهة لرواية الرماني.

٤. ورد البيت في كتاب الألفاظ، لابن السكيت، ص ٢٨٧؛ وأنشده للحادي أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٣٠٢/٢؛ ونقله الطبري في جامع البيان، ٤٨٤/٢٤؛ والزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٣٣٩/٥.

٥. البيت لأحيحة بن الجلاح الأوسي كما في جمهرة أشعار العرب، لأبي زيد القرشي، ص ٥١٨؛ والحماسة، للبحري، ص ٢٦١؛ واستشهد به أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٥٥/١؛ والطبري في جامع البيان، ٣٧٦/٦.

٦. قال ابن خالوية: «يقال: قلاه يقليه إذا أبغضه، ويقال: قلاه يقلاه، يفتح الماضي والمستقبل. وليس في كلام العرب فعل يفتح الماضي والمستقبل فيه مما ليس فيه حرف من حروف الحلق إلا قلى يقلي، وجبى يجبى وسلى

يسلي. [وأبي يأبى]، وغسى يغسى، وركن يركن، عن الشيباني». إعراب ثلاثين سورة، ص ١١٧-١١٨.

٧. في النسخة: أن يقلا.

مِنْهُمْ. وَقِيلَ: مِنْ شُكْرِ النِّعْمَةِ الْحَدِيثِ بِهَا. وَقِيلَ: (مَا وَدَّعَكَ): مَا قَطَعَ الْوَحْيُ عَنْكَ. وَقِيلَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ اعْتَمَّ لَمَّا تَأَخَّرَ الْوَحْيُ عَنْهُ، فَنَزَلَتِ السُّورَةُ. وَقِيلَ: لَهُ فِي الْجَنَّةِ أَلْفُ قَصْرِ مِنَ اللَّوْزِ، تُرَابُهُ الْمِسْكُ، وَفِيهِ مِنْ كُلِّ مَا يَشْتَهِي عَلَى أُمَّةٍ الْوَصْفِ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَلَمْ يَكُنْ صَلَاةً مَعْصِيَةً، لِأَنَّهُ لَيْسَ ذِهَابُهَا عَمَّا كَلَّفَ، وَذَكَرُ النَّعْمِ مِنَ الْمُنْعَمِ يَحْسُنُ عَلَى وَجْهَيْنِ: أَحَدُهُمَا التَّذْكَيرُ بِهَا لِلشُّكْرِ وَطَلَبِ الزِّيَادَةِ مِنْهَا، فَهَذَا جُودٌ وَكَرَمٌ. وَالْآخَرُ عِنْدَ كُفْرِ الْمُنْعَمِ عَلَيْهِ، فَهَذَا التَّذْكَيرُ عَلَى الْوَجْهِ الْأَوَّلِ.

(فَلَا تَقْهَرْ) أَي: لَا تَقْهَرُهُ لِظُلْمِهِ بِأَخْذِ مَالِهِ، وَكَذَلِكَ مَنْ لَا نَاصِرَ لَهُ يُعْلَظُ فِي أَمْرِهِ، وَهُوَ خِطَابٌ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، وَنَهْيٌ لِجَمِيعِ الْمُكَلَّفِينَ. وَالْإِنْتِهَاءُ: اتِّسَاعُ الْأَعْلَاطِ^٢ بِالصِّيَاحِ فِي الْوَجْهِ^٣، نَهْرُهُ وَأَنْتَهَرُهُ بِمَعْنَى. وَقِيلَ: لَا تَقْهَرُهُ عَلَى مَالِهِ.

وَقَدْ تَصَمَّتَ [١٩٢ب] الْآيَاتُ الْبَيَّانَ عَمَّا فِي الْقَسَمِ بِضَحَى التَّهَارِ الْمُضِيِّ اللَّيْلِ السَّاجِي مِنَ التَّشْبِيهِ عَلَى مَا فِيهِمَا مِنَ الْعَبْرِ وَالْحَكْمِ مُؤَكِّدًا بِتَضْرِيْفِ الْقَوْلِ لِعِظَمِ شَأْنِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا وَجَلَالَةِ أَمْرِهِ بِأَنَّهُ تَدْبِيرٌ لَيْسَ كَتَدْبِيرِ الْمَخْلُوقِينَ يَفْتَضِي مُدْبِرًا لَيْسَ كَالْمُدْبِرِينَ مَعَ تَأْكِيدِ الْمُقَسَمِ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا وَدَّعَ نَبِيَّهُ وَلَا قَلِي، بَلْ يَحْفَظُهُ وَيَرْعَاهُ وَيَعُدُّهُ بِأَنَّ الْآخِرَةَ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْأُولَى، وَأَنَّهُ سَوْفَ يُعْطِيهِ مَا يَرْضَى، وَيُذَكِّرُهُ نِعْمَةَ عَلَيْهِ لِتَضْرَفِ الْوُجُوهِ إِلَيْهِ وَلِيُظَلِّبَ الْمَزِيدُ مِنْهُ عَلَى مَا سُهِّلَ لَهُ مِنَ سَبِيلِ الْهُدَى، وَأَخْرَجَهُ عَنِ حَالِ الْفَقْرِ إِلَى الْغِنَى، وَأَدَّبَهُ أَحْسَنَ الْأَدَابِ مِنَ الرِّفْقِ بِالْيَتِيمِ وَتَرَكَ الْإِنْتِهَارَ لِلسَّائِلِ الضَّعِيفِ وَإِظْهَارَ نِعْمَةِ رَبِّهِ فِي صَلَاةِ الْحَدِيثِ، لِيَقْتَدِيَ النَّاسُ بِهِ وَيَجْتَهِدُوا فِي سُلُوكِ طَرِيقِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

سُورَةُ أَلَمْ نَشْرَحْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزُرْكَ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ)

يُقَالُ: مَا الشَّرْحُ؟ الْجَوَابُ: فَتْحُ الشَّيْءِ بِإِذْهَابِ مَا يَصُدُّ عَنْ إِدْرَاكِهِ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ فَتَحَ صَدْرَ نَبِيِّهِ بِإِذْهَابِ الشَّوْاعِلِ الَّتِي تَصُدُّ عَنْ إِدْرَاكِ الْحَقِّ، وَتَعْظِيمِهِ بِمَا يَجِبُ لَهُ؛ وَمِنْهُ: انشَرَحَ صَدْرِي

١. في النسخة: «فَلَا تَقْهَرْ، أَي: لَا تَقْهَرُهُ». فَأَثْبَتْنَاهُ عَلَى مَا وَرَدَ فِي التَّبْيَانِ، لِلطُّوسِيِّ، ٣٧٠/١٠، وَفِي تَفْسِيرِ ابْنِ فُورِكَ.

٢. فِي تَفْسِيرِ ابْنِ فُورِكَ: «إِبْقَاعُ الْأَعْلَاطِ».

٣. ذَكَرَ الْوَاحِدِيُّ كَلَامَ الرَّمَانِيِّ فِي التَّفْسِيرِ الْبَسِيطِ، ١١٥/٢٤ بِقَوْلِهِ: «قَالَ أَهْلُ الْمَعَانِي: وَهُوَ إِسْعَاءُ الْأَعْلَاطِ بِالصِّيَاحِ فِي الْوَجْهِ».

لِهَذَا الْأَمْرِ، وَشَرَحَ فَلَانَ كِتَابَ سَيِّبُونِيهِ وَعَيْرُهُ مِنَ الْكُتُبِ، وَمَنْهُ: تَشْرِيحُ اللَّحْمِ، لِأَنَّهُ فَتَحَهُ بِتَرْقِيهِ، وَمَنْهُ **(أَفَنَ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ)**.

وَيُقَالُ: مَا الصَّدْرُ؟ الْجَوَابُ: الْمَوْضِعُ الْأَرْفَعُ الْأَجْلُ الَّذِي فِيهِ الْقَلْبُ، وَمِنْهُ أَخَذَ صَدْرَ الْمَجْلِسِ تَشْبِيهاً بِصَدْرِ الْإِنْسَانِ؛ وَصَدْرْتُ بِذِكْرِ كَذَا إِذَا جَعَلْتَهُ فِي أَوَّلِ كَلَامِكَ؛ وَالْمَصْدَرُ لِأَنَّ الْإِبِلَ تَصْدُرُ عَنْهُ كَمَا يَصْدُرُ التَّدْبِيرُ عَنِ الْقَلْبِ، وَصَادَرَهُ إِذَا أَخَذَ مَا يَصْدُرُ عَنْهُ، وَالْأَصْلُ فِيهِ الْإِنْصِرَافُ عَنِ الشَّيْءِ.

وَيُقَالُ: مَا الْوِزْرُ؟ الْجَوَابُ: الثَّقُلُ، وَمِنْهُ الْوِزِيرُ، لِأَنَّهُ يَحْمِلُ الثَّقَلَ عَنِ الْمَلِكِ، وَالْأَوْزَارُ: الدُّنُوبُ لِأَنَّهَا أَثْقَالٌ، وَمِنْهُ: **(لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضَلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ)**.^٢ وَيُقَالُ: مَا الْأَنْقَاضُ؟ الْجَوَابُ: الْأَثْقَالُ الَّذِي كَادَ يَنْتَقِضُ بِهِ مَا حُمِلَ عَلَيْهِ؛ أَنْقَضَ يُنْقِضُ أَنْقَاضاً، وَالنَّقْضُ وَالنَّهْدُ مِنَ التَّطَايُرِ، وَقِيلَ: هُوَ [١٩٣ب] إِنْطَالُ الْبِنَاءِ بِالتَّفْرِيقِ؛ وَنَقْضُ الْمَذْهَبِ: إِنْطَالُهُ بِمَا يُفْسِدُهُ.

وَيُقَالُ: مَا الْفَرَاغُ؟ الْجَوَابُ: انْتِفَاءُ كَوْنِ الشَّيْءِ الْمُضَادِّ لِكَوْنِ غَيْرِهِ فِي الْمَحَلِّ، وَتَقْيِضُهُ الشُّغْلُ، وَهُوَ كَوْنُ الشَّيْءِ الْمُضَادِّ فِي الْمَحَلِّ، وَذَلِكَ وَاضِحٌ فِي شُغْلِ الْإِنَاءِ أَوْ فَرَاغِهِ، وَمِنْهُ أَخَذَ شُغْلُ الْأَفْعَالِ، وَلِهَذَا وَصَفَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ بِأَنَّهُ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنِ شَأْنٍ، لِأَنَّهُ يَخْتَرِعُ مَا شَاءَ مِنَ الْأَفْعَالِ. وَيُقَالُ: **(وَوَزَرَكَ)**: دَنَبَكَ، عَنِ مُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَالصَّحَّاحِ وَابْنِ زَيْدٍ. وَقَالَ الْحَسَنُ: الْوِزْرُ: الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ قَبْلَ النَّبُوَّةِ. وَأَنْقَضَ: أَثَقَلَ، عَنِ الْحَسَنِ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَابْنِ زَيْدٍ. وَبَعِيرٌ نَقْضٌ سَفَرٌ: إِذَا أَثَقَلَهُ السَّفَرُ.

وَقِيلَ: **(وَوَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ)** بِأَنِّي لَا أَذْكَرُ إِلَّا ذُكِّرْتُ بِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ. وَفِي حَدِيثِ مَرْفُوعٍ: «لَنْ يَغْلِبَ عُسْرُ يُسْرَيْنِ». وَوَجْهُ ذَلِكَ أَنَّ الْعُسْرَ مُعَرَّفٌ، فَهُوَ وَاحِدٌ لِأَنَّهُ ذَلِكَ الْمُعَرَّفُ بِعَيْنِهِ، وَالْيُسْرُ مُنْكَرٌ فِي تَثْنِيَّتِهِ الْعَائِدَةِ، وَالثَّانِي فِيهِ غَيْرُ الْأَوَّلِ. وَقِيلَ: إِذَا فَرَعْتَ مِنْ فَرَضِكَ فَانْصَبْ إِلَى مَا رَغَبْتَ فِيهِ مِنَ الْعَمَلِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: إِذَا فَرَعْتَ مِنْ جِهَادٍ أَعْدَائِكَ فَانْصَبْ إِلَى رَبِّكَ فِي الدُّعَاءِ، عَنِ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: [١٩٤أ] **(فَإِذَا فَرَعْتَ)** مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكَ **(فَإِنْصَبْ)** إِلَى عِبَادَةِ رَبِّكَ، عَنِ مُجَاهِدٍ.

وَإِنَّمَا وَصِفَتْ ذُنُوبُ الْأَنْبِيَاءِ بِهَذَا الثَّقُلِ مَعَ أَنَّهَا صَعَائِرٌ مَغْفُورَةٌ لِشِدَّةِ اعْتِمَادِهِمْ بِهَا، وَتَحَسُّرِهِمْ عَلَى وُقُوعِهَا مَعَ نَدَمِهِمْ عَلَيْهَا. **(فَإِذَا فَرَعْتَ فَانْصَبْ)** خِطَابٌ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، وَالْمُرَادُ جَمِيعُ الْخَلْقِ الْمُكَلَّفِينَ مِنْ أُمَّتِهِ.

١. الرُّمَرُ: ٢٢.

٢. النحل: ٢٥. ورد في النسخة: «يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ وَأَوْزَاراً مَعَ أَوْزَارِهِمْ».

٣. تفسير عبد الرزاق، ٤٣٨/٣؛ جامع البيان، للطبري، ٤٩٦/٢٤. موطأ مالك، ٦٣٣/٣.

وَقَدْ نَصَمَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي شَرْحِ الصَّدْرِ لِلْعَمَلِ بِالْحَقِّ وَوَضَعَ الْوِزْرَ الَّذِي أَنْثَلَ الظَّهْرَ وَرَفَعَ الدِّكْرَ مِنَ النِّعْمَةِ الَّتِي تُوجِبُ الشُّكْرَ بِحَسَبِ جَلَالِهِ هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي جُمِعَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، وَنَاهِيكَ بِهَذَا الْفَخْرِ، وَذَكَرَ بِهِ لِيَطْلُبَ الْمَزِيدَ مِنْ رَبِّهِ وَيَعْلَمَ مَنْزِلَتَهُ عِنْدَهُ وَيَطْلُبَ مَا أَدَّى إِلَى مِثْلِهِ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَا فِي الْعُسْرِ فِي الدُّنْيَا مِنْ انْعِقَادِهِ بِئْسَرٍ يَأْتِي عَلَى سَرَائِطِ الْحِكْمَةِ بِوَعْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ، وَمَا فِي الْإِنْتِصَابِ لِلْعَمَلِ بِالطَّاعَةِ فِي النَّافِلَةِ عِنْدَ الْفَرَاغِ مِنْ أَمْرِ الْفَرِيضَةِ، رَغْبَةً فِيمَا رَعَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ، مِنْ بُلُوغِ الْمُنَى - وَفَوْقَ الْمُنَى - بِمَا لَيْسَ لَهُ مُنْتَهَى.^٢

سُورَةُ وَالتَّيْنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ [١٩٤ب] فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (وَالتَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ وَطُورِ سِينِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ بِالذِّينِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ)

يُقَالُ: مَا التَّيْنُ؟ الْجَوَابُ: ثَمَرُ شَجَرَةٍ كَالْحَبِيبِ مُهَيَّأَةً عَلَى التَّدْوِيرِ، مُخْلِصَةً مِنْ شَائِبِ التَّنْعِيصِ، وَفِي ذَلِكَ أَعْظَمُ الْعِبْرَةِ لِمَنْ^٣ هَيَّأَهَا عَلَى تِلْكَ الصِّفَةِ وَخَلَصَهَا لِتَكَامُلِ الدُّدَّةِ، وَجَعَلَهَا عَلَى مِقْدَارِ اللُّقْمَةِ فِي حُسْنِ صُورَةٍ، ثُمَّ مَا فِيهِ مِنَ الْمَنْفَعَةِ بِإِخْرَاجِ فُضُولِ الْبَدَنِ وَإِزْلَاقِ الثَّقَلِ وَجُودَةِ الْغَدَاءِ، فَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْمُنْعِمُ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ، وَالْمُنْتَبَهُ عَلَى مَا فِيهِ، لِيَشْكُرُوهُ عَلَيْهِ وَيَعْتَبِرُوا بِهِ وَيَتَفَكَّرُوا فِي عَظَمِ شَأْنِهِ.

وَيُقَالُ: مَا الزَّيْتُونُ؟ الْجَوَابُ: ثَمَرَةُ شَجَرَةٍ بَعْتَصِرُ مِنْهَا الزَّيْتُ الَّذِي بِهِ قِوَامُ الْمَنْفَعَةِ الدَّائِرَةِ فِي أَكْثَرِ الْأَطْعَمَةِ مَعَ الْأَضْطَبَاغِ بِهِ وَالْإِدْهَانَ وَاتِّخَاذِ الصَّابُونِ الَّذِي يَجْرِي مَجْرَى الْقُوتِ لِأَهْلِ الْعَقْلِ وَالذِّينِ، ثُمَّ مَا فِي شَجَرِهِ مِنْ أَنَّهُ مَالٌ يَبْقَى عَلَى مُرُورِ الزَّمَانِ، ثُمَّ مَا فِيهِ مِنَ الطَّيِّبِ وَإِصْلَاحِ الْغَدَاءِ [١٩٥أ] إِذَا يُؤُولُ عَلَى الْحَالِ الْأُولَى.

وَيُقَالُ: مَا الْحُكْمُ؟ الْجَوَابُ: الْحَبْرُ عَمَّا فِيهِ فَائِدَةٌ مِمَّا يَدْعُو إِلَى الْحِكْمَةِ، وَإِذَا قِيلَ حُكْمٌ جَائِزٌ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ حُجَّةٍ دَاخِصَةٍ عَلَى الْإِسْتِعَارَةِ، وَأَنَّهُ حُكْمٌ عِنْدَ صَاحِبِهِ كَمَا أَنَّهَا حُجَّةٌ عِنْدَهُ، وَلَيْسَتْ حُجَّةً

١. في البرهان في علوم القرآن، للحوفي: «صلى الله عليه وآله».

٢. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ٨-١٩.

٣. في النسخة: «من»؛ فأثبتناه على ما ورد في تفسير ابن فورك.

٤. في النسخة: «ليشكروا»؛ فأثبتناه على ما ورد في تفسير ابن فورك.

فِي الْحَقِيقَةِ. وَقِيلَ: أَخَكَمَ الْحَاكِمِينَ صُنْعًا. وَيُقَالُ: مَا طُورَ سِينِينَ؟ الْجَوَابُ: الْجَبَلُ الَّذِي كَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنِ الْحَسَنِ. فَهُوَ عَظِيمُ الشَّانِ لِهَذَا الْمَعْنَى. وَقِيلَ: (سِينِينَ) بِمَعْنَى حَسَنِ، لِأَنَّهُ كَثِيرُ الثَّبَاتِ وَالشَّجَرِ، عَنِ عِكْرَمَةَ.

وَيُقَالُ: مَا التَّقْوِيمُ؟ الْجَوَابُ: تَصْيِيرُ الشَّيْءِ عَلَى مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ فِي التَّأْلِيفِ وَالتَّعْدِيلِ؛ فَوَمَهُ تَقْوِيمًا وَاسْتِقَامًا وَتَقْوَمًا. وَقِيلَ: التَّيْنُ: الَّذِي يُؤْكَلُ، وَالرَّيْتُونُ: الَّذِي يُعَصَّرُ، عَنِ الْحَسَنِ وَمُجَاهِدٍ وَعِكْرَمَةَ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: التَّيْنُ: مَسْجِدُ دِمَشْقَ، وَالرَّيْتُونُ: بَيْتُ الْمَقْدِسِ، عَنِ ابْنِ زَيْدٍ. وَقِيلَ: (وَالتَّيْنُ): مَسْجِدُ نُوحٍ، (وَالرَّيْتُونُ): بَيْتُ الْمَقْدِسِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، وَالْأَوَّلُ هُوَ الظَّاهِرُ. وَقِيلَ: طُورُ سِينِينَ بِمَعْنَى مُبَارَكٍ، عَنِ مُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ. وَكَأَنَّهُ قِيلَ: جَبَلُ الخَيْرِ الكَثِيرِ، لِأَنَّهُ إِضَافَةٌ تَعْرِيفٍ، (وَالْبَلَدِ الْأَمِينِ) [١٩٥ب] مَكَّةَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَابْنِ زَيْدٍ وَإِبْرَاهِيمَ [التَّخَعُّبِي]. وَالْأَمِينُ بِمَعْنَى آمِنٍ، كَمَا قَالَ جَلَّ وَعَزَّ: (أَوَّلُ يَرَوْنَا أَنَا جَعَلْنَا بَلَدًا حَرَمًا آمِنًا)٢. وَقَالَ الشَّاعِرُ:

أَلَمْ تَعْلَمِي يَا أَسْمَ وَيَحْكُ أَنْبِي حَلَفْتُ يَمِينًا لَا أَخُونُ أَمِينِي ٣

يُرِيدُ أَمِينِي.

وَقِيلَ: (فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ): فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ، عَنِ إِبْرَاهِيمَ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: (ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ): أَرَدَلِ الْعُمَرِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: (ثُمَّ رَدَدْنَاهُ) إِلَى النَّارِ فِي أَفْبَحِ صُورَةٍ، عَنِ الْحَسَنِ وَمُجَاهِدٍ وَابْنِ زَيْدٍ. وَقِيلَ: (عَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ): غَيْرُ مَنْقُوصٍ، وَقِيلَ: غَيْرُ مَقْطُوعٍ، وَقِيلَ: غَيْرُ مَحْسُوبٍ، عَنِ مُجَاهِدٍ.

وَقِيلَ: (فَمَا يُكَذِّبُكَ) أَيُّهَا الرَّسُولُ بَعْدَهَا (بِالذِّينِ)، عَنِ قَتَادَةَ: (بِالذِّينِ)، أَيُّ: بِالْجَزَاءِ وَالْحِسَابِ، عَنِ الْحَسَنِ وَعِكْرَمَةَ. وَقِيلَ: (أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ): مُنْتَصِبُ الْقَامَةِ، وَسَائِرُ الْحَيَوَانَ مُنْكَبٌ إِلَّا الْإِنْسَانَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: (غَيْرُ مَمْنُونٍ): غَيْرُ مُكَدَّرٍ بِمَا يُؤْذِي وَيُغْمُ. وَقِيلَ: (أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ) صُنْعًا وَتَدْبِيرًا، لِأَنَّهُ لَا حَلَلَ فِيهِ وَلَا [١٩٦أ] اضْطِرَابَ يَخْرُجُ عَمَّا تَقْتَضِيهِ الْحِكْمَةُ؛ وَفِي الْآيَةِ دَلَالَةٌ عَلَى فَسَادِ مَذْهَبِ الْمُجَبَّرَةِ فِي خَلْقِ الظُّلْمِ وَالْفَسَادِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْقَسَمِ بِ(التَّيْنِ وَالرَّيْتُونِ وَطُورِ سِينِينَ) الْجَبَلِ الْعَظِيمِ، (وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) مِنَ التَّنْبِيهِ عَلَى مَوْجِعِ الْعِبْرَةِ وَاللِّعْمَةِ مَعَ تَأْكِيدِ الْمُقْسَمِ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِ (الْإِنْسَانَ فِي

١. فِي النسخة: الطور.

٢. العنكبوت: ٦٧.

٣. أشده الفراء من غير عزو في معاني القرآن، ٢٧٦/٣؛ وورد البيت في جامع البيان، للطبري، ٥٠٨/٢٤؛ وتهذيب اللغة، للأزهري، ٣٦٧/١٥؛ والأضداد، لابن الأنباري، ص ٣٤.

أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ) ثُمَّ رَدَّهُ إِلَى (أَسْفَلَ سَافِلِينَ) بِالْإِنْتِقَاضِ وَالْتَعْيِيرِ، إِلَّا الْمُؤْمِنَ الْعَامِلَ الصَّالِحَاتِ فَإِنَّهُ يُرْفَعُ إِلَى عَلِيَيْنَ لِيَتَمَسَّكَهُ بِالَّذِينَ لَدَى أَمْرِهِ أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.

سُورَةُ أَقْرَأُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ أَقْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَى إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى)

يُقَالُ: لَمْ وَجَبَ أَنْ فِي تَعْظِيمِ الْإِسْمِ تَعْظِيمِ الْمُسَمَّى، وَلَمْ يَجِبْ فِي تَعْظِيمِ الْفِعْلِ [١٩٦ب] تَعْظِيمُ الْفَاعِلِ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّ الْإِسْمَ ذَكَرَ لِلشَّيْءِ يَخْتَصُّ لَا سَبِيلَ إِلَى تَعْظِيمِهِ إِلَّا بِمَعْنَاهُ، وَلَا وَجْهَ لَهُ إِلَّا بِهِ، وَقَدْ يُعْظَمُ الْفِعْلُ لِلْحَاجَةِ إِلَيْهِ فِي نَفْسِهِ مِنْ غَيْرِ مَعْرِفَةٍ لِلْفَاعِلِ كحَاجَةِ الْإِنْسَانِ إِلَى الْمَالِ وَإِنْ كَانَ مُلْحِدًا لَا يَعْرِفُ الْمُنْعَمَ بِهِ وَالرَّازِقَ لَهُ، وَهُوَ لَا يُعْظَمُ اسْمُ رَبِّهِ بِعَظِيمَةٍ إِلَّا وَهُوَ عَارِفٌ بِهِ وَمُعْتَقِدٌ لِعِبَادَةِ رَبِّهِ، فَهُوَ مُعْتَقِدٌ بِتَعْظِيمِ الْمُسَمَّى، وَلَا وَجْهَ لَهُ يُعْتَدُّ بِهِ إِلَّا تَعْظِيمَ الْمُسَمَّى، وَلِهَذَا قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ: (قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى). وَقَالَ: (تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ)^١، وَقَالَ: (سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى).

وَيُقَالُ: مَا الْعَلَقُ؟ الْجَوَابُ: قَطْعُ الدَّمِ الَّتِي تَعْلَقُ لِرُطُوبَتِهَا بِمَا تَمُرُّ عَلَيْهِ فَإِذَا جَفَّتْ لَمْ تَكُنْ عَلَقًا، وَاحِدًا عَلَقَةً، وَوُسْمَى ضَرْبٌ مِنَ الدُّودِ الْأَسْوَدِ عَلَقًا، لِأَنَّهُ يُعَلِّقُ عَلَى الشَّفَتَيْنِ^٣ لِدَاءٍ يُصِيبُهَا فَيَمُصُّ الدَّمَّ، وَفِي خَلْقِ الْإِنْسَانِ مِنْ عَلَقٍ ذَلِيلٌ عَلَى مَا يَصْحُحُ أَنْ يَنْقَلِبَ إِلَيْهِ الْجَوْهَرُ.

وَيُقَالُ: مَا (الْأَكْرَمُ)؟ الْجَوَابُ: الْأَعْظَمُ كَرَمًا، وَهُوَ فِي صِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ الْأَعْظَمُ كَرَمًا بِمَا لَا يَبْلُغُهُ كَرَمٌ كَرِيمٌ، إِذْ يُعْطَى مِنَ النِّعْمَةِ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَى مِثْلِهِ غَيْرُهُ، فَكُلُّ نِعْمَةٍ بِالْإِخْتِرَاعِ لَهَا [١٩٧أ] أَوْ التَّنْسِيبِ إِلَيْهَا، فَمَنْ عَلَّقَ أَمَالَهُ بِسِوَى كَرَمِهِ فَقَدْ ضَيَّعَهَا وَرَجَعَ يَخْبِئُهَا وَلَا يُعْتَدُّ بِصَنِيعِهِ إِنْ نَالَهَا.

١. الإسراء: ١١٠.

٢. الرحمن: ٧٨.

٣. في النسخة: «السفتين»؛ فأثبتناه على ما ورد في تفسير التبيان، للطوسي، ٣٧٩/١٠.

وَيُقَالُ: مَا الْقَلَمُ الْجَوَابُ: أَنْبُوتٌ مُهَيَّأَةٌ لِلْكِتَابَةِ وَهُوَ أَلَّةٌ مُهَيَّأَةٌ بِالْبَرِّيِّ^١ وَالْقَطِطِ لِلْكِتَابَةِ. وَقَدْ نَوَّهَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ بِالْقَلَمِ إِذْ ذَكَرَهُ فِي كِتَابِهِ مُعْتَدًّا بِهِ فِي نِعَمِهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَلَعَمْرِي إِنَّهُ لَعَظِيمُ الشَّانِ بِمَا فِيهِ مِنَ الْإِنْتِفَاعِ،^٢ وَقَدْ وَصَفَهُ بَعْضُ الشُّعْرَاءِ، فَقَالَ:

لُعَابُ الْأَفَاعِي الْقَاتِلَاتِ لِعَابُهُ وَأَزْيُ الْجَنَى اشْتَارَتْهُ أَيْدٍ عَوَاسِلُ^٣

وَيُقَالُ: مَا فِي الْعِلْمِ مِنَ الدَّلِيلِ عَلَى الْقَدِيمِ جَلٌّ وَعَزٌّ؟ الْجَوَابُ: إِنَّ الْعِلْمَ لَا سَبِيلَ إِلَى إِجْبَادِهِ عَلَى ثِقَةِ الْعَاقِلِ بِهِ إِلَّا مِنْ عَالِمٍ بِهِ أَوْ مَدْلُولٍ عَلَيْهِ بِمَا يُوجِبُ الثِّقَةَ بِهِ، فَلَوْلَا أَنَّ الْقَدِيمَ فَعَلَهُ بِالضَّرُورَةِ إِلَيْهِ أَوْ نَصَبَ الدَّلِيلَ عَلَيْهِ لَمْ يَكُنْ سَبِيلًا إِلَى وُجُودِهِ، وَلِذَلِكَ ذُكِرَ بِالنِّعْمَةِ فِيهِ، فَقَالَ: **(عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ)** أَي: بِالضَّرُورَةِ إِلَيْهِ أَوْ نَصَبَ الدَّلِيلَ عَلَيْهِ، وَإِنَّمَا قِيلَ عَلَّقَ فِي مَعْنَى جَمَعَ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ جَمَعَ عَلَى طَرِيقِ الْجِنْسِ، وَعَلَّقَهُ وَعَلَّقَ كَقَوْلِكَ: شَجَرَةٌ وَشَجَرٌ وَقَصَبَةٌ وَقَصَبٌ.

وَقِيلَ: أَوَّلُ مَا أَنْزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ **(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ)** [١٩٧ب] عَنْ عَائِشَةَ وَمُجَاهِدٍ وَعَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ. وَيَجُوزُ فِي **(أَنْ رَأَى اسْتَغْنَى)** مِنْ رُؤْيَا الْقَلْبِ بِمَعْنَى الْعِلْمِ، وَلَا يَجُوزُ **(رَأَى)** مِنْ رُؤْيَا الْعَيْنِ حَتَّى يَقُولَ رَأَى نَفْسَهُ لِأَنَّ التَّحْتَاجَ إِلَى خَبَرٍ جَازٍ فِيهَا الضَّمِيرُ الْمُتَّصِلُ لِطَوْلِ الْكَلَامِ بِلُزُومِ الْمَفْعُولِ الثَّانِي. وَالتَّنْظُفَةُ تَسْتَحِيلُ فِي الرَّجْمِ عِلْقَةً ثُمَّ مُضَعَّةً. وَقِيلَ: **(اقْرَأ الْقُرْآنَ (وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ))** الَّذِي تَبَتَّتْكَ عَلَى عَمَلِكَ بِمَا يَقْتَضِيهِ كَرَمُهُ.

وَقَرَأَ أَبُو عَمْرٍو **(رَأَى آيَةً)** يَفْتَحُ الرَّاءَ وَكَسَرَ الهمزةَ. وَقَرَأَ نَافِعٌ وَحَفْصٌ عَنْ عَاصِمٍ: **(رَأَى)** بِالْفَتْحِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ **(رِءَاهُ)** بِكَسْرِ الرَّاءِ وَبَعْدَ الهمزةِ أَلْفٌ فِي وَزْنِ رِءَاهُ، وَذَلِكَ عَلَى إِمَالَةِ الْفَتْحَةِ، وَأَبُو عَمْرٍو يُبَيِّلُ الْأَلْفَ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيِّنَاتُ عَنِ الْقِرَاءَةِ بِاسْمِ الرَّبِّ خَالِقِ الْإِنْسَانِ وَجَمِيعِ الْحَيَوَانِ، **(الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ)** مِنْ حَوْزِ الْحِكْمِ وَافْتِتَاسِ الثُّورِ الْأَعْظَمِ الْمُؤَدِّي إِلَى حَقِّ النَّعْمِ فِي حَالِ الْإِنْسَانِ مَعَ ذَلِكَ عِنْدَ الْعُنَى مِنَ الطَّغْيَانِ الْمُؤَدِّي إِلَى الْكُفْرَانِ، وَمَا فِي تَذَكِيرِهِ بِالرُّجُوعِ إِلَيْهِ بِاللُّحْذِيرِ مِنَ الْعِصْيَانِ^٤ الْمُؤَدِّي إِلَى النَّارِ.

١. في تفسير ابن فورك: «بالبراء».

٢. في النسخة: «باسمه»، وهذا سهو الكاتب. والصحيح ما أثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣٧٩/١٠، وفي التفسير البسيط، للواحدي، ١٧/٢٤.

٣. ذكر الواحدي نص كلام الرماني في التفسير البسيط، ١٧٠/٢٤، بقوله: «وقال أهل المعاني...».

٤. لأبي تمام الطائي، يصف القلم، من قصيدة يمدح بها محمد بن عبد الملك الزيات. قال الشريف المرتضى: «وأجمع العلماء أن هذه الأبيات أحسن وأفخم من جميع ما قيل في القلم». أمالي المرتضى، ٥٣٦/١. انظر أيضاً:

الحيوان، للجاحظ، ٤٨/١؛ وعيون الأخبار، لابن قتيبة، ١٠٨/١.

٥. في حاشية النسخة: الطغيان.

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَىٰ أَرَأَيْتَ [١٩٨] إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ أَمْ يَعْلَمُ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهَ لِنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ كَلَّا لَا تَطِعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾

يُقَالُ: مَا الْهُدَىٰ؟ الْجَوَابُ: الْبَيَانُ عَنِ الطَّرِيقِ الْمُؤَدِّي إِلَى الْغَرَضِ الْحَكِيمِيِّ؛ هَدَاهُ إِلَى الْحَقِّ فِي الدِّينِ، يَهْدِيهِ، هُدًى؛ وَالْعَمَلُ بِالْبَيَانِ عَلَى طَرِيقِ الرُّشْدِ: هُدًى، فَكَذَلِكَ اللَّطْفُ فِيهِ. وَيُقَالُ: مَا التَّقْوَىٰ؟ الْجَوَابُ: تَجَنُّبُ مَا يُؤَدِّي إِلَى الرَّدْيِ، ^١ اتِّقَاءَهُ اتِّقَاءً وَتَقْوًى، وَالْأَصْلُ وَثِيماً، أُبْدِلَتْ الْوَاوُ تَاءً وَالْيَاءُ وَوَاوٍ لِأَنَّ التَّاءَ أَحْسَنُ أَوْلَا مِنْ الْوَاوِ مَعَ مُنَاسَبَتِهَا لَهَا بِالْقُرْبِ وَاتِّسَاعِ الْمَخْرَجِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى ﴿لِنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ﴾؟ الْجَوَابُ: لِنَعْتِرَنَّ بِهَا إِلَى حَالِ تَشْوِيهِ؛ سَفَعْتُهُ النَّارُ وَالشَّمْسُ الَّذِي غَيَّرَتْ وَجْهَهُ إِلَى حَالِ تَشْوِيهِ. وَقِيلَ: هُوَ الْجُرُّ بِالنَّاصِيَةِ إِلَى النَّارِ. وَيُقَالُ: مَا النَّاصِيَةُ؟ الْجَوَابُ: شَعْرٌ مُقَدَّمُ الرَّأْسِ، وَهُوَ مِنْ نَاصَى يُنَاصِي مُنَاصَاةً إِذَا وَاصَلَ. وَقَالَ الرَّاجِزُ [العجاج]:

[وَبَلَدَةٌ نِيَاظُهَا نَطِيٌّ] فِي تَنَاصِيهَا بِلَادٌ قِيٌّ ^٢

وَالنَّاصِيَةُ مُتَّصِلَةٌ بِشَعْرِ الرَّأْسِ.

وَيُقَالُ: مَا النَّادِي؟ الْجَوَابُ: مَجْلِسُ أَهْلِ التَّنَادَى وَالْجُودِ، ^٣ فَهَذَا أَصْلُهُ، وَالْمَعْنَى: [١٩٨ب] فَلْيَدْعُ أَهْلَ نَادِيهِ لِيَعَاوَنُوهُ، ^٤ فَإِنَّا نَدْعُو الزَّبَانِيَةَ لِيَأْخُذُوهُ. وَهَذَا وَعِيدٌ وَتَهْدِيدٌ شَدِيدٌ. وَقِيلَ: نَزَلَتْ فِي أَبِي جَهْلٍ لَعْنَةُ اللَّهِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَقَتَادَةَ وَمُجَاهِدٍ. وَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا قَالَ لَهُ أَبُو جَهْلٍ: «أَلَمْ أَنْهَكَ عَنِ الصَّلَاةِ» انْتَهَرَهُ وَأَعْلَظَ لَهُ، ^٥ فَقَالَ أَبُو جَهْلٍ: «أَنَا أَكْبَرُ أَهْلَ هَذَا الْوَادِي نَادِيًا»، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: الزَّبَانِيَةُ: الْمَلَانِكَةُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَقَتَادَةَ وَمُجَاهِدٍ وَالصَّحَّاحِ. وَالرُّبْنُ: الدَّفْعُ، وَالنَّاقَةُ تَرْبِي أَوْلَادَهَا بِرِجْلِهَا، قَالَ الشَّاعِرُ:

١. في التبيان، للطوسي (٢٨٢/١٠): وكذلك باللفظ فيه.

٢. ورد في تفسير ابن فورك: «إلى الأذى»، وفي التبيان، للطوسي: «إلى الردي».

٣. عجز بيت للعجاج، صدره: «وَبَلَدَةٌ نِيَاظُهَا نَطِيٌّ». انظر: ديوان العجاج، ٤٩٥/١. والبيت في العين، للخليل، ٢٣٧/٥؛ وتهذيب اللغة، للأزهري، ٢٧٥/٩؛ واستشهد به أبو عبيد في غريب الحديث، ١٠٣/٤؛ وابن الأباري في

الزاهر في معاني كلمات الناس، ٣٩٠/٢.

٤. في تفسير ابن فورك: أهل النعماء والوجود.

٥. في النسخة: ليعاونونه.

٦. في النسخة: ندعوا.

٧. في تفسير ابن فورك: غلظ له.

وَمُسْتَعَجِبٍ مِمَّا يَرَى مِنْ أَنَاتِنَا وَلَوْ زَبْنَتْهُ الْحَرْبُ لَمْ يَتَرَمَّرْ

وَقَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ: وَاحِدُ الرَّبَانِيَّةِ: زُبْنِيَّةٌ. وَقَالَ الْكِسَائِيُّ: وَاحِدُهُمْ زُبْنِيٌّ. وَقَالَ الْأَخْفَشُ: وَاحِدُهُمْ زَابِنٌ. وَقِيلَ: زُبْنِيَّةٌ، وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ اسْمًا لِلْجَمْعِ مِثْلَ أَبِي بَلٍ. وَقَالَ أَرَأَيْتَ الَّذِي فَعَلَ هَذَا الْفِعْلَ مَا الَّذِي يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ مِنَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ مِنَ الْعِقَابِ؟

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي نَهْيِ الْإِنْسَانِ أَنْ يُصَلِّيَ سَالِكًا لِطَرِيقِ الْهُدَى، مَعَ أَمْرِهِ بِالتَّقْوَى مِنْ خِزْيِ النَّاهِي فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَمَا فِي التَّكْذِيبِ وَالتَّوَلَّى عَنِ الْحَقِّ الَّذِي يَدْعُو^٢ إِلَيْهِ [١٩٩أ] الْعُقْلُ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَرَى عَمَلِ صَاحِبِهِ بِمَا عَنْهُ نَهَى، مِنْ أَخْذِهِ بِالنَّاصِيَةِ الْكَاذِبَةِ الْخَاطِئَةِ مَعَ إِهَانَتِهِ بِعِضْيَانِهِ وَمُقَابَلَتِهِ مَا نَهَى عَنْهُ بِالصِّدْقِ عَنْهُ.

سُورَةُ الْقَدْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا يَأْذِنُ رَّبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ)

يُقَالُ: مَا الْقَدْرُ؟ الْجَوَابُ: كَوْنُ الشَّيْءِ عَلَى مُسَاوَاةٍ غَيْرِهِ مِنْ غَيْرِ زِيَادَةٍ وَلَا نَقْصٍ، فَبِئْسَ (لَيْلَةُ الْقَدْرِ) تُجَدِّدُ الْأُمُورَ عَلَى مَقَادِيرٍ مَا جَعَلَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَجَالِ وَالْأَزْوَاقِ وَالْمَوَاهِبِ الَّتِي يَجْعَلُهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْعِبَادِ وَيَقَعُ فِيهَا غُفْرَانُ السَّيِّئَاتِ بِعِظَمِ مَثْرَلَةِ الْحَسَنَاتِ عَلَى مَا لَا يَقَعُ فِي لَيْلَةٍ مِنَ اللَّيَالِي، فَيُنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَرْغَبَ إِلَى مَا رَغِبَهُ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ بِالْمُبَادَرَةِ إِلَى مَا أَمَرَ بِهِ عَلَى مَا شَرَطَ فِيهِ.

وَيُقَالُ: بِأَيِّ شَيْءٍ تُفْضَلُ بَعْضُ الْأَوْقَاتِ عَلَى بَعْضٍ؟ الْجَوَابُ: بِمَا يَكُونُ مِنَ الْخَيْرِ الْكَثِيرِ وَالتَّنْفَعِ الْجَزِيلِ، فَلَمَّا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْخَيْرَ الْكَثِيرَ يَقْسَمُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بِمَا لَا [١٩٩ب] مِثْلُهُ فِي أَلْفِ شَهْرٍ كَانَتْ أَفْضَلَ مِنْهُ بِمَا جَعَلَ اللَّهُ لَهَا مِنْ هَذَا الْمَعْنَى^٣. وَيُقَالُ: مَا الشَّهْرُ؟ الْجَوَابُ: قَدْرُ عَدَدِ الْأَيَّامِ عَلَى أَوَّلِ طُلُوعِ الْهَيْلَالِ بَعْدَ الْإِسْتِشْرَارِ، أَوْ عَدَدِ الثَّلَاثِينَ عَلَى مَا هُوَ مَشْهُورٌ بَيْنَ الْعِبَادِ؛ مِنْ الشَّهْرَةِ فِي النَّاسِ أَخَذَ الشَّهْرُ لِحَاجَتِهِمْ إِلَى ذَلِكَ فِي أَكْثَرِ مَعَامَلَاتِهِمُ الَّتِي تَمْتَضِي الْمَشَاهِرَاتِ.

٤٩٦

آيَةُ بِرُوهَش | ٢١٥

سَال ٣٥ | سَمَارَه ٦

بِهْمَن وَاسْتَفْنَد ١٤٥٣

١. البيت لأوس بن حجر، وهو في ديوانه (تحقيق محمد يوسف نجم)، ص ١٢١؛ ذكره ابن قتيبة في غريب القرآن، ص ٣٦٩؛

والمبرد في الكامل، ٢٧٤/٣؛ وأبو علي الفارسي في الحجة للقراء السبعة، ٣٥٢/١؛ وابن فارس في مقاييس اللغة، ٢٤٤/٤.

٢. في النسخة: يدعوا.

٣. ذكر الواحدي كلام الرماني مع تصرف يسير في التفسير البسيط، ١٩٤/٢٤، بقوله: «وقال أهل المعاني...».

وَيُقَالُ: مَا تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ بِكُلِّ أَمْرٍ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؟ الْجَوَابُ: هُبُوطُهُمْ بِذَلِكَ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حَتَّى يَعْلَمَهُ أَهْلُ سَمَاءِ الدُّنْيَا، وَحَتَّى يَتَّصِرَهُ الْعِبَادُ يُنَزَّلُ بِأَمْرِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ إِلَيْهَا، فَتَنْصَرِفُ آمَالُهُمْ إِلَى مَا يَكُونُ مِنْهَا وَيَقْوَى رَجَاؤُهُمْ بِمَا يَتَّجِدُّ مِنْ تَفْضِيلِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ فِيهَا.

وَيُقَالُ: مَا السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ)؟ الْجَوَابُ: سَلَامُ الْمَلَائِكَةِ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَيَجُوزُ نُزُولُهَا بِالسَّلَامَةِ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ إِلَى تِلْكَ السَّاعَةِ. وَقِيلَ: أَنْزَلَ الْقُرْآنَ جُمْلَةً وَاحِدَةً إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: إِنَّا ابْتَدَأْنَا أَنْزَالَهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، عَنِ الشَّعْبِيِّ. وَلَيْلَةُ الْقَدْرِ هِيَ لَيْلَةُ الْحُكْمِ بِمَا يَقْضِي اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ فِي السَّنَةِ (مِنْ كُلِّ أَمْرٍ)، عَنِ الْحَسَنِ وَمُجَاهِدٍ. وَقَدَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذَا [٢٠٠] الْأَمْرَ يَقْدِرُهُ قَدْرًا إِذَا جَعَلَهُ عَلَى مِقْدَارٍ مَا تَدْعُو إِلَيْهِ الْحِكْمَةُ، (وَالرُّوحُ): جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

وَقِيلَ: سَلَامٌ هِيَ مِنَ الشَّرِّ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ، عَنِ قَتَادَةَ. وَالْمَطْلَعُ: مَوْضِعُ الطُّلُوعِ. وَقِيلَ: لَيْلَةُ الْقَدْرِ فِي الْعَشْرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يَطْلُعْ عَلَيْهَا بَعِيْنَهَا النَّاسُ. وَقِيلَ: إِنَّمَا أَخْفَاهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْعِبَادِ لَيْسَتْ كَثِيرُوا مِنَ الْعِبَادَةِ فِي سَائِرِ أَيَّامِ الْعَشْرِ طَلَبًا لِمُؤَافَقَتِهَا فِي الْفِعْلِ. وَيَجُوزُ أَنْ تَخْتَلِفَ أَوْقَاتُهَا فِي السِّنِينَ فَتَكُونَ سَنَةً فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَسَنَةً لَيْلَةَ ثَلَاثِ وَعِشْرِينَ وَسَنَةً لَيْلَةَ خَمْسِ وَعِشْرِينَ وَسَنَةً لَيْلَةَ سَبْعِ وَعِشْرِينَ وَسَنَةً لَيْلَةَ تِسْعِ وَعِشْرِينَ وَعَلَى ذَلِكَ جَاءَ الْحَدِيثُ «إِنَّهَا فِي الْإِفْرَادِ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ مِنْ رَمَضَانَ».^٢ وَقِيلَ: لَيْلَةُ الْقَدْرِ قَدْ فَسَّرَهُ (فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ).^٣ وَقِيلَ: لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ عَظَمِ الشَّانِ، مِنْ قَوْلِكَ: رَجُلٌ لَهُ قَدْرٌ، وَالْأَوَّلُ أَظْهَرُ. وَالْهَاءُ فِي (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) تَرْجِعُ إِلَى مَعْلُومٍ وَهُوَ الْقُرْآنُ.

وَقَرَأَ «مَطْلَعِ الْفَجْرِ» بِكسْرِ اللَّامِ الْكَسَائِيَّةِ عَلَى وَفْتِ الطُّلُوعِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِالْفَتْحِ عَلَى الْمَصْدَرِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي أَنْزَالِ الْقُرْآنِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي شَرَّفَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَعَظَّمَهَا لِيَحْرُصَ النَّاسُ عَلَى الْعَمَلِ بِالطَّاعَةِ [٢٠٠ب] فِيهَا، وَجَعَلَ الْمَلَائِكَةَ تَنْزِلُ بِكُلِّ فَنٍّ مِنْ فُنُونِ الْخَيْرِ بِهَا، مِنْ وُجُوبِ الْحِرْصِ عَلَى مُؤَافَقَتِهَا بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ فِيهَا، وَالتَّوَقُّي لِإِتِّكَابِ الْمَأْتَمِ بِهَا وَتَعْظِيمِهَا بِأَنْزَالِ الْقُرْآنِ فِيهَا.^٤

١. في التبيان، للطوسي وفي تفسير ابن فورك: «إلى سماء الدنيا».

٢. المصنف، لابن أبي شيبة، ٣٢٧/٢؛ موطأ مالك، ٣١٩/١؛ صحيح البخاري، ٧١٠/٢؛ صحيح مسلم، ٣٢٨/٢.

٣. الدخان: ٤.

٤. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الخوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١١١.

سُورَةُ لَمْ يَكُنْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُطَهَّرَةً فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَةُ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ رَبَّهُ﴾

يُقَالُ: مَا الْإِنْفِكَالُ؟ الْجَوَابُ: انْفِصَالٌ عَنِ شِدَّةِ اجْتِمَاعِ، [٢٠١أ] وَأَكْثَرُ مَا تُسْتَعْمَلُ فِي النَّفْيِ، كَمَا أَنَّ "مَا زَالَ" كَذَلِكَ؛ تَقُولُ: مَا انْفَكَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ، أَي: مَا انْفَصَلَ مِنْهُ لِشِدَّةِ مَلَابَسَتِهِ لَهُ. وَيُقَالُ: مَا **﴿الْبَيِّنَةُ﴾**؟ الْجَوَابُ: الْحُجَّةُ الظَّاهِرَةُ الَّتِي يَتَمَيَّزُ بِهَا الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ وَهِيَ مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَفَضْلِ الشَّيْءِ عَنْ غَيْرِهِ، فَالرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيِّنَةٌ وَحُجَّةٌ، وَإِقَامَةُ الشَّهَادَةِ الْعَادِلَةَ بَيِّنَةٌ.

وَيُقَالُ: مَا الْقِيَمَةُ؟ الْجَوَابُ: الْمُسْتَمِرَّةُ فِي جِهَةِ الصَّوَابِ وَهِيَ عَلَى فِعْلَةٍ مِنْ قَامَ بِالْأَمْرِ يَقُومُ بِهِ إِذَا أُجْرَاهُ فِي جِهَةِ الْإِسْتِقَامَةِ، وَتَقْدِيرُهُ: وَذَلِكَ دِينُ الْمَلَّةِ الْقِيَمَةِ، أَوْ الشَّرِيعَةِ الْقِيَمَةِ. ^٣ وَيُقَالُ: مَا الْحَنِيفُ؟ الْجَوَابُ: الْمَائِلُ إِلَى الْحَقِّ، وَالْحَنِيفِيَّةُ: الشَّرِيعَةُ الْمَائِلَةُ إِلَى الْحَقِّ، وَأَصْلُهُ الْمَيْلُ، وَمِنْ ذَلِكَ الْأَحْتَفُ: الْمَائِلُ الْقَدَمِ إِلَى جِهَةِ الْقَدَمِ الْأُخْرَى. وَقَدْ قِيلَ: أَصْلُهُ الْإِسْتِقَامَةُ فَإِنَّمَا قِيلَ لِلْمَائِلِ الْقَدَمِ أَحْتَفٌ عَلَى التَّمَاثُلِ.

وَيُقَالُ: مَا الرِّضَاءُ؟ الْجَوَابُ: مَعْنَى يُضَادُّ السَّخَطَ يَجِبُ بِالْمَحْبُوبِ مِنَ الْعَمَلِ؛ الرِّضَاءُ حَقٌّ يَجِبُ لِلْعَامِلِ بِالطَّاعَةِ عَلَى تَمَامِ الْعَمَلِ، وَالْمَرْضِيُّ مِنْ أَجْلِهِ قَدْ وَقَعَ وَهَذَا الَّذِي بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْإِرَادَةِ، لِأَنَّ مُرَادَهَا مُسْتَقْبَلٌ، فَهُوَ يَرْضَى [٢٠١ب] الْعَمَلِ الَّذِي كَانَ، وَلَا يُرِيدُ الْعَمَلِ الَّذِي كَانَ، لِأَنَّ الْإِرَادَةَ طَلَبٌ لِأَنَّهُ يَكُونُ الْفِعْلُ وَلَا يَصْحُحُ الطَّلَبُ لِأَنَّهُ يَقَعُ مَا قَدْ وَقَعَ وَتَقْضَى مِنَ الْعَمَلِ، وَتَكُونُ إِرَادَةً لِمَا هُوَ وَقَعَ فِي الْحَالِ، لِأَنَّهُ يَجْرِي مَجْرَى مَا يَقَعُ فِي الْحَالِ مِنَ الْفِعْلِ الَّذِي يَتَطَاوَلُ كَالصَّلَاةِ.

وَقِيلَ: **﴿صُحُفًا مُطَهَّرَةً﴾** مِنَ الْبَاطِلِ وَهُوَ الْقُرْآنُ، يَذْكُرُهُ بِأَحْسَنِ الذِّكْرِ، وَيُثْنِي عَلَيْهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ، عَنْ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: كَانُوا مِنْ قَبْلِ مُجْتَمِعِينَ عَلَى نُبُوَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا أَتَى تَفَرَّقُوا فَأَمَّنَ

١. في النسخة: يقول.

٢. في النسخة: «البيئونة فصل»؛ فأثبتنا «الواو» على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣٨٨/١٠.

٣. في التبيان، للطوسي (٣٩٠/١٠): «والشريعة القيمة».

بَعْضٌ وَكَفَرَ بَعْضٌ. وَالْبَرِيَّةُ: فَعِيلَةٌ مِنْ بَرَأَ اللَّهُ الْخَلْقَ، إِلَّا أَنَّهُ تَرَكَ فِيهَا الْهَمَزُ. وَيَجُوزُ أَنْ تَكُونَ فَعِيلَةٌ مِنَ الْبَرَاءِ، وَهُوَ الثَّرَابُ. وَقِيلَ: لَمْ يَكُونُوا لِيَتْرَكُوا مُنْفَكِينَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ (حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ) الَّتِي تَقُومُ بِهَا الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ. وَقِيلَ: الصُّحُفُ الْمُطَهَّرَةُ فِي السَّمَاءِ لَا يَمَسُّهَا إِلَّا الْمَلَائِكَةُ الْمُطَهَّرُونَ مِنَ الْأَنْجَاسِ، عَنِ الْحَسَنِ.

وَفِي (وَمَا أَمُرُوا إِلَّا لِیُعْبُدُوا اللَّهَ) دَلِيلٌ عَلَى بَطْلَانِ مَذْهَبِ الْمُجْتَرَّةِ. وَفِي (وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ) دَلِيلٌ عَلَى بَطْلَانِ مَذْهَبِ الْمُزَجَّجَةِ الَّذِينَ لَا يَجْعَلُونَهُ مِنَ الدِّينِ وَلَا الْإِسْلَامِ، وَقَدْ قَالَ [٢٠٢أ] اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ).

وَقِيلَ: لَمْ يَكُونُوا (مُنْفَكِينَ) أَي: مُنْتَهِينَ عَنْ كُفْرِهِمْ (حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ)، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: لَمْ يَكُونُوا مُنْفَكِينَ مِنْ كُفْرِهِمْ. وَقِيلَ: لَمْ يَكُونُوا (مُنْفَكِينَ) بِصِفَتِهِمُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ فِي كِتَابِهِمْ، عَنِ الْفَرَّاءِ. وَالْإِنْفِكَاءُ عَلَى وَجْهَيْنِ: عَلَى «لَا يَزَالُ» فَلَا بُدَّ مِنْ حَبْرٍ وَحَرْفِ الْجَحْدِ وَيَكُونُ عَلَى الْإِنْفِصَالِ فَلَا يَحْتَاجُ إِلَى حَبْرٍ وَلَا حَرْفٍ جَحْدٍ كَقَوْلِكَ: انْفَكَ الشَّيْءُ عَنِ الشَّيْءِ، عَنِ الْفَرَّاءِ. وَقَالَ ذُو الرِّمَّةِ:

حَرَاجِيحٌ مَا تَنَفَكْتُ إِلَّا مُنَاخَةً عَلَى الْخَشْفِ أَوْ نَزَمِي بِهَا بَلَدًا قَفْرًا

فَجَعَلَ الْفَرَّاءُ مِنْ انْفَكَ الشَّيْءُ مِنَ الشَّيْءِ، وَجَعَلَهُ غَيْرُهُ مِنْ مَا يَزَالُ إِلَّا أَنَّهُ صُرُورَةٌ.

وَقَرَأَ نَافِعٌ وَابْنُ عَامِرٍ [فِي رِوَايَةِ ابْنِ ذَكْوَانَ] «حَيْرُ الْبَرِيَّةِ وَشَرُّ الْبَرِيَّةِ» مَهْمُوزَانِ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِغَيْرِ هَمْزٍ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيِّنَاتُ عَمَّا فِي اخْتِصَاصِ^٣ أَهْلِ الْكِتَابِ وَعَبْدَةَ الْأَوْثَانِ عَلَى غَيْرِ انْفِكَاءٍ فِي صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عَلَى مَا تَقَدَّمَ بِهِ الْبَشَارَةُ مِنَ الْحُجَّةِ عَلَى الْقَرِيبَيْنِ بِمُؤَافَقَةٍ مَا تَقَدَّمَ بِهِ الصِّفَةُ، وَمَا فِي [٢٠٢ب] تَفَرُّقِ (الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَةُ) مِنْ دَمٍ مِنْ عَدَلٍ عَنِ الْحَقِّ عَلَى بَصِيرَةٍ، وَقَدْ أَمُرُوا بِإِخْلَاصِ الْعِبَادَةِ وَلُزُومِ الْحَنِيفِيَّةِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيْتَاءِ الزَّكَاةِ عَلَى دِينِ الْمِلَّةِ الْقَيِّمَةِ، وَمَا فِي اجْتِمَاعِهِمْ عَلَى الْكُفْرِ بِاللَّهِ مِنْ اجْتِمَاعِهِمْ عَلَى

١. آل عمران: ٨٥.

٢. ديوان ذي الرمة، بشرح أبي نصر الباهلي، ١٤١٩/٣؛ واستشهد بالبيت سيبويه في الكتاب، ٤٨/٣؛ والفراء في معاني

القرآن، ٢٨١/٣؛ والنحاس في إعراب القرآن، ١٦٨/٥؛ والرواية عند الفراء تختلف عن الباقي اختلافا يسيرا.

٣. في النسخة: «اختصاص»؛ والصواب ما أثبتناه على ما ورد في البرهان في علوم القرآن، للحوفي، الورقة: ١١٣أ.

٤. في البرهان في علوم القرآن، للحوفي: «وما في»

٥. في النسخة: «في»؛ فأثبتناه على ما ورد في البرهان في علوم القرآن، للحوفي.

الْخُلُودِ فِي عَذَابِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ [مِنَ الدَّمِّ] ^١ بِأَنَّهُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ، وَمَا فِي الْإِيمَانِ وَعَمَلِ الصَّالِحَاتِ مِنَ الْمَدْحِ لِأَهْلِهِ بِأَنَّهُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ مَعَ جَزَائِهِمْ بِالْجَنَّةِ ^٢ وَالرِّضَى لَهُمْ وَالرِّضْوَانِ عَنْهُمْ، كُلُّ ذَلِكَ بِالْحَشْيَةِ لِرَبِّهِمْ ^٣.

سُورَةُ الزَّلْزَلَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا بَأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوُا أَعْمَالَهُمْ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ)

يُقَالُ: مَا الزَّلْزَلَةُ؟ الْجَوَابُ: شِدَّةُ الاضطرابِ بِمَا يَهْدُمُ الْبُنْيَانَ؛ زَلَّ يَزِلُّ، وَزَلَزَلَ يُزَلِّزِلُ زِلْزَالًا، وَكَأَنَّهُ مُكَرَّرٌ [٢٠٣أ] زَلَّ يَزِلُّ زَلًّا لِلتَّكْثِيرِ وَالتَّعْظِيمِ. وَيُقَالُ: مَا أَثْقَالَ الْأَرْضِ؟ الْجَوَابُ: مَا فِيهَا مَدْفُونٌ مِنْ مَيِّتٍ وَعَيْبَرٍ، تَلْقِطُ كُلُّ مَا فِيهَا عِنْدَ انْقِضَاءِ أَمْرِ الدُّنْيَا وَتَجْدِيدِ الْأَمْرِ لِدَارِ الْآخِرَةِ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (مَا لَهَا)؟ الْجَوَابُ: أَيُّ شَيْءٍ أَصَارَهَا إِلَى هَذِهِ الْحَالِ الَّتِي تُرَى بِهَا؟ يَقُولُ الْإِنْسَانُ ذَلِكَ مُتَعَجِّبًا مِنْ عِظَمِ شَأْنِهَا، وَإِنَّهُ لِأَمْرٍ كَبِيرٍ. (الْقَتُّ مَا فِيهَا وَتَحَلَّتْ)؛ مِنْ جَمِيعِ الْأُمُورِ الَّتِي اسْتَوَدَعْتَهَا. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا)؟ الْجَوَابُ: تُظْهِرُ بِالذَّلَائِلِ الَّتِي يَجْعَلُهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا مَا يَقُومُ مَقَامَ إِخْبَارِهَا بِأَنَّ أَمْرَ الدُّنْيَا قَدْ انْقَضَى، وَأَمْرُ الْآخِرَةِ قَدْ آتَى، وَأَنَّهُ لَا بُدَّ مِنَ الْجَزَاءِ، وَأَنَّ الْقُورَ لِمَنْ اتَّقَى، وَأَنَّ النَّارَ لِمَنْ عَصَى.

وَيُقَالُ: مَا رُؤْيَةُ الْأَعْمَالِ؟ الْجَوَابُ: الْمَعْرِفَةُ بِهَا عِنْدَ تِلْكَ الْحَالِ، وَهَذِهِ رُؤْيَةُ الْقَلْبِ، وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ التَّأْوِيلُ عَلَى رُؤْيَةِ الْعَيْنِ بِمَعْنَى لِيُرَوُا صَحَائِفَ أَعْمَالِهِمْ يَقْرَؤُونَ مَا فِيهَا (لَا يُعَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا) ^٤. وَالزَّلْزَالُ بِكُسْرِ الرَّاءِ: الْمَضْدَرُّ، وَبِالْفَتْحِ: الْإِسْمُ. وَقِيلَ: (أَثْقَالَهَا): الْمَوْتَى، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: إِنَّهَا تَتَكَلَّمُ يَوْمَئِذٍ [٢٠٣ب] فَتَقُولُ: أَمْرِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِدَا، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ. وَقِيلَ: لِيُرَوُا جَزَاءَ أَعْمَالِهِمْ. وَقِيلَ: يَرَى الْكَافِرُ حَسَنَاتِهِ فَيَتَحَسَّرُ عَلَيْهَا لِأَنَّهَا مُحْبَبَةٌ.

١. زيادة وردت في البرهان في علوم القرآن، للحوفي.

٢. في البرهان في علوم القرآن، للحوفي: «بالمئة».

٣. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١١٣.

٤. الانشقاق: ٤.

٥. الكهف: ٤٩.

وَقِيلَ: الذَّرَّةُ: التَّمْلَةُ الصَّغِيرَةُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: (تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا): بِمَنْ عَصَى عَلَيْهَا فَيَجُوزُ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ: الْأَوَّلُ: بِأَنْ يُقَلِّبَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَيَوَانًا قَادِرًا عَلَى الْكَلَامِ فَتَكَلَّمَ بِذَلِكَ. وَالثَّانِي: يُحَدِّثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْكَلَامَ فِيهَا. وَالثَّلَاثُ: يَكُونُ بَيِّنَانِ يَتَقَوْمُ مَقَامَ الْكَلَامِ. وَقِيلَ: الْمُحْسِنُ يَرَى سَيِّئَاتِهِ مُكَفَّرَةً، وَالْمُسيءُ يَرَى حَسَنَاتِهِ مُحْبَطَةً.^١ وَقِيلَ: زُلْزِلَتْ وَرُجِّتْ وَرَجَفَتْ سَوَاءً، عَنِ الْحَسَنِ. وَقِيلَ: (مِثْقَالُ ذَرَّةٍ) زَنَةُ ذَرَّةٍ، عَنِ أَبِي عُبَيْدَةَ. وَقَالَ الْعَجَّاجُ:

[يأذنه الأرض وما تعنت] وَحَى لَهَا الْقَرَارَ فَاسْتَقَرَّتِ^٢

أَي: وَحَى إِلَيْهَا، بِمَعْنَى أَلْقَى إِلَيْهَا مِنْ جِهَةٍ تُخْفَى.

وَقَرَأَ عَاصِمٌ فِي رَوَايَةِ أَبِي بَانَ «خَيْرًا يُرَى وَشَرًّا يُرَى» بِضَمِّ الْيَائِنِ. وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِالْفَتْحِ فِيهِمَا. وَقَرَأَ «خَيْرًا يُرَى وَشَرًّا يُرَى» بِسُكُونِ الْهَاءِ ابْنُ عَامِرٍ فِي رَوَايَةِ هِشَامِ بْنِ عَمَّارٍ، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ [١٢٠٤أ] (يُرَى) مُشْبَعَةً الضَّمِّ فِيهِمَا.

وَقَدْ نَصَمَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي زَلْزَلَةِ الْأَرْضِ وَإِخْرَاجِهَا الثَّقَلَ مِمَّا فِي بَطْنِهَا مِنْ مَيِّتٍ أَوْ كَنْزٍ، وَقَوْلِ الْإِنْسَانِ مُتَّخِرًا مِمَّا يَرَى مَا لَهَا مِنْ حَدِيثِهَا يَوْمَئِذٍ [تُحَدِّثُ]^٣ أَخْبَارَهَا مِمَّا عَمِلَ فِيهَا بِوَحْيِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ لَهَا عِبْرَةٌ لِلْمُفَكِّرِ فِيهَا، وَمَا فِي كَوْنِ النَّاسِ أَشْتَاتًا بِإِخْتِلَافِ الْأَعْمَالِ فِي الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ حَتَّى لَا يَبْقَى لِأَحَدٍ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ إِلَّا جُوزِي عَلَيْهَا بِثَوَابٍ أَوْ عِقَابٍ مِنْ كَوْنِ السَّعَادَةِ أَوْ الشَّقَاءِ هُنَاكَ بِمَا لَا يُعْتَدُّ مَعَهُ شِدَّةٌ لِحَقِّتْ وَلَا مُصِيبَةٌ نَزَلَتْ فِي الدُّنْيَا، نَسَأَلُ اللَّهَ حُسْنَ الْإِسْتِعْدَادِ لِيَوْمِ الْجَزَاءِ.^٤

١. نقله الطوسي في التبيان (٣٩٥-٣٩٤/١٠) وردَّ عليه بقوله: «ويمكن أن يستدل بذلك على بطلان الاحباط، لان عموم الآية يدل أنه لا يفعل شيئاً من طاعة أو معصية إلا ويجازي عليها وعلى مذهب القائلين بالاحباط بخلاف ذلك، فان مايقع محبطا لا يجازى عليه ولا يدل على أنه لا يجوز أن يعفى عن مرتكب كبيرة، لان الآية مخصوصة بلا خلاف، لانه ان تاب عفى عنه وقد شرطوا أن لا يكون معصية صغيرة، فاذا شرطوا الامرين جاز أن نخص من يعفو الله عنه».

٢. ويليهِ: «وَشَدَّهَا بِالرَّاسِيَاتِ الثُّبَّتْ»؛ وَالرَّجَزُ لِلْعَجَّاجِ فِي دِيَوَانِهِ، ٤٠٨/١-٤٠٩. وَرَدَ الْبَيْتُ فِي الْعَيْنِ، لِلخَلِيلِ، ٣/٣٢٠؛ وَتَهْذِيبُ اللُّغَةِ، لِلزُّهْرِيِّ، ١٩٢/٥؛ وَاسْتَشْهَدَ بِهِ أَبُو عُبَيْدَةَ فِي مَجَازِ الْقُرْآنِ، ١٨٢/١؛ وَابْنُ قَتَيْبَةَ فِي تَأْوِيلِ مُشْكَلِ الْقُرْآنِ، ص ٢٦٧.

٣. زِيَادَةٌ وَرَدَتْ عِنْدَ الْحَوْفِيِّ، فِي الْبُرْهَانِ فِي عُلُومِ الْقُرْآنِ.

٤. وَرَدَتْ هَذِهِ الْفَقْرَةُ بِكَامِلِهَا عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْحَوْفِيِّ فِي تَفْسِيرِهِ: الْبُرْهَانُ فِي عُلُومِ الْقُرْآنِ، الْوَرَقَةُ: ١٤-١٥.

سُورَةُ وَالْعَادِيَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (وَالْعَادِيَاتِ صَبْحًا فَالْمُثَوِرَاتِ قَدْحًا فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكِ لَشَهِيدٌ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَجُلٌ مِّنَ الْمُثَوِّرِينَ فَهُوَ حَقٌّ لِّمَا فِي الصُّدُورِ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ) [٢٠٤ب]

يُقَالُ: مَا الصَّبْحُ؟ الْجَوَابُ: قِيلَ: الصَّبْحُ: حَمَمَةُ الْخَيْلِ عِنْدَ الْعَدُوِّ. وَقِيلَ: الصَّبْحُ: شِدَّةُ النَّفْسِ عِنْدَ الْعَدُوِّ؛ وَصَبَحَتِ الْخَيْلُ تَصْبَحُ صَبِيحًا وَصَبَاحًا. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (فَالْمُثَوِّرَاتِ قَدْحًا)؟ الْجَوَابُ: الْمُظْهَرَاتُ بِسَنَابِكِهَا النَّارُ قَدْحًا. أَوْ رَى الْقَادِحُ النَّارَ يُورِي إِبْرَاءً، إِذَا قَدَحَ قَدْحًا؛ وَتُسَمَّى تِلْكَ النَّارُ نَارَ الْخُبَاجِ لِضَعْفِهَا، قَالَ النَّابِغَةُ:

تَقْدُ السَّلُوقِيَّ الْمُضَاعَفَ نَسَجُهُ

وَيُوقَدَنَّ بِالصُّفَاحِ نَارَ الْخُبَاجِ^١

وَهُوَ رَجُلٌ [بَخِيلٌ]^٢ كَانَتْ نَارُهُ ضَعِيفَةً لِئَلَّا يَرَاهَا الْأَضْيَافُ.^٣

وَيُقَالُ: لِمَ أَقْسَمَ بِـ (الْمُغِيرَاتِ صُبْحًا)؟ الْجَوَابُ: لِعَظَمِ شَأْنِهَا فِي الْعَارَةِ عَلَىٰ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، وَجُمْلَةُ أَمْرِ الْعَارَةِ عَظِيمٌ، وَإِنَّمَا الْقَسَمُ تَنْبِيهُ عَلَىٰ عَظَمِ الشَّانِ وَتَأْكِيدٌ لِلْإِحْبَارِ. وَيُقَالُ: مَا النَّفْعُ؟ الْجَوَابُ: الْعَبَائِرُ لِأَنَّهُ يُعْوِضُ فِيهِ صَاحِبُهُ كَمَا يُعْوِضُ فِي الْمَاءِ، نَفْعُهُ يَنْفَعُهُ نَفْعًا وَهُوَ نَافِعٌ، اسْتَنْفَعَ اسْتِنْفَاعًا، وَانْتَفَعَ انْتِفَاعًا. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى كَنُودٌ؟ الْجَوَابُ: الْكُفُورُ، وَمِنْهُ الْأَرْضُ الْكَنُودُ الَّتِي لَا تُنْبِتُ شَيْئًا، وَأَصْلُهُ: مَنْعُ الْحَقِّ وَالْخَيْرِ. قَالَ الْأَعَشَى: [٢٠٥أ]

أَحْدَثَ لَهَا تُحَدِّثُ لَوْصَلِكَ إِنَّهَا

كُنْتُ لَوْصَلِ الرَّائِرِ الْمُعْتَادِ^٤

وَالْمَعْنَى: (وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ) لَبَخِيلٌ. وَقَالَ طَرْفَةُ:

أَرَى الْمَوْتَ يَعْتَامُ الْكِرَامَ وَيَصْطَفِي

عَقِيلَةَ مَالِ الْفَاحِشِ الْمُتَشَدِّدِ^٥

١. ديوان النابغة الذبياني، ص ٤٦، والرواية فيه: (وَيُوقَدُ بِالصُّفَاحِ)؛ واستشهد بالبيت ابن قتيبة في تأويل مشكل القرآن، ص ١١٠؛ والطبري في جامع البيان، ٥٨٨/١٢؛ والزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٨٠/٣؛ وابن الأنباري في الزاهر في معاني كلمات الناس، ٢٨٢/١.

٢. زيادة وردت في التبيان، للطوسي، ٣٩٦/١٠.

٣. في النسخة: «الصُّفَيَانُ»؛ فرجحنا ما ورد في التبيان، للطوسي، ٣٩٦/١٠.

٤. ديوان الأعشى الكبير، ص ١٢٩. استشهد بالبيت أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٣٠٧/٢؛ والطبري في جامع البيان، ٥٨٤/٢٤؛ وابن الأنباري، في المذكر والمؤنث، ٢٩٠/٢.

٥. ديوان طرفة بن العبد (تحقيق علي الجندي)، ص ٥٣. ورد البيت في جمهرة أشعار العرب، لأبي زيد القرشي،

وَقِيلَ: **(الْعَادِيَاتِ صَبْحًا)**: الخَيْلُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَعَطَاءٍ. وَقِيلَ: **(وَالْعَادِيَاتِ صَبْحًا)**: الإِبِلُ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ. وَالصَّبْحُ فِي الخَيْلِ أَظْهَرُ عِنْدَ أَهْلِ العِلْمِ. وَ**(بُعِثَ مَا فِي القُبُورِ)**: أُثِيرَ وَأُخْرِجَ، وَكَذَلِكَ بَحَثَرُ. وَقِيلَ: الصَّبْحُ مِنَ الخَيْلِ: الحَمْحَمَةُ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^١

وَقِيلَ: **(المُورِيَاتِ قَدْحًا)**: الخَيْلُ حِينَ تُورِي النَّارَ بِسَنَابِكِهَا، عَنِ قَتَادَةَ وَالصَّحَّاحِ وَعَطَاءٍ. وَقِيلَ: هُمُ الَّذِينَ يُورُونَ النَّارَ بَعْدَ انصِرَافِهِمْ مِنَ الحَرْبِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: إِبْكَارُ الرِّجَالِ، عَنِ مُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: الأَسِنَّةُ، عَنِ عِكْرَمَةَ. وَقِيلَ: **(فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا)**: الخَيْلُ تُغِيرُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَالثَّقُوعُ: العُجْبَارُ، عَنِ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: بِهِ يُعُودُ إِلَى مَعْلُومٍ، أَيْ: بِالْمَكَانِ أَوْ بِالوَادِي. وَقِيلَ: **(فَوَسَطْنَ بِهِ)** جَمَعَ العُدُوِّ، عَنِ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: جَمَعَ الفَرِيقَيْنِ، عَنِ مُجَاهِدٍ.

وَقِيلَ: إِنَّمَا سُيِّتَ كِنْدَةَ لِقَطْعِهَا أَبَاهَا، عَنِ سَمَّاكِ. وَقِيلَ: الكُنُودُ: [٢٥٥ب] الكُفُورُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالحَسَنِ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَابْنَ زَيْدٍ. وَقِيلَ: **(وَإِنَّهُ عَلَى ذَلِكَ لَشَهِيدٌ)**: إِنَّ الإِنْسَانَ، عَنِ الحَسَنِ. وَقِيلَ: وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، عَنِ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: وَإِنَّهُ لَشَدِيدُ الحُبِّ لِلخَيْرِ. وَقِيلَ: **(حُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ)**: مُتَيَّرٌ، عَنِ سُفْيَانَ. وَقِيلَ: إِنَّمَا ذَكَرَ **(صَبْحًا)** لِأَنَّهُمْ يَسِيرُونَ إِلَى العُدُوِّ لَيْلًا، وَيَأْتُونَهُمْ صُبْحًا. وَقِيلَ: إِنَّهُمْ لِعِزَّتِهِمْ أَغَاوَرُوا نَهَارًا. وَقِيلَ: وَإِنَّهُ لَشَدِيدُ الحُبِّ لِلْمَالِ فَهُوَ يَظْلَمُ بِمَنْعِهِ النَّاسَ. وَقِيلَ: **(حُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ)**: جُمِعَ وَأُبْرِزَ. وَقَالَ الحَسَنُ: **(لَشَدِيدٌ)**: لَشَجِيحٌ يَمْتَنِعُ مِنْهُ حَقِّي اللَّهِ.

وَقَدْ تَصَمَّتِ الآيَاتُ البَيَانَ عَمَّا فِي القَسَمِ بِالخَيْلِ العَادِيَاتِ صَبْحًا، المُورِيَاتِ قَدْحًا، المُغِيرَاتِ صَبْحًا، المُثِيرَةَ بِالوَادِي نَفْعًا، الوَاسِطَةَ بِهِ جَمْعًا، مِنْ تَعْظِيمِ العِبْرَةِ بِالخَيْلِ وَأَحْوَالِهَا، وَتَأْكِيدِ المُقَسَمِ عَلَيْهِ مِنْ أَنَّ الإِنْسَانَ كُفُورٌ لِزَيِّهِ يَشْهَدُ بِذَلِكَ حَالُهُ فِي بُخْلِهِ بِالإِنْفَاقِ فِي طَاعَتِهِ وَالإِعْرَاضِ عَمَّا يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ عِبَادَتِهِ، وَمَا فِي العِلْمِ بِإِنَارَةِ مَا فِي القُبُورِ وَتَخْصِيلِ مَا فِي الصُّدُورِ بِإِرَادَةِ اللطيفِ الخَبِيرِ مِنْ وُجُوبِ [٢٥٦أ] الإِجْتِهَادِ فِي إِخْرَاجِ ذَلِكَ بِالإِحْسَانِ المُوجِبِ لِلأَمَانِ وَتَبْقِيَةِ النِّعَمِ عَلَى تَأْيِيدِ الرِّمَانِ.^٢

ص ٣٢٩؛ وفي الكامل، للمبرد، ٢٨٢/١؛ واستشهد به أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٣٠٧/٢؛ وابن قتيبة في غريب

الحديث، ٤٢/٢؛ والطبري في جامع البيان، ٥٨٨/٢٤.

١. أخرجه الطبري في جامع البيان، ٥٧٥/٢٤ عن طريق أبي صالح.

٢. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة:

١٧٧-١١٨.

سُورَةُ الْقَارِعَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ نَارٌ حَامِيَةٌ)

يُقَالُ: مَا (الْقَارِعَةُ)؟ الْجَوَابُ: الْبَلِيَّةُ الَّتِي تَفْرَعُ الْقُلُوبَ بِشِدَّةِ الْمَخَافَةِ؛ فَرَعٌ يَفْرَعُ فَرْعًا، وَهُوَ الصَّرْبُ بِشِدَّةِ اعْتِمَادٍ، وَمِنْهُ الْمَفْرَعَةُ، وَتَقَارَعِ الْقَوْمُ فِي الْقِتَالِ إِذَا تَصَارَبُوا بِالسُّيُوفِ، وَفَرَعَ رَأْسَهُ إِذَا صَرَبَ فِي أَخَذِ الشَّعْرِ حَتَّى يُدْهِبَهُ. وَالْفَرْعَةُ كَالصَّرْبِ بِالْقَالِ. وَيُقَالُ: مَا الْفَرَّاشُ؟ الْجَوَابُ: الْجَرَادُ الَّذِي يَنْفَرُشُ وَيَزَكِبُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَهُوَ عَوْعَاءُ الْجَرَادِ، عَنِ الْفَرَّاءِ. وَقَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ: [٢٠٦ب]

هنا سقط في النسخة قرابة الورقة، فكملنا النص بنقل ما ورد في التبيان للشيخ الطوسي

وَقَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ: هُوَ طَيْرٌ يَنْفَرُشُ وَليْسَ بِذَبَابٍ، وَلَا بَعُوضٍ. وَقَالَ قَتَادَةَ: الْفَرَّاشُ هُوَ هَذَا الطَّيْرُ الَّذِي يَتَسَاقَطُ فِي النَّارِ وَالسَّرَاجِ. وَالْمَبْثُوثُ الْمَتَفَرِّقُ فِي الْجِهَاتِ، كَأَنَّهُ مَحْمُولٌ عَلَى الذَّهَابِ فِيهَا، يُقَالُ: بَثَّ يَبِثُهُ إِذَا فَرَّقَهُ، وَأَبْثَثَهُ الْحَدِيثُ إِذَا أَلْفَيْتَهُ إِلَيْهِ كَأَنَّكَ فَرَّقْتَهُ بِأَن جَعَلْتَهُ عِنْدَ اثْنَيْنِ.

وَقَوْلُهُ (وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ) فالعهن: الصوف الالوان في قول أبي عبيدة؛ قال زهير:

كأن فتات العهن في كل منزل نزلن به حب الفنا لم يحطم

ويقال: عهن وعهنة. وقيل: إن الخلائق لعظم ما يرونة من الاهوال ويغشاهم من العذاب يهيم كل فريق على وجهه، ويذهب في غير جهة صاحبه.

وقوله (فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ) قال الفراء الموازين والاوزان واحد، يقولون: هل لك في درهم بميزان درهمك، ووزن درهمك. وقال الحسن: في الاخرة ميزان له كفتان. وهو قول الجبائي واكثر المفسرين.

ثم اختلفوا فمنهم من قال: يجعل الله تعالى في احدى الكفتين نورا علامة للطاعات وفي الاخرى ظلمة علامة لمعاصي فأيهما رجح على الاخر حكم لصاحبه به. وقال آخرون: إنما يوزن صحف الاعمال فما فيها الطاعات نجعل في كفة وما فيها المعاصي في كفة أخرى فايهما رجح حكم

١. ذكر الواحدي نص كلام الرماني في التفسير البسيط، ٢٦٢/٢٤، بقوله: «وقال أهل المعاني...».

لصاحبه به. وقال قوم: الميزان عبارة عن العدل ومقابلة الطاعات بالمعاصي، فايهما كان اكثر حكم له به وعبر عن ذلك بالثقل مجازا لان الاعمال أعراض لا يصح وزنها ولا وصفها بالثقل والخفة، قال الشاعر:

لقد كنت قبل لقائكم ذامرة
عندي لكل مخاصم ميزانه

يريدون كلامه في معارضته، فبين الله تعالى أن من كانت طاعته أكثر كان ثوابه أعظم، فيكون صاحبها (في عيشة راضية) أي مرضية، ففاعل - ههنا - بمعنى المفعول، لان معناه ذو رضا كقولهم (نابل) أي ذو نبل، قال النابغة:

كليني لهم يا أميمة ناصب
وليل افاقيه بطئ الكواكب^١

أي ذو نصب وقال آخر:

وغررتني وزعمت أنك
لابن بالصيف تامر

أي ذولبن وذو تمر.

٥٥٥

آبئنه پژوهش | ٢١٠
سال ٣٥ | شماره ٦
بهمن و اسفند ١٤٠٣

وقال مجاهد (ثقلت موازينه) على جهة الميل، ثم بين من كانت معاصيه أكثر وقلت طاعاته (فأمه هاوية) أي مأواه هاوية يعني، جهنم، وإنما سماها

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَنْ مَا فِي الْقَارِعَةِ الَّتِي تَفْرَعُ الْقُلُوبَ بِالْحَالِ الْهَائِلَةِ وَتَفَرِّقُ النَّاسَ بِشِدَّةِ الْقَرْعَةِ لِمَا يَرَوْنَ مِنْ عَظَمِ الْآيَةِ فِي الْجِبَالِ الرَّاسِيَةِ وَغَيْرِهَا مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مِنْ طَلَبِ الْخَلَاصِ مِنْ هَوْلِ ذَلِكَ الْمَقَامِ بِحُسْنِ الْإِسْتِعْدَادِ وَمَا فِي نَقْلِ مِيزَانَ الْحَسَنَاتِ مِنَ الْعَيْشَةِ الرَّاضِيَةِ فِي نَعِيمِ الْجَنَّاتِ وَمَا فِي ثِقَلِ مِيزَانَ السَّيِّئَاتِ مِنَ التَّأْدِيَةِ إِلَى سِرَاعِ الْهَآوِيَةِ نَارِ حَامِيَةٍ.^٢

سُورَةُ الْهَآكُمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (أَلْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ كَلَّا لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ كَلَّا لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ)

١. ديوان النابغة الذبياني، ص ٤٠.

٢. سقطت في النسخة، فنقلناه عما ورد عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ١٩.

يُقَالُ: مَا الْإِلْهَاءُ؟ الْجَوَابُ: الصَّرْفُ إِلَى اللَّهِ، وَاللَّهُوُ: الْإِنْصِرَافُ إِلَى مَا يَدْعُو إِلَيْهِ الْهَوَى؛ لَهَا يَلْهُو لَهْوًا، وَلَهَا عَنِ الشَّيْءِ يَلْهُو، وَمِنْهُ: «إِذَا اشْتَأْتَرَّ اللَّهُ بِشَيْءٍ فَالَهُ عَنْهُ»^٣. وَيُقَالُ: مَا (التَّكَاثُرُ)؟ الْجَوَابُ: التَّفَاخُرُ بِكَثْرَةِ الْمَنَاقِبِ، تَكَاثَرَ الْقَوْمُ تَكَاثُرًا إِذَا تَعَادُوا مَا لَهُمْ مِنْ كَثْرَةِ الْمَنَاقِبِ، وَالتَّفَاخُرُ مُنْكَرٌ لِأَنَّهُ تَطَاوُلٌ بِغَيْرِ حَقٍّ.

وَيُقَالُ: مَا الزِّيَارَةُ؟ الْجَوَابُ: إِتْيَانُ الْمُؤْضِعِ كَاتِبَانِ الْمَأْوَى فِي الْأَلْفَةِ عَلَى غَيْرِ إِقَامَةٍ، زَارَهُ يَزُورُهُ زِيَارَةً؛ وَمِنْهُ: زَوْرَةٌ تَزُورُ إِذَا سَبَّهَ الْحَظُّ بِمَا يُؤْهِمُ أَنَّهُ حَظُّ فَلَانٍ وَلَيْسَ بِهِ، وَالْمَزُورَةُ مِنْ هَذَا. وَيُقَالُ: مَا (عِلْمٌ الْيَقِينِ)؟ الْجَوَابُ: عِلْمٌ يَتَلَخَّجُ بِهِ الصَّدْرُ بَعْدَ اضْطِرَابِ الشَّكِّ فِيهِ [٢٠٧أ] وَلِهَذَا لَا يَجُوزُ مُتَيَقِّنٌ فِي صِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ.

وَيُقَالُ: مَا الْفَرْقُ بَيْنَ التَّعِيمِ وَالتَّعْمَةِ؟ الْجَوَابُ: إِنَّ التَّعْمَةَ كَالْإِنْعَامِ فِي التَّضْمِينِ بِمَعْنَى مُنْعَمٍ؛ أَنْعَمَ إِنْعَامًا وَنَعْمَةً كِلَاهُمَا يُوجِبُ الشُّكْرَ لَا مُحَالَهَ، وَلَيْسَ كَذَلِكَ التَّعِيمُ لِأَنَّهُ مِنْ نَعَمٍ يَنْعَمُ نَعِيمًا، فَلَوْ عَمِلَ ذَلِكَ بِنَفْسِهِ لَكَانَ نَعِيمًا لَا يُوجِبُ شُكْرًا. وَأَمَّا التَّعْمَةُ فَتَفْتَحُ التُّونَ فَمِنْ نَعَمٍ بِضَمِّ الْعَيْنِ إِذَا لَانَ. وَ(التَّكَاثُرُ): التَّبَاهِي بِكَثْرَةِ الْمَالِ وَالْعَدَدِ، وَقِيلَ: مَا زَالُوا يَتَّبَاهُونَ بِالْعَزِّ وَالْكَثْرَةِ حَتَّى صَارُوا مِنْ أَهْلِ الْقُبُورِ، عَنْ قَتَادَةَ.

وَقِيلَ: (كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ) فِي الْيَقِينِ، (ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ) بَعْدَ الْبَعْثِ، فِيمَا يَرَوَى عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ يَدُلُّ عَلَى عَذَابِ الْقَبْرِ. وَقِيلَ: التَّعِيمُ: الْأَمْنُ وَالصِّحَّةُ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَمُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: التَّعِيمُ فِي الْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَعَظِيمٌ مِنَ الْمَلَادِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: سَأَلَهُمْ عَنْ كُلِّ نِعْمَةٍ.

وَقِيلَ: (لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ) فِي الْمَوْقِفِ، ثُمَّ إِذَا دَخَلْتُمْ جَهَنَّمَ. وَقَالَ الْحَسَنُ: (حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ): حَتَّى مُتُّمْ. وَقَالَ الْحَسَنُ: لَا يُسْتَلُّ عَنِ التَّعِيمِ إِلَّا أَهْلُ النَّارِ [٢٠٧ب]. وَقِيلَ: نَزَلَتْ فِي حَيَّيْنِ مِنْ قُرَيْشٍ تَفَاخَرُوا حَتَّى ذَكَرُوا الْأَمْوَاتَ وَهُمَا بَنُو سَهْمٍ وَبَنُو عَبْدِ مَنَافٍ.

وَقَرَأَ ابْنُ عَامِرٍ وَالْكَسَائِيُّ «لَتَرَوُنَّ» مَضْمُومَةَ التَّاءِ «ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا» مَفْتُوحَةً، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ بِالْفَتْحِ فِيهِمَا.

٥٠٦

آيَةُ يَزُوهش | ٢١٥

سال ٣٥ | شماره ٦

بهمن و اسفند ١٤٥٣

١. في النسخة: يدعوا

٢. في النسخة: يلهوا.

٣. أي: إِذَا نَهَى عَنْ شَيْءٍ فَاتْرُكُهُ. فهذا قولٌ نَسَبَهُ الْمُبْرَدُ فِي الْكَامِلِ فِي اللُّغَةِ وَالْأَدَبِ (٣٢/٤) إِلَى عَمْرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ، وَقَالَ ابْنُ فَارِسٍ فِي مَقَابِيسِ اللُّغَةِ (٥٥/١): وَفِي الْحَدِيثِ.

٤. في التبيين، للطوسي: «بنو أسهم».

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي إِهَاءِ التَّكَاتُرِ لِلتَّفَاخِرِ حَتَّى نَزَرَ الْمَقَابِرِ مِنَ الْوَعِيدِ بِمَا سَيَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ إِذَا رَأَوْا الْجَحِيمَ الَّتِي كَانُوا بِهَا مُكَدِّبِينَ، ثُمَّ يُسْأَلُونَ عَنِ النَّعِيمِ هَلْ أَقَامُوا بِالْوَجِبِ فِيهِ أَمْ ضَيَعُوا حَقَّ النِّعْمَةِ فِيهِ.

سُورَةُ وَالْعَصْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ خُسْرًا إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾

يُقَالُ: مَا الْعَصْرُ: الْجَوَابُ: قِيلَ: الدَّهْرُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْكَلْبِيِّ. وَقِيلَ: هُوَ الْعَشِيُّ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ، وَكِلَاهُمَا فِيهِ الْعِبْرَةُ مِنْ جِهَةِ أَخْذِ النَّهَارِ فِي التَّقْصِي، وَاللَّيْلُ فِي الْمَجِيءِ وَمِنْ جِهَةِ مُرُورِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى تَقْدِيرِ الْأَدْوَارِ. ^٣ وَيُقَالُ: مَا أَصْلُ [٢٠٨] الْعَصْرِ؟ الْجَوَابُ: عَصْرُ الثَّوْبِ وَنَحْوِهِ، وَهُوَ فَتْلُهُ لِإِخْرَاجِ فَمِنُهُ الدَّهْرُ، لِأَنَّهُ الْوَقْتُ الَّذِي يُمَكِّنُ فِيهِ فَتْلُ الْأُمُورِ كَفَتْلِ الثَّوْبِ. وَقَالَ الْعَجَّاجُ:

عَصْرًا وَخُصْنَا عَيْشَهُ الْمُعَدَّلَجَا [وَمَهْمَهُ هَالِكٍ مَنْ تَعَرَّجَا]

أَيُّ النَّاعِمِ. وَقَالَ فِي الْعَشِيِّ:

يُرْوَحُ بِنَا عَمْرُو وَقَدْ قَصَرَ الْعَصْرُ

وَفِي الرَّوْحَةِ الْأُولَى الْغَنِيمَةُ وَالْأَجْرُ

وَبِهِ سُبِّيَتْ صِلَاةُ الْعَصْرِ وَقِيلَ: لِأَنَّهَا تُعَصَّرُ بِالتَّأخِيرِ، أَيُّ: تَفْتَلُ إِلَيْهِ. وَالْمُعَصَّرَةُ مَا يُعْتَصَرُ مِنَ الْعِنَبِ وَعَيْرِهِ. وَالْمُعَصَّرَاتُ: السَّحَابُ الَّتِي تَنْعَصِرُ بِالْمَطَرِ، وَالْإِعْصَارُ: غُبَارٌ يَنْفَتِلُ كَالْعَمُودِ يَتَّصِعِدُ إِلَى السَّمَاءِ، وَالْعَصْرُ: الْإِنْفِتَالُ إِلَى مَلْجَأٍ، وَالْمُعَصَّرُ: الَّتِي قَدْ دَنَا بُلُوعَهَا لِأَنَّهُ عَصْرُ سَبَابِهَا، وَإِعْصَارُ مَاءِ السَّبَابِ مِنْهَا، وَالْإِعْتِصَارُ: اسْتِخْرَاجُ مَالٍ مِنَ الْإِنْسَانِ، لِأَنَّهُ يَنْحَلِبُ كَمَا يَنْحَلِبُ مَا يُعَصَّرُ.

١. في تفسير ابن فورك: «من آخر النهار».

٢. في التفسير البسيط، للواحدى: «في التقضي».

٣. ذكر الواحدى كلام الرمانى مع تصرف يسير في التفسير البسيط، ٢٩٥/٢٤-٢٩٦، بقوله: «وقال أهل المعاني...».

٤. هذا صدر بيت للعجاج وعجزه: «ومهمه هالك من تعرجا» انظر: ديوان العجاج، ٤٣/٢؛ ويبدو أنه لم يستشهد بهذا الشطر أحد من المفسرين قبل الرمانى، فتبعه الطوسى في التبيان، ٤٠٤/١.

٥. لم نجد قائله. ورد البيت في العين، للخليل، ٢٩٣/١؛ وفي تهذيب اللغة، للأزهري، ١١/٢؛ والمحكم، لابن سيده،

٤٢٨/١، والتفسير البسيط، للواحدى، ٢٩٥/٢٤؛ والرواية في هذه الثلاثة الأخرى: «ترؤخ بنا يا عمرو قد قصر العصر».

٦. في النسخة: «السحاب»؛ فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسى، ٤٠٥/١.

وَيُقَالُ: مَا الْخُسْرُ؟ الْجَوَابُ: هَلَاكُ رَأْسِ الْمَالِ، فَإِنَّ الْإِنْسَانَ فِي هَلَاكِ نَفْسِهِ، وَهُوَ أَكْبَرُ رَأْسِ مَالِهِ إِلَّا الْمُؤْمِنَ الْعَامِلَ بِطَاعَةِ رَبِّهِ، وَهَذِهِ صِفَةُ كُلِّ مُكَلَّفٍ لِبَطَاعَتِهِ^١، وَيُقَالُ: مَا الصَّبْرُ؟ [٢٠٨ب] الْجَوَابُ: حَبْسُ النَّفْسِ عَمَّا تُنَازِعُ إِلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ حَتَّى يَكُونَ الدَّاعِي إِلَيْهِ الْعَقْلُ، وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ بِالصَّبْرِ وَالتَّوَاصِي بِهِ. يُقَالُ: مَا الْحَقُّ؟ الْجَوَابُ: مَا دَعَا إِلَيْهِ الْعَقْلُ، فَأَلْغَى فِي الْحُسْنِ حَقُّ عَلَى الْإِظْلَاقِ، وَالْأَدْنَى فِيهِ حَقُّ عَلَى جَهَةِ الرُّخْصَةِ لِأَنَّ الْعَقْلَ يَدْعُو إِلَى أَنْ لِلْقَادِرِ عَلَيْهِ أَنْ يَفْعَلَهُ عَلَى طَرِيقِ الرُّخْصَةِ فِيهِ فِي إِعْطَاءِ الْبَقِيَّةِ. وَقِيلَ: الصَّبْرُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْقَسَمِ بِالْعَصْرِ مِنَ التَّنْبِيهِ عَلَى مَا فِيهِ مِنْ مُتَضَمِّنَاتِ الْفِعْلِ وَتَأْكِيدِ الْمُقْسَمِ عَلَيْهِ مِنْ أَنَّ الْإِنْسَانَ فِي خُسْرٍ إِلَّا الْمُؤْمِنَ الصَّالِحَ فِي عَمَلِهِ بِطَاعَةِ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْأَخَذَ بِالْحَقِّ فِي أَمْرِهِ وَلِزُومِ الصَّبْرِ وَالِدُعَاءِ إِلَيْهِ.

سُورَةُ الْهُمَزَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿وَيُلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لَمَزَةٌ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ كَلَّا لِيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطْمَةِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطْمَةُ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ إِنَّهَا [٢٠٩أ] عَلَيْهِمْ مُؤَصَّدَةٌ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ﴾

يُقَالُ: لَمْ جَاَزَ هَذَا الْوَعِيدُ الشَّدِيدُ مِنَ الْجَوَادِ الْكَرِيمِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّهُ مِنْ مُقْتَضَى الْجُودِ وَالْكَرَمِ عَلَى شَرَائِطِ الْحِكْمَةِ فِي التَّمَكُّينِ مِنَ الْحَسَنِ وَالْقَبِيحِ لِتَبْلِيغِ الْمَثَلِ بِالتَّوَابِ وَالْإِجْلَالِ وَالْإِكْرَامِ عَلَى الْإِسْتِحْقَاقِ مَعَ الْحَمْدِ عَلَى الْإِحْسَانِ وَاسْتِجَابِ الرِّضْوَانِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْمُؤَدِّي إِلَى الْخُلُودِ فِي الْجَنَانِ عَلَى أَسْرِّ حَالٍ وَأَنْعَمِ بَالٍ، فَلَمْ يَكُنْ بُدًّا مِنَ الرَّجْرِ بِمَا لَيْسَ فِيهِ مُتَحَمِّلٌ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ بِمَثَلِ الْمُبِيحِ لِلْقَبِيحِ أَوْ الْمُعْتَرَى بِهِ، لِشِدَّةِ الشَّهْوَةِ وَتَعْجِيلِ الرَّاحَةِ وَاللَّذَّةِ.

وَيُقَالُ: مَا الْهُمَزَةُ؟ الْجَوَابُ: الْكَثِيرُ الطَّعْنِ عَلَى غَيْرِهِ بِغَيْرِ حَقِّ، الْعَائِبُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ عَيْبٌ لِسَفَهِهِ وَجَهْلِهِ وَشِدَّةِ إِقْدَامِهِ عَلَى مَكَارِهِ غَيْرِهِ؛ هَمَزَ النَّاسَ يَهْمِزُهُمْ هَمْزًا وَهُوَ هُمَزَةٌ، وَمِثْلُهُ ضَحْكَةٌ، أَي: كَثِيرُ الضَّحْكِ، وَعَيْبَةٌ، أَي: كَثِيرُ الْعَيْبِ، وَكَذَلِكَ هُمَزَةٌ: كَثِيرُ الْهَمْزِ بِالطَّعْنِ، وَمِثْلُهُ الْهُمَزَةُ فِي الْكَلَامِ لِأَنَّهَا نَبْرَةٌ كَالطَّعْنَةِ بِقُوَّةٍ اِعْتِمَادًا.

١. ذكر الواحدي كلام الرماني مع تصرف يسير في التفسير الوسيط، ٥٥١/٤، بقوله: «قال أهل المعاني...».

وَقِيلَ: الْهُمَزَةُ: الطَّعَانُ، وَاللُّمَزَةُ: الْمُتَعَابُ الْعِيَابُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقَالَ زَيْدُ الْأَعْجَمِ: [٢٠٩ب]

تُدَلِّي بُوْدِي إِذَا لَا قَيْتِنِي كَذِبًا وَإِنْ أَعَيْتَ فَأَنْتَ الْهَامِزُ اللَّمَزَةُ

وَيُقَالُ: مَا **(الْمُوصِدَةُ)**؟ الْجَوَابُ: الْمُطْبَقَةُ؛ أَصَدْتُ ١ النَّبَابَ أَوْصِدُهُ إِذَا أَطْبَقْتَهُ، وَأَوْصَدْتُهُ إِبْصَادًا لُغْتَانِ، وَمِنْهُ **(وَكَلَّمَهُمْ بِأَسِطٍ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ)** ٣.

وَأَبُو عَمْرٍو يَهْمُرُ **(مُوصِدَةً)** فِي تَلْيِينِ الْهَمَزِ لِئَلَّا يَخْرُجَ مِنْ لُغَةٍ إِلَى لُغَةٍ.

وَيُقَالُ: مَا **(الْحُطْمَةُ)**؟ الْجَوَابُ: الْكَثِيرُ الْحُطْمِ، أَيْ: الْأَكْلُ، وَرَجُلٌ حُطِمَتْهُ: أَكُولٌ، وَحَطَمَ الشَّيْءَ إِذَا كَسَرَهُ وَأَذْهَبَهُ، وَتَحَطَّمَ إِذَا تَكَسَّرَ، فَأَصْلُهُ: الْكَسْرُ الْمُهْلِكُ. وَيُقَالُ: مَا الْعَمْدُ؟ الْجَوَابُ: جَمْعُ عَمُودٍ. وَيُقَالُ: جَمْعُ عِمَادٍ، كَقَوْلِكَ: أَهَابٌ وَأَهْبٌ وَأَهْبٌ؛ وَيَجُوزُ عُمْدٌ، وَالْعَمُودُ: عَوْدٌ مُسْتَدِيرٌ مُسْتَطِيلٌ قَوِيٌّ عَلَى شِدَّةِ الْاِعْتِمَادِ.

وَقِيلَ: الْهُمَزَةُ: اللَّمَزَةُ الْمَشَاءُ بِالنَّمِيمَةِ، الْمُفْرَقُ بَيْنَ الْأَجْبَاءِ، الْبَاغِي لِلْبَرِي الْعَيْبِ بِالْمُكَابَرَةِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: نَزَلَتْ فِي مُشْرِكٍ بَعَيْنِهِ كَانَ يَهْمُرُ النَّاسَ وَيَلْمِزُهُمْ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: إِنَّهُ جَمِيلٌ بَنُ عَامِرِ الْجَمْحِيِّ. وَقَالَ مُجَاهِدٌ: لَيْسَتْ خَاصَّةً لِأَحَدٍ. وَقِيلَ: **(جَمَعَ مَالًا وَعَدَدَةً)** مِنْ غَيْرِ أَنْ يُؤَدِّي حَقَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ. [٢١٠أ] وَقِيلَ: **(أَخْلَدَهُ)** بِمَعْنَى: يَخْلُدُهُ كَمَا يُقَالُ: هَلَكَ فَلَانٌ إِذَا حَدَثَ بِهِ سَبَبُ الْهَلَاكِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَقَعَ هَلَاكُهُ بَعْدَ، وَإِنَّمَا بِمَعْنَى أَوْجِبَ إِخْلَادُهُ هَلَاكَهُ. **(لِيُنْبَذَنَّ)**: لِيُدْفَعَنَّ وَلِيَطْرَحَنَّ.

وَقِيلَ: **(تَطَّلَعُ عَلَى الْأَنْفِيسَةِ)**: تَبْلُغُ أَلْمَهَا وَوَجَعَهَا الْأَنْفِيسَةَ؛ اِطَّلَعْتُ أَرْضَ كَذَا إِذَا بَلَغْتَهَا. وَقِيلَ: **(الْمُوصِدَةُ)**: [مُطْبَقَةٌ بِعَمْدٍ مُمَدَّدَةٍ، عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ. وَقِيلَ: فِي عَمْدٍ مُغْلَلِينَ بِهَا، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: عَمْدٌ يُعَدُّ بُونَ بِهَا، عَنِ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: الْإِطْبَاقُ بِالْعَمْدِ الْمُمَدَّدَةِ لِيَتَأَكَّدَ بِأَسْهُمٍ مِنَ الْخُرُوجِ عَنْهَا. وَقِيلَ: يَعْمَلُ عَمَلٌ مَنْ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ. وَقَالَ الْحَسَنُ: **(يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ)** حَتَّى يَقْتِنَهُ.

١. مجاز القرآن، لأبي عبيدة، ٣١١/٢: إصلاح المنطق، لابن السكيت، ص ٣٠٤؛ جامع البيان، للطبري، ٦١٦/٢٤: الزاهر

في معاني كلمات الناس، لابن الأنباري، ١٣٢/٢.

٢. في النسخة: أَصَدْتُ.

٣. الكهف: ١٨.

٤. في النسخة: «مُغْلَلِينَ بِهَا».

٥. في النسخة: «تَعْمَلُ».

وَقَرَأَ ابْنُ عَامِرٍ وَحَمْرَةُ وَالْكَسَائِيُّ «جَمْعٌ» بِالتَّشْدِيدِ. وَقَرَأَ الْبَاقُونَ «جَمْعٌ» بِالتَّخْفِيفِ.^١ وَقَرَأَ «عَمْدٌ» بِضَمِّتَيْنِ حَمْرَةُ وَالْكَسَائِيُّ وَأَبُو بَكْرٍ عَنْ عَاصِمٍ. وَقَرَأَ الْبَاقُونَ «عَمْدٌ» بِفَتْحِ الْعَيْنِ وَالْمِيمِ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي حَالِ الْهُمَزَةِ اللَّمَزَةِ، وَالْجَامِعِ الْمَالِ عَلَى تَوْهُمِ أَنَّهُ قَدْ أَخْلَدَهُ مِنْ الظَّرْحِ فِي الْحُطْمَةِ نَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطْلُعُ بِأَلْمِهَا عَلَى الْأَفْنِدَةِ، وَهِيَ عَلَى أَهْلِهَا مُطَبَّقَةٌ بِعَمْدٍ مُمَدَّدَةٍ لِتَأْكِيدِ الْيَأْسِ مِنْ فَرَجِهِ.

سورة الفيل

[٢١٠ب]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ تَزْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ)

يُقَالُ: مَا الْفِيلُ؟ الْجَوَابُ: عَظِيمُ الْخَلْقِ، جَسِيمٌ، لَهُ حُزْطُومٌ، وَكَانَ مِنْ شَأْنِ الْمُلُوكِ الْقِتَالِ عَلَيْهِ، لِمَا فِي الْعَسْكَرِ بِهِ مِنَ التَّخْيِيلِ وَالْإِضْطِرَابِ الشَّدِيدِ. وَيُقَالُ: مَا الْأَبَابِيلُ؟ الْجَوَابُ: جَمَاعَاتٌ فِي تَفْرِيقِ زُمْرَةٍ زُمْرَةً لَا وَاحِدَ لَهَا، فِي قَوْلِ أَبِي عُبَيْدَةَ وَالْفَرَّاءِ، كَمَا لَا وَاحِدَ لِلْعَبَادِيدِ وَالشَّمَاطِيطِ. وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الرَّوَّاسِيُّ:^٢ إِنَّهُ سَمِعَ فِي وَاحِدِهَا أَبَالَةً. وَقَالَ الْكَسَائِيُّ: سَمِعْتُ بَعْضَ التَّحْوِيَّيْنَ يَقُولُ: إِبْوَلٌ مِثْلُ عَجْوَلٍ.^٣ وَقَالَ بَعْضُهُمْ: إِبْيَلٌ. وَيُقَالُ: مَا سِجِّيلٌ؟ الْجَوَابُ: قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ: كُلُّ [شَيْءٍ] شَدِيدٍ؛ وَقَالَ ابْنُ مِقْبَلٍ:

[وَرَجَلَةٌ يَضْرِبُونَ الْبَيْضَ عَنْ عُرْضٍ] صَرْبًا تَوَاصَّتْ بِهِ الْأَبْطَالُ سِجِّيلًا

٥١٥

آينته پژوهش | ٢١٥

سال ٣٥ | شماره ٦

بهمن و اسفند ١٤٥٣

١. في النسخة: «خفيف».

٢. أبو جعفر محمد بن الحسن بن أبي سارة الرُّوَّاسِيُّ الكوفي (ت ١٨٧ هـ)، نحوي وشاعر ولغوي من أهل الكوفة. له من الكتب والتصانيف غير الفيصل: معاني القرآن والتصغير والوقف والابتداء الكبير والوقف والابتداء الصغير.

٣. نقله الأخفش في معاني القرآن، ٢٩٦/١؛ والطبري في جامع البيان، ٢٠٠/٩؛ والزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٣٦٤/٥؛ ولكن بدون نسبة إلى شخص معين.

٤. مجاز القرآن، لأبي عبيدة، ٣١٢/٢.

٥. عجز بيت صدره: «وَرَجَلَةٌ يَضْرِبُونَ الْبَيْضَ عَنْ عُرْضٍ» من قصيدة نونية لتميم بن مقبل، انظر: ديوان ابن مقبل، ص ٢٣٦؛ ورد البيت في جمهرة أشعار العرب، لأبي زيد القرشي، ص ٦٩١؛ والنوادر، لأبي زيد الأنصاري، ص ٢٠٩؛ واستشهد به أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٢٩٦/١؛ ونقله الطبري في جامع البيان، ٥٧٢/١٢؛ والزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٧١/٣؛ فقبل البخاري هذا الاستشهاد في صحيح البخاري، ١٧٢٤/٤-١٧٢٥، ولم يقبله ابن قتيبة في غريب القرآن، ص ٢٠٨.

وَقِيلَ: حِجَارَةٌ مِّنَ الْجَبِيمِ، وَهِيَ سِجِّينٌ، ثُمَّ أُبْدِلَتِ التُّونُ لَأَمَّا، كَمَا قِيلَ فِي أَصِيلَانَ: أَصِيلَانٌ.

وَيُقَالُ: مَا الْعَصْفُ؟ الْجَوَابُ: قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ: وَرَقُ الزَّرْعِ، وَهُوَ عَصِيفَةٌ [٢١١أ] وَذَلِكَ أَنَّ الرِّيحَ تَعْصِفُهُ، أَي: تَذْهَبُ بِهِ يَمِينًا وَشِمَالًا. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (كَعَصْفٍ مَا كُؤِلٍ)؟ الْجَوَابُ: مَا كُؤِلَ الثَّمَرَةُ كَمَا يُقَالُ فَلَانٌ حَسَنٌ، أَي: حَسَنُ الْوَجْهِ، فَأَجْرِي مَا كُؤِلَ عَلَى الْعَصْفِ مِنْ أَجْلِ الثَّمَرَةِ لِأَنَّ الْمَعْنَى مَعْلُومٌ لِلِإِيحَازِ.

وَقِيلَ: أَبَابِيلٌ: يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ^١ وَقِيلَ: أَبَابِيلٌ: كَثِيرَةٌ مُتَتَابِعَةٌ، عَنِ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: كَانَتْ سُودًا بَحْرِيَّةً تَحْمِلُ فِي مَنَاقِيرِهَا وَأَكْفُهَا الْحِجَارَةَ، عَنِ عُبيدِ بْنِ عَمِيرٍ^٢ وَقِيلَ: (فِي تَضْلِيلٍ) عَمَّا قَصَدُوا لَهُ مِنْ تَحْرِيْبِ الْكُعْبَةِ، وَهُمْ خَلَقُوا مِنَ الْحَبَشَةِ، رَئِيسُهُمْ أَبْرَهَةَ. وَقِيلَ: كَانَتْ الْحِجَارَةُ أَكْبَرَ مِنَ الْعَدَسَةِ وَأَصْعَرُ مِنَ الْحُمُصَةِ^٣، عَنِ مُوسَى بْنِ أَبِي عَائِشَةَ^٤ وَقِيلَ: كَانَ مَعَ كُلِّ طَيْرٍ ثَلَاثَةٌ أَحْجَارٍ؛ اثْنَتَانِ فِي رِجْلَيْهِ وَوَاحِدٌ فِي مَنْقَارِهِ. وَقِيلَ: كَانَ سَبَبُ قَصْدِ أَبْرَهَةَ لِتَحْرِيْبِ الْكُعْبَةِ أَنَّهُ بَنَى كَنِيسَةً عَظِيمَةً وَأَرَادَ أَنْ تُحَجَّ بِدَلِ الْكُعْبَةِ.

وَقِيلَ: الْعَصْفُ: التَّيْنُ، عَنِ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: مَا كُؤِلَ قَدْ أَكَلَتْ بَعْضُهُ الْمَوَاشِي وَكَسَرَتْ بَعْضُهُ. وَقِيلَ: كَانَ ذَلِكَ مُعْجِزَةً لِتَبِيِّ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ خَالِدُ بْنُ سِنَانٍ. وَقِيلَ: إِنَّهُ إِزْهَاصٌ لِثُبُوءِ التَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَانَ وُلِدَ عَامَ الْفِيلِ. وَقِيلَ: كَانَ سَبَبُ [٢١١ب] قَصْدِ أَبْرَهَةَ بِنِ الصَّبَاحِ لِتَحْرِيْبِ الْبَيْتِ الْحَرَامِ أَنَّ الْعَرَبَ هَدُمُوا كَنِيسَةً لِلْحَبَشَةِ، وَهُمْ نَصَارَى، عَنِ الْحَسَنِ.

وَقِيلَ: كَانَ الْفِيلُ إِذَا وَجَّهَهُ نَحْوَ مَكَّةَ لَمْ يَسِرْ، وَإِذَا وَجَّهَهُ إِلَى جِهَةٍ غَيْرِهَا سَارَ إِنْذَارًا مِنَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ لَهُمْ وَمَوْعِظَةً. وَقِيلَ: (مَا كُؤِلٍ) وَقَعَ فِيهِ الْأَكَالُ، عَنِ الرَّجَّاحِ^٥ وَقِيلَ: كَانَ الْحَجَرُ يَقَعُ عَلَى رَأْسِ الرَّجُلِ فَيَخْرُجُ مِنْ دُبُرِهِ. وَقِيلَ: (مِنْ سِجِّيلٍ): مِنْ طِينٍ مَطْبُوعٍ كَالْأَجْرِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فَعَلَ رَبُّنَا بِأَصْحَابِ الْفِيلِ مِنَ الْعَذَابِ وَالتَّنْكِيلِ بِالطَّيْرِ الْأَبَابِيلِ الَّتِي (تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ) حَتَّى صَارُوا (كَعَصْفٍ مَا كُؤِلٍ) لِإِعْزَازِ الْبَيْتِ الْحَرَامِ بِمَا فِيهِ إِزْهَاصٌ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، وَإِذْ لَأَلِ لِلْجَبَابِرَةِ الَّذِينَ قَصَدُوهُ لِتَحْرِيْبِ.

١. جامع البيان، للطبري، ٦٢٨/٢٤.

٢. أبو عاصم عبيد بن عمير الليثي (ت ٧٣ هـ): من التابعين، أحد رواة الحديث النبوي، وهو أول من قص القصص لوعظ الناس في الإسلام في خلافة عمر بن الخطاب.

٣. جامع البيان، للطبري، ٦٣٤/٢٤.

٤. موسى بن أبي عائشة الهمداني، أبو الحسن الكوفي الهمداني، أحد رواة الحديث، وأكثر روايته عن التابعين.

٥. معاني القرآن وإعرابه، للزجاج، ٣٦٤/٥.

سُورَةُ لِإِيلَافٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الصَّبِيِّ
الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾

يُقَالُ: مَا الْإِيلَافُ؟ الْجَوَابُ: إِيجَابُ الْأَلْفِ [٢١٢] بِالتَّدْبِيرِ الَّذِي فِيهِ لُطْفٌ: أَلْفٌ يَأْلَفُ الْفَاءَ، وَالْفَاءُ يُؤْلَفُ إِيلَافًا إِذَا جَعَلَهُ يَأْلَفُ، وَانْتَلَفَ الْقَوْمُ انْتِلَافًا، وَتَأَلَّفُوا تَأَلَّفًا، وَأَلْفَهُمْ تَأَلَّفًا، وَالْإِيلَافُ: تَقْيِضُ الْإِيحَاشِ، وَنَظِيرُهُ الْإِيْنَاشُ. وَيُقَالُ: مَا الرِّحْلَةُ؟ الْجَوَابُ: حَالُ السَّيْرِ عَلَى الرَّاحِلَةِ وَهِيَ النَّاقَةُ الْقَوِيَّةُ عَلَى السَّفَرِ، وَمِنْهُ الْحَدِيثُ: «النَّاسُ كَأَبْلِ مَائَةٍ لَا تَجِدُ فِيهَا رَاحِلَةً»^١. وَالرَّحْلُ: مَتَاعُ السَّفَرِ، وَالْإِرْتِحَالُ: احْتِمَالُ الرَّحْلِ لِلسَّيْرِ^٢ فِي السَّفَرِ.

وَيُقَالُ: مَا الشِّتَاءُ؟ الْجَوَابُ: أَوَّلُ شِدَّةِ البُرْدِ، وَخِلَافُهُ الصَّيْفُ، وَهُوَ زَمَانُ شِدَّةِ الْحَرِّ، وَفُصُولُ السَّنَةِ أَرْبَعَةٌ: رَبِيعٌ وَصَيْفٌ وَخَرِيفٌ وَشِتَاءٌ. وَيُقَالُ: مَا الْعَامِلُ فِي (لِإِيلَافٍ)؟ الْجَوَابُ: (فَلْيَعْبُدُوا) كَأَنَّهُ قِيلَ: لِذَلِكَ الْإِنْعَامِ (فَلْيَعْبُدُوا)، وَمِثْلُهُ فِي تَقْدِيمِ الْمُعْمُولِ فِيهِ: (أَفْغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ)^٣ كَأَنَّهُ قِيلَ: أَفَأَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ فِيمَا تَأْمُرُونِي؟ [فَجُمْلَةُ (تَأْمُرُونِي)] اِعْتِرَاضٌ عَلَى هَذَا التَّفْسِيرِ^٤.

وَيُقَالُ: لِمَ عَمِلَ مَا بَعْدَ الْفَاءِ فِيمَا قَبْلَهُ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّهَا زَائِدَةٌ غَيْرَ عَاطِفَةٍ كَقَوْلِكَ زَيْدًا فَاصْرَبْ وَبَرِّدْ فَاْمُرْ،^٥ فَهِيَ عَلَى شِبْهِ الْجَوَابِ الَّذِي يَجُوزُ فِيهِ تَقْدِيمُ الْمُعْمُولِ كَقَوْلِكَ: إِنَّ يَأْتِنِي زَيْدًا أَكْرَمًا،^٦ وَلَوْ كَانَتْ عَظْفًا لَمْ يَجْزِ التَّقْدِيمُ كَمَا لَا يَجُوزُ فِي الْوَاوِ [٢١٢ب] وَلَا تَمَّ. وَقِيلَ: اِعْجَبُوا لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ لِأَنَّهُ حَذَفَ^٧.

وَقِيلَ: الْعَامِلُ: (فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ)^٨ (لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ)، وَهَذَا لَا يَجُوزُ، لِأَنَّهُ مِنْ سُورَةِ أُخْرَى. وَقِيلَ: الْفُ الشَّيْءُ: لُزُومُهُ عَلَى عَادَةٍ فِي سُكُونِ النَّفْسِ إِلَيْهِ. وَقِيلَ: كَانَتْ لَهُمْ رِحْلَتَانِ: رِحْلَةُ الصَّيْفِ إِلَى

٥١٢

آيَةُ بَرُوهَش | ٢١٥

سَال ٣٥ | شِمَارَه ٦

بِهْمَن وَاسْتَفْنَد ١٤٥٣

١. الجامع، لمعمر بن راشد، ٢٤٦/١١؛ صحيح مسلم، ١٩٧٣/٤؛ سنن الترمذي، ٥٥٢/٤.

٢. في التبيان، للطوسي (٤١٣/١٠)، وفي تفسير ابن فورك: «للمسير من السفر».

٣. الزمّ: ٦٤.

٤. في التبيان، للطوسي (٤١٣/١٠): «ومثله في تقديم القول فيه قوله (أفغير الله تأمروني) لأن تأمروني إعتراض على هذا التفسير».

٥. في التبيان، للطوسي (٤١٣/١٠): «كقولك زيدا فاصرب، وتريد فاضربه».

٦. في التبيان، للطوسي (٤١٣/١٠): «كقولك زيدا إن يأتي زيدا أكرمه».

٧. في التبيان، للطوسي (٤١٣/١٠): «وقيل العامل فيه (اعجبوا) لإيلاف قريش إلا أنه حذف لدلالة الكلام عليه».

٨. الفيل: ٥.

٩. في النسخة: «يالف». فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي (٤١٣/١٠) وفي تفسير ابن فورك.

الشَّامِ، وَرَحَلَهُ الشِّتَاءِ إِلَى الْيَمَنِ فِي التَّجَارَةِ، عَنْ ابْنِ زَيْدٍ وَالْكَلْبِيِّ. وَقِيلَ: (أَمَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ): الْعَارَةُ بِالْحَرَمِ الَّذِي جَبَلَ قُلُوبَ الْعَرَبِ عَلَى تَعْظِيمِهِ، عَنْ قَتَادَةَ. وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ) بِمَا أَعْطَاهُمْ مِنَ الْأَمْوَالِ، وَسَبَّبَ لَهُمْ مِنَ الْأَرْزَاقِ. وَقِيلَ: كَانُوا إِذَا قَالُوا فِي سَفَرِهِمْ: نَحْنُ أَهْلُ حَرَمِ اللَّهِ لَمْ يُتَعَرَّضْ لَهُمْ.

وَقَرَأَ ابْنُ عَامِرٍ «لِيَلَّافَ قُرَيْشٍ» بِقَصْرِهَا وَلَا يَجْعَلَ بَعْدَ الْهَمَزَةِ يَاءً، «إِيْلَافِهِمْ» بِيَاءٍ بَعْدَ الْهَمَزَةِ خِلَافَ لَفْظِ الْأَوَّلِ. وَقَرَأَ الْبَاقُونَ (إِيْلَافٍ قُرَيْشٍ إِيْلَافِهِمْ) جَمِيعاً بِهَمَزَةٍ بَعْدَهَا يَاءٌ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتْ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي إِيْلَافٍ قُرَيْشٍ رَحَلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ عَلَى الْإِطْعَامِ مِنْ جُوعٍ وَالْأَمْنِ مِنَ الْخَوْفِ، مِنْ وُجُوبِ إِخْلَاصِ الْعِبَادَةِ لِرَبِّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي جَعَلَهُ (حَرَمًا آمِنًا وَيُنْتَحَظُّ [٢١١٣] النَّاسُ مِنْ خَوْفِهِمْ)،^١ فَعَظَّمَتِ التَّعَمُّةُ عَلَيْهِمْ بِمَا لَيْسَ لِعَٰيَرِهِمْ.

سُورَةُ أَرَأَيْتَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاوِنَ وَيَسْتَمِعُونَ الْمَاعُونَ)

يُقَالُ: مَا مَعْنَى (يَدْعُ الْيَتِيمَ)؟ الْجَوَابُ: يَدْفَعُهُ عُنْفًا بِهِ، وَذَلِكَ لِأَنَّهُ لَا يُؤْمِنُ بِالْجَزَاءِ عَلَيْهِ، وَلَيْسَ لَهُ رَادِعٌ عَنْهُ كَمَا لَمْ يُقَرَّرْ بَأَنَّهُ يُكَافِي عَلَيْهِ؛ دَعَا يَدْعُو دَعَاءً، إِذَا دَفَعَهُ دَفْعًا شَدِيدًا. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى الدِّينِ؟ الْجَوَابُ: الْجَزَاءُ، وَالتَّكْذِيبُ بِالْجَزَاءِ مِنْ أَضْرِّ شَيْءٍ عَلَى صَاحِبِهِ لِأَنَّهُ يُعَدِّمُ بِهِ أَكْثَرَ الدَّوَاعِي إِلَى الْخَيْرِ وَالصَّوَارِفِ عَنِ الشَّرِّ، فَهُوَ يَتَهَالِكُ فِي الْإِسْرَاعِ إِلَى الشَّرِّ الَّذِي يَدْعُو^٢ إِلَيْهِ الطَّبْعُ، لِأَنَّهُ لَا يَخَافُ عَائِدَ الضَّرْرِ.^٣

وَيُقَالُ: مَا حَقِيقَةُ الدَّمِّ بَأَنَّهُ (لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ)؟ الْجَوَابُ: لَا يَحْضُ عَلَيْهِ بُخْلًا بِهِ، وَذَلِكَ لِأَنَّهُ لَوْ كَانَ لَا يَحْضُ عَلَيْهِ عَجْزًا عَنْهُ لَمْ يَدَمَّ بِهِ،^٤ وَكَذَلِكَ لَوْ لَمْ يَحْضُ عَلَيْهِ مِنْ غَيْرِ قَبِيحٍ كَانَ مِنْهُ لَمْ يَدَمَّ بِهِ،^٥ لِأَنَّ الدَّمَ لَا يَجُوزُ إِلَّا بِمَا لَمْ يَكُنْ لَهُ [٢١١٣] ب] أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ، وَهَذَا مَعْنَى الْقُبْحِ فِي

١. العنكبوت: ٦٧.

٢. ذكر الواحدي كلام الرماني في التفسير البسيط، ٣٥٦/٢٤-٣٥٧، بقوله: «وقال أهل المعاني...».

٣. في النسخة: يدعوا.

٤. في التبيان، للطوسي، ٤١٥/١٠ وفي تفسير ابن فورك: «الذي يدعوه إليه طبعه لا يخاف عاقبة الضرر فيه».

٥. ذكر الواحدي كلام الرماني في التفسير البسيط، ٣٥٨/٢٤، بقوله: «وقال أهل المعاني...».

٦. في التبيان، للطوسي، عليه.

العقل. وَيُقَالُ: لِمَ أُطْلِقَ (فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ) مَعَ أَنَّهُ رَأْسُ آيَةٍ يَفْتَضِي تَمَامَ الْجُمْلَةِ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّهُ مُعَرَّفٌ بِمَا يُدُلُّ عَلَيْهِ أَنَّهُ عَلَى جِهَةِ الرِّيَاءِ وَالتَّفَاقِي وَقَدْ جَاءَ التَّبْيِينُ الْمُزِيلُ لِلِإِلْبَاسِ، وَهُوَ فِي حُكْمِ الْمَخْدُوفِ لِلْقَرِينَةِ الَّتِي صَحَبَتِ الْكَلَامَ، مَعَ أَنَّهُ عَلَى تَقْدِيرِ التَّمَامِ. وَيُقَالُ: لِمَ دُمَّ بِالسَّهْوِ فِي الصَّلَاةِ وَلَيْسَ مِنْ فِعْلِهِ؟ الْجَوَابُ: إِنَّمَا الدَّمُّ فِي الْحَقِيقَةِ عَلَى التَّعْرِيفِ لِلْسَّهْوِ بِدُخُولِهِ فِيهَا عَلَى جِهَةِ الرِّيَاءِ، وَقَلْبُهُ مَشْغُولٌ بِغَيْرِهَا لَا يَرَى لَهَا مَنزِلَةً تَفْتَضِي صَرْفَ الْهَمِّ إِلَيْهَا.

وَقِيلَ: (يَدْعُ النَّبِيَّ): يَدْفَعُهُ عَنِ حَقِّهِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ. وَقِيلَ: (الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ) أَيُّ: يُؤَخِّرُونَهَا عَنْ وَقْتِهَا، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَمَشْرُوقٍ. وَقِيلَ: غَافِلُونَ، عَنْ قَتَادَةَ. وَقِيلَ: لَاهُونَ، عَنْ مُجَاهِدٍ. كَأَنَّهُمْ يَسْهُونَ لِلهُوهِمْ عَنْهَا، وَإِنَّمَا تَوَجَّهَ تَأْخِيرُهَا عَنْ وَقْتِهَا لِأَنَّهُ قِيلَ: (عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ) وَلَمْ يُقَلِّ: فِيهَا سَاهُونَ. وَيُقَالُ: مَا الْمَاعُونَ؟ الْجَوَابُ: قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ: كُلُّ مَا فِيهِ مَنَفَعَةٌ. وَقَالَ الْأَعَشَى:

بِأَجُودَ مِنْهُ بِمَاعُونِهِ إِذَا مَا سَمَاؤُهُمْ لَمْ تَعْمُ^٣

[٢١٤أ]

وَقَالَ [عبيدٌ] الرَّاعِي:

قَوْمٌ عَلَى الْإِسْلَامِ لَمَّا يَمْنَعُوا مَاعُونَهُمْ وَيُصَيِّعُوا التَّهْلِيلَ^٤ وَقَالَ أَعْرَابِيٌّ فِي نَاقَةٍ: «إِنَّهَا تُعْطِيكَ الْمَاعُونَ»، أَيُّ: تَنْقَادُ لَكَ. وَأَصْلُهُ الْقِلَّةُ مِنْ قَوْلِهِمُ الْمَعْنُ: الْقَلِيلُ. قَالَ الشَّاعِرُ [التمر بن توالب]:

[وَمَا صَيَّعْتُهُ فَأَلَامَ فِيهِ] فَإِنَّ هَلَكَ مَالِكَ غَيْرَ مَعْنٍ

أَيُّ: غَيْرَ قَلِيلٍ.

فَالْمَاعُونَ: الْقَلِيلُ الْقَيْمَةُ مِمَّا فِيهِ مَنَفَعَةٌ مِنْ آلَةِ النَّبِيِّ نَحْوُ الْفَأْسِ وَالْمَقْدَحَةِ وَالْإِبْرَةِ، وَمِنْهُ مَعْنُ الْوَادِي إِذَا جَرَتْ مِيَاهُهُ قَلِيلًا قَلِيلًا، وَالْمَاءُ الْمَعِينُ: الْجَارِي قَلِيلًا قَلِيلًا، وَأَمْعَنَ فِي الْأَمْرِ إِذَا أَبْعَدَ

١. قال الطوسي في التبيان، ٤١٥/١٠: «لان الدم لا يستحق إلا بما له صفة الوجوب إذ أخل به أو القبيح إذا فعله على وجه مخصوص».

٢. في النسخة: كلما.

٣. ديوان الأعشى الكبير، ص ٣٩؛ واستشهد بالبيت أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٣١٣/٢؛ والطبري في جامع البيان، ٦٦٦/٢٤ والزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ٣٦٨/٥.

٤. ورد البيت في جمهرة أشعار العرب، لأبي زيد القرشي، ص ٧٣٩؛ واستشهد به أبو عبيدة في مجاز القرآن، ٣١٣/٢؛ والطبري في جامع البيان، ٦٦٦/٢٤ والزجاج في معاني القرآن وإعرابه، ١٥/٤ و ٣٦٨/٥؛

فِيهِ قَلِيلًا قَلِيلًا. وَقِيلَ: الْمَاعُونُ: الرِّكَاءُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بِخِلَافٍ عَنْهُ، وَابْنِ عُمَرَ وَالْحَسَنِ وَقَتَادَةَ وَالصَّخَّالِكَ. وَقِيلَ: الْمَاعُونُ: مَا يَتَدَاوَلُهُ النَّاسُ بَيْنَهُمْ مِنْ نَحْوِ الْفَأْسِ وَالْقِدْرِ وَالذَّلْوِ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَإِبْرَاهِيمَ [النَّخَعِيِّ] وَأَبِي مَالِكٍ وَسَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ. وَيَجُوزُ أَرَيْتَ، وَلَا يَجُوزُ رَيْتَ، لِأَنَّ أَلْفَ الْإِسْتِفْهَامِ تَصِيرُ عَوْضًا.^٢ قَالَ الشَّاعِرُ:

يُمُحُّ صَبِيرُهُ الْمَاعُونَ صَبًا^٣

الصَّبِيرُ: السَّحَابُ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي التَّكْذِيبِ بِالْدِّينِ وَالِدَّفْعِ بِالْعُنْفِ لِلتَّبْتِيمِ [٢١٤ب] وَتَرْكِ الْحَضِّ عَلَى إِطْعَامِ الْمُسْكِينِ مِنْ قَبِيحِ الْأَفْعَالِ وَمَسَاوِي الْأَخْلَاقِ الَّتِي تُؤَدِّي إِلَى سَخَطِ الْجَبَّارِ وَذَمِّ الْأَبْرَارِ وَصِفَةِ الْأَشْرَارِ وَصَلِيِّ النَّارِ، وَمَا فِي حَالِ الْمُصَلِّي سَاهِيًا عَنْ صَلَاتِهِ لِلرِّيَاءِ وَالنِّفَاقِ، مَعَ مَنْعِهِ الْمَاعُونَ شُحًا بِالْإِنْتِفَاعِ مِنَ الدَّمِّ بِهَذِهِ الْخِصَالِ، وَمَا يَلْزَمُ مِنَ الْوَيْلِ وَالنَّكَالِ وَالْمَصِيرِ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ.^٤

سُورَةُ الْكُوثَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾

يُقَالُ: مَا الْإِعْطَاءُ؟ الْجَوَابُ: إِخْرَاجُ الشَّيْءِ إِلَى آخِذٍ لَهُ، وَهُوَ عَلَى وَجْهَيْنِ؛ إِعْطَاءُ تَمْلِيكٍ وَغَيْرِ تَمْلِيكٍ، وَإِعْطَاءُ الْكُوثَرِ إِعْطَاءُ تَمْلِيكٍ كَأِعْطَاءِ الْأَجْرِ، وَأَصْلُهُ التَّنَاوُلُ مِنْ عَطَا يَعْطُو إِذَا تَنَاوَلَ. وَيُقَالُ: مَا الْكُوثَرُ؟ الْجَوَابُ: الشَّيْءُ الَّذِي مِنْ شَأْنِهِ الْكَثْرَةُ، وَالْكَوْثَرُ: الْخَيْرُ الْكَثِيرُ، وَهُوَ فَوْعَلٌ مِنَ الْكَثْرَةِ، وَقِيلَ: هُوَ حَوْضُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ الَّذِي يَكْثُرُ النَّاسُ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، عَنْ عَطَاءٍ. وَقِيلَ: الْخَيْرُ الْكَثِيرُ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ حَافَتَاهُ قِيَابُ الدُّرِّ وَالْيَاقُوتِ، [٢١٥أ] عَنْ عَائِشَةَ. وَقِيلَ: الْكُوثَرُ: الْقُرْآنُ، عَنِ الْحَسَنِ. وَقِيلَ: يَجْرِي عَلَى الدُّرِّ وَالْيَاقُوتِ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ.

١. أخرجه ابن أبي شيبة في المصنف ٤٢٠/٢، والطبري في جامع البيان ٦٦٧/٢٤. ونقله الفراء في معاني القرآن، ٢٩٥/٣.

٢. في التبيان، للطوسي، ٤١٤/١٠: يصير غيرها.

٣. قَالَ الْفَرَاءُ: «سَمِعْتُ بَعْضَ الْعَرَبِ يَقُولُ: الْمَاعُونُ: الْمَاءُ، وَأَشْدُّنِي فِيهِ: يُمُحُّ صَبِيرُهُ الْمَاعُونَ صَبًا» انظر: معاني القرآن، ٢٩٥/٣.

٤. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ٢١ب.

٥. في النسخة: يعطوا.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى **(وَإِنْخَر)**؟ الْجَوَابُ: وَإِنْخَرِ الْبُذْنَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَأَنْسِ بْنِ مَالِكٍ وَمُجَاهِدٍ وَعَطَاءٍ وَالْحَسَنِ وَقَتَادَةَ وَابْنَ زَيْدٍ. وَقِيلَ: وَإِنْخَرُ: ضَعَّ الْيَدَ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى حِذَاءَ النَّحْرِ، فِيمَا يُرْوَى عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^١ وَقِيلَ: وَإِنْخَرِ الْبُذْنَ لِرَبِّكَ خِلَافًا لِمَنْ نَحَرَ لِأَوْتَانٍ. وَيُقَالُ: مَا الشَّانِي؟ الْجَوَابُ: الْمُبْغِضُ، سَنَيْتُهُ أَشْنُوهُ سَنَاءً إِذَا أَبْغَضْتَهُ. وَقِيلَ: **(شَانَيْتَكَ)**: عَدُوُّكَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَسَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ. وَقِيلَ: هُوَ الْعَاصُ^٢ بِنُ وَائِلٍ. وَيُقَالُ: مَا **(الْأَبْتَرُ)**؟ الْجَوَابُ: الْمُنْقَطِعُ عَنِ الْخَيْرِ. وَقِيلَ: الَّذِي لَا عَقِبَ لَهُ، عَنِ مُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: هُوَ جَوَابٌ لِقَوْلِ الْعَاصِ بْنِ وَائِلٍ: «مُحَمَّدٌ أَبْتَرٌ لَا عَقِبَ لَهُ».^٣ وَقِيلَ: الْأَقْلُ الْأَذَلُّ بِانْقِطَاعِهِ عَنِ الْخَيْرِ، عَنْ قَتَادَةَ.

وَقِيلَ: **(فَصَلِّ لِرَبِّكَ)** صَلَاةَ الْمَكْتُوبَةِ. وَقِيلَ: **(فَصَلِّ لِرَبِّكَ)** صَلَاةَ الْعِيدِ. **(وَإِنْخَر)** الْبُذْنَ وَالْأَصْحَابِي. وَقِيلَ: **(إِنَّ شَانَيْتَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ)** جَوَابٌ لِقَوْلِ قُرَيْشٍ: إِنَّهُ أَبْتَرٌ لَا وَلَدَ لَهُ ذَكَرَ إِذَا مَاتَ قَامَ مَقَامَهُ فِي مَا يَدْعُوهُ إِلَيْهِ فَانْقَطَعَ أَمْرُهُ، فَقِيلَ **(إِنَّ شَانَيْتَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ)** الَّذِي يَنْقَطِعُ مَا هُوَ [٢١٥ب] عَلَيْهِ مِنْ كُفْرِهِ بِمَوْتِهِ، فَكَانَ الْأَمْرُ كَمَا أُخْبِرَ بِهِ.^٤ وَقِيلَ: الْحِمَارُ الْأَبْتَرُ الْمَقْطُوعُ الذَّنْبِ فَشَبَّهَ بِهِ. وَقِيلَ: **(وَإِنْخَر)**: اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ بِنَحْرِكَ. وَقَالَ الشَّاعِرُ:

أَبَا حَكَمٍ هَلْ أَنْتَ عَمُّ مَجَالِدٍ وَسَيِّدُ أَهْلِ الْأَبْطَحِ الْمُتَنَاجِرِ^٥

أَي: الْمُتَقَابِلِ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَنْ وَعْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِإِعْطَاءِ الْكَوْتَرِ، وَمَا الْكَوْتَرُ حَوْضٌ يَحْتَاجُ النَّاسَ إِلَيْهِ عِنْدَ الظَّمِّ الْأَكْبَرِ، وَيَكْتُمُونَ عَلَيْهِ، فَلَا يَشْرَبُ مِنْهُ إِلَّا مَنْ لَهُ الْمِنَّةُ بِدَلِّكَ عَلَيْهِ، نَالَ هَذَا بَعْلُو مَنْزِلَتِهِ فِي الدُّعَاءِ إِلَى رَبِّهِ، وَمَا فِي أَمْرِهِ بِالصَّلَاةِ الَّتِي يُنَالُ بِهَا مَا وَعَدَ مِنْ إِعْطَاءِ الْكَوْتَرِ بِالْحَقِّ اللَّازِمِ مِنَ الْعَمَلِ، حَتَّى يَصِلَ إِلَيْهِ عَلَى الْوَجْهِ الْأَفْضَلِ وَالْحَالِ الْأَجَلِّ، وَمَا فِي الْأَمْرِ بِالنَّحْرِ لِلْبُذْنِ مِنَ النَّسْكِ لِلَّهِ جَلَّ وَعَزَّ خِلَافًا لِمَنْ كَانَ يَنْحَرُ لِلتُّوتِنِ، مَعَ مَا^٦ فِي ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ بِالْعَدْلِ

١. قال الطوسي في التبيان: «وهذه الرواية غير صحيحة؛ والمروي عن أبي جعفر وأبي عبد الله (عليهما السلام) أن معناه وانحر البذن والاضاحي».

٢. في النسخة: «العاصي».

٣. سيرة ابن هشام، ٣٩٣/١؛ جامع البيان، للطبري، ٦٩٩/٢٤.

٤. في النسخة: يدعوا.

٥. ذكر الواحدي كلام الرماني في التفسير البسيط، ٣٨٥/٢٤، بقوله: «وقال أهل المعاني...».

٦. أنشده الفراء في معاني القرآن (٢٩٦/٣) لبعض بني أسد. وروايته: «ها أنت» مكان «هل أنت». واستشهد بالبيت الأزهرى في تهذيب اللغة (٩/٥) والطبري في جامع البيان (٦٩٦/٢٤).

٧. في النسخة: معما.

عَلَيْهَا وَبَرِّعُمْ بِلَحْمِهَا، وَمَا فِي صِفَةِ شَانِنِهِ بِأَنَّهُ الْأَبْتَرُ الْمُنْقَطِعُ الرَّجَاءِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ بِالْعَذَابِ الْأَكْبَرِ مِنَ الرَّجْرِ عَنِ التَّعَرُّضِ لَهُ بِمَا يُنْكِرُ، وَمَا فِي تَعْظِيمِهِ بِهِذِهِ الْأُمُورِ مِنْ وُجُوبِ اتِّبَاعِهِ وَصَرْفِ الْوُجُوهِ إِلَيْهِ بِمَا لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ، وَأَنَّهُ [٢١٦أ] مُحَقَّقٌ فِي دُعَائِهِ.

وَفِي السُّورَةِ تَشَاكُلُ الْمَقَاطِعِ لِلْفَوَاصِلِ وَسُهُولَةُ مَخَارِجِ الْحُرُوفِ بِحُسْنِ التَّأْلِيفِ وَتَقَابُلِ الْمَعَانِي بِمَا هُوَ أَوْلَى إِذْ (فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ) هُنَا أَحْسَنُ مِنْ «صَلِّ لَنَا» لِأَنَّهُ يَجِبُ أَنْ يُذَكَّرَ فِي الصَّلَاةِ بِصِفَةِ الرُّبُوبِيَّةِ، وَ(أَنْحِرْ) هُنَا أَحْسَنُ مِنْ «اشْكُرْ» لِأَنَّهُ عَلَى بَرِّ يَعْمُ بَعْدَ بَرِّ، وَ(الْأَبْتَرُ) أَحْسَنُ مِنَ «الْأَخْسَرِ» هُنَا لِأَنَّهُ أَدَلُّ عَلَى التَّكَايَةِ فِي النَّفْسِ، فَهَذِهِ الْحُرُوفُ الْقَلِيلَةُ قَدْ جَمَعَتِ الْمَحَاسِنَ الْكَثِيرَةَ وَمَا لَهَا فِي النَّفْسِ مِنَ الْمُنْرَلَةِ أَكْبَرُ بِالْفَحَامَةِ وَالْجَزَالَةِ وَعِظَمِ الْفَائِدَةِ الَّتِي يُعْمَلُ عَلَيْهَا وَيَنْتَهَى إِلَيْهَا.^١

سُورَةُ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ)

يُقَالُ: مَا مَعْنَى (لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ)؟ الْجَوَابُ: (لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ) لِفَسَادِ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ، (وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ) لِلْجَهْلِ بِوُجُوبِ [٢١٦ب] إِخْلَاصِ الْعِبَادَةِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ لِأَنَّ الْعَقْلَ يَقْتَضِي أَنَّهُ لِهَذَا امْتَنَعَ وَامْتَنَعُوا. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى تَكَرُّرِ ذِكْرِ الْعِبَادَةِ؟ الْجَوَابُ: تَصَرُّفُهَا فِي الْفَوَائِدِ الْمُخْتَلِفَةِ وَذَلِكَ لِتَفْيِ عِبَادَةِ الْمُؤْمِنِ لِلْوَتْنِ كَيْفَ تَصَرَّفَتِ الْحَالُ مِنْ مَاضٍ أَوْ حَاضِرٍ أَوْ مُسْتَقْبَلٍ لِقُبْحِهَا، وَتَفْيِ عِبَادَةِ الْكَافِرِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى (لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ)؟ الْجَوَابُ: لَكُمْ جَزَاؤُكُمْ عَلَى عِبَادَتِكُمْ لِلْوَتْنِ، وَلِيَ جَزَائِي عَلَى عِبَادَةِ رَبِّي،^٢ فَانظُرُوا مَا مُقْتَضَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنَ الْأَمْرَيْنِ. وَيُقَالُ: لِمَ امْتَنَعَ عِبَادَةَ الْوَتْنِ؟ الْجَوَابُ: لِمَا أَنَّهُ امْتَنَعَ شُكْرَ الْوَتْنِ وَذَلِكَ أَنَّ الْعِبَادَةَ أَعْلَى مَرَاتِبِ الشُّكْرِ بِأَعْلَى مَرَاتِبِ التَّعَمُّمِ، وَالْوَتْنُ لَا يَصِحُّ أَنْ يُنْعَمَ فَأَمْرُهُ وَاضِحٌ كَمَا قَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا

١. وردت هذه الفقرة بتمامها مع اختلاف يسير عند الحاكم الجشمي في التهذيب في التفسير، ٧٥٦٩/١٠، دون أن يذكر أنها كلاماً للزمانى.

٢. في النسخة: «الفساد»؛ فأثبتنا الصحيح على ما ورد في التبيان، للطوسي (٤٢٠/١٠) وفي تفسير ابن فورك.

٣. ذكر الواحدي نص كلام الرمانى في التفسير البسيط، ٣٩٥/٢٤، بقوله: «وقال أهل المعاني...».

٤. في النسخة: «لما له».

يُبَصِّرُ وَلَا يُعِينِي عَنْكَ شَيْئًا).^١ ويُقال: لِمَ جَازَ خُضُوعُ الْإِنْسَانِ لِوَالِدِهِ وَلَمْ تَجْزُ عِبَادَتُهُ لَهُ؟ الْجَوَابُ: إِنَّ الْعِبَادَةَ أَعْلَى مَرَاتِبِ الْخُضُوعِ وَلَا يَجُوزُ إِلَّا بِأَعْلَى مَرَاتِبِ النِّعَمِ لِأَنَّهُ لَا يَخْسُنُ التَّشْوِيقَ بَيْنَ مَنْ عَظَّمْتَ نِعْمَتَهُ وَمَنْ صَغُرَتْ.

وَقِيلَ: إِنَّ السُّورَةَ جَوَابٌ لِقَوْمٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ دَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [٢١٧أ] إِلَى أَنْ يَعْبُدَ آلِهَتَهُمْ سَنَةً وَيَعْبُدُوا إِلَهَهُ سَنَةً، وَفِيهِمْ نَزَلَ: **(أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ)**^٢، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ. وَقِيلَ: قَالُوا لَهُ: وَتُشْرِكُكَ فِي أَمْرِنَا، فَإِنْ كَانَ الَّذِي فِي أَيْدِينَا خَيْرًا كُنْتَ قَدْ أَخَذْتَ بِحِطِّ مِنْهُ، وَإِنْ كَانَ الَّذِي فِي يَدِكَ خَيْرًا كُنَّا قَدْ أَخَذْنَا بِحِطِّ مِنْهُ. وَقِيلَ: الَّذِي قَالَ ذَلِكَ الْوَلِيدُ بْنُ الْمُغِيرَةِ وَالْعَاصُ^٣ بْنُ وَائِلٍ وَالْأَسْوَدُ بْنُ الْمُظَلِّبِ وَأَمِيَّةُ بْنُ خَلْفٍ. وَقِيلَ: قَالُوا نَتَنَاوَلُ الْعِبَادَةَ لِيُرْوَلَ مَا بَيْنَنَا مِنَ الْبَغْضَاءِ وَالْعِدَاوَةِ.

وَقَرَأَ **«وَلِي دِينٍ»** سَاكِنَةَ الْبِئَاءِ أَبُو عَمْرٍو وَحَمْرَةَ وَالْكَسَائِي، وَقَرَأَ الْبَاقُونَ **(وَلِي دِينٍ)** بِنَفْسِ الْبِئَاءِ بِاخْتِلَافٍ عَنْهُمْ.

مَسَائِلُ مُجَرَّدَةٌ فِي السُّورَةِ لِيَفْعَ فِيمَا بَعْدَ عَنَّا الْإِجَابَةُ وَهِيَ أَرْبَعَةٌ عَشَرَ سُؤَالَ

يُقَالُ: لِمَ وَقَعَ فِيهَا التَّكْرِيرُ؟ وَمَا الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّ الْكَافِرَ فِيهَا عَلَى الْخُضُوعِ؟ وَهَلَّا دَلَّ عَلَى اخْتِلَافِ الْمَعْنَى بِاخْتِلَافِ اللَّفْظِ؟ وَهَلَّا دَلَّ عَلَى ذَلِكَ مِنْ [٢١٧ب] أَصُولٍ مُخْتَلِفَةٍ إِذْ هُوَ أَظْهَرُ لِلْمَعْنَى؟ وَمَا فَايِدَةُ الْكَلَامِ؟ وَمَنْ أَيُّ وَجْهِ تَضَمَّنَ الْإِعْجَازَ؟ وَمَا مَعْنَى **(لَكُمْ دِينُكُمْ وَوَلِي دِينٍ)**، وَمَا الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّ الْأَلْفَ وَاللَّامَ فِي الْكَافِرِينَ لِمَعْنَاهُ؟ وَهَلَّا ذُكِرَتِ الْحُجَّةُ فِي أَنَّ مَا دَعَا إِلَيْهِ لَا يَجُوزُ؟ وَهَلَّا بَيَّنَّ ذِكْرَهُمْ بِصِفَةٍ غَيْرِ مُشْتَرَكَةٍ؟ وَهَلَّا قِيلَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا عَبَدْتُمْ، لِتُقَابِلَ **(وَلَا أَنَا عَابِدُ مَا عَبَدْتُمْ)**؟ وَلَمْ قِيلَ **(لَكُمْ دِينُكُمْ وَوَلِي دِينٍ)** مَعَ مَا يَفْتَضِي مِنَ التَّسْلِيمِ؟ وَلَمْ قِيلَ **(وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ)** وَلَمْ يَقُلْ مَنْ أَعْبُدُ؟ وَكَيْفَ أَنْكَرَ مَا لَا يَجُوزُ فِي الْحِكْمَةِ مِنْ مُنَاقَلَةِ الْعِبَادَةِ بِهَذَا الْإِنْكَارِ اللَّيِّنِ، مَعَ خُرُوجِهِ إِلَى أَفْحَسِ الْقَبِيحِ، فَقَوْلِ بِاللَّيِّنِ التَّكْبِيرِ؟

الْجَوَابُ وَبِاللَّهِ التَّوْفِيقُ: إِنَّهُ لَيْسَ فِي السُّورَةِ تَكْرِيرٌ فِي الْمَعْنَى أَصْلًا وَلَا تَكْرِيرٌ فِي اللَّفْظِ إِلَّا فِي مَوْضِعٍ وَاحِدٍ لَعَلَّهُ سُنْبِيئَتُهَا بَعْدَ بَيَانِ الْمَعْنَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ وَذَلِكَ أَنَّ قَوْمًا مِنَ الْمُشْرِكِينَ سَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُنَاقَلَةَ الْعِبَادَةِ [٢١٨أ] سَنَةً يَعْبُدُونَ مَا يَعْبُدُ وَسَنَةً يَعْبُدُ مَا يَعْبُدُونَ لِتُرْوَلَ

١. مريم: ٤٢.

٢. الزُّمَر: ٦٤.

٣. في النسخة: «والعاصي».

الْعِدَاوَةَ بِوُقُوعِ الْعِبَادَةِ عَلَى هَذِهِ الْجِهَةِ، فَجَاءَ الْكَلَامُ عَلَى طَرِيقِ الْجَوَابِ لِانْكَارِ مَا سَأَلُوا فَقَالَ: ﴿لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾، وَهَذَا نَفْيٌ مِنْهُ لِمَا يَعْبُدُونَ فِي الْإِسْتِقْبَالِ، ثُمَّ قِيلَ ﴿وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ﴾ عَلَى نَفْيِ الْعِبَادَةِ مِنْهُ لِمَا عَبَدُوا فِي الْمَاضِي، وَهَذَا وَاضِحٌ فِي أَنَّهُ لَا تَكَرُّرَ فِي لَفْظِهِ وَلَا مَعْنَاهُ، وَأَنَّهُ تَصْرِيْفٌ لِلْعِبَادَةِ فِيهِ انْكَارٌ لِمَا سَأَلُوا عَلَى التَّفْصِيلِ الَّذِي ذَكَرُوا.

وَأَمَّا ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾ فَعَلَى التَّكَرُّرِ فِي اللَّفْظِ دُونَ الْمَعْنَى مِنْ قِبَلِ أَنَّ التَّقَابِلَ يُوجِبُ أَنَّ مَعْنَاهُ: وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا عَبَدْتُ، إِلَّا أَنَّهُ عَدَلَ بِلَفْظِهِ إِلَى ﴿أَعْبُدُ﴾ لِإِلْشَاعَارِ بِأَنَّ مَا عَبَدْتُ هُوَ مَا أَعْبُدُ، وَاسْتَعْنَى بِمَا يُوجِبُهُ التَّقَابِلُ مِنْ مَعْنَى «عَبَدْتُ» عَنِ الْإِفْصَاحِ بِهِ، وَعَدَلَ عَنِ لَفْظِهِ لِتَضْمِينِ مَعْنَى آخَرَ مَعَهُ، فَكَانَ ذَلِكَ أَكْثَرَ فِي الْفَائِدَةِ وَأَوْلَى بِالْحِكْمَةِ، لِأَنَّهُ دَلَّ عَلَى «عَبَدْتُ» دَلَالَةَ التَّضْمِينِ مِنْ جِهَةِ التَّقَابِلِ، وَعَلَى مَعْنَى «أَعْبُدُ» دَلَالَةَ التَّصْرِيحِ بِاللَّفْظِ.

فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ: فَهَلَّا قِيلَ مَا عَبَدْتُ لِيَتَّقَابَلَ اللَّفْظُ كَمَا تَقَابَلِ الْمَعْنَى؟ قِيلَ لَهُ: هُوَ فِي حُكْمِ تَقَابُلِ اللَّفْظِ مِنْ حَيْثُ هُوَ دَالٌّ عَلَيْهِ إِلَّا أَنَّهُ عَدَلَ عَنِ الْإِفْصَاحِ بِهِ لِإِلْشَاعَارِ بِأَنَّ [٢١٨ب] مَعْبُودَهُ وَاحِدٌ كَيْفَ تَصَرَّفَتْ الْحَالُ، وَكَانَ هَذَا أَبْعَدَ مِنَ الْإِبْهَامِ أَنَّ مَعْبُودَهُ فِيمَا مَضَى غَيْرَ مَعْبُودِهِ فِيمَا يَسْتَقْبَلُ، وَقَدْ يَجُوزُ فِي الْمَاضِي وَالْمُسْتَقْبَلِ أَنْ يَقَعَ أَحَدُهُمَا مَوْقِعَ الْآخَرِ، إِذَا كَانَ فِي الْكَلَامِ دَلِيلٌ عَلَيْهِ نَحْوُ [دَلَالَةٌ] ٣ ﴿وَنَادَى أَصْحَابُ الْمَجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ﴾ عَلَى «يُنَادِي»، وَمِنْهُ: «يَدْعُوهُمْ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى الْحَقِّ فَلَا يَجِيبُونَهُ، وَيَدْعُوهُمْ ابْنُ زَيْدٍ إِلَى الْبَاطِلِ فَيُفْسِرُونَ إِلَيْهِ» ٥.

فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ: فَهَلَّا دَلَّ عَلَى اخْتِلَافِ الْمَعْنَى بِاخْتِلَافِ اللَّفْظِ إِذْ هُوَ الْأَصْلُ فِي حُسْنِ الْبَيَانِ؟ قِيلَ لَهُ: إِنَّ التَّقَابِلَ فِي ذَلِكَ قَدْ صَيَّرَ اللَّفْظَ فِي حُكْمِ الْمُخْتَلَفِ، لِأَنَّهُ مُقَيَّدٌ بِهِ، وَدَلَالَةُ الْمُقَيَّدِ خِلَافٌ دَلَالَةُ الْمُطْلَقِ، نَحْوُ: زَيْدٌ قَائِمٌ بِالتَّوْبَةِ، عَلَى خِلَافِ مَعْنَى زَيْدٌ قَائِمٌ.

فَإِنْ قَالَ: فَهَلَّا دَلَّ عَلَى ذَلِكَ مِنْ أُصُولٍ مُخْتَلِفَةٍ إِذْ هُوَ أَدَلُّ عَلَى اخْتِلَافِ الْمَعْنَى بِصْرِيحِ الْجِهَةِ؟ قِيلَ لَهُ: لِأَنَّهُ لَمَّا أُريدَ نَفْيُ الْعِبَادَةِ عَلَى تَصْرُفِ الْأَحْوَالِ صَرَفَ الْعِبَادَةَ لِتَصْرِيْفِ الْمَعْنَى وَلَمْ تَصْلُحْ فِيهِ أُصُولٌ مُخْتَلِفَةٌ، لِئَلَّا يُوهَمَ التَّنْفِي لِمَعْنَى آخَرَ غَيْرَ تَصْرِيْفِ عِبَادَةِ اللَّهِ ٦ جَلَّ وَعَزَّ عَلَى الْوُجُوهِ

١. في النسخة: «أَنَّ». وكذا في التبيان، للطوسي، ٤٢١/١٠.

٢. في النسخة: «يُقَابِلُ». فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٤٢١/١٠.

٣. زيادة يقتضيها السياق.

٤. الأعراف: ٤٤.

٥. لم نجد هذا القول في المصادر التي وصلت إلينا من قبل الزماني؛ نقله الطوسي في التبيان.

٦. في النسخة: «تصرف عبادة غير الله»؛ فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي (٤٢٢/١٠).

وَالْأَسْبَابِ كُلِّهَا، فَكَانَ تَضْرِيْبُ لَفْظِ الْعِبَادَةِ لِتَضْرِيْبِ مَعْنَاهُ أَحَقُّ وَأَوْلَى مِنْ تَضْرِيْبِ مَعْنَاهَا [٢١٩أ] فِي غَيْرِ لَفْظِهَا، لِمَا فِيهِ مِنَ التَّشَاكُلِ الْمُتَافِي لِلتَّنَافُرِ.

فَإِنْ قَالَ: فَمَا الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّ الْكَافِرِينَ فِيهَا عَلَى الْخُصُوصِ؟ قِيلَ لَهُ: خُرُوجُ الْكَلَامِ عَلَى حَالٍ مَعْلُومَةٍ مِنْ دُخُولِ الْكُفَّارِ مُتَقَاطِرِينَ فِي الْإِسْلَامِ، فَدَلَّ ذَلِكَ أَنَّهُ فِي قَوْمٍ مَخْصُوصِينَ مَعَ تَظَاهُرِ الْأَخْبَارِ بِأَنَّهُ فِي قَوْمٍ مِنَ الْكُفَّارِ بِأَعْيَانِهِمْ دُونَ غَيْرِهِمْ.

فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ: فَمَا الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّ الْأَلْفَ وَاللَّامَ لِمَعْنَاهُ مَعَ أَنَّ الْمُبْتَهَمَ لَا يُوصَفُ إِلَّا بِالْجِنْسِ؟ قِيلَ لَهُ: هُوَ فِي مَخْرَجِ اللَّفْظِ عَلَى الْجِنْسِ مِنْ حَيْثُ هُوَ صِفَةٌ لِـ «أَيٍّ» وَلَكِنْ «أَيًّا» لِلْمَخَاطَبِينَ مِنْ الْكُفَّارِ بِأَعْيَانِهِمْ فَالْإِلَى مَعْنَى الْمَعْنُودِ فِي أَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَى جَمَاعَةٍ بِعَيْنِهَا، نَحْوُ [قَوْلِكَ]: «يَا أَيُّهَا الرِّجَالُ ادْخُلُوا الدَّارَ»، فَلَمْ تَأْمُرْ جَمِيعَ الرِّجَالِ، وَلَكِنْ أَمَرْتَ الَّذِينَ أُشْرَتْ إِلَيْهِمْ بِإِقْبَالِكَ عَلَيْهِمْ. فَإِنْ قَالَ: فَمَا فَايِدَةُ الْكَلَامِ؟ قِيلَ لَهُ: الْإِنْكَارُ لِمَا لَا يَجُوزُ مِنْ مُنَاقَلَةِ الْعِبَادَةِ عَلَى مَا تَوَهَّمَهُ قَوْمٌ مِنَ الْكُفَّارِ لِتَقْوَمِ الْحُجَّةُ بِهِ مِنْ جِهَةِ السَّمْعِ كَمَا قَامَتْ مِنْ جِهَةِ الْعَقْلِ مَعَ الْإِعْجَازِ الَّذِي فِيهِ.

فَإِنْ قَالَ: مِنْ أَيِّ وَجْهِ تَصَمَّنَ الْإِعْجَازَ؟ قِيلَ لَهُ: مِنْ جِهَةِ الْإِحْبَارِ بِمَا يَكُونُ فِي مُسْتَقْبَلِ الْأَزْمَانِ مِمَّا لَا سَبِيلَ إِلَى عِلْمِهِ إِلَّا بِوَحْيٍ مِنَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ إِلَى مَا سَاءَ [٢١٩ب] مِنَ الْعِبَادِ فَوَافَقَ الْمُخْبِرُ بِمَا تَقَدَّمَ بِهِ الْخَبْرُ، وَفِي ذَلِكَ أَكْثَرُ الْفَائِدَةِ وَأَوْضَحُ الدَّلَالَةِ. فَإِنْ قَالَ: فَمَا مَعْنَى «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِي دِينٌ»؟ قِيلَ لَهُ: مَعْنَاهُ: لَكُمْ جَزَاءُ دِينِكُمْ وَلِي جَزَاءُ دِينِي، وَحَسْبُكَ بِجَزَاءِ دِينِهِمْ وَبِالْأَوْعِقَابِ، كَمَا حَسْبُكَ بِجَزَاءِ دِينِكَ إِمْتَاعًا وَتَوَابًا.

فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ: فَلِمَ لَا ذَكَرْتَ الْحُجَّةَ فِي أَنَّ مَا دَعَا إِلَيْهِ لَا يَجُوزُ؟ قِيلَ لَهُ: تَفْصِيحًا لَهَا مِنْ حَيْثُ أُخْرِجَتْ مَخْرَجَ مَقَالَةٍ يَكْفِي الْعِلْمَ بِفَسَادِهَا حِكَايَتُهَا مَعَ الْإِسْتِغْنَاءِ بِمَا فِي الْعُقُولِ مِنَ الدَّلَالَةِ عَلَى بُطْلَانِهَا. فَإِنْ قِيلَ: فَهَلَّا أَنْكَرَ عَلَيْهِمْ مِنْ طَرِيقِ أَنَّ كَلِمًا دَعَا إِلَيْهِ لَا يَجُوزُ لِإِعْجَازِ بِهِ؟ قِيلَ لَهُ: لِأَنَّهُ إِنْكَارٌ مُفْصَّلٌ عَلَى حَدِّ مَا سَأَلُوا، وَلَوْ أَنْكَرَ إِنْكَارًا مُجْمَلًا لَمْ يُبَيِّنْ بِهِ تَفْصِيلٌ مَا سَأَلُوا إِلَّا بِأَنْ يُحْكِيَ عَلَى انْفِرَادٍ، ثُمَّ يُحْمَلُ الْإِنْكَارُ لَهُ فَحِيثُ نَفَهُمْ مِنْهُ مَعْنَى الْمَفْصَلِ.

فَإِنْ قَالَ [قَائِلٌ]: فَهَلَّا بَيَّنَّ ذِكْرَهُمْ بِصِفَةٍ غَيْرِ مُنْكَرَةٍ؟^٣ قِيلَ لَهُ: قَدْ بَيَّنَّ ذَلِكَ بِعِلْمِ التَّعْرِيفِ إِلَّا أَنَّهُ بِصِفَاتِ الدَّمِ الَّتِي فِيهَا مَعْنَى الرَّجْرِ، وَهِيَ دَالَّةٌ عَلَى أَحْوَالِهِمْ فِيمَا دَعَا إِلَيْهِ مِنَ الْبَاطِلِ،

١. في النسخة: «فكفي». فأثبتنا الصحيح على ما ورد في التبيان، للطوسي وفي تفسير ابن فورك.

٢. في التبيان، للطوسي (٤٢٣/١٠): لم يُبَيِّنْ.

٣. في النسخة: «غير مشتركة»؛ فأثبتنا الصحيح على ما ورد في التبيان، للطوسي وفي تفسير ابن فورك.

وَتَقَحَّمُوهُ مِنْ أحوالِ الجاهِلِ. فَإِنْ قَالَ: فَلِمَ قِيلَ **(لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ)** مَعَ مَا يَفْتَضِي مِنَ التَّسْلِيمِ؟ [٢٢٠] قِيلَ لَهُ: مُظَاهَرَةٌ فِي الْإِنْكَارِ، كَمَا قَالَ جَلَّ وَعَزَّ: **(اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ)** لِمَا فِيهِ مِنَ الدَّلِيلِ عَلَى التَّمَكِينِ، وَشِدَّةِ الوَعِيدِ بِالْقَبِيحِ، لِأَنَّهُ إِذَا أُخْرِجَ الْكَلَامُ مَخْرَجَ التَّسْلِيمِ لِلأَمْرِ دَلَّ عَلَى أَنَّ الصَّرْرَ لَا يَلْحَقُ إِلَّا الْمُسْلِمَ إِلَيْهِ، فَكَأَنَّهُ قِيلَ لَهُ: أَهْلِكَ نَفْسَكَ إِنْ كَانَ ذَلِكَ خَيْرًا لَكَ.

فَإِنْ قَالَ [قَائِلٌ]: وَلِمَ قَالَ **(وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ)** وَلِمَ يُقَالُ مَنْ أَعْبُدُ؟ قِيلَ لَهُ: لِأَنَّهُ مُقَابِلٌ لِقَوْلِهِ: **(وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ)**، وَلَا يَصْلُحُ هُنَا إِلَّا «مَا»، دُونَ «مَنْ»، لِأَنَّهُ بِمَعْنَى **(وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ)** مِنَ الْأَصْنَافِ، ثُمَّ حُمِلَ الثَّانِي عَلَيْهِ لِيَتَقَابَلَ لَا يَتَنَافَرُ. ^٣ فَإِنْ قَالَ [قَائِلٌ]: فَلِمَ أَنْكَرَ مَا لَا يَجُوزُ فِي الْحِكْمَةِ مِنْ مُنَاقَلَةِ الْعِبَادَةِ بِاللَّيْنِ التَّكْبِيرِ مَعَ خُرُوجِهِ إِلَى أَفْحَشِ الْقَبِيحِ؟ قِيلَ لَهُ: لَيْسَ بِاللَّيْنِ التَّكْبِيرِ فِي الْمَعْنَى، وَإِنْ خَرَجَ لَفْظُهُ ذَلِكَ الْمَخْرَجَ لِأَنَّهُ إِنَّمَا عُمِلَ تِلْكَ الْمُعَامَلَةَ لِيُجْعَلَ فِي حَيْثُ مَا يَكْفِي فِيهِ أَدْنَى تَنْبِيهِ حَتَّى يَظْهَرَ أَنَّهُ أَقْبَحُ وَهَذَا صَرَبٌ مِنَ الْبَلَاغَةِ عَجِيبٌ يَفْهَمُهُ كُلُّ عَاقِلٍ لَهُ أَدْنَى فِطْنَةٍ وَيَعْلَمُ مَوْقِعَهُ فِي الْحِكْمَةِ.

فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ: فَمَا الدَّلِيلُ عَلَى أَنْ تَأْوِيلَ السُّورَةِ عَلَى مَا ذَكَرْتُمْ دُونَ غَيْرِهِ مِنَ التَّأْوِيلَاتِ؟ قِيلَ لَهُ: الدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ أَنَّ الْكَلَامَ إِذَا احْتَمَلَ وَجْهَيْنِ فَصَاعِدًا فِي اللُّغَةِ، وَأَحَدَ الْوَجْهَيْنِ يَجُوزُ عَلَى اللَّهِ **(٢٢٠ب)** جَلَّ وَعَزَّ، وَالْآخَرَ لَا يَجُوزُ وَجِبَ أَنْ يَكُونَ تَأْوِيلُهُ مَا يَجُوزُ فِي صِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، دُونَ مَا لَا يَجُوزُ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي عِبَادَةِ الْكَافِرِ لِلْوَثْنِ وَعِبَادَةِ الْمُؤْمِنِ لِلَّهِ جَلَّ وَعَزَّ مِنْ سُوءِ جَزَاءِ عِبَادَةِ الْوَثْنِ وَحُسْنِ جَزَاءِ عِبَادَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَمَا فِي نَفْيِ عِبَادَةِ الْمُؤْمِنِ لِلْوَثْنِ مِنْ أَنَّهُ عَلَى إِبْطَالِ الْجَوَازِ وَكَيْفَ تَصَرَّفَتِ الْحَالُ، لِيَكُونَ عَلَى أْتَمِّ الْإِنْكَارِ بِمَا فِيهِ مِنَ الدَّمِّ وَالْخَسَارِ وَالْمَصِيرِ إِلَى الْهَلَاكِ وَالْبَوَارِ، وَمَا فِي ذِكْرِ الْجَزَاءِ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِنَ الرَّذْعِ عَنِ عِبَادَةِ الْوَثْنِ وَالْحَثِّ عَلَى إِخْلَاصِ الْعِبَادَةِ لِلَّهِ جَلَّ وَعَزَّ.

سُورَةُ النَّصْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: **(إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا)**

١. في التبيان، للطوسي (٤٢٣/١٠): وتفتحوا.

٢. فُصِّلَتْ: ٤٠.

٣. كذا في النسخة، وفي تفسير ابن فورك؛ وورد في التبيان، للطوسي (٤٢٣/١٠): «حتى لا يتنافر».

٤. في النسخة: «بألبين التمكنين»؛ فأثبتنا الصحيح على ما ورد في تفسير التبيان وفي تفسير ابن فورك.

٥. في النسخة: «في خبر»؛ والصحيح ما أثبتناه على ما ورد في تفسير التبيان، وفي تفسير ابن فورك.

يُقَالُ: مَا النَّصْرُ؟ الْجَوَابُ: الْمَعُونَةُ عَلَى الْعُدُوِّ لِلظُّهُورِ عَلَيْهِ وَذَلِكَ أَنَّ الْمَعُونَةَ قَدْ تَكُونُ بِالْمَالِ عَلَى نَوَائِبِ الزَّمَانِ، وَقَدْ تَكُونُ عَلَى الْعُدُوِّ وَهِيَ النَّصْرُ دُونَ الْمَعُونَةِ الْأُخْرَى. وَيُقَالُ: مَا الْفَتْحُ؟ [٢٢١أ] الْجَوَابُ: الْفَرْجُ الَّذِي يُمَكِّنُ مَعَهُ الدُّخُولَ فِي الْأَمْرِ بِمَلِكِ الْعُدُوِّ النَّاصِبِ لِلْحَرْبِ، وَقَدْ يَكُونُ الْفَرْجُ بِالْفَرْقِ فَقَطْ، فَلَا يَكُونُ الْفَتْحُ بِذِهَابِ الْعُدُوِّ الَّذِي صَارَ عَلِمًا عَلَى هَذَا الْمَعْنَى.

وَيُقَالُ: مَا الدِّينُ؟ الْجَوَابُ: الدِّينُ: الطَّاعَةُ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا الْجَزَاءُ بِالْحَمْدِ وَالنَّوَابِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَصْلُ الدِّينِ: الْجَزَاءُ، ثُمَّ تَصَرَّفَ عَلَى الطَّاعَةِ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا الْجَزَاءُ كَمَا قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ: **(فِي دِينِ الْمَلِكِ)** أَي: فِي طَاعَتِهِ. وَيُقَالُ: مَا الْفَوْجُ؟ الْجَوَابُ: جَمَاعَةٌ مِنْ جَمَاعَةٍ، فَإِذَا قِيلَ أَفْوَاجٌ فَهُوَ جَمَاعَاتٌ مِنْ جَمَاعَاتٍ، وَهَكَذَا كَانَ النَّاسُ يَدْخُلُونَ فِي الدِّينِ جَمَاعَةً بَعْدَ جَمَاعَةٍ مِنْ جُمْلَةِ الْقَبِيلَةِ حَتَّى يَتَكَامَلَ إِسْلَامُ الْجَمِيعِ.

وَيُقَالُ: مَا وَجْهُ وَجُوبِ الْإِسْتِغْفَارِ بِالنَّصْرِ وَالْفَتْحِ؟ الْجَوَابُ: إِنَّ النِّعْمَةَ بِهِ تَقْتَضِي الْقِيَامَ بِحَقِّ التَّعَمُّةِ الْمُتَنَافِي لِلْمَعْصِيَةِ، فَكَأَنَّهُ قِيلَ قَدْ حَدَثَ أَمْرٌ يَقْتَضِي الْإِسْتِغْفَارَ مِمَّا جَدَّدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكَ فَاسْتَعْفِرْهُ بِالتَّوْبَةِ يَقْبَلُ ذَلِكَ مِنْكَ، وَمَخْرَجُهُ مَخْرَجُ الْخَطَابِ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَهُوَ تَعْلِيمٌ لِجَمِيعِ أُمَّتِهِ.

وَقِيلَ: الْفَتْحُ فَتْحُ مَكَّةَ، عَنِ الْحَسَنِ وَمُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: **(أَفْوَاجاً)**: زُمْراً زُمْراً، [٢٢١ب] عَنْ مُجَاهِدٍ. وَقِيلَ: وَعَدَّ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّصْرَ وَالْفَتْحَ قَبْلَ وَفُوعِ الْأَمْرِ، وَالنَّوَابِ فِي صِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: الْكَثِيرُ الْقَبُولِ لِلتَّوْبَةِ، وَفِي صِفَةِ الْعِبَادِ: الْكَثِيرُ الْفِعْلِ لِلتَّوْبَةِ، وَاللَّدْخُولِ فِي الدِّينِ: الْإِعْتِقَادُ لِصِحَّتِهِ مَعَ اسْتِشْعَارِ الْعَمَلِ بِهِ، وَمَجِيءُ النَّصْرِ: وَفُوعُهُ عَلَى التَّوَفُّعِ لَهُ.

(فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ) أَي: نَزِّهْهُ عَمَّا لَا يَجُوزُ عَلَيْهِ مَعَ شُكْرِكَ إِيَّاهُ. وَقِيلَ: صَلَّى شُكْرًا لَهُ عَلَى مَا جَدَّدَ لَكَ مِنْ نِعْمَتِهِ. وَفِي الْإِسْتِغْفَارِ وَجْهَانِ: أَحَدُهُمَا عِنْدَ ذِكْرِ الْمَعْصِيَةِ بِمَا يُتَنَافَى فِي الْإِضْرَارِ. وَالثَّانِي ذِكْرُ الْإِسْتِغْفَارِ عَلَى جِهَةِ التَّسْبِيحِ وَالْفَاظِ الدِّينِ، وَإِنَّمَا قِيلَ **(إِنَّهُ كَانَ تَوَاباً)** أَي: إِنَّهُ يَقْبَلُ تَوْبَةَ مَنْ بَقِيَ كَمَا قَبِلَ تَوْبَةَ مَنْ مَضَى.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي مَجِيءِ النَّصْرِ مِنَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَالْفَتْحِ حَتَّى يَدْخُلَ النَّاسُ فِي الدِّينِ فَوْجاً بَعْدَ فَوْجٍ مِنْ وَجُوبِ الْحَمْدِ لِلَّهِ جَلَّ وَعَزَّ عَلَى ذَلِكَ بِإِظْهَارِ الْحَقِّ وَإِعْزَازِ الدِّينِ وَوُجُوبِ الْإِسْتِغْفَارِ مِنَ الذُّنُوبِ شُكْرًا عَلَى مَا أَوْلِيَ مِنَ التَّوَفُّعِ لِلْمُحْبُوبِ.^٤

١. في النسخة: «المناصب» والصحيح كما ورد في التبيان، للطوسي (٤٢٥/١٠) وفي تفسير ابن فورك: الناصب.

٢. يوسف: ٧٦.

٣. في البرهان في علوم القرآن، للحوفي: «عزَّ وجلَّ».

٤. وردت هذه الفقرة بكاملها عند أبي الحسن علي بن إبراهيم الحوفي في تفسيره: البرهان في علوم القرآن، الورقة: ٢٣.

سُورَةُ تَبَّتْ

[١٢٢]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ
وَأَمْرَاتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جَيْدِهَا حَنْبَلٌ مِّنْ مَّسَدٍ)

يُقَالُ: مَا التَّبُّ؟ الْجَوَابُ: الْخُسْرَانُ الْمُؤَدِّي إِلَى الْهَلَاكِ؛ تَبَّ يَتَّبُ تَبًّا، وَالتَّبَابُ: الْهَلَاكُ. وَفِي
«تَبَّتْ يَدَاهُ» مَع أَنَّهُ إِخْبَارٌ ذَمٌّ لِأَبِي لَهَبٍ لَعَنَهُ اللَّهُ. وَيُقَالُ: لِمَ قِيلَ تَبَّتْ يَدَاهُ وَلَمْ يَقُلْ تَبَّ، وَهُوَ
الْهَالِكُ فِي الْحَقِيقَةِ؟ الْجَوَابُ: كَمَا قِيلَ فِي «كَسَبَتْ يَدَاهُ»، لِأَنَّ أَكْثَرَ الْعَمَلِ لَمَّا كَانَ فِي الْيَدَيْنِ
أُضِيفَ ذَلِكَ إِلَيْهِمَا عَلَى مَعْنَى الْخُسَارِ الَّذِي أَدَّى إِلَيْهِ الْعَمَلُ بِهِمَا.

وَيُقَالُ: مَا الْإِعْنَاءُ عَنْهُ؟ الْجَوَابُ: الْإِعْنَاءُ عَنْهُ: الدَّفْعُ عَنْهُ، فَأَمَّا الْإِعْنَاءُ بِالْمَالِ وَنَحْوِهِ فَهُوَ دَفْعُ
الْمَصَارِّ بِهِ^١. وَيُقَالُ: مَا الْمَسَدُ؟ الْجَوَابُ: حَنْبَلٌ مِّنْ لَيْفٍ، وَجَمْعُهُ أَمْسَادٌ، وَإِنَّمَا وُصِفَتْ بِهِذِهِ
الْصِّفَةِ تَحْسِيسًا لَهَا وَتَحْقِيرًا. وَيُقَالُ: مَا الْجَيْدُ؟ الْجَوَابُ: الْجَيْدُ: الْعُنُقُ، وَجَمْعُهُ: أَجْيَادٌ.

وَقِيلَ: فِي (تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ) مَعْنَى الدُّعَاءِ عَلَيْهِ نَحْوِ: (فَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ)^٢، وَتَبَّ: حَبْرٌ
مَّخْضٌ، كَأَنَّهُ قِيلَ: وَقَدْ تَبَّ. وَقِيلَ: إِنَّهُ جَوَابٌ لِقَوْلِهِ: «تَبًّا [٢٢٢ب] لِهَذَا مِنْ دِينٍ»^٣. وَقِيلَ: كَأَنَّهُ
تَحْمِيلُ الشُّوْكِ فَتَطْرَحُهُ فِي طَرِيقِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا خَرَجَ إِلَى الصَّلَاةِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ
وَالصَّحَّاحِ وَابْنِ زَيْدٍ؛ وَإِنَّمَا وُصِفَتْ بِحَمَّالَةِ الْحَطَبِ لِأَنَّهَا كَانَتْ تَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ، عَنِ عِكْرَمَةَ
وَمُجَاهِدٍ وَتَنَادَةَ. وَقَالَ ذُو الرُّمَّةِ:

فَعَيْنَاكِ عَيْنَاهَا وَلَوْ نَاكِ لَوْ نَاهَا
وَجَيْدُكِ إِلَّا أَنَّهَا غَيْرُ عَاطِلٍ^٤

وَالْمَسَدُ: حَنْبَلٌ يَكُونُ مِنْ ضُرُوبٍ، عَنِ أَبِي عُبَيْدَةَ، وَقَالَ:

وَمَسَدٍ أَمْرٌ مِنْ أَيْانِقٍ
صُهْبٍ عِتَاقٍ ذَاتِ مَخٍ زَاهِقٍ^٥

١. في التبيان، للطوسي، ٤٢٧/١٠: «دفع وقوع المضار به».

٢. التوبة: ٣٠.

٣. قاله أبو لهب. انظر: جامع البيان، للطبري، ٧١٤/٢٤.

٤. ديوان ذي الرمة بشرح أبي نصر الباهلي، ١٣٤٧/٢؛ ورد في غريب الحديث، لأبي عبيد، ٣٣٤/٤؛ وجامع البيان،

للطبري، ٧٢٢/٢٤ والكامل، للمبرد، ٩٩/٣؛ والخصائص، لابن جني، ٤٦٢/٢.

٥. مجاز القرآن، لأبي عبيدة، ٣١٥/٢؛ تأويل مشكل القرآن، لابن قتيبة، ص ١٠٤؛ جامع البيان، للطبري، ٧٢٦/٢٤؛ معاني

القرآن وإعرابه، للزجاج، ٣٧٦/٥؛ ونسبه الجوهري في الصحاح، ٥٣٩/٢؛ لعمارة بن طارق.

وَقِيلَ: كَانَ أَبُو لَهَبٍ أَرَادَ أَنْ يَرْمِيَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِحَجَرٍ، فَمَنَعَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَقَالَ: تَبَّتْ يَدَاهُ، لِلْمَنْعِ الَّذِي وَقَعَ بِهِ، ثُمَّ قَالَ: (وَتَبَّ) بِالْعِقَابِ الَّذِي يَنْزِلُ بِهِ بَعْدُ. وَفِي السُّورَةِ مُعْجَزَةٌ مِنْ جِهَةِ الْخَبَرِ بِأَنَّهُمَا يَمُوتَانِ جَمِيعًا عَلَى الْكُفْرِ، فَكَانَ الْأَمْرُ كَذَلِكَ. وَقِيلَ: (حَمَّالَةُ الْحَطْبِ) فِي النَّارِ.

وَقَرَأَ عَاصِمٌ (حَمَّالَةَ الْحَطْبِ) نَضْبًا عَلَى الدَّمِّ. وَقَرَأَ الْبَاقُونَ «حَمَّالَةُ الْحَطْبِ» بِالرَّفْعِ. وَقَرَأَ ابْنُ كَثِيرٍ «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ» سَاكِنَةً الْهَاءِ وَقَرَأَ الْبَاقُونَ (هَبَّ) بِالْفَتْحِ.

وَأَصْلُ الْمَسْدِ: الْقَتْلُ، فَمِنْهُ الْمَسْدُ: الْمَحُورُ مِنْ حَدِيدٍ، لِأَنَّهُ يَدُورُ بِالْمَثَلِ [٢٢٢٣] وَالْمَسْدُ: اللَّيْفُ لِأَنَّهُ مِنْ شَأْنِهِ أَنْ يُفْتَلَ لِلْحَبْلِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي كُفْرِ الْإِنْسَانِ بَعْدَ آوَةِ الرَّسُولِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْخُسْرَانِ، تَبَّتْ يَدُهُ مِنْ غَيْرِ إِغْنَاءِ مَالِهِ وَكُسْبِهِ عَنْهُ شَيْئًا مِنْ عَذَابِ رَبِّهِ بِإِصْلَائِهِ نَارًا تَتَلَهَّبُ، وَأَمْرَانُهُ فِي الْعَذَابِ مَعَهُ مَدْمُومَةٌ بِأَنَّهَا (حَمَّالَةُ الْحَطْبِ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ)، لَهَا بِهِ شَرٌّ لَا يَنْقَطِعُ.

سُورَةُ الْإِحْلَاصِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَمَنْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)

يُقَالُ: مَا الْأَحَدُ؟ الْجَوَابُ: وَاحِدٌ، وَالْأَصْلُ وَحَدٌّ إِلَّا أَنَّ الْوَاوَ قَلِبَتْ هَمْزَةً، كَمَا قِيلَ: وَنَاهُ وَأَنَاهُ لِأَنَّ الْوَاوَ مَكْرُوهَةٌ^٢ أَوْلًا فَقَلِبَتْ إِلَى حَرْفٍ مُنَاسِبٍ لَهَا بِأَنَّهُ أَوْلُ الْمَخَارِجِ كَمَا هِيَ كَذَلِكَ؛ وَإِنَّهَا حَرْفٌ عَلَيْهِ قُوَّةُ الْهَمْزَةِ أَوْلًا، وَقَدْ جَاءَ وَحَدٌّ؛ قَالَ النَّابِغَةُ الذَّبْيَانِيُّ:

كَأَنَّ رَحْلِي وَقَدْ زَالَ النَّهَارُ بِنَا
بِذِي الْجَلِيلِ عَلَى مُسْتَأْنَسٍ وَحَدٍ^٣

وَيُقَالُ: مَا حَقِيقَةُ الْوَاحِدِ؟ الْجَوَابُ: شَيْءٌ لَا يَنْقَسِمُ فِي نَفْسِهِ أَوْ مَعْنَى صِفَتِهِ [٢٢٢٣ب] فَإِذَا أُطْلِقَ وَاحِدٌ مِنْ غَيْرِ تَقْدُّمِ مَوْصُوفٍ فَهُوَ وَاحِدٌ فِي نَفْسِهِ، فَإِذَا جَرَى عَلَى مَوْصُوفٍ فَهُوَ وَاحِدٌ فِي مَعْنَى

١. من هنا ابتداء نقل ابن سيده لنص كلمات الرماني في المخصص، ٢٢٦/٥.

٢. في النسخة: «مُتَكْرِهَةٌ»؛ فأثبتنا الصحيح على ما ورد في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك، وفي المخصص لابن سيده، ٢٢٦/٥.

٣. ديوان النابغة الذبباني، ص ١٧؛ ورد في تهذيب اللغة، للأزهري، ٦٠/١٣؛ وغريب القرآن، لابن قتيبة، ص ٣٠٣؛ ومعاني القرآن، للنحاس، ٥١٧/٤؛ واشتقاق أسماء الله، للزجاجي، ص ٩٠.

صِفْتِهِ. فَإِذَا قِيلَ لِلْجُزْءِ الَّذِي لَا يَتَجَزَّأُ وَاحِدٌ فَهُوَ وَاحِدٌ فِي نَفْسِهِ، وَإِذَا قِيلَ هَذَا الرَّجُلُ إِنْسَانٌ وَاحِدٌ فَهُوَ وَاحِدٌ فِي مَعْنَى صِفْتِهِ.

وَيُقَالُ: مِنْ أَيْنَ دَلَّ قَوْلُهُ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ عَلَى بُطْلَانِ مَذْهَبِ الْمُجَسِّمِ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّ الْجِسْمَ لَيْسَ وَاحِدًا إِذْ هُوَ أَجْزَاءٌ كَثِيرَةٌ وَقَدْ دَلَّ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ بِهَذَا الْقَوْلِ عَلَى أَنَّهُ وَاحِدٌ، فَصَحَّ أَنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ. وَيُقَالُ: مَا (الصَّمَدُ)؟ الْجَوَابُ: فِيهِ قَوْلَانِ: الْأَوَّلُ: السَّيِّدُ الْمُعْظَمُ، كَمَا قَالَ الْأَسَدِيُّ:

الْأَبَكَّرُ النَّاعِي بِخَيْرِ بَنِي أَسَدٍ
بِعَمْرٍو بْنِ مَسْعُودٍ وَبِالسَّيِّدِ الصَّمَدِ^١
وَقَالَ الزِّرْقَانُ:^٢

[سِيرُوا جَمِيعًا بِنَصْفِ اللَّيْلِ وَاعْتَمِدُوا]^٣ وَلَا زَهِيَّةَ إِلَّا سَيِّدُ صَمَدٍ^٤

الثَّانِي: الَّذِي يُصَمَدُ إِلَيْهِ فِي الْحَوَائِجِ لَيْسَ فَوْقَهُ أَحَدٌ؛ صَمَدٌ إِلَيْهِ أَصْمَدٌ، إِذَا قَصَدَتْ إِلَيْهِ إِلَّا أَنَّ فِي الصِّفَةِ مَعْنَى التَّعْظِيمِ كَيْفَ تَصَرَّفَتْ الْحَالُ.^٥

وَيُقَالُ: لِمَ قَدِمَ الظَّرْفُ الْمُلْعَى، وَتَأَخَّرَ الْمُلْعَى أَحْسَنُ فِي أَصْلِ الْكَلَامِ؟ الْجَوَابُ: لِأَنَّهُ اتَّصَلَ بِذِكْرِ الْأَعْرَفِ [٢٢٤أ] الْأَنْبِيَاءِ كَمَا تَتَقَدَّمُ الظَّرْفُ الَّذِي هُوَ خَيْرٌ، وَمَوْضِعُهُ التَّأَخِيرُ لِهَذِهِ الْعِلَّةِ فِي قَوْلِهِمْ: لَزِيدٍ مَالٌ وَلَهُ عَبْدٌ.

وَقِيلَ: (هُوَ) عِمَادٌ؛ وَقَوْلُنَا: (اللَّهُ أَحَدٌ) ابْتِدَاءً وَخَبَرٌ فِي قَوْلِ الْكَسَائِيِّ؛ وَأَنْكَرَ الْفَرَّاءُ أَنْ يَكُونَ الْعِمَادُ مُسْتَأْنَفًا وَقَالَ: هُوَ كِنَايَةٌ عَنِ اسْمِ الرَّبِّ جَلَّ وَعَزَّ، لِأَنَّهُمْ لَمَّا قَالُوا مَا رَبُّكَ؟ قَالَ: (هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ).^٦ وَقِيلَ: (الصَّمَدُ): السَّيِّدُ الْمُعْظَمُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، وَشَقِيقِي، وَأَبِي، وَأَبِي وَإِنِّ. وَالْكَفُّ وَالْكَفَاءُ وَالْكَفْيَةُ وَاحِدٌ، وَهُوَ الْمَثَلُ وَالنَّظِيرُ. قَالَ النَّابِغَةُ [الذبياني]:

١. ورد في معاني القرآن، للفراء، ٢٦٨/٣؛ مجاز القرآن، لأبي عبيدة، ٣١٦/٢؛ وفي سيرة ابن هشام، ٥٧٢/١؛ وأنشده الجاحظ لامرأة من بني أسد في البيان والتبيين، ١٦١/١.

٢. الزِّرْقَانُ بْنُ بَدْرِ بْنِ امْرِئِ الْقَيْسِ بْنِ نَهْدَلَةَ بْنِ عَوْفِ بْنِ كَعْبِ بْنِ سَعْدِ بْنِ زَيْدِ مَنَاةَ بْنِ تَمِيمٍ، وَكَانَ اسْمُ الزِّرْقَانِ حُصَيْنًا، وَكَانَ شَاعِرًا جَمِيلًا، وَكَانَ يُقَالُ لَهُ: قَمَرٌ نَجْدٍ. انظر: الطبقات الكبرى، لابن سعد، متمم الصحابة، الطبقة الرابعة، ٥٣١/٢.

٣. عجز بيت صدره: «سِيرُوا جَمِيعًا بِنَصْفِ اللَّيْلِ وَاعْتَمِدُوا»؛ ورد في مجاز القرآن، لأبي عبيدة، ٣١٦/٢؛ وفي جامع البيان، للطبري، ٧٣٧/٢٤؛ والزاهر في معاني كلمات الناس، لابن الأنباري، ٨٣/١.

٤. إلى هنا نقل ابن سيده نص كلمات الروماني في المخصص، ٢٢٦/٥.

٥. في النسخة: «بِالذِّكْرِ»؛ فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٤٣١/١٠.

٦. في النسخة: «الابنه»؛ فأثبتناه على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٤٣١/١٠.

٧. وردت هذه الفقرة بتمامها عند الحاكم الجشمي في التهذيب في التفسير، ٧٥٩٢/١٠، دون أن يذكر أنها كلاماً للروماني.

لَا تَقْدِفَنِي بِرُكْنٍ لَا كِفَاءَ لَهُ وَلَوْ تَأْتَفَكَ الْأَعْدَاءُ بِالرِّفْدِ^١

وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ الصَّمَدَ بِمَعْنَى الْمُصَمَّتِ^٢ فَقَدْ جَهَلَ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ، لِأَنَّ الْمُصَمَّتَ هُوَ الْمُتَصَاعِطُ
الْأَجْزَاءِ، وَهَذَا تَشْبِيهُهُ وَكُفْرٌ بِاللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ.^٣

وَقَرَأَ أَبُو عَمْرٍو: «أَحَدُ اللَّهِ الصَّمَدُ» بِغَيْرِ تَنْوِينٍ فِي الْوَصْلِ فِيمَا رَوَاهُ هَازُونَ عَنْهُ. وَقَرَأَ بِالتَّنْوِينِ فِي
الْوَصْلِ فِيمَا رَوَاهُ نَصْرٌ عَنْ أَبِيهِ وَأَحْمَدُ بْنُ مُوسَى^٤ عَنْهُ. وَقَرَأَ الْبَاقُونَ «أَحَدُ اللَّهِ» بِالتَّنْوِينِ. وَوَجْهُ تَرْكِ
التَّنْوِينِ أَنَّهُ يَنْوِي بِهِ الْوَفْقَ لِأَنَّهُ رَأْسُ آيَةٍ مَعَ أَنَّهُ قَدْ يُخَدَفُ التَّنْوِينُ لِاتِّقَاءِ السَّاكِنِينَ، وَالْوَجْهُ
تَحْرِيكُهُ. قَالَ الشَّاعِرُ [أَبُو الْأَسْوَدِ الدُّؤَلِي]: [٢٢٤ب]

فَأَلْفَيْتُهُ غَيْرَ مُسْتَعْتَبٍ وَلَا ذَاكَرَ اللَّهِ إِلَّا قَلِيلًا^٥

وَقَرَأَ «كُفُؤًا» بِسُكُونِ الْفَاءِ مَهْمُوزَةً حَمَزَةً وَنَافِعٌ بِاخْتِلَافٍ عَنْ نَافِعٍ. وَقَرَأَ الْبَاقُونَ «كُفُؤًا» بِضَمِّ الْفَاءِ
مَهْمُوزًا. وَقَرَأَ حَفْصٌ عَنْ عَاصِمٍ «كُفُؤًا» مُثَقَّلٌ بِغَيْرِ هَمْزٍ، وَلَا يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ «أَحَدٌ» هَذِهِ هِيَ الَّتِي تَقَعُ
فِي التَّنْفِي، لِأَنَّهَا لِأَعْمُ الْعَامِ عَلَى الْجُمْلَةِ وَالتَّفْصِيلِ، وَلَا يَصْلُحُ ذَلِكَ فِي الْإِيجَابِ كَقَوْلِكَ: مَا
فِي الدَّارِ أَحَدٌ، أَي: مَا فِيهَا وَاحِدٌ فَقَطْ وَلَا أَكْثَرُ، وَيَسْتَحِيلُ هَذَا فِي الْإِيجَابِ، وَلَا شَيْءَ إِلَّا لَهُ مِثْلٌ
إِلَّا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.

وَقَدْ تَضَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي إِخْلَاصِ الْوَحْدَانِيَّةِ مِنْ وُجُوبِ الْعِبَادَةِ لِلَّهِ جَلَّ وَعَزَّ دُونَ غَيْرِهِ،
إِذْ هُوَ وَحْدَهُ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَحُوقُّ بِهِ الْعِبَادَةَ، وَمَا فِي الصَّمَدِ مِنْ صَرْفِ الْحَاجَاتِ إِلَيْهِ، وَالْأَمَلِ
بِسُؤَالِ التَّفْضِيلِ، لِأَنَّهُ السَّيِّدُ الْمُعْظَمُ، وَمَا فِي أَنَّهُ «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» مِنْ وُجُوبِ نَفْيِ التَّشْبِيهِ بِأَنَّهُ لَوْ
جَازَ ذَلِكَ عَلَيْهِ لَجَازَ الْمِثْلُ وَالتَّنْظِيرُ، كَمَا يَجُوزُ عَلَى الْوَالِدِ وَالْمَوْلُودِ، وَمَا فِي أَنَّهُ لَا كُفُؤَ لَهُ مِنْ أَنَّهُ لَا
غِنَى بِأَحَدٍ عَنْهُ.

١. ديوان النابغة الذبياني، ص ٢٦؛ ورد البيت في تهذيب اللغة، للأزهري، ١٥/١٠٨؛ جمهرة اللغة، لابن دريد، ٢/١٠٣٦؛

واستشهد بالبيت الطبري في جامع البيان، ٢٤/٧٤٠؛ وأبو جعفر النحاس في إعراب القرآن، ١٩٦/٥.

٢. قول مجاهد، رواه الطبري في جامع البيان، ٢٤/٧٣٧.

٣. ذكر الواحدي كلام الرماني في التفسير البسيط، ٢٤/٤٤٠، بقوله: «ولكن الصمد بهذا المعنى لا يجوز في صفة الله تعالى، لأن المصمت هو المتصاعط الأجزاء، وهذا تشبيهه وكفر بالله».

٤. أي: أبو بكر أحمد بن موسى بن عباس، المعروف بابن مجاهد (٢٤٥-٣٢٤ هـ).

٥. ديوان أبي الأسود الدؤلي، ص ٥٤؛ المقتضب، للمبرد، ٢/٣١٣؛ واستشهد بالبيت الفراء في معاني القرآن، ٢/٢٠٢؛ وأبو

عبيدة في مجاز القرآن، ١/٣٠٧؛ والطبري في جامع البيان، ٣/٤٣.

سُورَةُ الْفَلَقِ

[٢٢٥]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَوْلُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾

يُقَالُ: مَا الْفَلَقُ؟ الْجَوَابُ: الْفَلَقُ: الصُّبْحُ، وَأَصْلُهُ الْفَرْقُ الْوَاسِعُ مِنْ قَوْلِهِمْ: فَلَقَ رَأْسَهُ بِالسَّيْفِ يَفْلُقُهُ فَلَقًا إِذَا فَرَقَهُ فَرَقًا وَاسِعًا عَظِيمًا. وَيُقَالُ: أَبَيَّنُ مِنْ فَلَقِ الصُّبْحِ وَفَرِقِ الصُّبْحِ، وَذَلِكَ لِأَنَّ عَمُودَهُ يَنْفَلِقُ بِالضِّيَاءِ عَنِ الظَّلَامِ؛ وَيُقَالُ: لَهُ فَجْرٌ لِأَنَّهُ يَفْجَرُهُ بِذَهَابِ ظِلَامِهِ. وَقِيلَ: الْفَلَقُ: الْخَلْقُ، لِأَنَّهُ مَفْطُورٌ، وَمِنْهُ ﴿فَالِقُ الْإِصْبَاحِ﴾^١ و﴿فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى﴾^٢، وَقِيلَ لِلدَّاهِيَةِ: فَلَقَةٌ، لِأَنَّهَا تَفْلُقُ الظَّهْرَ.

وَيُقَالُ: مَا الْغَاسِقُ؟ الْجَوَابُ: الْغَاسِقُ: الْهَاجِمُ بِضَرِّهِ وَهُوَ هُنَا اللَّيْلُ، لِأَنَّهُ يُخْرِجُ السَّبَاعَ مِنْ آجَامِهَا وَالْهَوَامَّ مِنْ مَكَامِنِهَا، وَأَصْلُهُ الْجَرْيَانُ بِالضَّرِّ، مِنْ قَوْلِهِمْ: غَسَقَتِ الْقَرْحَةُ إِذَا جَرَى صَدِيدُهَا؛ وَالغَسَاقُ: صَدِيدُ أَهْلِ النَّارِ لِسَبْلَانِهِ بِالْعَدَابِ؛ وَغَسَقَتْ عَيْنُهُ^٣ غَسَقًا إِذَا جَرَى دَمْعُهَا بِالضَّرِّ الْبَاعِثِ لَهُ؛ وَالْبَارِدُ الشَّدِيدُ الْبَرْدُ: غَاسِقٌ [٢٢٥ب] لِجَرْيَانِهِ بِالضَّرِّ فِي الْحَلْقِ؛ وَاللَّيْلُ غَاسِقٌ لِجَرْيَانِهِ بِالضَّرِّ فِي إِخْرَاجِ السَّبَاعِ وَالْهَوَامِّ. وَيُقَالُ: مَا مَعْنَى ﴿وَقَبَ﴾؟ الْجَوَابُ: مَعْنَى وَقَبَ: دَخَلَ؛ يُقَالُ: وَقَبَ يَتَقَبُّ وَقُوبًا إِذَا دَخَلَ، وَمِنْهُ الْوَقْبَةُ: الثُّقْرَةُ، لِأَنَّهُ يَدْخُلُ فِيهَا.

وَيُقَالُ: مَا ﴿النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ﴾؟ الْجَوَابُ: السَّحْرَةُ الَّتِي كَلَّمَا عَقَدُوا عَقْدًا نَفَثُوا فِيهِ، وَهُوَ شَيْبَةٌ بِالْفَتْحِ، فَأَمَّا الثُّفْلُ فَتَنْفُخُ بَرِيْقِي، فَهَذَا الْفَرْقُ بَيْنَ الثُّفْلِ وَالثُّفْلِ. قَالَ الْفَرَزْدَقُ:

هُمَا نَفَثَا فِي فِيٍّ مِنْ فَمَوِيَّهِمَا
عَلَى النَّابِجِ الْعَاوِي أَشَدَّ رِجَامٍ^٤

١. وردت مباحث اللغة بتمامها عند الحاكم الجشمي في التهذيب في التفسير، ٧٦٠٠/١٠، دون أن يذكر أنها كلاماً للزمامي.

٢. معاني القرآن، للفراء، ٣٠١/٣؛ تهذيب اللغة، للأزهري، ١٣٢/٩.

٣. الأنعام: ٩٦.

٤. الأنعام: ٩٥.

٥. في تفسير ابن فورك: «غسقت الجرحة».

٦. في النسخة: عنه.

٧. كلمة «في» ساقطة من النسخة؛ فأثبتناها على ما ورد في التبيان، للطوسي، ٤٣٣/١٠، وفي تفسير ابن فورك.

٨. ديوان الفرزدق، ص ٥٤١؛ ورد البيت في الكتاب، لسببويه، ٦٢٢/٣؛ ومعاني القرآن، للأخفش، ٢٤٩/١؛ والمقتضب،

للمبرد، ١٥٨/٣؛ وجمهرة اللغة، لابن دريد، ١٣٠٧/٣.

وَيُقَالُ: مَا (شَرَّ النَّفَّاتِ)؟ الْجَوَابُ: فِيهِ قَوْلَانِ: الْأَوَّلُ: إِيهَامُهُمْ أَنَّهُمْ يَمْرُضُونَ وَيُعَافُونَ وَنَحْوَ ذَلِكَ مِمَّا يُخْتَلُ رَأْيَ الْإِنْسَانِ مِنْ غَيْرِ حَقِيقَةٍ لِمَا يَدَّعُونَ مَعَ الْحِيلَةِ بِالْأَطْعِمَةِ الصَّارَةِ وَالْأُمُورِ الْمُفْسِدَةِ. الثَّانِي: إِنَّهُ بَصْرِيٌّ مِنْ خِدْمَةِ الْجَنِّ يَمْتَحِنُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِتَخْيِيلِهِمْ فِيهِ بَعْضَ النَّاسِ دُونَ بَعْضٍ وَالْحَسَدُ: تَمَيُّي زَوَالِ النِّعْمَةِ عَنْ صَاحِبِهَا لِمَا يَدْخُلُ النَّفْسَ مِنَ الْمَشَقَّةِ بِهَا.

وَفِي السُّورَةِ تَعْلِيمٌ مَا يُسْتَدْفَعُ بِهِ الشُّرُورَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَلَى تِلَاوَةِ ذَلِكَ بِالِاخْتِصَارِ فِيهِ وَالِاتِّبَاعِ لِأَمْرِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ فِيهِ. وَقِيلَ: الْفَلَقُ: الصُّبْحُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنُ [٢٢٦] وَسَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ وَمُجَاهِدٍ وَقَتَادَةَ وَابْنَ زَيْدٍ. وَقِيلَ: الْفَلَقُ: الْخَلْقُ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ بِخِلَافٍ؛ وَقِيلَ: بَيِّنٌ فِي جَهَنَّمَ إِذَا فُتِحَ صَاحِجُ أَهْلِ النَّارِ مِنْ شِدَّةِ حَرِّهِ، عَنِ كَعْبٍ. وَقِيلَ: (عَاسِقٌ إِذَا وَقَبَ): اللَّيْلُ إِذَا دَخَلَ بِظُلَامِهِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنِ وَمُجَاهِدٍ. وَقِيلَ الْعَاسِقُ: كُلُّ هَاجِمٍ بَصْرًا كَانَتْ أَمَّا كَانَ. وَالتَّفَافَاتُ: السَّحَرَةُ، عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ. وَلَا يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُحْرًا، لِأَنَّ مَنْ وُصِفَ بِأَنَّهُ مَسْحُورٌ خُتِلَ عَقْلُهُ، وَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ فِي قَوْلِهِ: (وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا)^٣. وَلَكِنْ قَدْ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ بَعْضُ الْيَهُودِ اجْتَهَدَ فِي ذَلِكَ فَلَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ.

وَقَدْ تَصَمَّنَتِ الْآيَاتُ الْبَيِّنَاتُ عَمَّا فِي الْإِسْتِعَادَةِ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ عَلَى الْجُمْلَةِ وَالتَّفْصِيلِ فِي كُلِّ مَا دَبَّ وَدَرَجَ مِمَّا لَهُ شَرٌّ يُحْدَرُ مِنْ سُمُومٍ أَوْ حَيْلٍ تَعُودُ بِصُرِّهِ مِنَ التَّوْقِيَةِ لِشَرِّهَا وَالْإِعَادَةَ مِنْ كَيْدِهَا بِاللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي مُوَافَقَةِ الْمُرَادِ فِيهَا مَعَ الْإِيمَانِ بِالْحِكْمَةِ فِي خَلْقِهَا لِوُجُودِ الْمَصَالِحِ بِهَا.

٥٢٨

آيَةُ بَرُوهش | ٢١٥
سال ٣٥ | شماره ٦
بهن و اسفند ١٤٥٣

سُورَةُ النَّاسِ

[٢٢٦ ب].

هنا سقط في النسخة قرابة ورقة أو ورقتين

الْخَفِيِّ الَّذِي يَصِلُ مَفْهُومُهُ إِلَى قَلْبِهِ مِنْ غَيْرِ سَمَاعِ صَوْتِهِ كَانَسَانٍ يَتَكَلَّمُ بِكَلَامٍ يَصِلُ مَفْهُومُهُ إِلَى الْقَلْبِ مِنْ غَيْرِ سَمَاعِ الصَّوْتِ، وَهَذِهِ حَالٌ مَعْقُولَةٌ يَقَعُ عَلَيْهَا الْوَسْوَسَةُ؛ وَقِيلَ (مَلِكِ النَّاسِ) فَهُوَ جَلَّ وَعَزَّ مَلِكُ جَمِيعِ الْخَلْقِ لِبَيَانِ أَنَّ مُدَبِّرَ جَمِيعِ النَّاسِ قَادِرٌ أَنْ يُعِيدَهُمْ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَادُوا

١. في النسخة: «يخبل»؛ فأثبتنا الصحيح على ما ورد في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك

٢. في النسخة: «جذمة الجن»؛ فأثبتنا الصحيح على ما ورد في التبيان، للطوسي، وفي تفسير ابن فورك.

٣. الفرقان: ٨.

٤. في النسخة: «البيان». فأثبتناه على ما ورد في تفسير ابن فورك.

مِنْهُ مَعَ أَنَّهُ أَحَقُّ بِالتَّعْظِيمِ مِنْ مُلُوكِ النَّاسِ. وَقِيلَ: إِذَا ذُكِرَ الْعَبْدُ رَبَّهُ حَنَّسَ [الشَّيْطَانُ] فَإِذَا عَقَلَ
وَشَوَسَ، عَنِ مُجَاهِدٍ؛ وَقِيلَ أَمَرَ بِالتَّغْوِيدِ مِنْ شَرِّ الْإِنْسِ وَالْحِجْرِ.

وَقَدْ نَصَمَتِ الْآيَاتُ الْبَيَانَ عَمَّا فِي الْإِسْتِعَاذَةِ بِرَبِّ النَّاسِ مِنْ كُلِّ مَا يُوشِكُ فِي صُدُورِ النَّاسِ
بِمَا يُزَيِّنُ الْبَاطِلَ وَيَدْعُو إِلَى حَالِ الْجَاهِلِ مِنْ تَوْقِيَةِ شَرِّ الْإِعْوَاءِ بِالْخِدَاعِ وَالْإِعْتِرَاءِ وَالشُّبُهَةِ الدَّاعِيَةِ
إِلَى الْفَسَادِ الْمُؤَدِّيِ إِلَى الْهَلَاكِ عَلَى مَا فِي الْإِعْوَاءِ مِنْ كَثْرِ الشَّانِ فِي الْإِفْتِنَانِ.

كَمُلَ الْكِتَابُ الْجَامِعُ لِعُلُومِ الْقُرْآنِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ عَلَى
عَوْنِهِ وَإِحْسَانِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا دَائِمًا ...